

کتاب ارمیا نبی ﷺ



بشارتها و اندزهای پیامبر عظیم الشأن ارمیا، از وقایع و رخدادهای آخرالزمان

سید احمدالحسن ﷺ : «وسيشكوكم اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرتُ فيها، كل هذا وتخذلونني»؛ (اشعيا و ارميا و دانيال و عيسى و يوحناى بربرى از شما شكایت خواهند کرد، زیرا كه آنها امر مرا از سالهاى طولانى پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجيل و قرآن كه در آن ذكر شده‌ام شما را شكایت خواهند کرد؛ با وجود اين همه دلائل باز مرا إنكار مى كنيد و مرا يارى نمى دهيد؟!).

ترجمه: هزاره نو

گردآوری و تنظیم: صادق شکاری

رجب ۱۴۴۱ ه.ق



جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

فهرست

٦	اهداء :
٧	معرفی کتاب
١٠	سفر إرميا : الأصْحاحُ الأوَّلُ * ١:١-١٩
١١	سفر إرميا : الأصْحاحُ الثَّانِي * ٢:١-٣٧
١٥	سفر إرميا : الأصْحاحُ الثَّالِثُ * ٣:١-٢٥
١٧	سفر إرميا : الأصْحاحُ الرَّابِعُ * ٤:١-٣١
٢٠	سفر إرميا : الأصْحاحُ الْخَامِسُ * ٥:١-٣١
٢٣	سفر إرميا : الأصْحاحُ السَّادِسُ * ٦:١-٣٠
٢٦	سفر إرميا : الأصْحاحُ السَّابِعُ * ٧:١-٣٤
٢٩	سفر إرميا : الأصْحاحُ الثَّامِنُ * ٨:١-٢٢
٣٢	سفر إرميا : الأصْحاحُ التَّاسِعُ * ٩:١-٢٦
٣٤	سفر إرميا : الأصْحاحُ الْعَاشِرُ * ١٠:١-٢٥
٣٧	سفر إرميا : الأصْحاحُ الْحَادِي عَشَرَ * ١١:١-٢٣
٣٩	سفر إرميا : الأصْحاحُ الثَّانِي عَشَرَ * ١٢:١-١٧
٤١	سفر إرميا : الأصْحاحُ الثَّالِثُ عَشَرَ * ١٣:١-٢٧
٤٣	سفر إرميا : الأصْحاحُ الرَّابِعُ عَشَرَ * ١٤:١-٢٢
٤٥	سفر إرميا : الأصْحاحُ الْخَامِسُ عَشَرَ * ١٥:١-٢١
٤٨	سفر إرميا : الأصْحاحُ السَّادِسُ عَشَرَ * ١٦:١-٢١
٥٠	سفر إرميا : الأصْحاحُ السَّابِعُ عَشَرَ * ١٧:١-٢٧
٥٣	سفر إرميا : الأصْحاحُ الثَّامِنُ عَشَرَ * ١٨:١-٢٣
٥٥	سفر إرميا : الأصْحاحُ التَّاسِعُ عَشَرَ * ١٩:١-١٥

٥٧	سفر إرميا : الأصحاحُ العِشْرُونَ * ١٨-١:٢٠
٥٩	سفر إرميا : الأصحاحُ الحَادِي وَالْعِشْرُونَ * ١٤-١:٢١
٦٠	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ٣٠-١:٢٢
٦٣	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالْعِشْرُونَ * ٤٠-١:٢٣
٦٧	سفر إرميا : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ١٠-١:٢٤
٦٨	سفر إرميا : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ * ٣٨-١:٢٥
٧٢	سفر إرميا : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ * ٢٤-١:٢٦
٧٤	سفر إرميا : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ٢٢-١:٢٧
٧٧	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ * ١٧-١:٢٨
٧٩	سفر إرميا : الأصحاحُ التَّاسِعُ وَالْعِشْرُونَ * ٣٢-١:٢٩
٨٢	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّلَاثُونَ * ٢٤-١:٣٠
٨٤	سفر إرميا : الأصحاحُ الحَادِي وَالثَّلَاثُونَ * ٤٠-١:٣١
٨٨	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُونَ * ٤٤-١:٣٢
٩٣	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالثَّلَاثُونَ * ٢٦-١:٣٣
٩٦	سفر إرميا : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ٢٢-١:٣٤
٩٨	سفر إرميا : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ١٩-١:٣٥
١٠٠	سفر إرميا : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ٣٢-١:٣٦
١٠٤	سفر إرميا : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ٢١-١:٣٧
١٠٦	سفر إرميا : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالثَّلَاثُونَ * ٢٨-١:٣٨
١٠٩	سفر إرميا : الأصحاحُ التَّاسِعُ وَالثَّلَاثُونَ * ١٨-١:٣٩
١١١	سفر إرميا : الأصحاحُ الْأَرْبَعُونَ * ١٦-١:٤٠
١١٣	سفر إرميا : الأصحاحُ الحَادِي وَالْأَرْبَعُونَ * ١٨-١:٤١

- سفر إرميا: الأصْحاحُ الثَّانِي وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٢-٢٢ ١١٥
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الثَّالِثُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٣-١٣ ١١٧
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الرَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٤-٣٠ ١١٨
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الْخَامِسُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٥-٥ ١٢٢
- سفر إرميا: الأصْحاحُ السَّادِسُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٦-٢٨ ١٢٣
- سفر إرميا: الأصْحاحُ السَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٧-٧ ١٢٦
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الثَّامِنُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٨-٤٧ ١٢٧
- سفر إرميا: الأصْحاحُ التَّاسِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ١:٤٩-٣٩ ١٣١
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الْخَمْسُونَ * ١:٥٠-٤٦ ١٣٥
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الْحَادِي وَالْخَمْسُونَ * ١:٥١-٦٤ ١٤١
- سفر إرميا: الأصْحاحُ الثَّانِي وَالْخَمْسُونَ * ١:٥٢-٣٤ ١٤٧
- پیوست کتاب: سؤال / ٤٣ متشابهات: کلمه اسرائیل به چه معناست؟ ١٥١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأَئِمَّةِ وَالمُهْدِيِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

اهداء:

تقديم به إرميا نبي ﷺ

معرفی کتاب

زمان افول آشوریان و به قدرت رسیدن بابلیان و رقابت آن دو امپراتوری با حکومت مصر، نقطه عطف مهمی در تاریخ یهود است. در این دوره، شاهد ظهور پیامبران مصلحی هستیم که در کنار پند مردم، به پیشگویی حوادث اسفبار آینده یهود به صورت عذاب الهی می پرداختند، و بدین وسیله، آنان را از عواقب شوم کردارهایشان بیم می دادند. این پیامبران، در عین حال، آنان را به آینده‌ای روشن در عصر ظهور نجات دهنده‌ای بزرگ، مژده می دادند. سر سلسله این پیامبران در آن زمان اشعای نبی (علیه السلام) است و ارمیا و دانیال (علیهم السلام) نیز بعد از او صاحب چنین رسالت‌های هستند.

از سوی دیگر از جمله دلایلی که سید احمد الحسن (علیه السلام) وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام)، عیسی، ایلیا و خضر (علیهم السلام)، آنرا سبب اتمام حجت جهت ایمان آوردن به خویش بر می شمارد بشارت‌ها و اندازهای است که در کتاب ارمیا نبی (علیه السلام) موجود است. ایشان (علیه السلام) می فرماید:

«ولن أشکوکم إلى الله بل سیشکوکم جدي رسول الله (ص) لأنه وصی بی و ذکر اسمی ونسبی وصفتی وسیشکوکم آبائي الأئمة (ع) لأنهم ذکروني باسمی ونسبی وصفتی ومسکني، وستشکوکم دماء الحسين التي سالت في كربلاء لله ولأجل أبي (ع) ولأجلي. وسیشکوکم اشعيا وارميا ودانیال وعیسی و یوحنا البربري لأنهم بینوا أمری لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشکوکم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرتُ فیها، کل هذا وتخذلونني. أريد حياتکم وأريد نجاتکم فأعینوني علی أنفسکم»؛ (و از شما نزد خداوند شکایت نمی کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا ﷺ خواهد کرد، زیرا که او به من وصیت نمود و نام و نسب و صفاتم را ذکر کرد. و شکایت شما را پدرانم ائمه (علیهم السلام) خواهند کرد، زیرا که آنها اسم و نسب و صفات و مسکنم را، ذکر نمودند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم (علیه السلام) و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و اشعیا و ارمیا و دانیال و عیسی و یوحنا بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجیل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می کنید و مرا یاری نمی دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید).^۱

از اینرو بر آن شدم تا کتاب ارمیا نبی (علیه السلام) را گردآوری کنم و آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم، تا اینکه وحی الهی باری دیگر زنده گردد، و گوشه‌ای از حقانیت سید احمد الحسن (علیه السلام) نمایان شود؛

^۱ خطاب إلى طلبة الحوزة العلمية، ۸ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ.ق

همچنین بشارت‌ها و اندازهای موجود در این کتاب چراغ راهی خواهند بود برای منتظران از حوادث و اتفاقات پیشرو؛ ولیکن پیش از آغاز باب‌ها بیان چند نکته لازم است:

۱- اکثر سخنان و روشنگری‌های سید احمدالحسن علیه السلام از کُتب انبیاء پیشین مربوط به انجیل عیسی و مکاشفات یوحنا یبربری، است. و موارد مرتبط با این کتاب در پاورقی هر اصحاح به اسم ایشان آورده خواهد شد. همچنین برای دریافت سایر کُتب انبیاء پیشین که در کلام سید احمدالحسن علیه السلام ذکر شد می‌توانید به آدرس: sadeghshekari.com مراجعه نمائید.

۲- این کتاب ترجمه هزاره نو است، که از وب‌سایت رسمی شاهدان یهوه jw.org گرفته شده است؛ لکن در مواردی اندک گردآورنده اقدام به تصحیح بعضی از واژه‌هایی کرده که بخاطر جهالت‌ها یا پیشداوری‌های معتقدین به این کتاب‌ها بد و یا نابجا ترجمه شده است، این تصحیح نیز با انطباق آن با نسخه عربی بدست آمده است.

۳- متون عربی بجهت استفاده برادران عرب زبان و برای بالا بردن کیفیت مطالب آورده می‌شود این متون اعراب گذاری شده و از سایت‌های: mandaeannetwork.com و st-takla.org تهیه شده‌اند.

۴- در این کتاب واژه یهوذا (یهود) و بنی اسرائیل، زیاد بکار رفته که به جهت درک معنی صحیح آن لازم است پرسش ۲۳ کتاب متشابهاات سید احمدالحسن علیه السلام: (کلمه اسرائیل به چه معناست؟) مطالعه شود که در پیوست این کتاب، آورده شده است.

۵- نبوات ارمیا، پیام انتقام خداوند از قومی گنهکار است. آنهم در دوره غضب او بر بنی اسرائیل، بدین جهت پیام او زمینه‌ساز پیدایش عهد جدید شد. عهدی که باعث شد مسیحیان او را مژده‌رسان ظهور عهد جدید به دست عیسی مسیح علیه السلام بدانند. همچنین در کُتب اسلامی آمده ارمیا همان کسی است که تابوت حضرت موسی علیه السلام را پنهان ساخت، تابوتی که بنابر روایات در آخرالزمان و بدست مهدی موعود علیه السلام از دریاچه طبریه یا غاری در انطاکیه، بیرون کشیده خواهد شد.^۲ بعضی از شارحان تلاش دارند نبوات ارمیا را محدود کرده و آن را منحصر به زمان ایشان و اندکی بعد از آن بنمایانند، در حالی که این طرز تفکر خلاف گفته‌های خداوند در سفر ارمیا است. در اصحاح ۲۵ می‌خوانیم:

^۲ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۶۵. تابوت عهد در اسلام دارای اهمیت زیادی است. شیعیان معتقدند در آخرالزمان، مهدی موعود آن را پیدا کرده و نسخ اصلی تورات را عرضه خواهد کرد؛ و هیچ کس از جای آن اطلاعی ندارد تا آنکه مهدی موعود ظهور کند و آن را به حرکت درآورد که یکی از نشانه‌های امامت او است. آن‌گاه به کمک آن تابوت، شهرها را می‌گشاید، همان‌گونه که پیش از او نیز چنین کرده‌اند.

۱۲ «اما خداوند می گوید: ”پس از پایان هفتاد سال، من پادشاه بابل و آن قوم و سرزمین کلدانیان را به سبب تقصیرشان مجازات خواهم کرد، و آن را ویرانه ابدی خواهم ساخت. ۱۳ و بر آن سرزمین تمامی سخنان خود را که بر ضد آن گفته‌ام، نازل خواهم کرد، یعنی هر چه را در این کتاب مکتوب است و ارمیا آن را درباره همه قومها نبوت کرده است. ۱۴ زیرا قومهای بسیار و پادشاهان بزرگ ایشان را بنده خود خواهند ساخت، و من ایشان را بر حسب کردارشان و اعمال دستهایشان جزا خواهم داد.“»

سفر ارمیا: الأصحاح الأول * ۱:۱-۱۹

۱ کلام ارمیا بن حلقیا من الکهنه الذین فی عناثوت فی أرض بنیامین، ۲ الذی کانت کلمه الرب الیه فی ایام یوشیا بن امون ملک یهوذا، فی السنه الثالثه عشره من ملکه. ۳ وکانت فی ایام یهوایقیم بن یوشیا ملک یهوذا، الی تمام السنه الحادیه عشره لصدیقا بن یوشیا ملک یهوذا، الی سبی اورشلیم فی الشهر الخامس.

۱ سخنان ارمیا پسر حلقیا، از کاهنانی که در عناتوت در سرزمین بنیامین بودند. ۲ کلام خداوند در ایام یوشیا پسر آمون، پادشاه یهودا، در سال سیزدهم سلطنت او، بر ارمیا نازل شد، ۳ و نیز در ایام یهوایقیم، پسر یوشیا پادشاه یهودا، تا پایان یازدهمین سال صدیقیا پسر یوشیا، پادشاه یهودا، همچنان نازل می شد، تا زمان تبعید اهالی اورشلیم در ماه پنجم.

۴ فَكَانَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَيَّ قَائِلًا: ۵ «قَبْلَمَا صَوَّرْتُكَ فِي الْبَطْنِ عَرَفْتُكَ، وَقَبْلَمَا خَرَجْتَ مِنَ الرَّحِمِ قَدَسْتُكَ. جَعَلْتُكَ نَبِيًّا لِلشُّعُوبِ». ۶ فَقُلْتُ: «آه، يَا سَيِّدُ الرَّبِّ، إِنِّي لَا أَعْرِفُ أَنْ أَتَكَلَّمَ لِأَنِّي وَلَدٌ». ۷ فَقَالَ الرَّبُّ لِي: «لَا تَقُلْ إِنِّي وَلَدٌ، لِأَنَّكَ إِلَى كُلِّ مَنْ أَرْسَلْتُ إِلَيْهِ تَذْهَبُ وَتَتَكَلَّمُ بِكُلِّ مَا أَمُرُكَ بِهِ. ۸ لَا تَخَفْ مِنْ وُجُوهِهِمْ، لِأَنِّي أَنَا مَعَكَ لِأَتَقِذَّكَ، يَقُولُ الرَّبُّ». ۹ وَمَدَّ الرَّبُّ يَدَهُ وَلَمَسَ فَمِي، وَقَالَ الرَّبُّ لِي: «هَذَا قَدْ جَعَلْتُ كَلَامِي فِي فَمِكَ. ۱۰ انْظُرْ! قَدْ وَكَلْتُكَ هَذَا الْيَوْمَ عَلَى الشُّعُوبِ وَعَلَى الْمَمَالِكِ، لِتَقْلَعَ وَتَهْدِمَ وَتُهْلِكَ وَتَنْقُضَ وَتَبْنِيَ وَتَغْرِسَ». ۱۱ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَيَّ قَائِلًا: «مَاذَا أَنْتَ رَأَيْتَ يَا اِرْمِيَا؟» فَقُلْتُ: «أَنَا رَأَيْتُ قَضِيبَ لَوْزٍ». ۱۲ فَقَالَ الرَّبُّ لِي: «أَحْسَنْتَ الرُّؤْيَا، لِأَنِّي أَنَا سَاهِرٌ عَلَى كَلِمَتِي لِأَجْرِهَا».

رسالت ارمیا: ۴ کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۵ «پیش از آنکه تو را در رحم نقش بندم، تو را شناختم، و پیش از آنکه به دنیا بیایی، تو را جدا کردم، و تو را بر قومها نبی قرار دادم.» ۶ آنگاه گفتم: «آه، ای سید پروردگار، اینک من سخن گفتن نمی دانم، زیرا جوانی بیش نیستم!» ۷ اما خداوند مرا گفت: «مگو، "جوانی بیش نیستم"، زیرا نزد هر کس که تو را بفرستم، خواهی رفت، و هر آنچه تو را امر فرمایم، خواهی گفت. ۸ از ایشان مترس، زیرا من با تو هستم تا رهایی ات بخشم؛» این است فرموده خداوند. ۹ آنگاه خداوند دست خود را پیش آورده، دهانم را لمس کرد. و خداوند مرا گفت: «اینک کلام خود را در دهانت نهادم. ۱۰ بدان که امروز تو را بر قومها و حکومتها برگماشتم، تا از ریشه برکنی و منهدم نمایی، هلاک کنی و سرنگون سازی، بنا کنی و غرس نمایی.» ۱۱ و باز کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای ارمیا، چه می بینی؟» گفتم: «شاخه درخت بادام.» ۱۲ خداوند مرا گفت: «نیکو دیدی، زیرا من بر کلام خویش دیدبانی می کنم تا آن را به انجام رسانم.»

۱۳ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَيَّ ثَانِيَةً قَائِلًا: «مَاذَا أَنْتَ رَأَيْ؟» فَقُلْتُ: «إِنِّي رَأَيْ قَدْرًا مَنفُوحَةً، وَوَجْهَهَا مِنْ جِهَةِ الشِّمَالِ». ۱۴ فَقَالَ الرَّبُّ لِي: «مِنْ الشِّمَالِ يَنْفَتِحُ الشَّرُّ عَلَى كُلِّ سُكَّانِ الْأَرْضِ. ۱۵ لِأَنِّي هَانَذَا دَاعٍ كُلَّ عَشَائِرِ مَمَالِكِ الشِّمَالِ، يَقُولُ الرَّبُّ، فَيَأْتُونَ وَيَضَعُونَ كُلُّ وَاحِدٍ كُرْسِيَّهُ فِي مَدْخَلِ أَبْوَابِ أُورُشَلِيمَ، وَعَلَى كُلِّ أَسْوَارِهَا حَوَالِيهَا، وَعَلَى كُلِّ مِثْنٍ يَهُودًا. ۱۶ وَأُقِيمُ دَعْوَايَ عَلَى كُلِّ شَرِّهِمْ، لِأَنَّهُمْ تَرَكُونِي وَبَخَرُوا لِآلِهَةٍ أُخْرَى، وَسَجَدُوا لِأَعْمَالِ أَيْدِيهِمْ. ۱۷ «أَمَّا أَنْتَ فَتَنْطِقُ حَقَّوِيكَ وَقُمْ وَكَلِّمْهُمْ بِكُلِّ مَا أَمُرُكَ بِهِ. لَا تَرْتَعْ مِنْ وَجْهِهِمْ لِئَلَّا أُرِيْعَكَ أَمَامَهُمْ. ۱۸ هَانَذَا قَدْ جَعَلْتُكَ الْيَوْمَ مَدِينَةً حَصِينَةً وَعَمُودَ حَدِيدٍ وَأَسْوَارَ نُحَاسٍ عَلَى كُلِّ الْأَرْضِ، لِمُلُوكِ يَهُودَا وَلِرُؤَسَائِهَا وَلِكَهَنَتِهَا وَلِشَعْبِ الْأَرْضِ. ۱۹ فَيَخَارِبُونَكَ وَلَا يَقْدِرُونَ عَلَيْكَ، لِأَنِّي أَنَا مَعَكَ، يَقُولُ الرَّبُّ، لَأَنْقِذَكَ».

۱۳ دیگر بار کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «چه می بینی؟» گفتم: «دیگی جوشان که از شمال رو بدین سو دارد.» ۱۴ آنگاه خداوند مرا فرمود: «بلایی از جانب شمال به سوی تمامی ساکنان این سرزمین سرازیر خواهد شد. ۱۵ زیرا خداوند می فرماید: اینک من همه طوایف ممالک شمال را جملگی فرا خواهم خواند، و ایشان آمده، هر یک تخت خویش را بر دهنه دروازه های اورشلیم، و در برابر تمامی حصارهای گرداگردش، و بر ضد تمامی شهرهای یهودا، بر پا خواهند داشت. ۱۶ و من داوریهای خود را به سبب تمامی شرارت هایشان بر ایشان اعلام خواهم کرد، زیرا مرا ترک گفته، برای خدایان غیر بخور سوزاندند و کارهای دست خویش را پرستش کردند. ۱۷ اما تو، کمر خود را محکم ببند و برخاسته، هرآنچه را به تو امر می فرمایم، بدیشان بگو. از ایشان هراسان مباش، مبادا تو را در برابر ایشان به هراس افکنم. ۱۸ زیرا هان من امروز تو را شهر حصاردار و ستون آهنین و حصارهای برنجین بر ضد تمامی این سرزمین ساخته ام، بر ضد پادشاهان یهودا و صاحب منصبان و کاهنانش و بر ضد مردمان این دیار. ۱۹ ایشان با تو به نبرد بر خواهند خاست، اما بر تو پیروز نخواهند شد، زیرا خداوند می فرماید، من با تو هستم تا رهایی ات بخشم.»

سفر ارمیا: الأصحاح الثاني * ۱:۲-۳۷

۱ وَصَارَتْ إِلَيَّ كَلِمَةُ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «اذهَبْ وَتَدِ فِي أَدْنَى أُورُشَلِيمَ قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: قَدْ ذَكَرْتُ لَكَ غَيْرَةَ صِبَاكَ، مَحَبَّةَ خِطْبَتِكَ، ذِهَابَكَ وَرَأْيِي فِي الْبَرِّيَّةِ فِي أَرْضٍ غَيْرِ مَزْرُوعَةٍ. ۳ إِسْرَائِيلُ قُدُسٌ لِلرَّبِّ، أَوَّلُ غَلَّتِهِ. كُلُّ أَكِلِيهِ يَأْتُمُونَ. شَرٌّ يَأْتِي عَلَيْهِمْ، يَقُولُ الرَّبُّ». ۴ إِسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا بَيْتَ يَعْقُوبَ، وَكُلَّ عَشَائِرِ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ. ۵ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «مَاذَا وَجَدَ فِي آبَاؤُكُمْ مِنْ جَوْرِ حَتَّى ابْتَعَدُوا عَنِّي وَسَارُوا وَرَاءَ الْبَاطِلِ وَصَارُوا بَاطِلًا؟ ۶ وَلَمْ يَقُولُوا: أَيْنَ هُوَ الرَّبُّ الَّذِي أَصْعَدَنَا مِنْ أَرْضِ مِصْرَ، الَّذِي سَارَ بَنَا فِي الْبَرِّيَّةِ فِي أَرْضٍ قَفْرٍ وَخَفَرٍ، فِي أَرْضٍ يُبْوَسَةٌ وَظِلِّ الْمَوْتِ، فِي أَرْضٍ لَمْ يَعْبُرْهَا رَجُلٌ وَلَمْ يَسْكُنْهَا إِنْسَانٌ؟ ۷ وَأَتَيْتُ بِكُمْ إِلَى أَرْضِ بَسَاتِينِ

لِتَأْكُلُوا ثَمَرَهَا وَخَيْرَهَا. فَاتَّيْتُمْ وَتَجَسَّسْتُمْ أَرْضِي وَجَعَلْتُمْ مِيرَاثِي رِجْسًا. ۸ الْكَهَنَةُ لَمْ يَقُولُوا: أَيْنَ هُوَ الرَّبُّ؟ وَأَهْلُ الشَّرِيعَةِ لَمْ يَعْرِفُونِي، وَالرُّعَاةُ عَصَوْا عَلَيَّ، وَالْأَنْبِيَاءُ تَنَبَّأُوا بِبُعْلٍ، وَدَهَبُوا وَرَاءَ مَا لَا يَنْفَعُ.

۱ کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۲ «برو و در گوش اورشلیم ندا کن که خداوند چنین می گوید: محبت ایام جوانی و عشق دوران نامزدیت را به یاد می آورم، آنگاه که در بیابان و در زمین بایر از پی من می آمدی. ۳ اسرائیل برای خداوند مقدس بود و نوبر محصول او. همه کسانی که از آن بخورند، تقصیر کار می شوند و بلا دامنگیر ایشان می گردد؛» این است فرموده خداوند. ۴ ای خاندان یعقوب و ای تمامی طوایف خاندان اسرائیل، کلام خداوند را بشنوید. ۵ خداوند چنین می فرماید: «پدرانان چه بی انصافی در من دیدند، که از من دوری گزیدند، و در پی بطالت رفته، خود باطل گردیدند؟ ۶ نگفتند: "خداوند کجاست، که ما را از سرزمین مصر برآورد و در صحرا رهبری مان کرد، در سرزمین بیابانها و حفره ها، در زمین خشک و تاریکی غلیظ، زمینی که کسی از آن گذر نمی کرد، و انسانی در آن نمی زیست؟" ۷ من شما را به سرزمین بستانها آوردم، تا از میوه ها و چیزهای نیکویش بخورید؛ اما شما چون داخل شدید، زمین مرا نجس ساختید و میراث مرا مکروه گردانیدید. ۸ کاهنان نگفتند: "خداوند کجاست؟" و عالمان شریعت مرا نشناختند؛ رهبران بر من عصیان ورزیدند، و انبیا به نام بعل نبوت کرده، در پی چیزهای بی فایده رفتند.

۹ «لِذَلِكَ أَخَاصِمُكُمْ بَعْدُ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَبَنِي بَنِيكُمْ أُخَاصِمُ. ۱۰ فَاعْبُرُوا جَزَائِرَ كِتِّيمَ، وَانْظُرُوا، وَأَرْسِلُوا إِلَى قِيدَارَ، وَانْتَبِهُوا جِدًّا، وَانْظُرُوا: هَلْ صَارَ مِثْلُ هَذَا؟ ۱۱ هَلْ بَدَلْتُ أُمَّةَ إِلَهَةٍ، وَهِيَ لَيْسَتْ إِلَهَةً؟ أَمَّا شَعْبِي فَقَدْ بَدَلَ مَجْدَهُ بِمَا لَا يَنْفَعُ! ۱۲ إِبْهَيْتِي آيَتُهَا السَّمَاوَاتِ مِنْ هَذَا، وَاقْشَعِرِّي وَتَحَيَّرِي جِدًّا، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۳ لِأَنَّ شَعْبِي عَمَلٌ شَرٌّ: تَرَكُونِي أَنَا يَنْبُوعَ الْمِيَاهِ الْحَيَّةِ، لِيَنْقُرُوا لِأَنْفُسِهِمْ أَبَارًا، أَبَارًا مُشَقَّةً لَا تَضْبِطُ مَاءً. ۱۴ «أَعْبُدْ إِسْرَائِيلُ، أَوْ مَوْلُودُ الْبَيْتِ هُوَ؟ لِمَاذَا صَارَ غَنِيمَةً؟ ۱۵ زَمَجَرْتُ عَلَيْهِ الْأَشْبَالَ. أَطْلَقْتُ صَوْتَهَا وَجَعَلْتُ أَرْضَهُ خَرِبَةً. أُحْرِقْتُ مَدْنُهُ فَلَا سَاكِنَ. ۱۶ وَبَنُو نُوفَ وَتَحْفَنِيسَ قَدْ شَجَّوْا هَامَتَكَ. ۱۷ أَمَّا صَنَعْتُ هَذَا بِنَفْسِكَ، إِذْ تَرَكْتَ الرَّبَّ إِلَهَكَ حِينَمَا كَانَ مُسِيرَكَ فِي الطَّرِيقِ؟ ۱۸ وَالْآنَ مَا لَكَ وَطَرِيقَ مِصْرَ لِشُرْبِ مِيَاهِ شَيْخُورٍ؟ وَمَا لَكَ وَطَرِيقَ أَشُورَ لِشُرْبِ مِيَاهِ النَّهْرِ؟ ۱۹ يُوبِّخُكَ شَرُّكَ، وَعَصِيَانُكَ يُؤَدِّبُكَ. فَاعْلَمِي وَانْظُرِي أَنْ تَرَكَكَ الرَّبَّ إِلَهَكَ شَرًّا وَمُرًّا، وَأَنْ خَشِيتِي لَيْسَتْ فِيكَ، يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ.

۹ «از این رو، خداوند می فرماید، بار دیگر بر شما دشمنی وارد خواهم آورد، بین فرزندان فرزندانان. ۱۰ به سواحل کتیم گذر کرده، بنگرید، به قیدار بفرستید و به دقت ملاحظه کنید؛ ببینید آیا چنین چیزی تا به حال شده است؟ ۱۱ آیا هیچ قومی هرگز خدایان خود را عوض کرده اند، هرچند خدا نیستند؟ اما قوم من 'جلال' خویش را با آنچه فایده ای نمی رساند عوض کرده اند. ۱۲ خداوند می فرماید: ای آسمانها، از این متحیر شوید؛ با وحشتی عظیم بر خود بلرزید. ۱۳ زیرا قوم من مرتکب دو گناه شده اند: مرا که چشمه

آب حیاتم، ترک گفته‌اند و برای خویشان آب‌انبارها کنده‌اند، آب‌انبارهای ترک خورده که آب را نگاه نتوانند داشت. ۱۴ «آیا اسرائیل غلام یا خانه‌زاد است؟ پس چرا به غنیمت برده شده است؟ ۱۵ شیران بر او غریده‌اند، و نعره بلند برکشیده‌اند. سرزمین او را به ویرانه‌ای بدل کرده‌اند؛ شهرهایش خراب و متروک گشته است. ۱۶ نیز مردان ممفیس و تحفنجیس تارکت را شکسته‌اند! ۱۷ آیا تو خود این را بر سر خویش نیاوردی، با ترک گفتن یهوه خدای خویش، آنگاه که تو را در راه رهبری می‌کرد؟ ۱۸ حال تو را چه سود که به مصر بروی تا از آب شیحور بنوشی؟ و تو را چه حاصل که به آشور بروی تا از آب فرات بنوشی؟ ۱۹ سید، پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: شرارت تو را تأدیب خواهد کرد، و ارتدادت تو را توبیخ خواهد نمود. پس بدان و بین که چه زشت و تلخ است که یهوه خدایت را ترک گویی، و ترس من در تو نباشد.

۲۰ «لأنَّهُ مِنْذُ الْقَدِيمِ كَسَرْتُ نِيرَكَ وَقَطَعْتُ قَيْدَكَ، وَقُلْتُ: لَا أَتَعَبَّدُ. لَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ أَكْمَةٍ عَالِيَةٍ وَتَحْتَ كُلِّ شَجَرَةٍ خَضْرَاءَ أَنْتِ اضْطَجَعْتَ زَانِيَةً! ۲۱ وَأَنَا قَدْ غَرَسْتُكَ كَرَمَةَ سُورَقَ، زَرَعْتُ حَقَّ كُلِّهَا. فَكَيْفَ تَحَوَّلْتُ لِي سُورُوعَ جَفْنَةٍ غَرِيْبَةٍ؟ ۲۲ فَإِنَّكَ وَإِنْ اغْتَسَلْتَ بِنُطْرُونِ، وَأَكْثَرْتَ لِنَفْسِكَ الْأَشْنَانَ، فَقَدْ نَقَشَ إِثْمُكَ أَمَامِي، يَقُولُ السَّيِّدُ الرَّبُّ. ۲۳ كَيْفَ تَقُولِينَ: لَمْ أَتَنَجَّسْ. وَرَاءَ بَعْلِيمَ لَمْ أَذْهَبْ؟ انْظُرِي طَرِيقَكَ فِي الْوَادِي. اِغْرِفِي مَا عَمَلْتِ، يَا نَاقَةَ خَفِيفَةً ضَبَعَةً فِي طَرْفِهَا! ۲۴ يَا أَتَانَ الْفَرَا، قَدْ تَعَوَّدْتَ الْبَرِّيَّةَ! فِي شَهْوَةِ نَفْسِهَا تَسْتَنَشِقُ الرِّيحَ. عِنْدَ ضَبْعِهَا مَنْ يَرُدُّهَا؟ كُلُّ طَالِبِهَا لَا يُعْيُونَ. فِي شَهْرِهَا يَجِدُونَهَا. ۲۵ اِحْفَظِي رِجْلَكَ مِنَ الْحَفَاءِ وَخَلَقَكَ مِنَ الظَّمَا. فَقُلْتُ: بَاطِلٌ! لَا! لِأَنِّي قَدْ أَحْبَبْتُ الْغُرَبَاءَ وَوَرَاءَهُمْ أَذْهَبُ. ۲۶ كَخِزْيِ السَّارِقِ إِذَا وَجِدَ هَكَذَا خِزْيَ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ، هُمْ وَمُلُوكُهُمْ وَرُؤَسَاؤُهُمْ وَكَهَنَتُهُمْ وَأَنْبِيَائُهُمْ، ۲۷ قَائِلِينَ لِلْعُودِ: أَنْتَ أَبِي، وَلِلْخَجَرِ: أَنْتَ وَلَدَتْنِي. لِأَنَّهُمْ حَوَّلُوا نَحْوِي الْقَفَا لَا الْوَجْهَ، وَفِي وَقْتِ بَلِيَّتِهِمْ يَقُولُونَ: قُمْ وَخَلِّصْنَا. ۲۸ فَأَيْنَ إِلَهَتُكَ الَّتِي صَنَعْتَ لِنَفْسِكَ؟ فَلْيَقُومُوا إِنْ كَانُوا يُخَلِّصُونَكَ فِي وَقْتِ بَلِيَّتِكَ. لَأَنَّهُ عَلَى عَدَدِ مَذْنِكَ صَارَتْ إِلَهَتُكَ يَا يَهُودَا. ۲۹ لِمَادَا تُخَاصِمُونَنِي؟ كُلُّكُمْ عَصَيْتُمُونِي، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۰ لِبَاطِلٍ ضَرَبْتُ بَنِيكُمْ. لَمْ يَقْبَلُوا تَأْدِيبًا. أَكَلَتْ سَيْفُكُمْ أَنْبِيََاءَكُمْ كَأَسَدٍ مُهْلِكٍ.

۲۰ «زیرا مدت‌ها پیش یوغ خود را شکستی و بندهایت را گسستی، و گفتم: "خدمت نخواهم کرد!" براستی که تو بر هر تل بلند و زیر هر درخت سبز همچون فاحشه‌ای دراز کشیدی. ۲۱ اما من تو را همچون تاکی برگزیده که از تخم تمام‌اصیل باشد، غرس کردم. پس چگونه فاسد شدی و به تاکی وحشی برای من بدل گشتی؟ ۲۲ سید پروردگار می‌فرماید، حتی اگر خود را به قلیاب بشویی و صابون فراوان به کاربری، لکه گناهت همچنان در برابر من است. ۲۳ چگونه می‌توانی بگویی: "نجس نیستم و از بعلها پیروی نکرده‌ام؟" بین چگونه در وادی رفتار کردی، و به عمل خویش اذعان کن؛ ای که چون ماده‌شتری جوان،

به این سو و آن سو می دوی! ۲۴ تو به ماده خری وحشی می مانی که به بیابان عادت دارد، و در شهوت دل خود باد را بو می کشد؛ کیست که بتواند شهوت او را مهار کند؟ طالبان او را به جهت یافتنش زحمت چندان نیست، زیرا او را در ماه آمادگی اش خواهند یافت. ۲۵ گفتم پای برهنه و گلوی تشنه از پی ایشان مشتاب. اما گفتم، "نه! بی فایده است! زیرا که خدایان بیگانه را دوست می دارم، و از پی ایشان خواهم شتافت." ۲۶ همان گونه که دزد به هنگام گرفتار آمدن رسوا می شود، خاندان اسرائیل به اتفاق پادشاهان و صاحب منصبان و کاهنان و انبیایشان، جملگی رسوا خواهند شد. ۲۷ آنان به چوب می گویند: "تو پدر من هستی،" و به سنگ که: "تو مرا زاده ای!" آنان پشت خود را به من کرده اند و نه روی خود را. اما به هنگام مصیبت فریاد بر می آورند که، "برخیز و نجاتمان ده!" ۲۸ پس کجایند آن خدایان تو که برای خود ساختی؟ بگذار همانها در زمان مصیبت تو برخیزند و اگر می توانند نجات دهند؛ زیرا که تو را، ای یهودا، به شمار شهرهای خدایان است! ۲۹ خداوند می فرماید: چرا با من مجادله می کنید؟ همگی شما بر من عصیان ورزیده اید. ۳۰ فرزندان شما را به باطل زده ام، زیرا که ادب نمی شوند؛ شمشیر خودتان همچون شیر درنده انبیای شما را هلاک کرده است.

۳۱ «أَنْتُمْ أَيُّهَا الْجِيلُ، انْظُرُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ. هَلْ صِرْتُ بَرِيَّةً لِإِسْرَائِيلَ أَوْ أَرْضَ ظَلَامٍ دَامِسٍ؟ لِمَاذَا قَالَ شَعْبِي: قَدْ شَرَكْنَا، لَا نَجِيءُ إِلَيْكَ بَعْدُ؟ ۳۲ هَلْ تَنْسَى عَذْرَاءُ زِينَتَهَا، أَوْ عَرُوسٌ مَنَاطِقَهَا؟ أَمَّا شَعْبِي فَقَدْ نَسِينِي أَيَّامًا بِلَا عَدَدٍ. ۳۳ لِمَاذَا تُحَسِّنِينَ طَرِيقَكَ لِتَطْلُبِي الْمَحَبَّةَ؟ لِذَلِكَ عَلِمْتُ الشَّرِيرَاتِ أَيْضًا طَرِيقَكَ. ۳۴ أَيْضًا فِي أَذْيَالِكَ وَجَدْتُ نَفُوسَ الْمَسَاكِينِ الْأَزْكَيَاءِ. لَا بِالنَّقَبِ وَجَدْتُهُ، بَلْ عَلَى كُلِّ هَذِهِ. ۳۵ وَتَقُولِينَ: لِأَنِّي تَبَرَّأْتُ ارْتَدَّ غَضَبُهُ عَنِّي حَقًّا. هَآنَذَا أَحَاكِمُكَ لِأَنَّكَ قُلْتَ: لَمْ أُخْطِئْ. ۳۶ لِمَاذَا تَرْكُضِينَ لِتَبْدُلِي طَرِيقَكَ؟ مِنْ مِصْرَ أَيْضًا تَخْزِينَ كَمَا خَزَيْتِ مِنْ أَشُورَ. ۳۷ مِنْ هُنَا أَيْضًا تَخْرُجِينَ وَيَدَاكَ عَلَى رَأْسِكَ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ رَفَضَ ثِقَاتِكَ، فَلَا تَنْجَحِينَ فِيهَا.

۳۱ «و حال شما، ای مردمان این عصر، به کلام خداوند توجه کنید: آیا من برای اسرائیل همچون بیابان یا زمین تاریکی غلیظ بوده ام؟ پس چرا قوم من می گویند: "ما آزادیم، و دیگر نزد تو نمی آییم؟" ۳۲ آیا دوشیزه، زینت خود، و عروس، زیور خویش را از یاد می برد؟ اما روزهای بی شمار است که قوم من مرا از یاد برده اند. ۳۳ تو در طلب عشق چه ماهرانه راه خود را پیدا می کنی! تا بدان جا که حتی به زنان بدکاره نیز درس می دهی! ۳۴ دامن ردایت به خون نیازمندان بی گناه آغشته است، هرچند که آنان را در حال نقب زدن نیافتی. با این همه ۳۵ می گویی: "بی گناهم؛ به یقین خشم او از من برگشته است." اینک از آن رو که می گویی، "گناه نکرده ام،" بر تو داوری خواهم کرد. ۳۶ چرا اینقدر به هر سو شتابانی و راه خود را تغییر می دهی؟ چنانکه از آشور نومید شدی، از مصر نیز نومید خواهی شد. ۳۷ از آنجا نیز دستها بر سر بیرون

خواهی آمد؛ زیرا خداوند کسانی را که تو بر ایشان توکل کرده‌ای رد کرده است، و تو از ایشان کامیاب نخواهی شد.

سفر ارمیا: الأصحاح الثالث * ۱:۳-۲۵

۱ « قَائِلًا: إِذَا طَلَّقَ رَجُلٌ امْرَأَتَهُ فَأَنْطَلَقَتْ مِنْ عِنْدِهِ وَصَارَتْ لِرَجُلٍ آخَرَ، فَهَلْ يَرْجِعُ إِلَيْهَا بَعْدُ؟ أَلَا تَنْتَجِسُ تِلْكَ الْأَرْضُ نَجَاسَةً؟ أَمَّا أَنْتَ فَقَدْ زَنَيْتَ بِأَصْحَابٍ كَثِيرِينَ! لَكِنْ ارْجِعِي إِلَيَّ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۲ ارْفَعِي عَيْنَيْكَ إِلَى الْهَضَابِ وَانْظُرِي، أَيْنَ لَمْ تُضَاجِعِي؟ فِي الطَّرِيقَاتِ جَلَسْتُ لَهُمْ كَأَعْرَابِي فِي الْبَرِّيَّةِ، وَنَجَسْتَ الْأَرْضَ بِزِنَاكِ وَبِشْرِكَ. ۳ فَاْمْتَنِعِ الْغَيْثُ وَلَمْ يَكُنْ مَطَرٌ مُتَأَخِّرٌ. وَجَبْهَةٌ امْرَأَةٍ زَانِيَةٍ كَانَتْ لَكَ. أُبَيِّنُ أَنْ تَخْجَلِي. ۴ أَلَسْتُ مِنَ الْآنَ تَدْعِينِي: يَا أَبِي، أَلَيْفُ صِبَايَ أَنْتَ؟ ۵ هَلْ يَحْقِدُ إِلَى الدَّهْرِ، أَوْ يَحْفَظُ غَضَبَهُ إِلَى الْأَبَدِ؟ هَا قَدْ تَكَلَّمْتُ وَعَمِلْتُ شُرُورًا، وَاسْتَطَعْتُ! ».

۱ «اگر مردی زن خویش را طلاق دهد و آن زن از وی جدا شده، زن مردی دیگر شود، آیا دیگر بار نزد آن زن بازمی‌گردد؟ آیا آن سرزمین به‌غایت مَلُوث نخواهد شد؟ خداوند می‌فرماید: تو با معشوقانِ بسیار زنا کرده‌ای، آیا می‌توانی نزد من بازگردی؟ ۲ چشمان خود را به بلندیاها برافراز و بین! آیا جایی هست که در آن با تو هم‌بستر نشده باشند؟ تو همچون راهزن در بیابان، کنار راهها به انتظار معشوقانت نشستی، و این سرزمین را با زناى شرارت‌آمیز خود مَلُوث ساختی. ۳ از همین روست که بارشها بازداشته شده، و باران بهاری نباریده است؛ اما تو را جبین زن فاحشه است، و از شرم و حیا ابا داری. ۴ تو هم‌اکنون مرا خوانده، گفتی: "ای پدرم، تو دوست روزگار جوانی‌ام بوده‌ای، ۵ آیا تا ابد خشمگین خواهی بود؟ آیا غضبت را تا به آخر نگاه خواهی داشت؟" براستی که تو چنین سخن می‌گویی، اما هر شرارتی را که از دستت برآید، به عمل می‌آوری.»

۶ وَقَالَ الرَّبُّ لِي فِي أَيَّامِ يَوْشِيَّا الْمَلِكِ: «هَلْ رَأَيْتَ مَا فَعَلَتِ الْعَاصِيَةُ إِسْرَائِيلُ؟ إِنِطَلَقْتُ إِلَى كُلِّ جَبَلٍ عَالٍ، وَإِلَى كُلِّ شَجَرَةٍ خَضِرَاءَ وَزَنْتُ هُنَاكَ. ۷ فَقُلْتُ بَعْدَ مَا فَعَلْتُ كُلَّ هَذِهِ: ارْجِعِي إِلَيَّ. فَلَمْ تَرْجِعِي. فَرَأْتُ أُخْتُهَا الْخَائِنَةَ يَهُودَا. ۸ فَرَأَيْتُ أَنَّهُ لِأَجْلِ كُلِّ الْأَسْبَابِ إِذْ زَنْتِ الْعَاصِيَةُ إِسْرَائِيلُ فَطَلَّقْتُهَا وَأَعْطَيْتُهَا كِتَابَ طَلَاقِهَا، لَمْ تَخَفِ الْخَائِنَةُ يَهُودَا أُخْتُهَا، بَلْ مَضَتْ وَزَنْتْ هِيَ أَيْضًا. ۹ وَكَانَ مِنْ هَوَانَ زِنَاهَا أَنَّهَا نَجَسَتْ الْأَرْضَ وَزَنْتْ مَعَ الْحَجَرِ وَمَعَ الشَّجَرِ. ۱۰ وَفِي كُلِّ هَذَا أَيْضًا لَمْ تَرْجِعِي إِلَيَّ أُخْتُهَا الْخَائِنَةُ يَهُودَا بِكُلِّ قَلْبِهَا، بَلْ بِالْكَذِبِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۱ فَقَالَ الرَّبُّ لِي: قَدْ بَرَّرْتُ نَفْسَهَا الْعَاصِيَةُ إِسْرَائِيلُ أَكْثَرَ مِنَ الْخَائِنَةِ يَهُودَا.

دعوت به بازگشت: ۶ خداوند در ایام یوشیای پادشاه، به من گفت: «آیا دیدی اسرائیل بی‌وفا چه کرده است؟ دیدی چگونه بر فراز هر تل بلند و زیر هر درخت سبز رفته و در آنجا زنا کرده است؟ ۷ من

گفتم، "پس از انجام همه این کارها نزد من باز خواهد گشت،" اما بازنگشت، و خواهر خیانتکارش یهودا این را دید. ۸ آری، او دید که من اسرائیل بی وفا را به سبب همه زناکاریهایش بیرون کردم و طلاقنامه‌ای به او دادم. و با این حال، خواهر خیانتکار او یهودا نترسید، بلکه او نیز رفته، زناکاری پیشه کرد. ۹ اسرائیل به سبب آسان‌گیری در زناکاری خود، این سرزمین را مَلُوث ساخت و با سنگ و چوب زنا کرد. ۱۰ و خداوند می‌گوید: با وجود این همه، خواهر خیانتکار او یهودا با تمامی دل خویش نزد من بازنگشت، بلکه تنها به ریا! ۱۱ خداوند مرا گفت: اسرائیل بی وفا خود را از یهودای خیانتکار پارسا تر نموده است.

۱۲ اِذْهَبْ وَنَادِ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ نَحْوَ الشِّمَالِ، وَقُلْ: اِرْجِعِي اَيَّتُهَا الْعَاصِيَةُ إِسْرَائِيلُ، يَقُولُ الرَّبُّ. لَا أَوْفَعُ غَضَبِي بِكُمْ لِأَنِّي رَوُّوفٌ، يَقُولُ الرَّبُّ. لَا أَخْذِلُ إِلَى الْأَبَدِ. ۱۳ اِغْرِفِي فَقَطْ اِثْمَكَ أَنْكِ إِلَى الرَّبِّ إِلَهكِ أَذْنَبْتَ، وَفَرَّقْتَ طُرُقَكَ لِلْغُرَبَاءِ تَحْتَ كُلِّ شَجَرَةٍ خَضِرَاءَ، وَلِصَوْتِي لَمْ تَسْمَعُوا، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۴ اِرْجِعُوا أَيُّهَا الْبَنُونَ الْعَصَاةُ، يَقُولُ الرَّبُّ، لِأَنِّي سَدْتُ عَلَيْكُمْ فَأَخَذَكُمْ وَاحِدًا مِنَ الْمَدِينَةِ، وَاثْنَيْنِ مِنَ الْعَشِيرَةِ، وَأَتِي بِكُمْ إِلَى صَفِيِّونَ، ۱۵ وَأُعْطِيكُمْ رُعَاةً حَسَبَ قَلْبِي، فَيَرْغُونَكُمْ بِالْمَعْرِفَةِ وَالْفَهْمِ. ۱۶ وَيَكُونُ إِذْ تَكْثُرُونَ وَتُثْمِرُونَ فِي الْأَرْضِ فِي تِلْكَ الْآيَامِ، يَقُولُ الرَّبُّ، أَنَّهُمْ لَا يَقُولُونَ بَعْدَ: تَأْبُوتَ عَهْدِ الرَّبِّ، وَلَا يَخْطُرُ عَلَى بَالٍ، وَلَا يَذْكُرُونَهُ وَلَا يَتَعَهَّدُونَهُ وَلَا يُصْنَعُ بَعْدَ. ۱۷ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يُسَمُّونَ أُورُشَلِيمَ كُرْسِيَّ الرَّبِّ، وَيَجْتَمِعُ إِلَيْهَا كُلُّ الْأُمَمِ، إِلَى اسْمِ الرَّبِّ، إِلَى أُورُشَلِيمَ، وَلَا يَذْهَبُونَ بَعْدَ وَرَاءَ عِنَادِ قَلْبِهِمُ الشَّرِيرِ. ۱۸ فِي تِلْكَ الْآيَامِ يَذْهَبُ بَيْتُ يَهُودَا مَعَ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ، وَيَأْتِيَانِ مَعًا مِنْ أَرْضِ الشِّمَالِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي مَلَكَتُ آبَاءَكُمْ إِيَّاهَا. ۱۹ وَأَنَا قُلْتُ: كَيْفَ أَضْعُكُ بَيْنَ الْبَنِينَ، وَأُعْطِيكَ أَرْضًا شَهِيَّةً، مِيرَاثَ مَجْدٍ أَمْجَادِ الْأُمَمِ؟ وَقُلْتُ: تَدْعِينِي يَا أَبِي، وَمِنْ وَرَائِي لَا تَرْجِعِينَ. ۲۰ «حَقًّا إِنَّهُ كَمَا تَخُونُ الْمَرْأَةُ قَرِينَهَا، هَكَذَا خُنْتُمُونِي يَا بَيْتَ إِسْرَائِيلَ، يَقُولُ الرَّبُّ».

۱۲ پس برو و این سخنان را به جانب شمال ندا کرده، بگو: خداوند می‌فرماید، «ای اسرائیل بی وفا، باز گرد! من بر تو با ناخشنودی نخواهم نگرست، زیرا که من وفادار هستم، و خشم خویش را تا به ابد نگاه نخواهم داشت؛ این است فرموده خداوند. ۱۳ فقط به تقصیر خویش اذعان کن، به اینکه بر یهوه خدایت عصیان ورزیدی، و راههای خود را زیر هر درخت سبز برای بیگانگان منشعب ساختی، و آواز مرا نشنیدی؛ این است فرموده خداوند. ۱۴» «پس خداوند می‌فرماید: ای فرزندان بی وفا بازگشت کنید، زیرا من سرپرست شما هستم؛ و از شما یک تن از شهری و دو تن از طایفه‌ای گرفته، به صهیون خواهم آورد. ۱۵ و به شما شبانانی موافق دل خود خواهم داد که شما را به معرفت و بصیرت خواهند چرانید. ۱۶ و خداوند می‌گوید: در آن روزها، آنگاه که در این سرزمین بارور و کثیر شدید، دیگر نخواهید گفت: 'صندوق عهد خداوند'. آن صندوق دیگر به ذهن کسی نخواهد آمد و به یاد آورده نخواهد شد. برای آن دلتنگ نخواهند شد و دوباره آن را نخواهند ساخت. ۱۷ زیرا در آن ایام اورشلیم 'تخت پادشاهی یهوه' خوانده خواهد

شد، و تمامی قومها به جهت بزرگداشت نام یهوه در اورشلیم گرد خواهند آمد و دیگر سرسختانه از دل شیرِ خود پیروی نخواهند کرد. ۱۸ در آن روزها، خاندان یهودا به خاندان اسرائیل خواهد پیوست، و با هم از سرزمین شمال به سرزمینی در خواهند آمد که به پدرانان به میراث بخشیدم. ۱۹ «گفتم چه شادمانه تو را در میان پسرانم جای خواهم داد، و سرزمینی مرغوب به تو خواهم بخشید، که زیباترین میراث همه قومهاست. نیز گفتم که مرا پدر خواهی خواند، و دیگر از پیروی من روی بر نخواهی تافت. ۲۰ اما همچون زنی که به شوهر خود خیانت ورزد، تو ای خاندان اسرائیل به من خیانت ورزیدی؛ این است فرموده خداوند.»

۲۱ سَمِعَ صَوْتُ عَلَى الْهَضَابِ، بُكَاءُ تَضَرُّعَاتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. لَأَنْهُمْ عَوَّجُوا طَرِيقَهُمْ. نَسُوا الرَّبَّ إِلَهُهُمْ. ۲۲ «ارْجِعُوا إِلَيْهَا الْبُتُونَ الْغُصَاةَ فَأَشْفِي عَصِيَانَكُمْ». «هَا قَدْ أَتَيْنَا إِلَيْكَ، لَأَنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ إِلَهُنَا. ۲۳ حَقًّا بَاطِلَةٌ هِيَ الْأَكَامُ ثَرْوَةُ الْجِبَالِ. حَقًّا بِالرَّبِّ إِلَهُنَا خَلَاصُ إِسْرَائِيلَ. ۲۴ وَقَدْ أَكَلَ الْخِزْيُ تَعَبَ آبَائِنَا مِنْذُ صِبَانَا، غَنَمَهُمْ وَبَقَرَهُمْ بَنِيهِمْ وَبَنَاتِهِمْ. ۲۵ نَضْطَجِعُ فِي خِزِينَا وَيُعْطِينَا حَبْلُنَا، لَأَتْنَا إِلَى الرَّبِّ إِلَهُنَا أَخْطَانًا، نَحْنُ وَأَبَاؤُنَا مِنْذُ صِبَانَا إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، وَلَمْ نَسْمَعْ لِسَوْتِ الرَّبِّ إِلَهُنَا».

۲۱ صدایی از بلندیها شنیده می‌شود، صدای گریه و التماس بنی اسرائیل، زیرا که راههای خویش را منحرف ساخته، و یهوه خدای خود را فراموش کرده‌اند. ۲۲ «ای فرزندان بی‌وفا بازگشت کنید، و من بی‌وفایی شما را شفا خواهم داد.» «اینک نزدت می‌آییم زیرا تویی یهوه، خدای ما. ۲۳ براستی که تپه‌ها فریبی بیش نیستند، غوغای فراز کوهها؛ براستی که نجات اسرائیل در یهوه خدای ماست. ۲۴ «ما بت پرستی شرم‌آور دسترنج پدران ما را، از گله و رَمه و پسران و دختران، از روزگار جوانی ما فرو بلعیده است. ۲۵ بیایید تا به شرمساری خود اذعان کنیم، بیایید تا رسوایی‌مان را در بر بگیریم، زیرا هم ما و هم پدران ما، از جوانی تا به امروز، به یهوه خدای خویش گناه ورزیده، و آواز یهوه خدای خود را نشنیده‌ایم.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الرَّابِعُ * ۱:۴-۳۱

۱ «إِنْ رَجَعْتَ يَا إِسْرَائِيلُ، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنْ رَجَعْتَ إِلَيَّ وَإِنْ نَزَعْتَ مَكْرَهَاتِكَ مِنْ أَمَامِي، فَلَا تَتَّبِعُهُ. ۲ وَإِنْ حَلَفْتُ: حَيٌّ هُوَ الرَّبُّ، بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ وَالْبِرِّ، فَتَبْتَكَ الشُّعُوبُ بِهِ، وَبِهِ يَفْتَخِرُونَ. ۳ «لَأَنَّهُ هكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِرِجَالِ يَهُودَا وَلَا أُورُشَلِيمَ: اخْرُثُوا لَأَنْفُسِكُمْ حَرَّتًا وَلَا تَزْرَعُوا فِي الْأَشْوَكَ. ۴ اخْتَبِنُوا لِلرَّبِّ وَانْزِعُوا غُرْلَ قُلُوبِكُمْ يَا رِجَالَ يَهُودَا وَسَكَانَ أُورُشَلِيمَ، لِئَلَّا يَخْرُجَ كَنَارٌ غَيْظِي، فَيَحْرِقَ وَلَيْسَ مَنْ يُطْفِئُ، بِسَبَبِ شَرِّ أَعْمَالِكُمْ».

۱ «خداوند می‌گوید: ای اسرائیل، اگر بازمی‌گردی، نزد من بازگشت کن. اگر بتهای منفور خویش را از حضورم دور سازی، و تزلزل به خود راه ندهی، ۲ اگر به راستی و عدالت و انصاف سوگند خورده،

بگویی: «حیات در پروردگار است،» آنگاه قومها خود را در او مبارک خواهند خواند و به او فخر خواهند کرد.» ۳ آری، خداوند به مردمان یهودا و اورشلیم چنین می‌فرماید: «زمینهای خود را شیار کنید، و در میان خاها کشت مکنید. ۴ ای مردان یهودا و ساکنان اورشلیم، خویشان را برای خداوند ختنه کنید، پرده دل‌هایتان را دور سازید، مبدا به سبب شرارت اعمال شما، خشم من چون آتش زبانه کشیده، بسوزاند، و کسی نباشد که آن را خاموش سازد.»

۵ أَخْبِرُوا فِي يَهُودَا، وَسَمِعُوا فِي أُورُشَلِيمَ، وَقُولُوا: اضْرِبُوا بِالْبُوقِ فِي الْأَرْضِ. نَادُوا بِصَوْتٍ عَالٍ وَقُولُوا: اجْتَمِعُوا، فَلْنَدْخُلِ الْمَدْنَ الْحَصِينَةَ. ۶ اِرْفَعُوا الرِّايَةَ نَحْوَ صِهْيُونَ. اِحْتَمُوا. لَا تَقْفُوا. لَأْتِي آتِي بِشَرٍّ مِنَ الشِّمَالِ، وَكَسِرَ عَظِيمٍ. ۷ قَدْ صَعِدَ الْأَسَدُ مِنْ غَابَتِهِ، وَرَخَفَ مُهْلِكُ الْأُمَمِ. خَرَجَ مِنْ مَكَانِهِ لِيَجْعَلَ أَرْضَكَ خَرَابًا. تُخَرَّبُ مَدْنُكَ فَلَا سَاكِنَ. ۸ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ تَنْطَقُوا بِمُسُوحٍ. الطُّمُوءُ وَوَلُولُوا لِأَنَّهُ لَمْ يَرْتَدَّ خُمُؤُ غَضَبِ الرَّبِّ عَنَّا. ۹ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، يَقُولُ الرَّبُّ، أَنْ قَلْبَ الْمَلِكِ يُعْدَمُ، وَقُلُوبُ الرُّؤَسَاءِ. وَتَتَحَيَّرُ الْكَهَنَةُ وَتَتَعَجَّبُ الْأَنْبِيَاءُ. ۱۰ فَقُلْتُ: «أَه، يَا سَيِّدُ الرَّبِّ، حَقًّا إِنَّكَ خِدَاعًا خَادَعْتَ هَذَا الشَّعْبَ وَأُورُشَلِيمَ، قَائِلًا: يَكُونُ لَكُمْ سَلَامٌ وَقَدْ بَلَغَ السَّيْفُ النَّفْسَ». ۱۱ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يُقَالُ لِهَذَا الشَّعْبِ وَأُورُشَلِيمَ: «رِيحٌ لَافِحَةٌ مِنَ الْهَضَابِ فِي الْبَرِّيَّةِ نَحْوَ بِنْتِ شَعْبِي، لَا لِلتَّنْزِيَةِ وَلَا لِلتَّنْقِيَةِ. ۱۲ رِيحٌ أَشَدُّ تَأْتِي لِي مِنْ هَذِهِ. الْآنَ أَنَا أَيْضًا أَحَاكِمُهُمْ».

بلا از جانب شمال: ۵ در یهودا اعلام کنید و در اورشلیم ندا در داده، بگوئید: «در سرتاسر این سرزمین گریه بنوازید، و به آواز بلند ندا کرده، بگوئید: «گرد آید تا به شهرهای حصاردار داخل شویم!» ۶ عکمی به سوی صهیون برافرازید؛ پناه بگیرید! درنگ مکنید! زیرا من بلایی از جانب شمال نازل می‌کنم و هلاکتی عظیم بر شما می‌آورم. ۷ «شیری از بیشه خود برآمده، و هلاک کننده قومها رهسپار شده است؛ او از مکان خویش به در آمده، تا سرزمین تو را ویران کند؛ شهرهای خراب خواهد شد، و خالی از سکنه خواهد گشت. ۸ بدین سبب پلاس در بر کنید، بر سینه خود بزنید و شیون نمایید، زیرا خشم آتشین خداوند از ما برنگشته است!» ۹ «خداوند می‌فرماید: در آن روز دل پادشاه و صاحبمنصبان خواهد لرزید، و کاهنان مبهوت و انبیا متحیر خواهند شد.» ۱۰ پس گفتم: «آه، ای سید پروردگار، براستی که این قوم و اورشلیم را به‌غایت فریفتی، آنگاه که گفتم، «شما را صلح و سلامت خواهد بود،» حال آنکه شمشیر به جان ایشان رسیده است!» ۱۱ در آن هنگام به این قوم و به اورشلیم گفته خواهد شد: «بادی سوزان از بلندیهای خشک بیابان به سوی قوم عزیز من می‌وزد، اما نه به جهت افشاندن و پاک کردن خرمن! ۱۲ بلکه بادی بس شدیدتر از آن برای من می‌وزد. حال من خود دآوری را بر ایشان اعلام خواهم کرد!»

۱۳ هُوَذَا كَسْحَابٌ يَصْعَدُ، وَكَزَوْبَةٌ مَرْكَبَاتُهُ. أَسْرَعُ مِنَ النُّسُورِ خَيْلُهُ. وَيَلُّ لَنَا لَأَنَّا قَدْ أَخْرَيْنَا. ۱۴ اِغْسِيلِي مِنَ الشَّرِّ قَلْبَكَ يَا أُورُشَلِيمُ لِكَيْ تُخَلَّصِي. إِلَى مَتَى تَبَيْتُ فِي وَسْطِكَ أَفْكَارُكَ الْبَاطِلَةُ؟ ۱۵ لَأَنَّ صَوْتًا يُخْبِرُ مِنْ

دَان، وَيُسْمَعُ بَيْلَتِهِ مِنْ جَبَلِ أَفْرَايِمَ: ۱۶ «أُذْكُرُوا لِلْأَمَمِ. انْظُرُوا. أَسْمِعُوا عَلَى أُورُشَلِيمَ. الْمُحَاصِرُونَ أَتُونَ مِنْ أَرْضٍ بَعِيدَةٍ، فَيُطْلِقُونَ عَلَى مَدُنٍ يَهُودًا صَوْتَهُمْ. ۱۷ كَحَارِسِي خَفَلُ صَارُوا عَلَيْهَا حَوَالِيهَا، لِأَنَّهُا تَمَرَّدَتْ عَلَيَّ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۸ طَرِيقُكَ وَأَعْمَالُكَ صَنَعْتَ هَذِهِ لَكَ. هَذَا شَرُّكَ. فَإِنَّهُ مَرٌّ، فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَ قَلْبُكَ». ۱۹ أَحْشَائِي، أَحْشَائِي! تُوَجِّعُنِي جُدْرَانُ قَلْبِي. يَبْنِي فِي قَلْبِي. لَا أَسْتَطِيعُ السُّكُوتَ. لِأَنِّكَ سَمِعْتَ يَا نَفْسِي صَوْتَ الْبُوقِ وَهْتَافِ الْحَرْبِ. ۲۰ بِكَسْرِ عَلَى كَسْرِ نُودِي، لِأَنَّهُ قَدْ خَرِبَتْ كُلُّ الْأَرْضِ. بَعْتَهُ خَرِبَتْ خِيَامِي، وَشَقَقِي فِي لَحْظَةٍ. ۲۱ حَتَّى مَتَى أَرَى الرَّابَّةَ وَأَسْمَعُ صَوْتَ الْبُوقِ؟ ۲۲ «لَأَنَّ شَعْبِي أَحْمَقُ. إِنِّي لَمْ يَعْرِفُوا. هُمْ بَنُونَ جَاهِلُونَ وَهُمْ غَيْرُ فَاهِمِينَ. هُمْ حُكَمَاءُ فِي عَمَلِ الشَّرِّ، وَلَعَمَلِ الصَّالِحِ مَا يَفْهَمُونَ».

۱۳ هان او همچون ابری برمی آید، ارا به هایش همچون گردبادند! سپاهیانش تیزرتر از عقابند! وای بر ما، زیرا که هلاک شده ایم! ۱۴ ای اورشلیم، شرارت از دل بشوی تا نجات یابی؛ تا به کی سودای شرارت در سر می پروری؟ ۱۵ زیرا صدایی از داندان در می دهد، و از کوهستان افرایم بانگ مصیبت می زند. ۱۶ به قوما هشدار دهید که او در راه است؛ اورشلیم را داندان در داده، بگویید: «محاصره کنندگان از سرزمین دوردست می آیند، و بر ضد شهرهای یهودا نعره برمی کشند؛ ۱۷ همچون نگهبانان مزرعه، اورشلیم و اطرافش را احاطه می کنند، زیرا بر من عصیان ورزیده است؛ این است فرموده خداوند. ۱۸ رفتار و کردار خودت این را بر سرت آورده است؛ این مجازات توست، و چه تلخ است! اکنون تا به دلت رسیده.» ۱۹ احشای من، احشای من! از درد به خود می پیچم! آه از پرده های دلم! دل من به شدت می تپد، و خاموش نتوانم ماند. زیرا تو ای جان من نوای گرنا و هاتف جنگ را می شنوی! ۲۰ داندان می رسد که ویرانی از پی ویرانی! تمامی این سرزمین ویران شده است! خیمه هایم به ناگاه فرو ریخته، و سرپناهم در لحظه ای نابود شده است. ۲۱ تا به کی آن پرچم را بینم، و آواز گرنا بشنوم؟ ۲۲ «زیرا خداوند می گوید قوم من نادانند و مرا نمی شناسند؛ کودکانی بی عقلند و هیچ فهم ندارند. در بدی کردن ماهرند، اما نیکی کردن نمی دانند.»

۲۳ نَظَرْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَإِذَا هِيَ خَرِبَةٌ وَخَالِيَةٌ، وَإِلَى السَّمَاوَاتِ فَلَا نُورَ لَهَا. ۲۴ نَظَرْتُ إِلَى الْجِبَالِ وَإِذَا هِيَ تَرْتَجِفُ، وَكُلُّ الْأَكَامِ تَقْلَقَتْ. ۲۵ نَظَرْتُ وَإِذَا لَا إِنْسَانَ، وَكُلُّ طُيُورِ السَّمَاءِ هَرَبَتْ. ۲۶ نَظَرْتُ وَإِذَا الْبُسْتَانُ بَرِيَّةٌ، وَكُلُّ مَدْنِهَا نُقِصَتْ مِنْ وَجْهِ الرَّبِّ، مِنْ وَجْهِ حُمُومٍ غَضِبِهِ. ۲۷ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «خَرَابًا تَكُونُ كُلُّ الْأَرْضِ، وَلَكِنِّي لَا أَفْنِيهَا. ۲۸ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ تَنُوحُ الْأَرْضُ وَتُظْلِمُ السَّمَاوَاتُ مِنْ فَوْقُ، مِنْ أَجْلِ أَنِّي قَدْ تَكَلَّمْتُ. قَصَدْتُ وَلَا أُنْذِمُ وَلَا أَرْجِعُ عَنْهُ». ۲۹ مِنْ صَوْتِ الْفَارِسِ وَرَامِي الْقَوْسِ كُلُّ الْمَدِينَةِ هَارِبَةٌ. دَخَلُوا الْغَابَاتِ وَصَعِدُوا عَلَى الصُّخُورِ. كُلُّ الْمَدُنِ مَتْرُوكَةٌ، وَلَا إِنْسَانَ سَاكِنٍ فِيهَا. ۳۰ وَأَنْتِ أَيَّتُهَا الْخَرِبَةُ، مَاذَا تَعْمَلِينَ؟ إِذَا لَبَسْتَ قِرْمِزًا، إِذَا تَزَيَّنْتَ بِزِينَةٍ مِنْ ذَهَبٍ، إِذَا كَحَلْتَ بِالْأَثْمَدِ عَيْنَيْكَ، فَبَاطِلًا تُحْسِنِينَ ذَاتَكَ، فَقَدْ رَدَلَكَ الْعَاشِقُونَ. يَطْلُبُونَ نَفْسَكَ. ۳۱ لِأَنِّي سَمِعْتُ صَوْتًا كَمَاخِضَةً، ضَيْقًا مِثْلَ ضَيْقِ بَكْرِيَّةٍ. صَوْتُ ابْنَةٍ صِهْيُونِ تَزْفِرُ. تَبْسُطُ يَدَيْهَا قَائِلَةً: «وَيْلٌ لِي، لِأَنَّ نَفْسِي قَدْ أَغْمِيَ عَلَيْهَا بِسَبَبِ الْقَاتِلِينَ».

۲۳ بر زمین نظر افکندم، و اینک بی‌شکل و خالی بود؛ و بر آسمان، و هیچ نور نداشت. ۲۴ به کوهها نظر کردم، و اینک لرزان بودند؛ و تمامی تلها در جنبش. ۲۵ نگریستم و اینک هیچ انسانی نبود، و تمامی پرندگان آسمان گریخته بودند. ۲۶ نظر کردم و اینک بوستان بیابان گشته، و شهرهایش یکسره با خاک یکسان شده بود، از حضور خداوند و از آتش خشم او. ۲۷ زیرا خداوند چنین می‌فرماید: «این سرزمین یکسره ویران خواهد شد، اما آن را به تمامی نابود نخواهم کرد. ۲۸ «از این رو زمین به سوگ خواهد نشست، و آسمان در بالا سیاه خواهد شد؛ زیرا که من سخن گفتم و قصد کردم؛ منصرف نخواهم شد و از آن بر نخواهم گشت.» ۲۹ از صدای سواران و کمانگیران، ساکنان شهرها جملگی می‌گریزند؛ به بیشه‌ها داخل می‌شوند، و به صخره‌ها برمی‌آیند. شهرها همه متروک گشته، و هیچ کس در آنها ساکن نیست. ۳۰ و تو، ای ویران شده، این چه کار است که می‌کنی؟ چرا جامه سرخ بر تن می‌کنی، و خویشتن را به زیورهای طلا می‌آرایی؟ چرا سرمه بر چشم می‌کشی؟ زیرا که خود را به عبث می‌آرایی. عاشقانت تو را خوار شمرده‌اند و قصد جانت دارند. ۳۱ زیرا که فریادی شنیدم همچون فریاد زنی در حال زای، ضجه‌ای مانند ضجه مادری که نخستین فرزندش را می‌زاید؛ فریاد دختر صهیون را شنیدم که نفسش بند آمده، و دستان خویش دراز کرده، می‌گوید: «وای بر من! زیرا که در دست قاتلان از هوش می‌روم!»

سفر ارمیا: الأصحاح الخامس * ۵: ۱-۳۱

۱ «طُوفُوا فِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ وَانْظُرُوا، وَاعْرِفُوا وَفَتِّشُوا فِي سَاخَاتِهَا، هَلْ تَجِدُونَ إِنْسَانًا أَوْ يُوجَدُ عَامِلٌ بِالْعَدْلِ طَالِبُ الْحَقِّ، فَاصْفَحْ عَنْهَا؟ ۲ وَإِنْ قَالُوا: حَيُّ هُوَ الرَّبُّ. فَإِنَّهُمْ يَخْلِفُونَ بِالْكَذِبِ!» ۳ يَا رَبِّ، أَلَيْسَتْ عَيْنَاكَ عَلَى الْحَقِّ؟ ضَرَبْتَهُمْ فَلَمْ يَتَوَجَّعُوا. أَفَنِيَّتُهُمْ وَأَبْوَا قُبُولِ التَّأْدِيبِ. صَلَّبُوا وَجُوهَهُمْ أَكْثَرَ مِنَ الصَّخْرِ. أَبْوَا الرَّجُوعِ. ۴ أَمَّا أَنَا فَقُلْتُ: إِنَّمَا هُمْ مَسَاكِينُ. قَدْ جَهِلُوا لِأَنَّهُمْ لَمْ يَعْرِفُوا طَرِيقَ الرَّبِّ، قَضَاءَ إِلَهُهِمْ. ۵ أَنْطَلِقُ إِلَى الْعُظَمَاءِ وَأُكَلِّمُهُمْ لِأَنَّهُمْ عَرَفُوا طَرِيقَ الرَّبِّ، قَضَاءَ إِلَهُهِمْ. أَمَّا هُمْ فَقَدْ كَسَرُوا النَّيْرَ جَمِيعًا وَقَطَعُوا الرُّبْطَ. ۶ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ يَضْرِبُهُمُ الْأَسَدُ مِنَ الْوَعْرِ. ذُئِبُ الْمَسَاءِ يَهْلِكُهُمْ. يَكْمُنُ النَّمِرُ حَوْلَ مَذْنِبِهِمْ. كُلُّ مَنْ خَرَجَ مِنْهَا يُفْتَرَسُ لِأَنَّ ذُنُوبَهُمْ كَثُرَتْ. تَعَاظَمَتْ مَعَاصِيهِمْ! ۷ «كَيْفَ أَصْفَحُ لَكَ عَنْ هَذِهِ؟ بَنُوكِ تَرْكُونِي وَخَلَفُوا بِمَا لَيْسَتْ إِلَهَةٌ. وَلَمَّا أَشْبَعْتُهُمْ زَنَوا، وَفِي بَيْتِ زَانِيَةٍ تَزَاخَمُوا. ۸ صَارُوا حُصْنًا مَغْلُوفَةً سَائِبَةً. صَهَلُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَلَى امْرَأَةٍ صَاحِبِهِ. ۹ أَمَّا أُعَاقِبُ عَلَى هَذَا، يَقُولُ الرَّبُّ؟ أَوْ مَا تَنْتَقِمُ نَفْسِي مِنْ أُمَّةٍ كَهَذِهِ؟

۱ در کوچه‌های اورشلیم بالا و پایین رفته، بنگرید و ملاحظه کنید؛ میدانهایش را جستجو کنید و ببینید آیا یک تن توانید یافت که به انصاف عمل کند و در پی صداقت باشد، تا من آن را بیامرزم؟ ۲ اگرچه ایشان بگویند: «حیات در پروردگار است»، اما سوگندشان دروغ است. ۳ خداوندا، آیا چشمان تو جویای

صداقت نیست؟ تو ایشان را زدی، اما محزون نشدند؛ ایشان را خُرد کردی، اما نخواستند ادب شوند. روی خود را از سنگ سختتر ساختند، و نخواستند توبه کنند. ۴ گفتم: «اینان افرادی بینوا و نادان بیش نیستند، زیرا طریق خداوند و قوانین خدای خویش را نمی‌دانند. ۵ پس نزد بزرگان می‌روم و با ایشان سخن می‌گویم؛ زیرا آنان طریق خداوند و قوانین خدای خویش را می‌دانند.» اما آنان نیز به اتفاق یوغ را شکسته، و بندها را گسسته‌اند. ۶ از این رو، شیری از جنگل به آنها حمله خواهد کرد، و گرگ بیابان ایشان را پاره خواهد نمود. پلنگ برای شهرهایشان به کمین خواهد نشست، و هر که از آنها بیرون آید، پاره پاره خواهد شد؛ زیرا نافرمانیهایشان بسیار است و ارتدادشان عظیم. ۷ «چگونه می‌توانم تو را بیمارزم؟ فرزندان مرا ترک کرده‌اند و به آنچه خدا نیست، سوگند می‌خورند. چون من ایشان را سیر کردم، مرتکب زنا شدند و به خانه‌های فاحشه‌ها هجوم آوردند. ۸ چون اسبان پرورده شده و مست شهوت، هر یک برای زن همسایه خویش شیهه می‌کشند. ۹ آیا نباید برای این کارها مجازاتشان کنم؟ آیا نباید از چنین قومی انتقام بگیرم؟ این است فرموده خداوند.

۱۰ «اصْعَدُوا عَلَى أَسْوَارِهَا وَاخْرُبُوا وَلَكِنْ لَا تُفْنَوْهَا. اِنْزِعُوا أَفْنَانَهَا لِأَنَّهُا لَيْسَتْ لِلرَّبِّ. ۱۱ لِأَنَّهُ خِيَانَةٌ خَانِي بَيْتِ إِسْرَائِيلَ وَبَيْتُ يَهُوذَا، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۲ جَحَدُوا الرَّبَّ وَقَالُوا: لَيْسَ هُوَ، وَلَا يَأْتِي عَلَيْنَا شَرٌّ، وَلَا نَرَى سَيْفًا وَلَا جُوعًا، ۱۳ وَالْأَنْبِيَاءُ يَصِيرُونَ رِيحًا، وَالْكَلِمَةُ لَيْسَتْ فِيهِمْ. هَكَذَا يُصْنَعُ بِهِمْ. ۱۴ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ الْجُنُودِ: مِنْ أَجْلِ أَنْكُمْ تَتَكَلَّمُونَ بِهَذِهِ الْكَلِمَةِ، هَذَا جَاعِلٌ كَلَامِي فِي فَمِكَ نَارًا، وَهَذَا الشَّعْبُ حَطَبًا، فَتَأْكُلُهُمْ. ۱۵ هَذَا أَجْلِبُ عَلَيْكُمْ أُمَّةً مِنْ بَعْدِ يَا بَيْتَ إِسْرَائِيلَ، يَقُولُ الرَّبُّ. أُمَّةٌ قَوِيَّةٌ. أُمَّةٌ مُنْذُ الْقَدِيمِ. أُمَّةٌ لَا تَعْرِفُ لِسَانَهَا وَلَا تَفْهَمُ مَا تَتَكَلَّمُ بِهِ. ۱۶ جُعِبْتُهُمْ كَقَبْرِ مَفْتُوحٍ. كُلُّهُمْ جَبَابِرَةٌ. ۱۷ فَيَأْكُلُونَ حَصَادَكَ وَخُبْزَكَ الَّذِي يَأْكُلُهُ بَنُوكَ وَبَنَاتُكَ. يَأْكُلُونَ غَنَمَكَ وَبَقْرَكَ. يَأْكُلُونَ جَفَنَتَكَ وَتِينَكَ. يُهْلِكُونَ بِالسَّيْفِ مِثْلَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي أَنْتَ مُكَلِّلٌ عَلَيْهَا. ۱۸ وَأَيْضًا فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ، يَقُولُ الرَّبُّ، لَا أَفْنِيكُمْ. ۱۹ «وَيَكُونُ حِينَ تَقُولُونَ: لِمَادًا صَنَعَ الرَّبُّ إِلَهُنَا بِنَا كُلِّ هَذِهِ؟ تَقُولُ لَهُمْ: كَمَا أَنْكُمْ تَرَكْتُمُونِي وَعَبَدْتُمْ آلِهَةً غَرِيبَةً فِي أَرْضِكُمْ، هَكَذَا تَعْبُدُونَ الْغُرَبَاءَ فِي أَرْضٍ لَيْسَتْ لَكُمْ».

۱۰ «از میان تاکستانهایش بگذرید و ویران کنید، اما نه تا به نهایت؛ شاخه‌هایش را ببرید، زیرا که از آن خداوند نیستند. ۱۱ خداوند می‌فرماید: خاندان اسرائیل و یهودا، به‌غایت بر من خیانت ورزیده‌اند. ۱۲ آنان درباره خداوند به دروغ گفته‌اند: "او کاری نخواهد کرد؛ گزندى به ما نخواهد رسید، و روی شمشیر و قحطی نخواهیم دید. ۱۳ انبیا (دروغین) باد گشته‌اند و بس! کلام در ایشان نیست؛ پس باشد که آنچه می‌گویند، بر سر خودشان آید!" ۱۴ از این رو خداوند، پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «چونکه قوم این کلام را گفتند، همانا من کلام خود را در دهان تو آتش خواهم ساخت، و این قوم را هیزم خواهم

گردانید، و آنان را خواهد سوزانید. ۱۵ خداوند می‌فرماید: ای خاندان اسرائیل، اینک من قومی را از دوردستها بر ضد شما می‌آورم، قومی کهنسال و پابرجا، مردمانی که زبانشان را نمی‌دانید، و گفتارشان را نمی‌فهمید. ۱۶ جعبه تیر آنها گور گشاده است، و جملگی جنگاورانی نیرومندند. ۱۷ غله و نانت را خواهند خورد؛ و پسران و دخترانت را فرو خواهند بلعید؛ گله و رمه‌ات را خواهند خورد؛ و انگور و انجیرت را فرو خواهند بلعید؛ شهرهای حصاردارت را که بدانها توکل داری به شمشیر نابود خواهند کرد. ۱۸ «اما خداوند می‌گوید: با این همه، در آن روزها نیز به کل نابودتان نخواهم کرد؛ ۱۹ و چون قوم تو گویند: «چرا یهوه خدایمان همه این بلایا را بر ما وارد آورده است؟»، بدیشان بگو: «چنانکه شما مرا ترک کردید و خدایان بیگانه را در سرزمین خویش خدمت نمودید، پس بیگانگان را در سرزمینی که از آن شما نیست، خدمت خواهید کرد.»

۲۰ أَخْبِرُوا يَهْدَا فِي بَيْتِ يَعْقُوبَ وَأَسْمِعُوا بِهِ فِي يَهُودَا قَائِلِينَ: ۲۱ اِسْمَعْ هَذَا الشَّعْبُ الْجَاهِلُ وَالْعَدِيمُ الْفَهْمُ، الَّذِينَ لَهُمْ أَغْنُيُ وَلَا يُبْصِرُونَ. لَهُمْ أَذَانٌ وَلَا يَسْمَعُونَ. ۲۲ أَلَيْتَايَ لَا تَخْشَوْنَ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ أَوَلَا تَرْتَعِدُونَ مِنْ وَجْهِِي؟ أَنَا الَّذِي وَضَعْتُ الرَّمْلَ تَحُومًا لِلْبَحْرِ فَرِيضَةً أَبَدِيَّةً لَا يَتَعَدَّاهَا، فَتَتَلَطَّمُ وَلَا تَسْتَطِيعُ، وَتَبْجَعُ أَمْوَاجُهُ وَلَا تَتَجَاوَزُهَا. ۲۳ وَصَارَ لِهَذَا الشَّعْبِ قَلْبٌ غَاصٍ وَمُتَمَرِّدٌ. عَصَوْا وَمَضَوْا. ۲۴ وَلَمْ يَقُولُوا بِقُلُوبِهِمْ: لِنَخَفِ الرَّبِّ إِلَهِنَا الَّذِي يُعْطِي الْمَطَرَ الْمُبَكَّرَ وَالْمُتَأَخَّرَ فِي وَقْتِهِ. يَحْفَظُ لَنَا أَسَابِيعَ الْحَصَادِ الْمَقْرُوضَةِ. ۲۵ «أَتَأْتِكُمْ عَكْسَتْ هَذِهِ، وَخَطَايَاكُمْ مَنَعَتِ الْخَيْرَ عَنْكُمْ. ۲۶ لَأَنَّهُ وَجِدَ فِي شَعْبِي أَشْرَارَ يَرْضُدُونَ كَمْخَنٍ مِنَ الْقَانِصِينَ، يَنْصِبُونَ أَشْرَاكَ يُمْسِكُونَ النَّاسَ. ۲۷ مِثْلَ قَفْصٍ مَلَانٍ طُيُورًا هَكَذَا يُبْثِثُهُمْ مَلَانَةٌ مَكْرًا. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ عَظُمُوا وَاسْتَغْنَوْا. سَمِنُوا. لَمَعُوا. أَيْضًا تَجَاوَزُوا فِي أُمُورِ الشَّرِّ. لَمْ يَقْضُوا فِي الدَّعْوَى، دَعْوَى الْيَتِيمِ. وَقَدْ نَجَحُوا. وَبِحَقِّ الْمَسَاكِينِ لَمْ يَقْضُوا. ۲۹ أَفَلَا جَلِ هَذِهِ لَا أَعَاقِبُ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ أَوَلَا تَنْتَقِمُ نَفْسِي مِنْ أُمَّةٍ كَهَذِهِ؟ ۳۰ «صَارَ فِي الْأَرْضِ دَهْشٌ وَقَشَعْرِيرَةٌ. ۳۱ الْأَنْبِيَاءُ يَتَنَبَّأُونَ بِالْكَذِبِ، وَالْكَهَنَةُ تَحْكُمُ عَلَى أَيْدِيهِمْ، وَشَعْبِي هَكَذَا أَحَبَّ. وَمَاذَا تَعْمَلُونَ فِي آخِرَتِهَا؟

۲۰ این را به خاندان یعقوب اعلان کنید، و در یهودا ندا در داده، بگویند: ۲۱ «ای ملت نادان و بی‌فهم، این را بشنوید! ای شما که چشم دارید اما نمی‌بینید، و گوش دارید اما نمی‌شنوید. ۲۲ خداوند می‌فرماید: آیا از من نمی‌ترسید؟ آیا در حضور من نمی‌لرزید؟ من دانه‌های شن را بر دریا حد قرار دادم، سدی دائمی که از آن نتواند گذشت. اگرچه امواجش به تلاطم آید، غلبه نتواند یافت؛ و هرچند به خروش آید، از آن تجاوز نتواند کرد. ۲۳ اما این قوم را دلی سخت و طغیانگر است؛ آنان روی برتافته، به راه خود رفته‌اند. ۲۴ در دل خویش نمی‌گویند: «بیاید از یهوه خدایمان بترسیم، که باران پاییزی و بهاری را در موسمش عطا می‌کند، و هفته‌های معین به جهت حصاد را برای ما نگاه می‌دارد.» ۲۵ خطایای شما این چیزها را دور

کرده، و گناهانتان نیکویی را از شما بازداشته است. ۲۶ «زیرا در میان قوم من بدکارانی یافت شده‌اند که همچون صیادان به کمین می‌نشینند، و دامها می‌گسترند تا مردم را صید کنند. ۲۷ همچون قفسی پر از پرنده، خانه‌های ایشان پر از فریب است؛ از همین روست که بزرگ و دولتمند شده‌اند، ۲۸ و فربه و آراسته گشته‌اند. کارهای زشتشان را حدی نیست؛ یتیمان را به عدل دادرسی نمی‌کنند تا پیروز شوند، و به دفاع از حق نیازمندان بر نمی‌خیزند. ۲۹ آیا نباید به سبب این اعمال مجازاتشان کنم؟ آیا نباید خود از چنین قومی انتقام بکشم؟» این است فرموده خداوند. ۳۰ چیزی تکان‌دهنده و هولناک در این سرزمین رخ داده است: ۳۱ انبیا به دروغ نبوت می‌کنند، و کاهنان به اقتدار خویش حکم می‌رانند، و قوم من این حالت را دوست می‌دارند، اما در آخر چه خواهید کرد؟

سفر ارمیا: الأصحاح السادس * ۱:۶-۳۰

۱ «أهْرَبُوا يَا بَنِي بَنِيَامِينَ مِنْ وَسْطِ أُورُشَلِيمَ، وَاضْرِبُوا بِالْبُوقِ فِي تَقْوَعٍ، وَعَلَى بَيْتِ هَكَارِيمَ ارْفَعُوا عَلَمَ نَارٍ، لِأَنَّ الشَّرَّ أَشْرَفَ مِنَ الشِّمَالِ وَكَسَرَ عَظِيمٌ. ۲ الْجَمِيلَةُ اللَّطِيفَةُ ابْنَةُ صِهْيَوْنَ أَهْلِكُهَا. ۳ إِلَيْهَا تَأْتِي الرِّعَاةُ وَقُطْعَانُهُمْ. يَنْصِبُونَ عِنْدَهَا خِيَامًا حَوْلَإِهَا. يَرْعُونَ كُلُّ وَاحِدٍ فِي مَكَانِهِ». ۴ «قَدِّسُوا عَلَيْهَا حَرَبًا. قُومُوا فَانْصَعِدْ فِي الظَّهِيرَةِ. وَيَلُّ لَنَا لِأَنَّ النَّهَارَ مَالٍ، لِأَنَّ ظِلَالَ الْمَسَاءِ امْتَدَّتْ. ۵ قُومُوا فَانْصَعِدْ فِي اللَّيْلِ وَنَهْدِمْ قُصُورَهَا». ۶ «لَأنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: اقْطَعُوا أَشْجَارًا. أَقِيمُوا حَوْلَ أُورُشَلِيمَ مَنْرَسَةً. هِيَ الْمَدِينَةُ الْمُعَاقَبَةُ. كُلُّهَا ظُلْمٌ فِي وَسْطِهَا. ۷ كَمَا تُنْبَعُ الْعَيْنُ مِيَاهَهَا، هَكَذَا تُنْبَعُ هِيَ شَرَّهَا. ظُلْمٌ وَخَطْفٌ يُسْمَعُ فِيهَا. أَمَامِي دَائِمًا مَرَضٌ وَضَرْبٌ. ۸ تَأْدِيبِي يَا أُورُشَلِيمَ لِئَلَّا تَجْفُوكِ نَفْسِي. لِئَلَّا أَجْعَلَكَ خَرَابًا، أَرْضًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ.

۱ ای فرزندان بنیامین، به دور از اورشلیم پناه بگیرید! در تقوَع کَرنا بنوازید! بر بیت هَکَاریم علامتی برافرازید! زیرا بلایی از جانب شمال به ظهور می‌رسد؛ نابودی عظیم! ۲ من دختر صَهیون را نابود خواهم کرد، آن دختر زیبا و ظریف را. ۳ شبانان با گله‌های خود بر ضد او بر خواهند آمد، آنان خیمه‌های خود را گرداگرد او بر پا خواهند کرد، و هر یک در جای خود به چرانیدن مشغول خواهند شد. ۴ «برای نبرد با وی آماده شوید؛ به پا خیزید تا به هنگام ظهر حمله کنیم! وای بر ما، زیرا که روز رو به زوال است، و سایه‌های عصر دراز می‌شود. ۵ به پا خیزید، تا شبانگاه بر آن یورش ببریم، و کاخهایش را ویران کنیم!» ۶ زیرا پروردگار لشکریان می‌فرماید: «درختان را قطع کرده، در برابر اورشلیم سنگر بسازید؛ این شهر باید مکافات ببیند، زیرا درون آن آکنده از ظلم است. ۷ چنانکه چاه آب خود را خنک نگاه می‌دارد، او نیز شرارتش را تازه نگاه می‌دارد؛ در اندرونش خشونت و ویرانی طنین‌انداز است؛ بیماریها و زخم‌هایش پیوسته

در نظر من است. ۸ ای اورشلیم، هشدار بپذیر، مبادا از تو رویگردان شوم، و تو را به ویرانه‌ای بدل سازم، به سرزمینی خالی از سکنه!»

۹ « هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: تَغْلِيلاً يُعْلَلُونَ، كَجَفَنَةِ بَقِيَّةِ إِسْرَائِيلَ. رُدَّ يَدُكَ كَقَاطِفٍ إِلَى السَّيْلِ. ۱۰ مَنْ أَكَلِمَهُمْ وَأَنْذَرَهُمْ فَيَسْمَعُوا؟ هَا إِنَّ أَذْنَهُمْ غُلْفَاءُ فَلَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَصْغَوْا. هَا إِنَّ كَلِمَةَ الرَّبِّ صَارَتْ لَهُمْ غَارًا. لَا يُسَرُّونَ بِهَا. ۱۱ فَاْمْتَلَأْتُ مِنْ غَيْظِ الرَّبِّ. مِلْتُ الطَّاقَةَ. أَسْكَبْتُ عَلَى الْأَطْفَالِ فِي الْخَارِجِ وَعَلَى مَجْلِسِ الشَّبَّانِ مَعًا، لِأَنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ يُؤْخَذَانِ كِلَاهُمَا، وَالشَّيْخَ مَعَ الْمُمْتَلِيَةِ أَيَّامًا. ۱۲ وَتَتَحَوَّلُ بُيُوتُهُمْ إِلَى آخِرِينَ، الْحُقُولُ وَالنِّسَاءُ مَعًا، لِأَنِّي أُمِدُّ يَدَيَّ عَلَى سُكَّانِ الْأَرْضِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۳ لَأَنْهَهُمْ مِنْ صَغِيرِهِمْ إِلَى كَبِيرِهِمْ، كُلُّ وَاحِدٍ مُوَلِّعٌ بِالرَّيْحِ. وَمِنَ النَّبِيِّ إِلَى الْكَاهِنِ، كُلُّ وَاحِدٍ يَعْمَلُ بِالْكَذِبِ. ۱۴ وَيَشْفُونَ كَسْرَ بِنْتِ شَعْبِي عَلَى عَثَمٍ قَائِلِينَ: سَلَامٌ، سَلَامٌ. وَلَا سَلَامَ. ۱۵ هَلْ خَزُوا لَأَنْهَهُمْ عَمَلُوا رِجْسًا؟ بَلْ لَمْ يَخْزَوْا خِزْيًا وَلَمْ يَعْرِفُوا الْخَجَلَ. لِذَلِكَ يَسْقُطُونَ بَيْنَ السَّاقِطِينَ. فِي وَقْتِ مُعَاقَبَتِهِمْ يَعْتُرُونَ، قَالَ الرَّبُّ.

۹ پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «باقیمانده‌گان اسرائیل را همچون تاقی، به تمامی خوشه‌چینی خواهند کرد؛ پس همچون کسی که انگور می‌چیند، دست خود را دیگر بار بر شاخه‌هایش دراز کن!» ۱۰ با چه کسانی سخن گویم و هشدارشان دهم، تا بشنوند؟ آنها گوشه‌هایشان ختنه‌ناشده است، و توان شنیدن ندارند؛ کلام خداوند برای ایشان مایه تمسخر است، و رغبتی بدان ندارند. ۱۱ از این رو از خشم خداوند آکنده‌ام، و از بازداشتن آن خسته گشته‌ام. «آن را بر کودکان در کوچه‌ها بریز، بر گردهم آیی جوانان، مرد و زن، هر دو بدان گرفتار خواهند آمد، و پیران و کهنسالان نیز. ۱۲ خانه‌هایشان از آن دیگران خواهد شد، و مزارع و زنانشان جملگی؛ زیرا من دست خویش را بر ضد ساکنان این سرزمین دراز خواهم کرد؛» این است فرموده خداوند. ۱۳ «زیرا که از خرد و بزرگ، جملگی در طمع سود نامشروعند؛ از نبی و کاهن، جملگی دغل‌کارند. ۱۴ جراحات قوم مرا اندک شفایی داده، می‌گویند: «سلامتی است؛ سلامتی است»، حال آنکه سلامتی نیست. ۱۵ آیا از انجام کارهای کراهِت‌آور شرم دارند؟ نه! هیچ شرمی ندارند؛ آنان بویی از شرم و حیا نبرده‌اند. از این رو در میان افتادگان خواهند افتاد، و هنگامی که مجازاتشان کنم، سرنگون خواهند شد؛» این است فرموده خداوند.

۱۶ « هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: قِفُوا عَلَى الطَّرِيقِ وَانْظُرُوا، وَاسْأَلُوا عَنِ السَّبِيلِ الْقَدِيمَةِ: أَيْنَ هُوَ الطَّرِيقُ الصَّالِحُ؟ وَسِيرُوا فِيهِ، فَتَجِدُوا رَاحَةً لِنَفْسِكُمْ. وَلَكِنْهُمْ قَالُوا: لَا نَسِيرُ فِيهِ! ۱۷ وَأَقَمْتُ عَلَيْكُمْ رُقَبَاءَ قَائِلِينَ: اصْغُوا لِصَوْتِ الْبُوقِ. فَقَالُوا: لَا نَصْعَى! ۱۸ لِذَلِكَ اسْمَعُوا يَا أَيُّهَا الشُّعُوبُ، وَاعْرِفِي أَيْتَهَا الْجَمَاعَةُ مَا هُوَ بَيْنَهُمْ. ۱۹ اِسْمَعِي أَيْتَهَا الْأَرْضُ: هَآنَذَا جَالِبٌ شَرًّا عَلَى هَذَا الشَّعْبِ ثَمَرُ أَفْكَارِهِمْ، لَأَنْهَهُمْ لَمْ يَصْغَوْا لِكَلَامِي، وَشَرِيعَتِي رَفَضُوهَا. ۲۰ لِمَاذَا يَأْتِي لِي اللَّبَانُ مِنْ شَبَا، وَقَصَبُ الذَّرِيرَةِ مِنْ أَرْضِ بَعِيدَةٍ؟ مُحْرِقَاتُكُمْ غَيْرُ مَقْبُولَةٍ، وَذَبَائِحُكُمْ لَا تَلْذُّ لِي.

۲۱ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا جَاعِلٌ لِهَذَا الشَّعْبِ مَعَثَرَاتٍ فَيَعَثُرُ بِهَا الْآبَاءُ وَالْأَبْنَاءُ مَعًا. الْجَارُ وَصَاحِبُهُ يَبِيدَانِ. ۲۲ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هُوَذَا شَعْبٌ قَادِمٌ مِنْ أَرْضِ الشِّمَالِ، وَأُمَّةٌ عَظِيمَةٌ تَقُومُ مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ. ۲۳ تُمَسِكُ الْقَوْسَ وَالرَّمْحَ. هِيَ قَاسِيَةٌ لَا تَرْحَمُ. صَوْتُهَا كَالْبَحْرِ يَعْجُ، وَعَلَى خَيْلٍ تَرْكَبُ، مُصْطَفَةً كَانِئْسَانِ لِمُحَارَبَتِكَ يَا ابْنَةَ صِهْيُونَ». ۲۴ سَمِعْنَا خَبَرَهَا. ارْتَحَتْ أَيْدِينَا. أَمْسَكْنَا ضِيقٌ وَوَجَعٌ كَالْمَاخِضِ. ۲۵ لَا تَخْرُجُوا إِلَى الْحَقْلِ وَفِي الطَّرِيقِ لَا تَمْشُوا، لِأَنَّ سَيْفَ الْعَدُوِّ خَوْفٌ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ.

۱۶ خداوند چنین می فرماید: «بر طریقها ایستاده، بنگرید؛ درباره راههای قدیم پی رسید که راه نیکو کدام است. در آن گام بردارید تا برای جانهای خود استراحت بیابید. اما گفتید، "گام بر نخواهیم داشت." ۱۷ من بر شما دیدبانان گماشته، گفتم: "به آواز بوق زنان گوش دهید!" اما گفتید، "گوش نخواهیم داد." ۱۸ پس حال ای قومها، بشنوید، و ای جماعت، بدانید که بر سر ایشان چه خواهد آمد. ۱۹ ای زمین بشنو: اکنون من بلایی بر این قوم نازل خواهم کرد، که ثمره نقشه های خودشان است؛ زیرا که به کلام من گوش فرادادند، و شریعت مرا ترک کردند. ۲۰ بخور صبا و نی خوشبویی که از راه دور می آورند، به چه کار من می آید؟ هدایای تمام سوزتان مقبول نیست، و قربانیهای شما مرا خوشنود نمی سازد. ۲۱ از این رو خداوند چنین می فرماید: "اینک من پیش روی این قوم سنگهای لغزش دهنده می نهیم؛ پدران و پسران با هم بر آن خواهند لغزید، و همسایگان و دوستان هلاک خواهند شد." ۲۲ خداوند می فرماید: «هان ملتی از سرزمین شمال می آید؛ قومی عظیم از کرانه های زمین برانگیخته شده است. ۲۳ آنان کمان و نیزه برمی گیرند، و ستمکیش و بی رحمند. صدایشان همچون خروش دریاست؛ سوار بر اسب همچون رزم آوران صف آرایی کرده اند، بر ضد تو، ای دختر صهیون!» ۲۴ خبر آن را شنیده ایم، و دستهایمان سست شده است؛ عذاب ما را در گرفته، درد، همچون زنی در حال زای. ۲۵ به مزرعه بیرون مشوید، و در راهها گام مزنید، زیرا دشمن شمشیر به دست دارد، و در هر سو رعب و وحشت است.

۲۶ يَا ابْنَةَ شَعْبِي، تَنْطَلِقِي بِمِسْحٍ وَتَمَرَّغِي فِي الرَّمَادِ. نَوْحٌ وَحِيدٍ اصْنَعِي لِنَفْسِكَ مَنَاحَةً مَرَّةً، لِأَنَّ الْمُخْرَبَ يَأْتِي عَلَيْنَا بَغْتَةً. ۲۷ «قَدْ جَعَلْتُكَ بُرْجًا فِي شَعْبِي، حِصْنًا، لِتَعْرِفَ وَتَمْتَحِنَ طَرِيقَهُ. ۲۸ كُلُّهُمْ غَصَاةٌ مُتَمَرِّدُونَ سَاعُونَ فِي الْوَسَايَةِ. هُمْ نُحَاسٌ وَحَدِيدٌ. كُلُّهُمْ مُفْسِدُونَ. ۲۹ اخْتَرَقَ الْمُنْفَاخُ مِنَ النَّارِ. فَنِي الرِّصَاصِ. بَاطِلًا صَاغَ الصَّانِعُ، وَالْأَشْرَارُ لَا يُفَرِّزُونَ. ۳۰ فَضَّةٌ مَرْفُوضَةٌ يُدْعَوْنَ. لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ رَفَضَهُمْ».

۲۶ ای قوم عزیز من، پلاس در بر کن و در خاکستر غلتان شو؛ مرثیه ای تلخ بخوان، چنانکه گویی برای یگانه فرزندات! زیرا که به ناگاه، هلاک کننده بر ما فرود خواهد آمد. ۲۷ «من تو را آزماینده فلزات قرار دادم، تا قوم مرا همچون سنگ معدن بیازمایی، و راههای ایشان را بدانی. ۲۸ آنان جملگی به غایت سرکشند، دور می گردند و بدگویی می کنند. همچون برنج و آهنند، و جملگی فساد را به عمل می آورند.

۲۹ دم کوره به شدت می دمد، سرب در آتش محو می شود؛ ولی تصفیه یهوده ادامه می یابد، زیرا شیران زدوده نمی شوند. ۳۰ آنان 'نقره مردود' خوانده می شوند، زیرا خداوند آنان را رد کرده است.»

سفر ارمیا: الأصحاح السابع * ۱:۷-۳۴

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «قِفْ فِي بَابِ بَيْتِ الرَّبِّ وَتَادِ هُنَاكَ بِهَذِهِ الْكَلِمَةِ وَقُلْ: اِسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا جَمِيعَ يَهُودَا الدَّاخِلِينَ فِي هَذِهِ الْأَبْوَابِ لَتَسْجُدُوا لِلرَّبِّ. ۳ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: أَصْلَحُوا طُرُقَكُمْ وَأَعْمَالَكُمْ فَأُسْكِنَكُمْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ. ۴ لَا تَتَكَلَّمُوا عَلَى كَلَامِ الْكَذِبِ قَائِلِينَ: هَيْكَلُ الرَّبِّ، هَيْكَلُ الرَّبِّ، هَيْكَلُ الرَّبِّ هُوَ! ۵ لَأَنْتُمْ إِنِ أَنْصَلَحْتُمْ إِصْلَاحًا طُرُقَكُمْ وَأَعْمَالَكُمْ، إِنِ أَجْرَيْتُمْ عَدْلًا بَيْنَ الْإِنْسَانِ وَصَاحِبِهِ، ۶ إِنِ لَمْ تَظْلِمُوا الْغَرِيبَ وَالْيَتِيمَ وَالْأَرْمَلَةَ، وَلَمْ تَسْفِكُوا دَمًا زَكِيًّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ، وَلَمْ تَسِيرُوا وَرَاءَ آلِهَةٍ أُخْرَى لِأَذَائِكُمْ ۷ فَإِنِّي أُسْكِنُكُمْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ، فِي الْأَرْضِ الَّتِي أُعْطَيْتُ لِأَبَائِكُمْ مِنَ الْأَزَلِ وَإِلَى الْأَبَدِ.

۱ این است کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ «بر دروازه خانه خداوند بایست و این کلام را در آنجا ندا کرده، بگو: ای جمیع مردم یهودا که برای پرستش خداوند از این دروازه ها داخل می شوید، کلام خداوند را بشنوید! ۳ پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: طریقه ها و اعمالتان را اصلاح کنید و من شما را در این مکان ساکن خواهم کرد. ۴ به این سخنان فریبنده اعتماد نکنید که "این است معبد خداوند! معبد خداوند! معبد خداوند!" ۵ زیرا اگر براستی طریقه ها و اعمالتان را اصلاح کنید و با یکدیگر به انصاف رفتار نمایید، ۶ اگر بر غریبان و یتیمان و بیوه زنان ستم نکنید و خون بی گناهان را در این مکان نریزید و خدایان غیر را به زیان خویش پیروی نکنید، ۷ آنگاه شما را در این مکان، در سرزمینی که تا ابد به پدرانتان بخشیدم، ساکن خواهم کرد.

۸ «هَا أَنْتُمْ مُتَكَلِّمُونَ عَلَى كَلَامِ الْكَذِبِ الَّذِي لَا يَنْفَعُ. ۹ أَتَسْرِقُونَ وَتَقْتُلُونَ وَتَزْنُونَ وَتَحْلِفُونَ كَذِبًا وَتُبْخِرُونَ لِلْبَعْلِ، وَتَسِيرُونَ وَرَاءَ آلِهَةٍ أُخْرَى لَمْ تَعْرِفُوهَا، ۱۰ ثُمَّ تَأْتُونَ وَتَقِفُونَ أَمَامِي فِي هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي دُعِيَ بِاسْمِي عَلَيْهِ وَتَقُولُونَ: قَدْ أَنْقَذَنَا. حَتَّى تَعْمَلُوا كُلَّ هَذِهِ الرَّجَاسَاتِ؟ ۱۱ هَلْ صَارَ هَذَا الْبَيْتُ الَّذِي دُعِيَ بِاسْمِي عَلَيْهِ مَغَارَةً لُصُوصٍ فِي أَعْيُنِكُمْ؟ هَآنَذَا أَيْضًا قَدْ رَأَيْتُ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۲ لَكِنْ اذْهَبُوا إِلَى مَوْضِعِي الَّذِي فِي شَيْلُوهَ الَّذِي أُسْكَنْتُ فِيهِ اسْمِي أَوَّلًا، وَانْظُرُوا مَا صَنَعْتُ بِهِ مِنْ أَجْلِ شَرِّ شَعْبِي إِسْرَائِيلَ. ۱۳ وَالْآنَ مِنْ أَجْلِ عَمَلِكُمْ هَذِهِ الْأَعْمَالِ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَقَدْ كَلَّمْتُكُمْ مُبَكَّرًا وَمُكَلِّمًا فَلَمْ تَسْمَعُوا، وَدَعَوْتُكُمْ فَلَمْ تُجِيبُوا، ۱۴ أَصْنَعُ بِالْبَيْتِ الَّذِي دُعِيَ بِاسْمِي عَلَيْهِ الَّذِي أَنْتُمْ مُتَكَلِّمُونَ عَلَيْهِ، وَبِالْمَوْضِعِ الَّذِي أُعْطَيْتُكُمْ وَأَبَاءَكُمْ إِيَّاهُ، كَمَا صَنَعْتُ بِشَيْلُوهَ.

۱۵ وَأَطَرَحُكُمْ مِنْ أَمَامِي كَمَا طَرَحْتُ كُلَّ إِخْوَتِكُمْ، كُلَّ نَسْلِ أَفْرَايِمَ. ۱۶ وَأَنْتَ فَلَا تَصَلِّ لِأَجْلِ هَذَا الشَّعْبِ وَلَا تَرْفَعْ لِأَجْلِهِمْ دُعَاءً وَلَا صَلَاةً، وَلَا تُلَجَّ عَلَيَّ لِأَنِّي لَا أَسْمَعُكَ.

۸ «اما شما به سخنان فریبنده که سودی ندارد، اعتماد می کنید! ۹ آیا دست به دزدی و قتل و زنا می زنید و به دروغ سوگند یاد می کنید؟ آیا برای بعل بخور می سوزانید و خدایان غیر را که نمی شناسید، پیروی می کنید ۱۰ و آنگاه آمده، در این خانه که نام من بر آن است، در حضور من می ایستید و می گوید: «رهایی یافته ایم!» تا رفته به این اعمال کراهِت آور خود ادامه دهید؟ ۱۱ آیا این خانه که نام من بر آن است، در نظر شما لانهٔ راهزنان شده است؟ خداوند می فرماید: اینک من خود این را دیده ام! ۱۲ «حال به مکان من که در شیلوه بود و نام خود را نخست در آن ساکن گردانیده بودم،^۳ بروید و ببینید به سبب شرارت قوم خود اسرائیل با آن مکان چه کردم! ۱۳ و حال، خداوند می فرماید، از آن رو که شما همهٔ این کارها را به عمل آوردید، و با آنکه بارها با شما سخن گفتم، نشنیدید، و چون شما را خواندم، پاسخ ندادید، ۱۴ پس من نیز با این خانه که نام من بر آن است و بر آن توکل دارید، و من آن را به شما و پدرانتان بخشیدم، همان خواهم کرد که با شیلوه کردم؛ ۱۵ و شما را از حضور خود خواهم راند، درست همان گونه که جمیع برادرانتان یعنی همهٔ نسل افرایم را راندم. ۱۶ «پس تو برای این قوم دعا مکن و به جهت ایشان فریاد التماس برمیآور و نزد من شفاعت منما، زیرا تو را اجابت نخواهم کرد.

^۳ شیلوه: با توجه به اینکه کتاب مقدس شیلوه را خانه خداوند خطاب کرده بنظر می آید منظور از آن اورشلیم و بیت المقدس است. در قاموس کتاب مقدس چنین آمده است: بعضی آن را شیلو و دیگران خرابه ثعله دانسته اند و آن تلی است بمسافت ۱۰-۱۲ میل در مشرق نابلس. اما از نظر مفهومی شیلوه همان منجی است که در آخرالزمان از نسل یهودا ظهور می کند و قوما را از فرمانبرداری می نمایند. در سفر پیدایش ۴۹ ضمن آخرین وصایای یعقوب آمده است: «۱ ثُمَّ اسْتَدْعَى يَعْقُوبُ أَبْنَاءَهُ وَقَالَ: اجْتَمِعُوا لِأَخْبِرْكُمْ مَاذَا سَيَحْدُثُ لَكُمْ فِي آخِرِ الْأَيَّامِ. ۲ اجْتَمِعُوا واسْمَعُوا يَا أَبْنَاءَ يَعْقُوبَ، اسْمَعُوا لِأَبْنَيْكُمْ إِسْرَائِيلَ. ۸ أَمَا أَنْتَ يَا يَهُوذَا، فِيمَدَحِكَ إِخْوَتُكَ. تَكُونُ يَدُكَ عَلَى رَقَبَةِ أَعْدَائِكَ. وَأَبْنَاءُ أَبِيكَ يَسْجُدُونَ أَمَامَكَ. ۹ يَهُوذَا هُوَ ابْنُ أَسَدٍ. أَنْتَ تَأْكُلُ الْفَرِيسَةَ وَتَقُومُ يَا ابْنِي. يَتَمَدَّدُ وَيَرْتَاخُ مِثْلَ أَسَدٍ. وَمَنْ يَتَجَرَّأُ أَنْ يُزْعِجَ أَسَدًا؟! ۱۰ لَا تَزُولُ عَصَا الْمَلِكِ مِنْ يَهُوذَا وَلَا عَصَا الْقِيَادَةِ مِنْ عِنْدِ قَدَمَيْهِ، إِلَى أَنْ يَأْتِيَ شَيْلُوهُ الَّذِي يَحِقُّ لَهُ أَنْ تُطِيعَهُ الشُّعُوبُ. ۱۱ يَرْبُطُ حِمَارَهُ بِالكَرْمَةِ وَجَحْشَهُ بِأَفْضَلِ الْكُرُومِ. يَغْسِلُ مَلَابِسَهُ بِالنَّبِيذِ، وَثِيَابَهُ بِعَصِيرِ الْعِنَبِ. ۱۲ عَيْنَاهُ مُحَمَّرَتَانِ مِنَ النَّبِيذِ، وَأَسْنَانُهُ مُبَيَّضَةٌ مِنَ الْحَلِيبِ.» (۱) آنگاه یعقوب پسرانش را فرا خواند و گفت: گرد آید تا شما را از آنچه در آینده بر شما واقع خواهد شد آگاه کنم. ۲ ای پسران یعقوب، گرد آید و بشنوید! به پدران اسرائیل گوش فرا دهید. ... ۸ اما تو ای یهودا، برادرانت تو را خواهند ستود؛ دست تو بر پس گردن دشمنانت خواهد بود، و پسران پدرت در برابر تو تعظیم خواهند کرد. ۹ تو شیربچه ای، ای یهودا؛ پسر، تو از شکار برآمده ای. او همچون نره شیری زانو خم می کند و می آرمَد، و همچون ماده شیری است، کیست که او را برانگیزاند؟ ۱۰ عصا از یهودا دور نخواهد شد، و نه چوگان فرمانروایی از میان پاهای وی، تا او بیاید که از آن اوست، و قوما فرمانبردار او خواهند بود. ۱۱ الاغ خود را به تاک خواهد بست، و گُرّهٔ خویش را به بهترین مو. جامهٔ خود را در شراب خواهد شست، و ردای خویش را در خون انگور. ۱۲ چشمانش درخشانده تر از شراب است، و دندانهایش سفیدتر از شیر.

۱۷ «أَمَّا تَرَىٰ مَاذَا يَعْمَلُونَ فِي مَدْنِ يَهُودَا وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ؟ ۱۸ الْأَبْنَاءُ يَلْتَقِطُونَ حَطَبًا، وَالْأَبَاءُ يُوقِدُونَ النَّارَ، وَالنِّسَاءُ يَعْجِنُ الْعَجِينَ، لِيَصْنَعْنَ كَغَا لِمَلِكَةِ السَّمَاوَاتِ، وَلَسَكِبِ سَكَائِبُ لِإِلَهَةٍ أُخْرَىٰ لِكَيْ يُعِظُّوُنِي. ۱۹ أَفَأَيَّايَ يُعِظُّونَ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ أَلَيْسَ أَنْفُسُهُمْ لِأَجْلِ خِزْيٍ وَجُوهِهِمْ؟ ۲۰ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ السَّيِّدُ الرَّبُّ: هَا غَضَبِي وَغَيْظِي يَنْسَكِبَانِ عَلَىٰ هَذَا الْمَوْضِعِ، عَلَى النَّاسِ وَعَلَى الْبَهَائِمِ وَعَلَى شَجَرِ الْحَقْلِ وَعَلَى ثَمَرِ الْأَرْضِ، فَيَتَقَدَّانَ وَلَا يَنْطَفِئَانِ.

۱۷ آیا نمی‌بینی در شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم چه می‌کنند؟ ۱۸ فرزندان هیزم گرد می‌آورند، پدران آتش می‌افروزند و زنان خمیر می‌سازند تا قرصهای نان برای ملکه آسمان بپزند؛ و هدایای ریختنی برای خدایان غیر می‌ریزند تا خشم مرا برانگیزند. ۱۹ خداوند می‌فرماید، آیا خشم مرا برمی‌انگیزند؟ آیا به خود زیان نمی‌رسانند تا رسوا شوند؟ ۲۰ پس سید پروردگار چنین می‌فرماید: اینک خشم و غضب من بر این مکان ریخته خواهد شد، بر انسان و حیوان و بر درختان صحرا و محصول زمین؛ آری، خشم من افروخته شده، خاموش نخواهد گردید.»

۲۱ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: ضَمُّوا مُحْرِقَاتِكُمْ إِلَىٰ ذَبَائِحِكُمْ وَكُلُّوا لَحْمًا. ۲۲ لَا تَبْغُوا أَنْ تَكُونَ لَكُمْ صَوْتِي فَأَكُونَ لَكُمْ إِلَهًا، وَأَنْتُمْ تَكُونُونَ لِي شَعْبًا، وَسِيرُوا فِي كُلِّ الطَّرِيقِ الَّذِي أُوصِيكُمْ بِهِ لِيُحْسِنَ إِلَيْكُمْ. ۲۴ فَلَمْ يَسْمَعُوا وَلَمْ يُمِيلُوا أَدْنَهُمْ، بَلْ سَارُوا فِي مَشُورَاتٍ وَعِنَادٍ قَلْبِهِمُ الشَّرِيرِ، وَأَعْطَوْا الْقَفَا لَا الْوَجْهَ. ۲۵ فَمِنْ الْيَوْمِ الَّذِي خَرَجَ فِيهِ أَبَاؤُكُمْ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ إِلَىٰ هَذَا الْيَوْمِ، أُرْسَلْتُ إِلَيْكُمْ كُلَّ عَبِيدِي الْأَنْبِيَاءِ، مُبَكِّرًا كُلَّ يَوْمٍ وَمُرْسِلًا. ۲۶ فَلَمْ يَسْمَعُوا لِي وَلَمْ يُمِيلُوا أَدْنَهُمْ، بَلْ صَلَبُوا رِقَابَهُمْ. أَسَاءُوا أَكْثَرَ مِنْ آبَائِهِمْ. ۲۷ فَتَكَلَّمْتُ بِهِمْ بِكُلِّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ وَلَا يَسْمَعُونَ لَكَ، وَتَدْعُوهُمْ وَلَا يُجِيبُونَكَ.

۲۱ پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: «قربانیهای تمام سوزتان را بر دیگر قربانیهای خویش بیفزایید و خودتان گوشت آن را بخورید! ۲۲ زیرا آن روز که پدرانتان را از سرزمین مصر بیرون آوردم، فقط درباره قربانیهای تمام سوز و دیگر قربانیها بدیشان سخن نگفتم و فرمان ندادم. ۲۳ بلکه این فرمان را بدیشان دادم، گفتم: "از کلام من اطاعت کنید، و من خدای شما خواهم بود و شما قوم من. در همه راههایی که شما را حکم می‌کنم، گام بردارید تا سعادتمند شوید." ۲۴ اما آنان اطاعت نکردند و گوش نسپردند، بلکه بر حسب نقشه‌ها و سرکشی دل شریر خود رفتار کرده، پس رفتند و نه پیش. ۲۵ از آن روز که پدرانتان از سرزمین مصر بیرون آمدند تا بدین روز، من پی در پی و بارها همه خادمان خویش انبیا را نزد ایشان فرستادم. ۲۶ اما نشنیدند و به من گوش نسپردند، بلکه گردن خود را سخت ساخته، از

پدران خویش بدتر رفتار کردند. ۲۷ «پس تو همه این سخنان را بدیشان بگو، اما به تو گوش نخواهند گرفت، و ایشان را بخوان، اما تو را پاسخ نخواهند داد.

۲۸ فَتَقُولُ لَهُمْ: هَذِهِ هِيَ الْأُمَّةُ الَّتِي لَمْ تَسْمَعْ لَصَوْتِ الرَّبِّ إِلَهِهَا وَلَمْ تَقْبَلْ تَأْدِيبًا. بَادَ الْحَقُّ وَقُطِعَ عَنْ أَفْوَاهِهِمْ. ۲۹ «جُزِّي شَعْرَكَ وَاطْرَحِيهِ، وَارْفَعِي عَلَى الْهَضَابِ مَرْتَاةً، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ رَفَضَ وَزَدَلَ جِيلَ رِجْزِهِ. ۳۰ لِأَنَّ بَنِي يَهُودَا قَدْ عَمِلُوا الشَّرَّ فِي عَيْنَيَّ، يَقُولُ الرَّبُّ. وَضَعُوا مَكْرَهَاتِهِمْ فِي الْبَيْتِ الَّذِي دُعِيَ بِاسْمِي لِيُنَجِّسُوهُ. ۳۱ وَبَنَوْا مُرْتَفَعَاتٍ تُؤَفِّقُ الْبَيْتَ فِي وَادِي ابْنِ هِنُومَ لِيُخْرِقُوا بَنِيهِمْ وَبَنَاتِهِمْ بِالنَّارِ، الَّذِي لَمْ أَمُرْ بِهِ وَلَا صَعِدَ عَلَى قَلْبِي. ۳۲ «لِذَلِكَ هَا أَيَّامُ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَا يُسَمَّى بَعْدُ تَوْفَةً وَلَا وَادِي ابْنِ هِنُومَ، بَلْ وَادِي الْقَتْلِ. وَيَذْفِنُونَ فِي تَوْفَةٍ حَتَّى لَا يَكُونَ مَوْضِعٌ. ۳۳ وَتَصِيرُ جُثَّتُ هَذَا الشَّعْبِ أَكْلًا لِطُيُورِ السَّمَاءِ وَلَوْحُوشِ الْأَرْضِ، وَلَا مُزْعِجٌ. ۳۴ وَأَبْطُلَ مِنْ مَدُنٍ يَهُودَا وَمِنْ شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ صَوْتُ الطَّرَبِ وَصَوْتُ الْفَرْحِ، صَوْتُ الْعَرِيسِ وَصَوْتُ الْعَرُوسِ، لِأَنَّ الْأَرْضَ تَصِيرُ خَرَابًا.

وادی کشتار: ۲۸ پس بدیشان بگو: «این است قومی که کلام یهوه خدای خود را نمی شنود و تأدیب نمی پذیرد. راستی از میان رفته و از دهانشان محو شده است. ۲۹ تو موی خود را برتاش و به دور افکن؛ بر بلندبهای خشک مرثیه ای بسرا، زیرا خداوند نسل مورد غضب خویش را طرد کرده و ترک گفته است.» ۳۰ «خداوند می فرماید: بنی یهودا آنچه را که در نظر من ناپسند است به جای آورده اند. آنان بتهای منفورشان را در خانه ای که نام من بر آن است، بر پا داشته اند و آن مکان را نجس ساخته اند. ۳۱ ایشان مکانهای بلند توفت را در وادی بن هِنُوم بنا کرده اند تا پسران و دختران خویش را در آتش بسوزانند، کاری که بدان امر نکرده و از خاطر خود نگذرانده بودم. ۳۲ بنابراین، خداوند می فرماید، هان روزهایی می آید که دیگر آن مکان را توفت و وادی بن هِنُوم نخواهند خواند، بلکه وادی کشتار. زیرا مردگانشان را در توفت دفن خواهند کرد، از آن رو که دیگر جایی باقی نخواهد ماند. ۳۳ اجساد این مردم خوراک پرندگان هوا و جانوران زمین خواهد شد، و کسی نخواهد بود که آنها را براند. ۳۴ و من صدای شادی و سرور و آواز عروس و داماد را از شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم قطع خواهم کرد، زیرا این سرزمین به ویرانه ای بدل خواهد شد.

سفر ارمیا: الأصحاح الثامن * ۱:۸-۲۲

۱ «فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَقُولُ الرَّبُّ، يُخْرِجُونَ عِظَامَ مَلُوكٍ يَهُودَا وَعِظَامَ رُؤَسَائِهِ وَعِظَامَ الْكَهَنَةِ وَعِظَامَ الْأَنْبِيَاءِ وَعِظَامَ سَكَّانِ أُورُشَلِيمَ مِنْ قُبُورِهِمْ، ۲ وَيَسْطُورُهَا لِلشَّمْسِ وَلِلْقَمَرِ وَلِكُلِّ جُنُودِ السَّمَاوَاتِ الَّتِي أَحْبَبَهَا وَالَّتِي عَبْدُوهَا وَالَّتِي سَارُوا وَرَاءَهَا وَالَّتِي اسْتَشَارُوهَا وَالَّتِي سَجَدُوا لَهَا. لَا تَجْمَعُ وَلَا تُدْفَنُ، بَلْ تَكُونُ دِمْنَةً عَلَى وَجْهِهِ

الأرض. ۳ وَيُخْتَارُ الْمَوْتُ عَلَى الْحَيَاةِ عِنْدَ كُلِّ الْبَقِيَّةِ الْبَاقِيَةِ مِنْ هَذِهِ الْعَشِيرَةِ الشَّرِيرَةِ الْبَاقِيَةِ فِي كُلِّ الْأَمَاكِنِ الَّتِي طَرَدْتَهُمْ إِلَيْهَا، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ.

۱ «خداوند می‌فرماید: در آن زمان استخوانهای پادشاهان یهودا و استخوانهای صاحبمنصبانش، و استخوانهای کاهنان و استخوانهای انبیا و استخوانهای ساکنان اورشلیم را از قبرهایشان بیرون خواهند آورد؛ ۲ و آنها را در برابر خورشید و ماه و تمامی لشکریان آسمان‌ها که ایشان آنها را دوست داشته و عبادت و پیروی و جستجو و پرستش کرده‌اند، خواهند گسترده. آنها را جمع نخواهند کرد و به خاک نخواهند سپرد، بلکه بر روی زمین سرگین خواهند بود. ۳ پروردگار لشکریان می‌فرماید: تمامی باقیمانده‌گان این طایفه شیریر، در هر کجا که ایشان را بدان رانده باشم، مرگ را بر زندگی ترجیح خواهند داد.

۴ « وَتَقُولُ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَلْ يَسْقُطُونَ وَلَا يَقُومُونَ، أَوْ يَرْتَدُّ أَحَدٌ وَلَا يَرْجِعُ؟ ۵ فَلِمَاذَا ارْتَدَّ هَذَا الشَّعْبُ فِي أُورُشَلِيمَ ارْتِدَادًا دَائِمًا؟ تَمَسَّكُوا بِالْمَكْرِ. أَبُوءُ أَنْ يَرْجِعُوا. ۶ صَغَيْتُ وَسَمِعْتُ. بَغَيْرِ الْمُسْتَقِيمِ يَتَكَلَّمُونَ. لَيْسَ أَحَدٌ يَتُوبُ عَنْ شَرِّهِ قَائِلًا: مَاذَا عَمَلْتُ؟ كُلُّ وَاحِدٍ رَجَعَ إِلَى مَسَرَّاهُ كَفَرَسٍ ثَائِرٍ فِي الْحَرْبِ. ۷ بَلِ اللَّفْلَقُ فِي السَّمَاءَاتِ يَعْرِفُ مِيعَادَهُ، وَالْيِمَامَةُ وَالسَّنُونَةُ الْمُزَقَّقَةُ حَفَظَتَا وَقْتَ مَجِيئِهِمَا. أَمَّا شَعْبِي فَلَمْ يَعْرِفْ قَضَاءَ الرَّبِّ! ۸ كَيْفَ تَقُولُونَ: نَحْنُ حُكَمَاءُ وَشَرِيعَةُ الرَّبِّ مَعَنَا؟ حَقًّا إِنَّهُ إِلَى الْكَذِبِ حَوْلَهَا قَلَمُ الْكُتْبَةِ الْكَاذِبِ. ۹ خَزَيَ الْحُكَمَاءُ ارْتَاعُوا وَأُخِذُوا. هَا قَدْ رَفَضُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ، فَآيَةُ حِكْمَةٍ لَهُمْ؟ ۱۰ لِذَلِكَ أُعْطِيَ نِسَاءَهُمْ لآخرين، وَحَقُولُهُمْ لِمَالِكِينَ، لِأَنَّهُمْ مِنَ الصَّغِيرِ إِلَى الْكَبِيرِ، كُلُّ وَاحِدٍ مُوَلَّعٌ بِالرَّيْحِ. مِنَ النَّبِيِّ إِلَى الْكَاهِنِ، كُلُّ وَاحِدٍ يَعْمَلُ بِالْكَذِبِ. ۱۱ وَيَشْفُونَ كَسْرَ بِنْتِ شَعْبِي عَلَى عَثَمٍ، قَائِلِينَ: سَلَامٌ، سَلَامٌ. وَلَا سَلَامَ. ۱۲ هَلْ خَزُوا لِأَنَّهُمْ عَمِلُوا رَجْسًا؟ بَلْ لَمْ يَخْزُوا خِزْيًا، وَلَمْ يَعْرِفُوا الْخَجَلَ! لِذَلِكَ يَسْقُطُونَ بَيْنَ السَّاقِطِينَ. فِي وَقْتِ مُعَاقَبَتِهِمْ يَعْثُرُونَ، قَالَ الرَّبُّ.

فساد و ارتداد قوم: ۴ «به ایشان بگو، خداوند چنین می‌فرماید: آیا اگر کسی بیفتد، دیگر بر نخواهد خاست؟ آیا اگر کسی مرتد شود، دیگر باز گشت نخواهد کرد؟ ۵ پس چرا این قوم به ارتداد دائمی مرتد شده‌اند؟ ایشان به فریب تمسک می‌جویند و از بازگشت سر باز می‌زنند. ۶ من به دقت گوش فرا دادم، اما ایشان به درستی سخن نمی‌گویند؛ هیچ‌یک از شرارت خویش توبه نمی‌کند، و نمی‌گویند: “چه کرده‌ام؟” بلکه هر یک همچون اسبی که به جنگ می‌تازد، به راه خود می‌رود. ۷ لک‌لک نیز در هوا موسم خود را می‌داند، و قمری و پرستو و دُرنا زمان آمدن خویش را نگاه می‌دارند؛ اما قوم من قوانین خداوند را نمی‌دانند. ۸ «چگونه می‌توانید بگویید: “حکیم هستیم زیرا شریعت خداوند با ماست؟” حال آنکه قلم کاتبان کاذب، آن را به دروغی بدل ساخته است. ۹ این حکیمان شرمسار خواهند شد؛ هراسان خواهند گردید و گرفتار خواهند آمد. آنان کلام خداوند را نپذیرفتند، پس چگونه حکمتی دارند؟ ۱۰ از این رو زنان ایشان را به

دیگران خواهم داد، و مزرعه‌های ایشان را به غاصبان آنها، زیرا که از خُرد و بزرگ، جملگی در طمع سود نامشروعند؛ از نبی و کاهن، جملگی دغل کارند. ۱۱ جراحات قوم عزیز مرا اندک شفایی داده، می‌گویند: «سلامتی است! سلامتی است!» حال آنکه سلامتی نیست! ۱۲ آیا از انجام کارهای کراهِت آور شرم دارند؟ نه، هیچ شرمی ندارند؛ آنان بویی از شرم و حیا نبرده‌اند. از این رو در میان افتادگان خواهند افتاد، و هنگامی که مجازاتشان کنم، سرنگون خواهند شد؛» این است فرموده خداوند.

۱۳ «نَزَعًا أَنْزَعُهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. لَا عِنَبَ فِي الْجَفْنَةِ، وَلَا تِينَ فِي التَّيْنَةِ، وَالْوَرْقُ ذَبُلَ، وَأَعْطَيْهِمْ مَا يَزُولُ عَنْهُمْ». ۱۴ لِمَاذَا نَحْنُ جُلُوسٌ؟ اجْتَمِعُوا فَلْنَدْخُلْ إِلَى الْمُدُنِ الْحَصِينَةِ وَنَصْمِتْ هُنَاكَ. لَأَنَّ الرَّبَّ إِلَهُنَا قَدْ أَصَمَّنَا وَأَسْقَانَا مَاءَ الْعَلَقَمِ، لَأَنَّا قَدْ أَخْطَأْنَا إِلَى الرَّبِّ. ۱۵ اِنْتَظَرْنَا السَّلَامَ وَلَمْ يَكُنْ خَيْرٌ، وَزَمَانَ الشِّفَاءِ وَإِذَا رُعْبٌ. ۱۶ مِنْ ذَانِ سُمِعَتْ حَمَحَمَةٌ خَيْلِهِ. عِنْدَ صَوْتِ صَهِيلِ جِيَادِهِ ارْتَجَفَتْ كُلُّ الْأَرْضِ. فَاتَّوَا وَأَكَلُوا الْأَرْضَ وَمَلَأَهَا، الْمَدِينَةُ وَالسَّائِكِينَ فِيهَا. ۱۷ «لَأَنِّي هَذَا مُرْسِلٌ عَلَيْكُمْ حَيَاتٍ، أَفَاعِي لَا تُرْقَى، فَتَلْدَغُكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ».

۱۳ خداوند می‌فرماید: «من حصاد ایشان را از ایشان خواهم گرفت؛ نه انگور بر تاک یافت خواهد شد، نه انجیر بر درخت انجیر؛ حتی بر گها خواهد پژمرد، و آنچه را بدیشان بخشیدم از دست خواهند داد.» ۱۴ چرا اینجا نشسته‌ایم؟ گرد آید تا به شهرهای حصاردار درآییم، و در آنجا تلف شویم، زیرا یهوه خدای ما، ما را به مرگ محکوم کرده و به ما زهرابه نوشانیده است، از آن رو که به خداوند گناه ورزیده‌ایم. ۱۵ به امید سلامتی بودیم، اما خیری حاصل نشد؛ به امید زمان شفا، اما اینک رُعب و وحشت بود. ۱۶ «خروش اسبان دشمن از دان به گوش می‌رسد؛ از صدای شیئه اسبان زورآورش تمامی این سرزمین به لرزه درآمده است. زیرا آمده‌اند تا این سرزمین را با هر آنچه در آن است، و شهر را با ساکنانش، فرو بلعند.» ۱۷ خداوند می‌فرماید: «اینک میان شما مارها می‌فرستم، افعیانی که افسونشان نتوانید کرد، و آنها شما را خواهند گزید.»

۱۸ مَنْ مَفْرَجٌ عَنِّي الْحُزْنُ؟ قَلْبِي فِي سَقِيمٍ. ۱۹ هُوَذَا صَوْتُ اسْتِغَاثَةٍ بِنْتِ شَعْبِي مِنْ أَرْضٍ بَعِيدَةٍ: «أَلَلَّ الرَّبَّ لَيْسَ فِي صِهْيُونَ، أَوْ مَلِكَهَا لَيْسَ فِيهَا؟» «لِمَاذَا أَغَاظُونِي بِمَنْحَوَاتِهِمْ، بِأَبَاطِيلَ غَرِيبَةٍ؟» ۲۰ «مَضَى الْحَصَادُ، انْتَهَى الصِّيفُ، وَنَحْنُ لَمْ نَخْلُصْ!» ۲۱ مِنْ أَجْلِ سَحَقِ بِنْتِ شَعْبِي انْسَحَقْتُ. حَزَنْتُ. أَخَذْتَنِي دَهْشَةٌ. ۲۲ أَلَيْسَ بَلْسَانٌ فِي جِلْعَادَ، أَمْ لَيْسَ هُنَاكَ طَيِّبٌ؟ فَلِمَاذَا لَمْ تُغْصَبْ بِنْتُ شَعْبِي؟

مرثیه ارمیا برای قومش: ۱۸ اندوه من تسلی‌ناپذیر است، دل من در اندروم به درد آمده است؛ ۱۹ این است فریاد قوم عزیز من که از سرزمین دور به گوش می‌رسد: «آیا خداوند در صهیون نیست؟ آیا پادشاهش در آنجا نیست؟» «چرا خشم مرا به واسطه تمثالهای تراشیده خویش و خدایان بیگانه خود برانگیختند؟» ۲۰ «موسم حصاد گذشت و تابستان به سر آمد، و ما نجات نیافته‌ایم!» ۲۱ به سبب جراحات

قوم عزیزم دلم مجروح گشته است؛ به سوگ نشسته‌ام و بُهت و حیرت مرا فرو گرفته است. ۲۲ آیا بَلَسان در جِلعاد نیست؟ آیا طیبی در آن یافت نمی‌شود؟ پس چرا قوم عزیز من سلامت خود را باز نیافته است؟

سفر ارمیا: الأصحاح التاسع * ۱:۹-۲۶

۱ يَا لَيْتَ رَأْسِي مَاءٌ، وَعَيْنَيَّ يَنْبُوعُ دُمُوعٍ، فَأَبْكِي نَهَارًا وَلَيْلًا قَتَلَى بِنْتُ شَعْبِي. ۲ يَا لَيْتَ لِي فِي الْبَرِّيَّةِ مَيِّتٌ مُسَافِرِينَ، فَأَتَرَكَ شَعْبِي وَأَنْطَلَقَ مِنْ عِنْدِهِمْ، لَأَنْهُمْ جَمِيعًا زُنَاةٌ، جَمَاعَةٌ خَائِنِينَ. ۳ «يَمْدُونُ أَلْسِنَتَهُمْ كَقَسَبِهِمْ لِلْكَذِبِ. لَا لِلْحَقِّ قُوُوا فِي الْأَرْضِ. لَأَنْهُمْ خَرَجُوا مِنْ شَرِّ إِلَى شَرٍّ، وَإِيَّايَ لَمْ يَعْرِفُوا، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱ کاش سر من آب می‌بود، و دیدگانم چشمه اشک، تا روز و شب، بر کُشتگان قوم عزیزم می‌گریستم!
۲ کاش که مرا در بیابان منزلگه مسافرین بود، تا قوم خویش را ترک کرده، از نزدشان می‌رفتم. زیرا که جملگی زناکارند، و جماعتی خیانت‌پیشه. ۳ «زبان خویش را همچون کمان به دروغ برمی‌کشند؛ در زمین نیرومند گشته‌اند اما نه برای راستی، زیرا از شرارت به شرارت ترقی می‌کنند، و مرا نمی‌شناسند؛ این است فرموده خداوند.

۴ اخْتَرِزُوا كُلُّ وَاحِدٍ مِنْ صَاحِبِهِ، وَعَلَى كُلِّ أَخٍ لَا تَتَكَلَّمُوا، لِأَنَّ كُلَّ أَخٍ يَعْقِبُ عَقِيًّا، وَكُلُّ صَاحِبٍ يَسْعَى فِي الْوِشَايَةِ. ۵ وَيَخْتَلِ الْإِنْسَانُ صَاحِبَهُ وَلَا يَتَكَلَّمُونَ بِالْحَقِّ. عَلَّمُوا أَلْسِنَتَهُمُ التَّكْلِمَ بِالْكَذِبِ، وَتَعَبُوا فِي الْاِفْتِرَاءِ. ۶ مَسْكَنُكَ فِي وَسْطِ الْمَكْرِ. بِالْمَكْرِ أَبَوْا أَنْ يَعْرِفُونِي، يَقُولُ الرَّبُّ. ۷ «لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: هَآنَذَا أَنْقِيَهُمْ وَأَمْتَحِنْهُمْ. لَأَنِّي مَاذَا أَعْمَلُ مِنْ أَجْلِ بِنْتِ شَعْبِي؟ ۸ لِسَانُهُمْ سَهْمٌ قَتَالٌ يَتَكَلَّمُ بِالْغِشِّ. بِفَمِهِ يُكَلِّمُ صَاحِبَهُ بِسَلَامٍ، وَفِي قَلْبِهِ يَضَعُ لَهُ كَمِينًا. ۹ أَفَمَا أَعَاقِبُهُمْ عَلَى هَذِهِ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ أَمْ لَا تَنْتَقِمُ نَفْسِي مِنْ أُمَّةٍ كَهَذِهِ؟» ۱۰ عَلَى الْجِبَالِ أَرْفَعُ بُكَاءً وَمَرَثَةً، وَعَلَى مَرَايِ الْبَرِّيَّةِ نَدْبًا، لِأَنَّهُا اخْتَرَقَتْ، فَلَا إِنْسَانَ غَابِرٌ وَلَا يُسْمَعُ صَوْتُ الْمَاشِيَةِ. مِنْ طَيْرِ السَّمَاوَاتِ إِلَى الْبَهَائِمِ هَرَبَتْ مَضَتْ. ۱۱ «وَأَجْعَلُ أُورُشَلِيمَ رُجْمًا وَمَأْوَى بَنَاتِ أَوَى، وَمُذْنٌ يَهُودًا أَجْعَلُهَا خَرَابًا بِلَا سَاكِنٍ».

۴ پس هر یک از شما از دوستان خود برحذر باشید، و به هیچ برادری اعتماد مکنید، زیرا هر برادری فریبکار است، و هر دوستی به بدگویی گردش می‌کند. ۵ هر کس دیگری را می‌فریبد، و کسی به راستی سخن نمی‌گوید؛ زبان خود را به دروغ‌گویی آموزش داده‌اند، و از فرط کج‌رفتاری خسته گشته‌اند. ۶ مسکن آنها در میان فریب است، و از مکر خویش نمی‌خواهند مرا بشناسند؛ این است فرموده خداوند. ۷ از این رو خداوند لشکریان می‌فرماید: «اینک آنها را تصفیه کرده از بوته آزمایش عبور خواهم داد، زیرا به‌خاطر قوم عزیز خود، دیگر چه می‌توانم کرد؟ ۸ زبانشان تیر گشوده است، که به فریب سخن می‌رانند؛ به زبان خویش با هم‌نوع خود سخن صلح‌آمیز می‌گویند، اما در دل خود برایش کمین می‌گذارند. ۹ پس

خداوند چنین می‌فرماید: آیا نمی‌باید به سبب این چیزها جزایشان دهم؟ آیا نمی‌باید از چنین ملتی انتقام بکشم؟ ۱۰ «برای کوهها گریه و شیون به پا می‌کنم، و برای چراگاههای صحرا مرثیه می‌خوانم، زیرا چنان ویران گشته‌اند که هیچ کس از آنها گذر نمی‌کند؛ صدای چارپایان به گوش نمی‌رسد؛ پرندگان هوا و جانوران همه گریخته و رفته‌اند! ۱۱ «من اورشلیم را به تلی از آوار و به لائۀ شغالان بدل خواهم کرد، و شهرهای یهودا را ویرانه‌ای غیرمسکون خواهم ساخت.»

۱۲ مَنْ هُوَ الْإِنْسَانُ الْحَكِيمُ الَّذِي يَفْهَمُ هَذِهِ، وَالَّذِي كَلَّمَهُ فَمُ الرَّبِّ، فَيُخْبِرُ بِهَا؟ لِمَاذَا بَادَتْ الْأَرْضُ وَاخْتَرَقَتْ كَبَرِيَّةٌ بِلَا عَابِرٍ؟ ۱۳ فَقَالَ الرَّبُّ: «عَلَى تَرْكِهِمْ شَرِيعَتِي الَّتِي جَعَلْتُهَا أَمَامَهُمْ، وَلَمْ يَسْمَعُوا لِصَوْتِي وَلَمْ يَسْلُكُوا بِهَا. ۱۴ بَلْ سَلَكُوا وَرَاءَ عِنَادِ قُلُوبِهِمْ وَوَرَاءَ الْبَغْلِيمِ الَّتِي عَلَّمَهُمْ إِيَّاهَا أَبَاؤُهُمْ. ۱۵ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا أُطْعِمُ هَذَا الشَّعْبَ أَفْسَنْتِيئًا وَأَسْقِيهِمْ مَاءَ الْعَلَقَمِ، ۱۶ وَأَبْدِدُهُمْ فِي أُمَمٍ لَمْ يَعْرِفُوهَا هُمْ وَلَا أَبَاؤُهُمْ، وَأُطْلِقُ وَرَاءَهُمُ السَّيْفَ حَتَّى أَفْنِيَهُمْ.»

۱۲ کیست آن مرد حکیم که این را بفهمد؟ کیست که دهان خداوند با وی سخن گفته باشد تا آن را بیان کند؟ چرا این سرزمین ویران شده است؟ چرا همچون بیابان چنان متروک گشته که کسی از آن گذر نمی‌کند؟ ۱۳ خداوند می‌فرماید: «از آن روست که ایشان شریعت مرا که پیش رویشان نهاده بودم ترک کردند، و به آواز من گوش نگرفتند و بر طبق آن زندگی نکردند، ۱۴ بلکه از سرکشی دل خود پیروی کرده، در پی بعلها شتافتند، چنانکه پدرانشان بدیشان آموخته بودند. ۱۵ پس پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: اینک به این قوم طعام تلخ می‌خورانم، و زهرابه بدیشان می‌نوشانم، ۱۶ و آنها را در میان قومهایی که نه خود می‌شناختند و نه پدرانشان، پراکنده می‌سازم، و شمشیر را از پی‌شان می‌فرستم، تا آنگاه که ایشان را هلاک سازم.»

۱۷ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: تَأَمَّلُوا وَادْعُوا النَّادِيَّاتِ فَيَأْتِينَ، وَأَرْسِلُوا إِلَى الْحَكِيمَاتِ فَيَقْبِلُنَّ ۱۸ وَيَرْفَعْنَ عَلَيْنَا مَرْتَاةً، فَتَدْرِفَ أَغْيُنُنَا دُمُوعًا وَتَفِيضَ أَجْفَانُنَا مَاءً. ۱۹ لِأَنَّ صَوْتَ رَثَايَةِ سَمِعَ مِنْ صِهْيُونِ: كَيْفَ أَهْلَكْنَا؟ خَزِينَا جِدًّا لِأَنَّا تَرَكْنَا الْأَرْضَ، لِأَنَّهُمْ هَدَمُوا مَسَاكِينَنَا». ۲۰ بَلْ اسْمَعْنَ آيَتَهَا النَّسَاءُ كَلِمَةَ الرَّبِّ، وَلْتَقْبِلْ أَدَانُكُنَّ كَلِمَةً فَمِهِ، وَعَلِّمْنَ بَنَاتِكُنَّ الرِّثَايَةَ، وَالْمَرْأَةُ صَاحِبَتُهَا النَّدْبَ! ۲۱ لِأَنَّ الْمَوْتَ طَلَعَ إِلَى كَوَانَا، دَخَلَ قُصُورُنَا لِيَقْطَعَ الْأَطْفَالَ مِنْ خَارِجٍ، وَالشُّبَّانَ مِنَ السَّاحَاتِ. ۲۲ تَكَلَّمَ: «هَكَذَا يَقُولُ الرَّبُّ: وَتَسْقُطُ جُثَّةُ الْإِنْسَانِ كَدِمْنَةٍ عَلَى وَجْهِ الْحَقْلِ، وَكَتَبْضَةٍ وَرَاءَ الْخَاصِدِ وَلَيْسَ مَنْ يَجْمَعُ!»

۱۷ پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «ملاحظه کنید، و زنانِ نوحه‌گر را فرا خوانید تا بیایند؛ در پی چیره‌دست‌ترین آنان بفرستید؛ ۱۸ بگذارید شتابان بیایند، و برایمان ماتم بر پا کنند؛ تا چشمانمان اشکها بریزد، و مژگانمان آبها جاری سازد. ۱۹ زیرا صدای شیون از صهیون به گوش می‌رسد که: "چگونه به

ویرانی نشسته‌ایم! چه بسیار شرمسار گشته‌ایم! از آن رو که سرزمین خود را ترک گفتیم، از آن رو که مسکنهایمان را فرو ریختند.» ۲۰ حال ای زنان، به کلام خداوند گوش بسپارید، گوشه‌ایتان کلام دهانش را بپذیرد؛ به دخترانتان نوحه‌گری بیاموزید، هر یک به دیگری مرثیه‌ای. ۲۱ زیرا مرگ از پنجره‌های ما برآمده، و به قصرهایمان داخل شده است؛ بچه‌ها را از کوچه‌ها منقطع ساخته، جوانان را از میدانها. ۲۲ بگو، «خداوند چنین می‌فرماید: "اجساد مردمان همچون فضولات بر مزارع خواهد افتاد؛ مانند بافه‌ها در پسِ دروگر، و کسی نخواهد بود که آنها را برچیند.»

۲۳ « هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: لَا يَفْتَخِرَنَّ الْحَكِيمُ بِحِكْمَتِهِ، وَلَا يَفْتَخِرِ الْجَبَّارُ بِجَبَرُوتِهِ، وَلَا يَفْتَخِرِ الْغَنِيُّ بِغِنَاهُ. ۲۴ بَلْ بِهَذَا لِيَفْتَخِرَنَّ الْمُفْتَخِرُ: بِأَنَّهُ يَفْهَمُ وَيَعْرِفُنِي أَنِّي أَنَا الرَّبُّ الصَّانِعُ رَحْمَةً وَقَضَاءً وَعَدْلًا فِي الْأَرْضِ، لِأَنِّي بِهِذِهِ أُسَرُّ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۲۵ « هَا أَيَّامٌ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَعَاقِبُ كُلَّ مَخْتُونٍ وَأَغْلَفُ. ۲۶ مِصْرَ وَيَهُودَا وَأَدُومَ وَبَنِي عَمُّونَ وَمُؤَابَ، وَكُلَّ مَقْصُوصِي الشَّعْرِ مُسْتَدِيرًا السَّاكِنِينَ فِي الْبَرِّيَّةِ، لِأَنَّ كُلَّ الْأُمَمِ غُلْفٌ، وَكُلُّ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ غُلْفُ الْقُلُوبِ.»

۲۳ خداوند چنین می‌فرماید: «حکیم به حکمت خویش فخر نکند و مرد نیرومند به نیروی خود ننازد و دولتمند به دولت خویش نبالد. ۲۴ بلکه هر که فخر می‌کند، به این فخر کند که فهم دارد و مرا می‌شناسد و می‌داند که من یهوه هستم که محبت و انصاف و عدالت را در جهان به جا می‌آورم. زیرا از این چیزها لذت می‌برم؛» این است فرموده خداوند. ۲۵ خداوند می‌فرماید: «اینک ایامی می‌آید که همه آنان را که فقط در جسم ختنه شده‌اند، مجازات خواهم کرد، ۲۶ یعنی مصر و یهودا و آدوم و بنی‌عمون و مؤاب و تمامی بیابان‌نشینانی را که گوشه‌های موی خود را می‌تراشند. زیرا همه این قومها نامختونند، و تمامی خاندان اسرائیل در دل نامختونند.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ العَاشِرُ * ۱۰:۱-۲۵

۱ اِسْمَعُوا الْكَلِمَةَ الَّتِي تَكَلَّمَ بِهَا الرَّبُّ عَلَيْكُمْ يَا بَيْتَ إِسْرَائِيلَ. ۲ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «لَا تَتَعَلَّمُوا طَرِيقَ الْأُمَمِ، وَمِنْ آيَاتِ السَّمَاوَاتِ لَا تَرْتَعِبُوا، لِأَنَّ الْأُمَمَ تَرْتَعِبُ مِنْهَا. ۳ لِأَنَّ فَرَايِضَ الْأُمَمِ بَاطِلَةٌ. لِأَنَّهُمَا شَجَرَةٌ يَقْطَعُونَهَا مِنَ الْوَعْرِ. صَنْعَةُ يَدَيِ نَجَّارٍ بِالْقُدُومِ. ۴ بِالْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ يَزِينُونَهَا، وَبِالْمَسَامِيرِ وَالْمَطَارِقِ يُشَدِّدُونَهَا فَلَا تَتَحَرَّكُ. ۵ هِيَ كَاللِّعِينِ فِي مَقْنَأَةٍ فَلَا تَتَكَلَّمُ! تُحْمَلُ حَمَلًا لِأَنَّهُ لَا تَمْشِي! لَا تَخَافُوهَا لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّ، وَلَا فِيهَا أَنْ تَصْنَعَ خَيْرًا». ۶ لَا مِثْلَ لَكَ يَا رَبُّ! عَظِيمُ أَنْتَ، وَعَظِيمُ اسْمُكَ فِي الْجَبَرُوتِ. ۷ مَنْ لَا يَخَافُكَ يَا مَلِكَ الشُّعُوبِ؟ لِأَنَّهُ بِكَ يَلِيقُ. لِأَنَّهُ فِي جَمِيعِ حُكَمَاءِ الشُّعُوبِ وَفِي كُلِّ مَمَالِكِهِمْ لَيْسَ مِثْلُكَ. ۸ بَلِّدُوا وَحَمِقُوا مَعًا. أَدَبُ أَبَاطِيلٍ هُوَ الْخَشَبُ. ۹ فِضَّةٌ مُطَرَّقَةٌ تُجْلَبُ مِنْ تَرَشِيشَ، وَذَهَبٌ مِنْ أَوْفَارَ، صَنْعَةُ صَانِعٍ وَيَدَيِ صَائِغٍ.

أَسْمَانُجُونِيَّ وَأَرْجُونَ لِبَاسُهَا. كُلُّهَا صَنَعَةُ حُكَمَاءَ. ١٠ أَمَّا الرَّبُّ الْإِلَهُ فَحَقٌّ. هُوَ إِلَهُ حَيٍّ وَمَلِكٌ أَبَدِيٌّ. مِنْ سُخْطِهِ تَزْتَعِدُّ الْأَرْضُ، وَلَا تَطِيقُ الْأُمَمُ غَضَبَهُ.

۱ ای خاندان اسرائیل، کلامی را که خداوند به شما می گوید، بشنوید! ۲ خداوند چنین می فرماید: «راه و رسم دیگر قومها را نیاموزید، و از نشانه های آسمان مهرا سید، هر چند دیگر قومها از آنها در هراسند. ۳ زیرا رسوم این قومها باطل است: درختی از جنگل می بُرند و صنعتگر با قلم خویش به آن شکل می دهد. ۴ سپس آن را به طلا و نقره می آرید، و به میخ و چکش استوار می سازد تا تکان نخورد. ۵ آنان همچون مَترسک در بُستانِ خیارند، که سخن گفتن نتوانند، و آنها را حمل باید کرد، از آن رو که راه رفتن نتوانند. از آنها مهرا سید، زیرا نه بدی تواند کرد و نه نیکی!» ۶ ای خداوند، چون تو کسی نیست! تو عظیمی، و نامت عظیم در قدرت! ۷ ای پادشاه قومها، کیست که از تو نترسد؟ زیرا که این شایسته توسست چرا که در میانِ جمله حکیمان قومها و در همه ممالک ایشان، چون تو کسی نیست. ۸ آنان جملگی ابله‌ند و نادان، زیرا تعلیم بتها چوب است و بس! ۹ نقره چکش خورده از ترشیش می آورند، و طلای ناب از اوفاز. این بتها کارِ صنعتگرند، و عمل دستانِ زرگر؛ پوشش آنها لاجورد است و ارغوان، همه آنها کار مردانی است چیره‌دست. ۱۰ اما یهوه خدای حقیقی است؛ اوست خدای زنده و پادشاه جاودان. از غضب او زمین به لرزه در می آید، و قومها را در برابرِ قهرش تاب تحمل نیست.

۱۱ هَكَذَا يَقُولُونَ لَهُمْ: «الْإِلَهَةُ الَّتِي لَمْ تَصْنَعْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ تَبِيدُ مِنَ الْأَرْضِ وَمِنْ تَحْتِ هَذِهِ السَّمَاوَاتِ»
 ۱۲ صَانِعُ الْأَرْضِ بِقُوَّتِهِ، مُؤَسِّسُ الْمَسْكُونَةِ بِحِكْمَتِهِ، وَبِفَهْمِهِ بَسَطَ السَّمَاوَاتِ. ۱۳ إِذَا أُعْطِيَ قَوْلًا تَكُونُ كَثْرَةُ مِيَاهٍ فِي السَّمَاوَاتِ، وَيُصْعِدُ السَّحَابَ مِنَ أَقَاصِي الْأَرْضِ. صَنَعَ بُرُوقًا لِلْمَطَرِ، وَأَخْرَجَ الرِّيحَ مِنْ خَزَائِنِهِ. ۱۴ بَلَدَ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ مَعْرِفَتِهِ. خَزَى كُلُّ صَانِعٍ مِنَ التِّمَثَالِ، لِأَنَّ مَسْبُوكَهُ كَذِبٌ وَلَا رُوحَ فِيهِ. ۱۵ هِيَ بَاطِلَةٌ صَنَعَةُ الْأَصْلَالِ. فِي وَقْتِ عِقَابِهَا تَبِيدُ. ۱۶ لَيْسَ كَهَذِهِ نَصِيبُ يَعْقُوبَ، لِأَنَّهُ مُصَوِّرُ الْجَمِيعِ، وَإِسْرَائِيلُ قَضِيبٌ مِيرَاثِهِ. رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ.

۱۱ بدیشان چنین بگوئید: «خدایانی که زمین و آسمان را نساخته‌اند، از روی زمین و از زیر آسمان نابود خواهند شد.» ۱۲ او زمین را به قوت خویش ساخت، و جهان را به حکمت خویش استوار کرد، و آسمانها را به فهم خویش گسترانید. ۱۳ چون ندا در می دهد، غوغای آبها در آسمان پدید می آید؛ او ابرها را از گرانهای زمین بر می آورد؛ برقها برای باران می سازد، و باد از خزانه های خویش بیرون می آورد. ۱۴ آدمیان جملگی ابله‌ند و نادان؛ هر زرگری از تمثالهای تراشیده خویش سرافکنده خواهد شد، زیرا بتهای ریخته شده اش دروغین است، و هیچ روحی در آنها نیست. ۱۵ آنها بی ارزشند و اسباب مسخره، و در روز

محاكمه تلف خواهند شد. ۱۶ اما آن که نصیب یعقوب است، مانند آنها نیست، زیرا اوست سازنده همه موجودات. قبیله اسرائیل میراث اوست، نام او پروردگار لشکریان است.

۱۷ اِجْمَعِي مِنَ الْأَرْضِ حُرْمَكَ أَيَّتُهَا السَّاكِنَةُ فِي الْحِصَارِ. ۱۸ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «هَآنَذَا رَامٌ مِنْ مِقْلَاعِ سَكَّانِ الْأَرْضِ هَذِهِ الْمَرَّةَ، وَأُضَيِّقُ عَلَيْهِمْ لِكَيْ يَشْعُرُوا». ۱۹ وَبَلِّغْ لِي مِنْ أَجْلِ سَحْقِي! ضَرْبَتِي عَدِيمَةُ الشِّفَاءِ! فَقُلْتُ: «إِنَّمَا هَذِهِ مُصِيبَةٌ فَأَحْتَمِلُهَا». ۲۰ خَيْمَتِي خَرِبَتْ، وَكُلُّ أَطْنَابِي قُطِعَتْ. بَنِيَّ خَرَجُوا عَنِّي وَلَيْسُوا. لَيْسَ مَنْ يَبْسُطُ بَعْدَ خَيْمَتِي وَيُقِيمُ شَقْقِي. ۲۱ لَأَنَّ الرُّعَاةَ بَلَدُوا وَالرَّبَّ لَمْ يَطْلُبُوا. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ لَمْ يَنْجَحُوا، وَكُلُّ رَعِيَّتِهِمْ تَبَدَّدَتْ. ۲۲ هُوَذَا صَوْتُ خَبَرٍ جَاءَ، وَاضْطِرَابٌ عَظِيمٌ مِنْ أَرْضِ الشِّمَالِ لِيَجْعَلَ مَدُنَ يَهُودَا خَرَابًا، مَأْوَى بَنَاتِ آوَى.

هلاکت آینده: ۱۷ ای کسانی که در محاصره‌اید، ب‌غچه خویش از زمین برگزید! ۱۸ زیرا خداوند چنین می‌فرماید: «این بار ساکنان این سرزمین را گویی با فلاخن بیرون خواهم افکند، و ایشان را مضطرب خواهم ساخت تا بفهمند.» ۱۹ وای بر من، به سبب جراحت! زخم مرا علاجی نیست! اما گفتم، «این مصیبت من است، و باید آن را تحمل کنم.» ۲۰ خیمه‌ام ویران گشته، و طناب‌هایم جملگی گسسته است؛ فرزندانم از نزدم رفته‌اند، و دیگر در کنارم نیستند؛ کسی نیست که دیگر بار خیمه‌ام را ب‌گسترده و پرده‌هایم را بر پا دارد. ۲۱ زیرا شبانان ابله‌اند، و از خداوند مسئلت نمی‌کنند؛ پس کامیاب نمی‌شوند، و تمامی گله آنها پراکنده است. ۲۲ بشنوید! صدای خبری می‌آید! آشوبی عظیم از سرزمین شمال، تا شهرهای یهودا را ویران کند، و آنها را لانه شغالان سازد.

۲۳ عَرَفْتُ يَا رَبُّ أَنَّهُ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ طَرِيقُهُ. لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ يَمْشِي أَنْ يَهْدِيَ خَطَوَاتِهِ. ۲۴ أَدِّبْنِي يَا رَبُّ وَلَكِنْ بِالْحَقِّ، لَا بِغَضَبِكَ لِئَلَّا تُفْنِنِي. ۲۵ أَسْكُبْ غَضَبَكَ عَلَى الْأُمَمِ الَّتِي لَمْ تَعْرِفْكَ، وَعَلَى الْعَشَائِرِ الَّتِي لَمْ تَدْعُ بِاسْمِكَ. لَأَنَّهُمْ أَكَلُوا يَعْقُوبَ. أَكَلُوهُ وَأَفْنَوْهُ وَأَخْرَبُوا مَسْكَنَهُ.

دعای ارمیا: ۲۳ ای خداوند، می‌دانم که راه انسان از آن او نیست، و آدمی که راه می‌رود، قادر به هدایت قدمهای خویش نمی‌باشد. ۲۴ ای خداوند، مرا اصلاح کن، اما نه با خشم بلکه به انصاف خویش، مبادا نابودم سازی. ۲۵ غضبت را بر قومهایی بریز که تو را نمی‌شناسند، بر طوایفی که نامت را نمی‌خوانند؛ زیرا ایشان یعقوب را فرو بلعیده‌اند؛ او را فرو بلعیده و تباه ساخته‌اند، و کاشانه‌اش را ویران کرده‌اند.

سفر ارمیا: الأصحاح الحادی عشر * ۱:۱۱-۲۳

۱ الْكَلَامُ الَّذِي صَارَ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «اسْمَعُوا كَلَامَ هَذَا الْعَهْدِ، وَكَلِّمُوا رِجَالَ يَهُودَا وَسُكَّانَ أُورُشَلِيمَ. ۳ فَتَقُولُ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: مَلْعُونُ الْإِنْسَانُ الَّذِي لَا يَسْمَعُ كَلَامَ هَذَا الْعَهْدِ، ۴ الَّذِي أَمَرْتُ بِهِ آبَاءَكُمْ يَوْمَ أَخْرَجْتُهُمْ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ، مِنْ كُورِ الْحَدِيدِ قَائِلًا: اسْمَعُوا صَوْتِي وَاعْمَلُوا بِهِ حَسَبَ كُلِّ مَا أَمُرُكُمْ بِهِ، فَتَكُونُوا لِي شَعْبًا، وَأَنَا أَكُونُ لَكُمْ إِلَهًا، ۵ لِأُقِيمَ الْخَلْفَ الَّذِي خَلَفْتُ لِأَبَائِكُمْ أَنْ أُعْطِيَهُمْ أَرْضًا تَفِيضُ لَبَنًا وَعَسَلًا كَهَذَا الْيَوْمِ». فَأَجَبْتُ وَقُلْتُ: «أَمِينَ يَا رَبَّ». ۶ فَقَالَ الرَّبُّ لِي: «نَادِ بِكُلِّ هَذَا الْكَلَامِ فِي مَدُنِ يَهُودَا، وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ قَائِلًا: اسْمَعُوا كَلَامَ هَذَا الْعَهْدِ وَاعْمَلُوا بِهِ. ۷ لِأَنِّي أَشْهَدْتُ عَلَى آبَائِكُمْ إِشْهَادًا يَوْمَ أَصْعَدْتُهُمْ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، مُبَكِّرًا وَمُشْهِدًا قَائِلًا: اسْمَعُوا صَوْتِي. ۸ فَلَمْ يَسْمَعُوا وَلَمْ يُعْمَلُوا أَذْنُهُمْ، بَلْ سَلَكُوا كُلُّ وَاحِدٍ فِي عِنَادِ قَلْبِهِ الشَّرِيرِ. فَجَلَبْتُ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَلَامِ هَذَا الْعَهْدِ الَّذِي أَمَرْتُهُمْ أَنْ يَصْنَعُوهُ وَلَمْ يَصْنَعُوهُ».

۱ این است کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ «به مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم بگو به مفاد این عهد گوش فرا دهند. ۳ بدیشان بگو، یهوه خدای اسرائیل چنین می فرماید: ملعون باد کسی که از مفاد این عهد اطاعت نکند، ۴ از آنچه به پدرانان امر فرمودم آنگاه که ایشان را از سرزمین مصر، از آن کوره ذوب آهن، به در آوردم، و گفتم: سخن مرا بشنوید و آنچه را به شما امر می فرمایم به جا آورید، تا شما قوم من باشید و من خدای شما، ۵ تا به سوگندی که برای پدرانان یاد کردم، وفا کنم و بدیشان سرزمینی ببخشم که شیر و شهد در آن جاری است، چنانکه امروز شده است.» و من در پاسخ گفتم: «ای خداوند، آمین!» ۶ سپس خداوند مرا گفت: «تمام این سخنان را در شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم ندا کرده، بگو، به مفاد این عهد گوش فرا دهید و آنها را به جا آورید. ۷ زیرا از آن هنگام که پدرانان را از سرزمین مصر بر آوردم تا امروز، بدیشان به جد و با تأکید بسیار هشدار دادم که، "از من اطاعت کنید." ۸ اما نشیندند و اعتنا نکردند، بلکه هر یک از سرکشی دل شیر خود پیروی کردند. به همین جهت تمامی مفاد این عهد را بر سر ایشان آوردم، عهدی که امر فرموده بودم بدان وفا کنند، اما نکردند.»

۹ وَقَالَ الرَّبُّ لِي: «تَوَجَّدْ فِتْنَةً بَيْنَ رِجَالِ يَهُودَا وَسُكَّانِ أُورُشَلِيمَ. ۱۰ قَدْ رَجَعُوا إِلَى آثَامِ آبَائِهِمِ الْأَوَّلِينَ الَّذِينَ أَبَوْا أَنْ يَسْمَعُوا كَلَامِي، وَقَدْ ذَهَبُوا وَرَاءَ إِلَهَةٍ أُخْرَى لِيَعْبُدُوهَا. قَدْ نَقَضَ بَيْتُ إِسْرَائِيلَ وَبَيْتُ يَهُودَا عَهْدِي الَّذِي قَطَعْتُهُ مَعَ آبَائِهِمْ. ۱۱ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَانَذَا جَالِبٌ عَلَيْهِمْ شَرًّا لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهُ، وَيَصْرُخُونَ إِلَيَّ فَلَا أَسْمَعُ لَهُمْ. ۱۲ فَيَنْطَلِقُ مَدُنُ يَهُودَا وَسُكَّانُ أُورُشَلِيمَ وَيَصْرُخُونَ إِلَى الْإِلَهِةِ الَّتِي يُخْرِجُونَ لَهَا، فَلَنْ تُخَلِّصَهُمْ فِي وَقْتِ بَلِيَّتِهِمْ. ۱۳ لِأَنَّهُ بَعْدَ مَدُنِكَ صَارَتْ إِلَهَتُكَ يَا يَهُودَا، وَبَعْدَ شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ وَضَعْتُمْ مَذَابِحَ لِلْخِزْيِ، مَذَابِحَ لِلتَّبْخِيرِ لِلْبَعْلِ. ۱۴ وَأَنْتَ فَلَا تُصَلِّ لِأَجْلِ هَذَا الشَّعْبِ، وَلَا تَرْفَعْ لِأَجْلِهِمْ دُعَاءً وَلَا صَلَاةً، لِأَنِّي لَا أَسْمَعُ فِي وَقْتِ صُرَاخِهِمْ إِلَيَّ مِنْ قَبْلِ بَلِيَّتِهِمْ».

۹ خداوند دیگر بار به من فرمود: «فتنه‌ای در میان مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم یافت شده است. ۱۰ آنان به گناهان اجداد خود بازگشته‌اند، اجدادی که از گوش سپردن به سخنان من سر باز می‌زدند. ایشان در پی خدایان غیر رفته‌اند تا آنها را عبادت کنند. خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی را که با پدرانشان بستم، شکسته‌اند. ۱۱ از این رو خداوند چنین می‌فرماید: اینک بلایی بر ایشان نازل می‌کنم که از آن نتوانند رست؛ و گرچه نزد من فریاد برآورند، ایشان را نخواهم شنید. ۱۲ آنگاه شهرهای یهودا و ساکنان اورشلیم رفته، نزد خدایانی که برایشان بخور می‌سوزانند فریاد بر خواهند آورد، اما آنها به هیچ روی نخواهند توانست ایشان را در زمان بلا نجات بخشند. ۱۳ زیرا خدایان تو ای یهودا به شمار شهرهای تو‌اند، و به شمار کوچه‌های اورشلیم مذبحها برای 'رسوایی' بر پا کرده‌ای، مذبحها به جهت سوزاندن بخور برای بعل. ۱۴» پس تو برای این قوم دعا مکن، و به جهت ایشان فریاد بر میاور و التماس مکن، زیرا آنگاه که در زمان بلا مرا بخوانند، ایشان را اجابت نخواهم کرد.

۱۵ «مَا لِحَبِيبَتِي فِي بَيْتِي؟ قَدْ عَمِلْتُ فُطَائِحَ كَثِيرَةً، وَاللَّحْمُ الْمُقَدَّسُ قَدْ عَبَّرَ عَنْكَ. إِذَا صَنَعْتَ الشَّرَّ حِينَئِذٍ تَبْتَهِّجِينَ. ۱۶ زَيْتُونَةٌ خَضِرَاءَ ذَاتِ ثَمَرٍ جَمِيلِ الصُّورَةِ دَعَا الرَّبَّ اسْمَكَ. بِصَوْتِ ضَجَّةٍ عَظِيمَةٍ أَوْقَدَ نَارًا عَلَيْهَا فَأَنْكَسَرَتْ أَغْصَانُهَا. ۱۷ وَرَبُّ الْجُنُودِ غَارِسُكَ قَدْ تَكَلَّمَ عَلَيْكَ شَرًّا، مِنْ أَجْلِ شَرِّ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ وَبَيْتِ يَهُودَا الَّذِي صَنَعُوهُ ضِدَّ أَنْفُسِهِمْ لِيُعْطِظُونِي بِتَبْخِيرِهِمْ لِلْبَعْلِ».

۱۵ «دوستار مرا در خانه من چه کار است، حال که این همه شرارت ورزیده؟ آیا گوشت قربانی می‌تواند سرانجام شوم تو را تبدیل کند؟ پس چگونه می‌توانی شادی کنی؟ ۱۶ خداوند تو را درخت زیتون سرسبز نامیده بود، درختی که به میوه نیکو مزین بود. اما به آواز غوغایی عظیم آن را به آتش خواهد کشید، و شاخه‌هایش خواهد شکست. ۱۷» پروردگار لشکریان، که تو را غرس کرد، بلایی بر ضد تو مقرر داشته است، زیرا خاندان اسرائیل و خاندان یهودا مرتکب شرارت شده‌اند و با سوزاندن بخور برای بعل، خشم مرا برانگیخته‌اند.»

۱۸ وَالرَّبُّ عَرَّفَنِي فَعَرَفْتُ. حِينَئِذٍ أَرَيْتَنِي أَفْعَالَهُمْ. ۱۹ وَأَنَا كَخَرُوفٍ ذَاجِنٍ يُسَاقُ إِلَى الذَّبْحِ، وَلَمْ أَغْلَمْ أَنَّهُمْ فَكَّرُوا عَلَيَّ أَفْكَارًا، قَائِلِينَ: «لِنُهْلِكَ الشَّجَرَةَ بِثَمَرِهَا، وَنَقْطَعُهُ مِنْ أَرْضِ الْأَخْيَاءِ، فَلَا يُذَكَّرُ بَعْدُ اسْمُهُ». ۲۰ فَيَا رَبَّ الْجُنُودِ، الْقَاضِي الْعَدْلَ، فَاحْصِ الْكُلِّي وَالْقَلْبَ، دَغْنِي أَرَى انْتِقَامَكَ مِنْهُمْ لِأَنِّي لَكَ كَشَفْتُ دَعْوَايَ. ۲۱ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنْ أَهْلِ عَنَاثُوثَ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ نَفْسَكَ قَائِلِينَ: لَا تَتَّبِعْنَا بِاسْمِ الرَّبِّ فَلَا تَمُوتَ بِيَدِنَا. ۲۲ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: «هَآنَذَا أَعَاقِبُهُمْ. يَمُوتُ الشُّبَّانُ بِالسَّيْفِ، وَيَمُوتُ بُنُوهُمْ وَبَنَاتُهُمْ بِالْجُوعِ. ۲۳ وَلَا تَكُونُ لَهُمْ بَقِيَّةٌ، لِأَنِّي أَجْلِبُ شَرًّا عَلَى أَهْلِ عَنَاثُوثَ سَنَةِ عِقَابِهِمْ».

۱۸ خداوند آن را بر من آشکار ساخت، پس آن را دانستم، زیرا در آن زمان اعمال ایشان را به من نشان داد. ۱۹ اما من همچون بره‌ای دست‌آموز بودم که به کشتارگاه ببرند. نمی‌دانستم که دسیسه‌ها بر ضد من کرده، می‌گفتند: «درخت را با میوه‌اش برکنیم، او را از زمینِ زندگان منقطع سازیم تا دیگر نامی از او در یادها نماند.» ۲۰ اما تو ای پروردگار لشکریان و ای داور عادل که آزماینده دل و ذهنی، بگذار انتقامی را که از ایشان می‌کشی، بینم، زیرا که دعوی خویش نزد تو آورده‌ام. ۲۱ از این رو خداوند درباره عَناتوتیان که قصد جان تو کرده‌اند و می‌گویند: «به نام خداوند نبوت مکن، و گرنه به دست ما کشته خواهی شد»، چنین می‌فرماید، ۲۲ آری، پروردگار لشکریان چنین می‌گوید: «اینک آنها را مجازات خواهم کرد؛ جوانانشان به دم شمشیر خواهند مرد و پسران و دخترانشان از قحطی هلاک خواهند شد. ۲۳ کسی از ایشان باقی نخواهد ماند. زیرا که در سال مجازات عَناتوتیان، بر ایشان بلا خواهم فرستاد.»

سفر ارمیا: الأصحاح الثانی عشر * ۱۲:۱-۱۷

۱ اَبْرُأَنْتَ يَا رَبِّ مِنْ أَنْ أَخَاصِمَكَ. لَكِنْ أَكَلِمَكَ مِنْ جِهَةِ أَحْكَامِكَ: لِمَاذَا تَنْجَحُ طَرِيقُ الْأَشْرَارِ؟ إِطْمَأَنَّ كُلُّ الْغَادِرِينَ غَدْرًا! ۲ غَرَسْتَهُمْ فَاصْلَوْا. نَمَوْا وَاثْمَرُوا ثَمَرًا. أَنْتَ قَرِيبٌ فِي فَمِهِمْ وَبَعِيدٌ مِنْ كَلَامِهِمْ. ۳ وَأَنْتَ يَا رَبِّ عَرَفْتَنِي. رَأَيْتَنِي وَاخْتَبَرْتَ قَلْبِي مِنْ جِهَتِكَ. إِفْرِزْهُمْ كَغَنَمٍ لِلذَّبْحِ، وَخَصِّصْهُمْ لِيَوْمِ الْقَتْلِ. ۴ حَتَّى مَتَى تَنْوَحُ الْأَرْضُ وَيَبْسُ عُشْبُ كُلِّ الْحَقْلِ؟ مِنْ شَرِّ السَّاكِنِينَ فِيهَا فَنِيَتْ الْبَهَائِمُ وَالطُّيُورُ، لِأَنَّهُمْ قَالُوا: «لَا يَرَى آخِرَتَنَا».

۱ تو عادل‌ی، ای خداوند، هرگاه شکایتی به حضورت می‌آورم؛ با این حال، با تو از عدالت سخن خواهم گفت. چرا طریق شریران کامیاب می‌شود؟ چرا خیانت‌پیشگان جملگی در آسایشند؟ ۲ تو آنان را غرس می‌کنی، و ریشه می‌دوانند؛ نمو می‌کنند و میوه می‌آورند. تو به دهان ایشان نزدیکی، اما از قلبشان دور. ۳ اما تو، ای خداوند، مرا می‌شناسی؛ مرا می‌بینی و اندیشه‌هایم را درباره خود می‌آزمایی. ایشان را همچون گوسفندان گشتاری بیرون بکش، و برای روز کشتار جدایشان کن. ۴ تا به کی این سرزمین به ماتم نشیند و گیاهان همه صحراها خشک ماند؟ به سبب شرارت ساکنان آن، چارپایان و پرندگان هلاک گشته‌اند؛ زیرا می‌گویند: «او به عاقبت ما توجهی ندارد.»

۵ «إِنْ جَرَيْتَ مَعَ الْمُشَاةِ فَاتَّعْبُوكَ، فَكَيْفَ تُبَارِي الْخَيْلَ؟ وَإِنْ كُنْتَ مُنْبَطِحًا فِي أَرْضِ السَّلَامِ، فَكَيْفَ تَعْمَلُ فِي كِبْرِيَاءِ الْأَرْضِ؟ ۶ لِأَنَّ إِخْوَتَكَ أَنْفُسَهُمْ وَبَيْتَ أَبِيكَ قَدْ غَادَرُوكَ هُمْ أَيْضًا. هُمْ أَيْضًا نَادَوْا وَرَاءَكَ بِصَوْتٍ غَالٍ. لَا تَأْتِمْنَهُمْ إِذَا كَلَّمُوكَ بِالْخَيْرِ. ۷ «قَدْ تَرَكْتُ بَيْتِي. رَفَضْتُ مِيرَاثِي. دَفَعْتُ حَبِيبَةَ نَفْسِي لِيَدِ أَعْدَائِهَا. ۸ صَارَ لِي مِيرَاثِي كَأَسَدٍ فِي الْوَعْرِ. نَطَقَ عَلَيَّ بِصَوْتِهِ. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَنْغَضْتُهُ. ۹ جَارِحَةٌ ضَبَعُ مِيرَاثِي لِي. الْجَوَارِحُ

خَوَالِيهِ عَلَيْهِ. هَلُمَّ اجْمَعُوا كُلَّ حَيَوَانَ الْحَقْلِ. ائْتُوا بِهَا لِلْأَكْلِ. ١٠ رُعَاةٌ كَثِيرُونَ أَفْسَدُوا كَرْمِي، دَاسُوا نَصِيبِي. جَعَلُوا نَصِيبِي الْمُشْتَهَى بَرِيَّةً خَرِبَةً. ١١ جَعَلُوهُ خَرَابًا يَنْوُحُ عَلَيَّ وَهُوَ خَرِبٌ. خَرِبَتْ كُلُّ الْأَرْضِ، لِأَنَّهُ لَا أَحَدٌ يَضَعُ فِي قَلْبِهِ. ١٢ عَلَى جَمِيعِ الرُّوَابِي فِي الْبَرِّيَّةِ أَتَى النَّاهِبُونَ، لِأَنَّ سَيْفًا لِلرَّبِّ يَأْكُلُ مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ إِلَى أَقْصَى الْأَرْضِ. لَيْسَ سَلَامٌ لِأَحَدٍ مِنَ الْبَشَرِ. ١٣ زَرَعُوا حِنْطَةً وَحَصَدُوا شَوْكًا. أَغْيَوْا وَلَمْ يَنْتَفِعُوا، بَلْ خَزَوْا مِنْ غَلَاتِكُمْ، مِنْ حُمُومٍ غَضَبِ الرَّبِّ».

پاسخ خداوند: ۵ «اگر وقتی با پیادگان دویدی تو را خسته کردند، پس چگونه با اسبان برابری توانی کرد؟ و اگر اعتمادت را بر سرزمینی ایمن نهاده‌ای، در بیشه‌های اطراف اردن چه خواهی کرد؟ ۶ زیرا حتی برادران و خاندان پدرت به تو خیانت ورزیده‌اند، و فریاد خویش بر ضد تو بلند کرده‌اند؛ پس گرچه سخنان نیکو با تو بگویند، به ایشان اعتماد مکن.» ۷ «من خانه خویش را ترک گفتم، و میراث خود را به دور افکنده‌ام؛ من محبوب جانم را به دست دشمنانش تسلیم کرده‌ام. ۸ میراث من برایم همچون شیر جنگل گشته است؛ او بر من می‌غرد، پس از او بیزار گشته‌ام. ۹ آیا میراث من برایم همچون مرغ شکاری یا کفتار نگشته است؟ آیا دیگر مرغان شکاری از هر سو بر او حمله نمی‌آورند؟ بروید و جانوران درنده را جملگی گرد آورید، تا بیایند و بخورند. ۱۰ شبانان بسیار تاختستان مرا ویران کرده، و زمین مرا پایمال نموده‌اند؛ آنان زمین مرغوب مرا، به بیابانی متروک بدل کرده‌اند. ۱۱ آن را به کل ویران ساخته‌اند، و آن ویران شده، نزد من به ماتم نشسته است. این سرزمین یکسره ویران گشته، اما کسی را پروای آن نیست. ۱۲ به فراز همه بلندیه‌های خشک بیابان، ویرانگران هجوم آورده‌اند، زیرا که شمشیر خداوند این سرزمین را از کران تا کران نابود می‌کند، و هیچ کس ایمن نخواهد ماند. ۱۳ آنان گندم کاشته و خار درویده‌اند؛ خویشان را خسته کرده، اما سودی نبرده‌اند. پس به سبب خشم آتشین خداوند، از محصول خویش شرمسار خواهند شد.»

١٤ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَلَى جَمِيعِ جِيرَانِي الْأَشْرَارِ الَّذِينَ يَلْمُسُونَ الْمِيرَاثَ الَّذِي أُورِثْتُهُ لِشَعْبِي إِسْرَائِيلَ: «هَآنَذَا أَقْتَلُهُمْ عَنْ أَرْضِهِمْ وَأَقْتَلِعُ بَيْتَ يَهُودَا مِنْ وَسْطِهِمْ. ١٥ وَيَكُونُ بَعْدَ اقْتِلَاعِي إِيَّاهُمْ، أَنِّي أَرْجِعُ فَأَرْحَمُهُمْ، وَأَرُدُّهُمْ كُلَّ وَاحِدٍ إِلَى مِيرَاثِهِ، وَكُلَّ وَاحِدٍ إِلَى أَرْضِهِ. ١٦ وَيَكُونُ إِذَا تَعَلَّمُوا عِلْمًا طَرِيقَ شَعْبِي أَنْ يَخْلِفُوا بِاسْمِي: حَيَّ هُوَ الرَّبُّ، كَمَا عَلَّمُوا شَعْبِي أَنْ يَخْلِفُوا بِعَلِّ، أَنَّهُمْ يُبْنُونَ فِي وَسْطِ شَعْبِي. ١٧ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعُوا، فَإِنِّي أَقْتَلِعُ تِلْكَ الْأُمَّةَ اقْتِلَاعًا وَأُبِيدُهَا، يَقُولُ الرَّبُّ».

۱۴ خداوند درباره تمامی همسایگان شریر خود که بر میراث او برای قومش اسرائیل دست تپاول دراز کرده‌اند، چنین می‌فرماید: «من آنان را از سرزمینشان بر خواهم کند و خاندان یهودا را از میان ایشان بر خواهم کند. ۱۵ اما پس از برکنندشان، بار دیگر بر ایشان رحم خواهم کرد و هر یک را به میراث و

سرزمین خویش باز خواهم گردانید. ۱۶ و اگر ایشان طریقه‌های قوم مرا نیکو فرا گیرند و به نام من سوگند یاد کرده، بگویند: «حیات در پروردگار است»، چنانکه به قوم من آموختند تا به بعل سوگند یاد کنند، آنگاه ایشان در میان قوم من بنا خواهند شد. ۱۷ اما اگر قومی گوش نگیرد، آن قوم را به کل برکنده، نابود خواهم ساخت»، این است فرموده خداوند.

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّالِثُ عَشَرَ * ۱۳: ۱-۲۷

۱ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِي: «اذْهَبْ وَاشْتَرِ لِنَفْسِكَ مِثْقَةً مِنْ كِتَانٍ وَضَعْهَا عَلَى حَقْوِيكَ وَلَا تَدْخُلْهَا فِي الْمَاءِ». ۲ فَاشْتَرَيْتُ الْمِثْقَةَ كَقَوْلِ الرَّبِّ وَوَضَعْتُهَا عَلَى حَقْوِي. ۳ فَصَارَ كَلَامُ الرَّبِّ إِلَيَّ ثَانِيَةً قَائِلًا: ۴ «خُذِ الْمِثْقَةَ الَّتِي اشْتَرَيْتَهَا الَّتِي هِيَ عَلَى حَقْوِيكَ، وَقُمْ أَنْطَلِقْ إِلَى الْفُرَاتِ، وَاطْمِرْهَا هُنَاكَ فِي شَقِّ صَخْرٍ». ۵ فَانْطَلَقْتُ وَطَمَرْتُهَا عِنْدَ الْفُرَاتِ كَمَا أَمَرَنِي الرَّبُّ. ۶ وَكَانَ بَعْدَ أَيَّامٍ كَثِيرَةٍ أَنَّ الرَّبَّ قَالَ لِي: «قُمْ أَنْطَلِقْ إِلَى الْفُرَاتِ وَخُذْ مِنْ هُنَاكَ الْمِثْقَةَ الَّتِي أَمَرْتُكَ أَنْ تَطْمِرَهَا هُنَاكَ». ۷ فَانْطَلَقْتُ إِلَى الْفُرَاتِ، وَخَفَرْتُ وَأَخَذْتُ الْمِثْقَةَ مِنْ الْمَوْضِعِ الَّذِي طَمَرْتُهَا فِيهِ. وَإِذَا بِالْمِثْقَةِ قَدْ فَسَدَتْ. لَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ. ۸ فَصَارَ كَلَامُ الرَّبِّ إِلَيَّ قَائِلًا: ۹ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَكَذَا أَفْسِدُ كِبْرِيَاءَ يَهُودَا، وَكِبْرِيَاءَ أُورُشَلِيمَ الْعَظِيمَةِ. ۱۰ هَذَا الشَّعْبُ الشِّرِيرُ الَّذِي يَأْتِي أَنْ يَسْمَعَ كَلَامِي، الَّذِي يَسْلُكُ فِي عِنَادِ قَلْبِهِ وَيَسِيرُ وَرَاءَ إِلَهَةٍ أُخْرَى لِيَعْبُدَهَا وَيَسْجُدَ لَهَا، يَصِيرُ كَهَذِهِ الْمِثْقَةِ الَّتِي لَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ. ۱۱ لِأَنَّهُ كَمَا تَلْتَصِقُ الْمِثْقَةُ بِحَقْوِي الْإِنْسَانِ، هَكَذَا أَلْصَقْتُ بِنَفْسِي كُلَّ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ وَكُلِّ بَيْتِ يَهُودَا، يَقُولُ الرَّبُّ، لِيَكُونُوا لِي شَعْبًا وَاسْمًا وَفَخْرًا وَمَجْدًا، وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا.

۱ خداوند به من چنین فرمود: «برو و کمربندی از کتان خریده، بر کمر ببند، اما آن را در آب فرو مبر.» ۲ پس مطابق کلام خداوند کمربندی خریدم و آن را بر کمر بستم. ۳ دیگر بار کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۴ «اکنون کمربندی را که خریده و بر کمر بسته‌ای، برگیر و نزد فرات رفته، آن را در شکاف صخره‌ای پنهان کن.» ۵ پس رفتم و آن را همان‌گونه که خداوند به من فرموده بود، نزد فرات پنهان کردم. ۶ پس از گذشت روزهایی بسیار، خداوند مرا فرمود: «برخیز و به فرات برو، و کمربندی را که امر فرموده بودم در آنجا پنهان کنی، از آنجا برگیر.» ۷ پس به فرات رفتم و مکانی را که کمربند را در آن پنهان کرده بودم، گندم و کمربند را از آنجا برگرفتم. اما اکنون پوسیده بود و به هیچ کاری نمی‌آمد. ۸ آنگاه کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۹ «خداوند چنین می‌فرماید: به همین سان من تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را نابود خواهم کرد. ۱۰ این قوم شریر که از شنیدن کلام من سر باز می‌زنند، و از سرکشی دل خود پیروی می‌کنند و از پی خدایان غیر رفته، آنها را عبادت و سجده می‌نمایند، مانند همین کمربند خواهند شد که به هیچ کاری نمی‌آید. ۱۱ زیرا خداوند می‌فرماید: همان‌گونه که کمربند به کمر

آدمی می چسبد، من تمامی خاندان اسرائیل و تمامی خاندان یهودا را به خویشان چسباندم تا قوم و شهرت و ستایش و شکوه برای من باشند، اما گوش نگرفتند!

۱۲ «فَتَقُولُ لَهُمْ هَذِهِ الْكَلِمَةُ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: كُلُّ زَقٍّ يَمْتَلِئُ خَمْرًا. فَيَقُولُونَ لَكَ: أَمَا نَعْرِفُ مَعْرِفَةً أَنَّ كُلَّ زَقٍّ يَمْتَلِئُ خَمْرًا؟ ۱۳ فَتَقُولُ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَانَذَا أَمْلَأُ كُلَّ سُكَّانِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَالْمُلُوكِ الْجَالِسِينَ لِدَاوُدَ عَلَى كُرْسِيِّهِ، وَالْكَهَنَةَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَكُلَّ سُكَّانِ أُورُشَلِيمَ سُكْرًا. ۱۴ وَأُحْطِمُهُمُ الْوَاحِدَ عَلَى أَخِيهِ، الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ مَعًا، يَقُولُ الرَّبُّ. لَا أَشْفِقُ وَلَا أَتَرَأْفُ وَلَا أَرْحَمُ مِنْ إِهْلَاكِهِمْ».

۱۲ «این کلام را بدیشان بگو: ”یهوه، خدای اسرائیل می فرماید: ”هر خمره‌ای از شراب پر خواهد شد.“ و آنها به تو خواهند گفت، ”آیا ما نمی دانیم که هر خمره‌ای از شراب پر خواهد شد؟“ ۱۳ آنگاه بدیشان بگو، ”خداوند چنین می گوید: اینک جمیع ساکنان این سرزمین را، از پادشاهانی که بر تخت داوود می نشینند تا کاهنان و انبیا و تمامی ساکنان اورشلیم، جملگی از مستی پر خواهم ساخت، ۱۴ و خداوند می فرماید که آنان یعنی پدران و پسران را به جان هم خواهم افکند، و همگی را بی هیچ دلسوزی و شفقت و رحم، هلاک خواهم کرد.“

۱۵ اِسْمَعُوا وَاصْعُوا. لَا تَتَعَظَّمُوا لِأَنَّ الرَّبَّ تَكَلَّمَ. ۱۶ اَعْطُوا الرَّبَّ إِلَهُكُمْ مَجْدًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَ ظَلَامًا، وَقَبْلَمَا تَعْتَرِ أَرْجُلُكُمْ عَلَى جِبَالِ الْعَتَمَةِ، فَتَنْتَظِرُونَ نُورًا فَيَجْعَلُهُ ظِلًّا مَوْتٍ، وَيَجْعَلُهُ ظَلَامًا دَامِسًا. ۱۷ وَإِنْ لَمْ تَسْمَعُوا ذَلِكَ، فَإِنَّ نَفْسِي تَبْكِي فِي أَمَاكِنَ مُسْتَتِرَةٍ مِنْ أَجْلِ الْكِبْرِيَاءِ، وَتَبْكِي عَيْنِي بَكَاءً وَتَذْرِفُ الدَّمُوعَ، لِأَنَّهُ قَدْ سَبَى قَطِيعَ الرَّبِّ. ۱۸ قُلْ لِلْمَلِكِ وَلِلْمَلِكَةِ: «انْضِعَا وَاجْلِسَا، لِأَنَّهُ قَدْ هَبَطَ عَنْ رَأْسَيْكُمَا تَاجٌ مَجْدِكُمَا». ۱۹ أَعْلَقْتُ مَدْنُ الْجَنُوبِ وَلَيْسَ مَنْ يَفْتَحُ. سُبَيْتَ يَهُودًا كُلَّهَا. سُبَيْتَ بِالْتَّمَامِ. ۲۰ اِرْفَعُوا أَعْيُنَكُمْ وَأَنْظُرُوا الْمُقْبِلِينَ مِنَ الشِّمَالِ. أَيْنَ الْقَطِيعِ الَّذِي أُعْطِيَ لَكَ، غَنَمٌ مَجْدِكِ؟ ۲۱ مَاذَا تَقُولِينَ حِينَ يُعَاقِبُكَ، وَقَدْ عَلِمْتِهِمْ عَلَى نَفْسِكَ قُوَادًا لِلرِّيَاسَةِ؟ أَمَا تَأْخُذُكَ الْأَوْجَاعُ كَأَمْرَةٍ مَآخِضٍ؟ ۲۲ وَإِنْ قُلْتَ فِي قَلْبِكَ: «لِمَاذَا أَصَابْتَنِي هَذِهِ؟». لِأَجْلِ عَظَمَةِ إِثْمِكَ هَتِكَ ذِيْلَاكِ وَانْكَشَفَ عَنَّا عَقَبَاكِ. ۲۳ هَلْ يُعَيِّرُ الْكُوشِيُّ جِلْدَهُ أَوْ النَّمِرُ رُقْطَهُ؟ فَانْتُمْ أَيْضًا تَقْدِرُونَ أَنْ تَصْنَعُوا خَيْرًا أَيُّهَا الْمُتَعَلِّمُونَ الشَّرَّ! ۲۴ «فَأَبْدَدَهُمْ كَقَشٍ يُعْبَرُ مَعَ رِيحِ الْبَرِّيَّةِ. ۲۵ هَذِهِ قُرْعَتُكَ، النَّصِيبُ الْمَكِيلُ لَكَ مِنْ عِنْدِي، يَقُولُ الرَّبُّ، لِأَنَّكَ نَسِيتَنِي وَاتَّكَلْتَ عَلَى الْكَذِبِ. ۲۶ فَأَنَا أَيْضًا أَرْفَعُ ذَيْلِيكَ عَلَى وَجْهِكَ فَيَرَى خِزْيُكَ. ۲۷ فَسُقُكِ وَصَهْيُكِ وَرَذَالَةُ زَنَاقِ عَلَى الْأَكَامِ فِي الْحَقْلِ. قَدْ رَأَيْتُ مَكْرَهَاتِكَ. وَيَلُ لَكَ يَا أُورُشَلِيمُ! لَا تَطْهَرِينَ. حَتَّى مَتَى بَعْدُ؟».

هشدار درباره تبعید: ۱۵ بشنوید و گوش بسپارید؛ متکبر مباشید، زیرا که خداوند سخن گفته است. ۱۶ یهوه خدایتان را جلال دهید، پیش از آنکه تاریکی پدید آورد، و پاهایتان بر کوههای تاریک بلغزد؛ و آنگاه که به امید نور نشسته‌اید، آن را به تاریکی غلیظ بدل ساخته، به ظلمات تبدیل کند. ۱۷ اما اگر

گوش فرا ندهید، جان من در خلوت به سبب تکبرتان خواهد گریست، و دیدگانم زاری خواهد کرد و اشکها خواهد ریخت، زیرا گله خداوند به اسیری برده خواهد شد. ۱۸ پادشاه و ملکه مادر را بگو: «از تختهای خویش فرود آید، زیرا تاجهای شکوهمندان از سر شما فرو افتاده است.» ۱۹ شهرهای نگب مسدود شده، و کسی نیست که آنها را بگشاید؛ تمامی یهودا اسیر شده، و یکسره به تبعید رفته است. ۲۰ «چشمان خود را برافراز و آنان را که از شمال می آیند، بنگر. کجاست گله ای که به تو سپرده شد؟ کجاست گوسفندان زیبای تو؟ ۲۱ چون او یارانی را که تو پرورده ای به حکمرانی بر تو برگمارد، چه خواهی گفت؟ آیا دردی همچون درد زن زائو بر تو نخواهد آمد؟ ۲۲ و اگر در دل خویش بگویی، «چرا اینها بر سرم آمده؟» بدان که به سبب کثرت گناهان توست که دامت بالا زده شده، و بر تو تجاوز رفته است. ۲۳ آیا حبشی، پوست خویش را تغییر تواند داد؟ یا پلنگ خالهای خود را؟ به همین گونه، آیا شما که به بدی کردن خو کرده اید، کار نیک توانید کرد؟ ۲۴ «من شما را چون کاهی رانده از باد صحرا، پراکنده خواهم ساخت. ۲۵ این است قرعه تو، و نصیبی که برایت رقم زده ام؛» خداوند این را می گوید. «زیرا مرا از یاد بردی و به دروغ اعتماد کردی. ۲۶ پس من خود دامت را تا روی صورتت بالا خواهم زد، و رسوایی ات دیده خواهد شد. ۲۷ من اعمال قبیح تو را بر فراز تپه ها و در دشتهای دیده ام، زناکاری و شیعه ها، و بی شرمی روسپیگری را. وای بر تو ای اورشلیم! تا به کی طاهر نخواهی شد؟»

سفر ارمیا: الأصحاح الرابع عشر * ۱:۱۴-۲۲

۱ کَلِمَةُ الرَّبِّ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ جِهَةِ الْقَحْطِ: ۲ «نَاحَتْ يَهُودَا وَأَبْوَانُهَا ذَبُلَتْ. خَزِنَتْ إِلَى الْأَرْضِ وَصَعِدَ غَوِيلُ أُورُشَلِيمَ. ۳ وَأَشْرَافُهُمْ أَرْسَلُوا أَصَاغِرَهُمْ لِلْمَاءِ. أَتَوْا إِلَى الْأَجْنَابِ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً. رَجَعُوا بِأَيْتِيهِمْ فَارِغَةً. خَزَوْا وَخَجِلُوا وَغَطُّوا رُؤُوسَهُمْ ۴ مِنْ أَجْلِ أَنَّ الْأَرْضَ قَدْ تَشَقَّقَتْ، لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَطَرٌ عَلَى الْأَرْضِ خَزِيَ الْفَلَاحُونَ. غَطُّوا رُؤُوسَهُمْ. ۵ حَتَّى أَنْ الْإِيْلَةَ أَيْضًا فِي الْحَقْلِ وَلَدَتْ وَتَرَكَتْ، لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ كَلًا. ۶ الْفِرَا وَقَفَتْ عَلَى الْهَضَابِ تَسْتَنْشِقُ الرِّيحَ مِثْلَ بَنَاتِ آوَى. كَلَّتْ عُيُونُهَا لِأَنَّهُ لَيْسَ عُشْبٌ». ۷ وَإِنْ تَكُنْ أَثَامُنَا تَشْهَدُ عَلَيْنَا يَا رَبُّ، فَاعْمَلْ لِأَجْلِ اسْمِكَ. لِأَنَّ مَعَاصِينَا كَثُرَتْ. إِلَيْكَ أَخْطَأْنَا. ۸ يَا رَجَاءَ إِسْرَائِيلَ، مُخَلِّصَهُ فِي زَمَانِ الضِّيقِ، لِمَاذَا تَكُونُ كَغَرِيبٍ فِي الْأَرْضِ، وَكَمُسَافِرٍ يَمِيلُ لِيَبِيتَ؟ ۹ لِمَاذَا تَكُونُ كَأِنْسَانٍ قَدْ تَحَيَّرَ، كَجَبَّارٍ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُخَلِّصَ؟ وَأَنْتَ فِي وَسْطِنَا يَا رَبُّ، وَقَدْ دُعِينَا بِاسْمِكَ. لَا تَتْرُكْنَا!

۱ کلام خداوند که در مورد خشکسالی بر ارمیا نازل شد: ۲ «یهودا سوگوار است، و شهرهایش سوت و کور؛ مردمانش ماتم زده بر خاک می نشینند، و فریاد اورشلیم بلند است. ۳ نجای شهر خادمان خویش را برای آب می فرستند؛ آنها نزد آب انبارها می روند، اما آب نمی یابند؛ پس با ظرفهای خالی بازمی گردند،

و سرهای خویش را از شرم و رسوایی می پوشانند. ۴ زمین ترک برداشته، زیرا باران بر این سرزمین نباریده است؛ از این رو کشاورزان سرهای خویش را از شرم می پوشانند. ۵ حتی غزالهای صحرا نیز نوزادان خود را رها می کنند، زیرا هیچ علفی نیست. ۶ خران وحشی بر بلندیهایی خشک می ایستند، و همچون شغالان برای هوا نفس نفس می زنند؛ چشمانشان تار می شود، زیرا هیچ گیاهی نیست. ۷ «خداوندا، اگرچه گناهانمان بر ضد ما شهادت می دهد، اما تو به خاطر نام خود عمل کن؛ زیرا ارتدادهای ما بسیار است، و به تو گناه ورزیده ایم. ۸ ای تو که امید اسرائیلی، و نجات دهنده او در زمان تنگی، چرا همچون غریبی در این سرزمین شده ای، و مانند مسافری که تنها برای شبی خیمه می زند؟ ۹ چرا به شخصی متحیر می مانی، یا به جنگاوری که او را یارای نجات دادن نیست؟ اما تو ای خداوند، در میان ما حاضری، و نام تو بر ماست؛ ترک مان مکن!»

۱۰ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِهَذَا الشَّعْبِ: «هَكَذَا أَحْبَبُوا أَنْ يَجُولُوا. لَمْ يَمْنَعُوا أَرْجُلَهُمْ، فَالرَّبُّ لَمْ يَقْبَلْهُمْ. أَلَا نَ يَذْكُرُ إِثْمَهُمْ وَيُعَاقِبُ خَطَايَاهُمْ». ۱۱ وَقَالَ الرَّبُّ لِي: «لَا تُصَلِّ لِأَجْلِ هَذَا الشَّعْبِ لِلْخَيْرِ. ۱۲ حِينَ يَصُومُونَ لَا أَسْمَعُ صُرَاخَهُمْ، وَحِينَ يَصْعِدُونَ مُحَرَّقَةً وَتَقْدِمَةً لَا أَقْبَلُهُمْ، بَلْ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ أَنَا أَفْنِيهِمْ». ۱۳ فَقُلْتُ: «أَه، أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّبُّ! هُوَذَا الْأَنْبِيَاءُ يَقُولُونَ لَهُمْ لَا تَرَوْنَ سَيْفًا، وَلَا يَكُونُ لَكُمْ جُوعٌ بَلْ سَلَامًا ثَابِتًا أُعْطِيكُمْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ». ۱۴ فَقَالَ الرَّبُّ لِي: «بِالْكَذِبِ يَتَنَبَّأُ الْأَنْبِيَاءُ بِاسْمِي. لَمْ أَرْسِلْهُمْ، وَلَا أَمَرْتُهُمْ، وَلَا كَلَّمْتُهُمْ. بِرُؤْيَا كَاذِبَةٍ وَعِرَافَةٍ وَبَاطِلٍ وَمَكْرِ قُلُوبِهِمْ هُمْ يَتَنَبَّأُونَ لَكُمْ».

انبیای دروغین: ۱۰ خداوند درباره این قوم چنین می فرماید: «ایشان از چنین آوارگی خرسند بوده اند، و پاهای خویش را باز نداشته اند. پس خداوند ایشان را نمی پذیرد؛ اکنون تقصیراتشان را به یاد آورده، گناهشان را جزا خواهد داد.» ۱۱ سپس خداوند مرا گفت: «برای بهروزی این قوم دعا مکن. ۱۲ اگرچه روزه بگیرند، به فریادشان گوش نخواهم گرفت، و اگرچه قربانی تمام سوز و هدیه آردی تقدیم کنند، ایشان را نخواهم پذیرفت، بلکه به شمشیر و قحطی و طاعون هلاکشان خواهم کرد.» ۱۳ پس گفتم: «آه ای سید پروردگار، اینک انبیا به ایشان می گویند: «شمشیر نخواهید دید و قحطی نخواهید داشت، بلکه در این مکان به شما صلح و سلامت پایداری خواهم بخشید.» ۱۴ خداوند مرا گفت: «این انبیا به دروغ به نام من نبوت می کنند. من ایشان را نفرستاده ام و فرمانی به ایشان نداده ام، و سخنی با ایشان نگفته ام. آنچه برای شما نبوت می کنند، رؤیای دروغین، پیشگویی باطل و فریب دل خودشان است.

۱۵ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنِ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ يَتَنَبَّأُونَ بِاسْمِي وَأَنَا لَمْ أَرْسِلْهُمْ، وَهُمْ يَقُولُونَ: لَا يَكُونُ سَيْفٌ وَلَا جُوعٌ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ: «بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ يَفْنَى أَوْلَئِكَ الْأَنْبِيَاءُ. ۱۶ وَالشَّعْبُ الَّذِي يَتَنَبَّأُونَ لَهُ يَكُونُ مَطْرُوحًا فِي سَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ مِنْ جَرَى الْجُوعِ وَالسَّيْفِ، وَلَيْسَ مَنْ يَذْفُنُهُمْ هُمْ وَنِسَاءَهُمْ وَبَنُوهُمْ وَبَنَاتُهُمْ، وَأَسْكَبُ

عَلَيْهِمْ سَرَّهُمْ. ۱۷ وَتَقُولُ لَهُمْ هَذِهِ الْكَلِمَةُ: لَتَذْرِفُ عَيْنَايَ دُمُوعًا لَيْلًا وَنَهَارًا وَلَا تَكْفَأُ، لِأَنَّ الْعَذْرَاءَ بِنْتَ شَعْبِي سَحِقَتْ سَحَقًا عَظِيمًا، بِضَرْبَةِ مُوجِعَةٍ جَدًّا. ۱۸ إِذَا خَرَجْتُ إِلَى الْحَقْلِ، فَإِذَا الْقَتْلَى بِالسَّيْفِ. وَإِذَا دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ، فَإِذَا الْمُرْضَى بِالْجُوعِ، لِأَنَّ النَّبِيَّ وَالْكَاهِنَ كِلَيْهِمَا يَطُوفَانِ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَعْرِفَانِ شَيْئًا. ۱۹ هَلْ رَفَضْتَ يَهُودًا رَفْضًا، أَوْ كَرِهْتَ نَفْسُكَ صِهْيُون؟ لِمَاذَا ضَرَبْتَنَا وَلَا شِفَاءَ لَنَا؟ اانتَظَرْنَا السَّلَامَ فَلَمْ يَكُنْ خَيْرٌ، وَزَمَانَ الشِّفَاءِ فَإِذَا رُغْبٌ. ۲۰ أَقَدْ عَرَفْنَا يَا رَبُّ شَرَّنَا، إِنَّمَا أَبَايْنَا، لِأَنَّنَا قَدْ أَخْطَأْنَا إِلَيْكَ. ۲۱ لَا تَرْفُضْ لَأَجْلِ اسْمِكَ. لَا تَهِنْ كُرْسِيِّ مَجْدِكَ. اُدْكُرْ. لَا تَنْقُضْ عَهْدَكَ مَعَنَا. ۲۲ هَلْ يُوجَدُ فِي أَبَاطِيلِ الْأَمَمِ مَنْ يُمَطِّرُ، أَوْ هَلْ تُعْطِي السَّمَاوَاتُ وَأَبَالًا؟ أَمَا أَنْتَ هُوَ الرَّبُّ إِلَهُنَا؟ فَنَرْجُوكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ صَنَعْتَ كُلَّ هَذِهِ.

۱۵ پس خداوند درباره این انبیا که به نام من نبوت می کنند، هر چند من ایشان را نفرستاده ام، و می گویند که این سرزمین روی شمشیر و قحطی نخواهد دید، می گوید: همین انبیا به شمشیر و قحطی هلاک خواهند شد. ۱۶ و مردمی نیز که برایشان نبوت می کنند، قربانی قحطی و شمشیر شده، بر کوچه های اورشلیم افکنده خواهند شد، و کسی نخواهد بود که آنها و همسران و پسران و دخترانشان را به خاک بسپارد؛ زیرا که شرارتشان را بر خودشان خواهم ریخت. ۱۷ «پس این کلام را بدیشان بگو: "بگذار چشمانم شبانه روز اشک بریزد، و آرام نگیرد، زیرا دختر باکره ای که قوم عزیز من باشد، به زخمی عظیم و ضربتی مهلک، مجروح گشته است؛ ۱۸ چون به صحرا بیرون می روم گشتگان شمشیر را می بینم، و چون به شهر درمی آیم بیماران قحطی را. زیرا هم انبیا و هم کاهنان در این سرزمین در پی تجارت خویشند، و هیچ نمی دانند."» ۱۹ آیا یهودا را به تمامی طرد کرده ای؟ آیا جانت از صهیون کراحت دارد؟ چرا ما را چنان زده ای که برایمان هیچ علاجی نیست؟ به امید سلامتی بودیم، اما خیری حاصل نشد؛ به امید زمان شفا، اما اینک رعب و وحشت بود. ۲۰ خداوندا، ما به شرارت خود معترفیم، و به تقصیر پدران خویش؛ چرا که به تو گناه ورزیده ایم. ۲۱ به خاطر نام خود ما را طرد مکن؛ سریر جلال خویش را خوار مشمار؛ عهدی را که با ما بستی به یاد آر، و آن را مشکن. ۲۲ آیا در میان خدایان دروغین قومی خدایی هست که بتواند باران بباراند؟ و آیا آسمان می تواند خودش بارش دهد؟ آیا تو آن نیستی، ای یهوه خدای ما؟ امید ما بر توست؛ زیرا تو کننده همه این کارهایی.

سفر ارمیا: الأصحاح الخامس عشر * ۱۵: ۱-۲۱

۱ ثُمَّ قَالَ الرَّبُّ لِي: «وَإِنْ وَقَفَ مُوسَى وَصَمَّوئِيلُ أَمَامِي لَا تَكُونُ نَفْسِي نَحْوَ هَذَا الشَّعْبِ. اِطْرَحْهُمْ مِنْ أَمَامِي فَيَخْرُجُوا. ۲ وَيَكُونُ إِذَا قَالُوا لَكَ: إِلَى أَيْنَ نَخْرُجُ؟ أَنْكَ تَقُولُ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: الَّذِينَ لِمَوْتٍ فَإِلَى الْمَوْتِ، وَالَّذِينَ لِسَيْفٍ فَإِلَى السَّيْفِ، وَالَّذِينَ لِلْجُوعِ فَإِلَى الْجُوعِ، وَالَّذِينَ لِلسَّبْيِ فَإِلَى السَّبْيِ. ۳ وَأُوَكِّلُ عَلَيْهِمْ أَرْبَعَةَ

أَنْوَعَ، يَقُولُ الرَّبُّ: السَّيْفُ لِلْقَتْلِ، وَالْكَالِبُ لِلسَّحْبِ، وَطُيُورُ السَّمَاءِ وَوُحُوشُ الْأَرْضِ لِلْأَكْلِ وَالْإِهْلَاكِ. ٤
وَأَدْفَعُهُمْ لِلْقَلْقِ فِي كُلِّ مَمَالِكِ الْأَرْضِ مِنْ أَجْلِ مَنْسَى بْنِ حَزَقِيَّا مَلِكِ يَهُوذَا، مِنْ أَجْلِ مَا صَنَعَ فِي أُورُشَلِيمَ.
٥ فَمَنْ يَشْفُقُ عَلَيْكَ يَا أُورُشَلِيمُ، وَمَنْ يُعَزِّيكِ، وَمَنْ يَمِيلُ لِيَسْأَلَ عَنْ سَلَامَتِكَ؟ ٦ أَنْتِ تَرَكْتِنِي، يَقُولُ
الرَّبُّ، إِلَى الْوَرَاءِ سِرْتِ. فَأَمُدِّي يَدِي عَلَيْكَ وَأَهْلِكُكَ. مَلَيْتُ مِنَ النَّدَامَةِ. ٧ وَأَذْرِيهِمْ بِمِذْرَاقٍ فِي أَبْوَابِ الْأَرْضِ.
أُكْلُ وَأَيْدٍ شَعْبِي. لَمْ يَرْجِعُوا عَنْ طُرُقِهِمْ. ٨ كَثُرَتْ لِي أَرَامِلُهُمْ أَكْثَرَ مِنْ رَمْلِ الْبَحَارِ. جَلَبْتُ عَلَيْهِمْ، عَلَى أُمِّ
السَّبَّانِ، نَاهِبًا فِي الظَّهِيرَةِ. أَوْفَعْتُ عَلَيْهَا بَغْتَةً رَغْدَةً وَرُعْبَاتٍ. ٩ ذَبَلْتُ وَالِدَةَ السَّبَّعَةِ. أَسْلَمْتُ نَفْسَهَا. غَرَبَتْ
شَمْسُهَا إِذْ بَعْدَ نَهَارٍ. خَزَيْتُ وَخَجَلْتُ. أَمَّا بَقِيَّتُهُمْ فَلِلسَّيْفِ أَدْفَعُهَا أَمَامَ أَغْدَائِهِمْ، يَقُولُ الرَّبُّ».

۱ آنگاه خداوند مرا گفت: «حتی اگر موسی و سموئیل در حضور من می ایستادند، جان من به این قوم
مایل نمی شد! ایشان را از حضور من بیرون کن و بگذار بروند. ۲ و اگر از تو بیرسند، «کجا برویم؟» بدیشان
بگو، «خداوند چنین می فرماید: «آنان که سزاوار طاعونند، نزد طاعون، آنان که مستوجب شمشیرند، نزد
شمشیر، آنان که در خور قحطیند، نزد قحطی، و آنان که لایق اسیری اند، به اسیری.» ۳ «خداوند می فرماید:
بر آنان چهار گونه ناپود کننده بر خواهم گماشت: شمشیر برای کشتن، سگان برای دریدن، و پرندگان هوا
و وحوش صحرا برای خوردن و ناپود کردن. ۴ من آنان را به سبب منسی پسر حزقیای پادشاه یهودا و آنچه
او در اورشلیم کرد، برای تمامی ممالک روی زمین مایه دهشت خواهم ساخت. ۵ «ای اورشلیم، کیست
که بر تو دل بسوزاند؟ کیست که برایت سوگواری کند؟ کیست که راه خویش کج کند تا از سلامتی تو
پیرسد؟ ۶ خداوند می فرماید: چونکه مرا ترک کردی، و به عقب برگشتی، من نیز دست خویش بر تو بلند
نموده، ناپودت خواهم کرد، زیرا از گذشت کردن، خسته شده ام. ۷ آنان را نزد دروازه های این دیار به باد
خواهم افشاند؛ قوم خود را داغدار ساخته، ناپود خواهم کرد؛ زیرا که از راههای خود بازگشت نکردند. ۸
بیوه هایشان را از ریگهای دریا پر شمارتر خواهم ساخت؛ در نیمروز، ناپود کننده ای بر مادران جوانانشان
خواهم آورد، و اضطراب و وحشت را به ناگاه بر شهر نازل خواهم کرد. ۹ آن که هفت اولاد زاده است،
به حال ضعف افتاده، جان خواهد سپرد؛ آفتابِ عمرش آنگاه که هنوز روز است، غروب خواهد کرد و او
خجل و رسوا خواهد شد. من باقیمانده گان قوم را، در برابر دشمنانشان به شمشیر خواهم سپرد؛» این است
فرموده خداوند.

۱۰ وَيَلُّ لِي يَا أُمِّي لِأَنَّكَ وَلَدْتَنِي إِنْسَانًا خَصَامًا وَإِنْسَانًا نِزَاعٍ لِكُلِّ الْأَرْضِ. لَمْ أَفْرِضْ وَلَا أَفْرَضُونِي، وَكُلُّ
وَاحِدٍ يَلْعَنُنِي. ۱۱ قَالَ الرَّبُّ: «إِنِّي أَهْلِكُكَ لِلْخَيْرِ. إِنِّي أَجْعَلُ الْعَدُوَّ يَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي وَقْتِ الشَّرِّ وَفِي وَقْتِ
الضِّيقِ. ۱۲ «هَلْ يَكْسِرُ الْحَدِيدُ الْحَدِيدَ الَّذِي مِنَ الشِّمَالِ وَالنَّحَاسُ؟ ۱۳ ثَرَوْتُكَ وَخَزَائِنُكَ أَدْفَعُهَا لِلنَّهْبِ،
لَا بَثْمَنٍ، بَلْ بِكُلِّ خَطَايَاكَ وَفِي كُلِّ تَخَوُّمِكَ. ۱۴ وَأُعَبِّرُكَ مَعَ أَعْدَائِكَ فِي أَرْضٍ لَمْ تَعْرِفْهَا، لِأَنَّ نَارًا قَدْ
أُشْعِلَتْ بِغَضَبِي تَوْقَدُ عَلَيْكُمْ». ۱۵ أَنْتَ يَا رَبِّ عَرَفْتَ. اذْكُرْنِي وَتَعَهَّدْنِي وَأَنْتَقِمْ لِي مِنْ مُضْطَهِّدِي. بِطُولِ

أَتَاتِكَ لَا تَأْخُذْنِي. إِغْرِفِ اخْتِمَالِي الْغَارَ لِأَجْلِكَ. ١٦ وَجِدَ كَلَامُكَ فَأَكَلْتُهُ، فَكَانَ كَلَامُكَ لِي لِلْفَرَحِ وَلِبَهْجَةٍ قَلْبِي، لِأَنِّي دُعِيتُ بِاسْمِكَ يَا رَبُّ إِلَهَ الْجُنُودِ. ١٧ لَمْ أَجْلِسْ فِي مَخْفَلِ الْمَارْحِينَ مُبْتَهِجًا. مِنْ أَجْلِ يَدِكَ جَلَسْتُ وَخَدِي، لِأَنَّكَ قَدْ مَلَأْتَنِي غَضَبًا. ١٨ لِمَادَا كَانَ وَجَعِي دَائِمًا وَجُرْحِي عَدِيمَ الشِّفَاءِ، يَا بَنِي أَنْ يُشْفَى؟ أَتَكُونُ لِي مِثْلَ كَاذِبٍ، مِثْلَ مِيَاهٍ غَيْرِ دَائِمَةٍ؟

۱۰ وای بر من، ای مادرم، که مرا بزادی، مردی را که تمامی این سرزمین با او در جنگ و ستیز است! نه ربا داده‌ام و نه ربا گرفته‌ام، و با وجود این، همه لعنم می‌کنند. ۱۱ خداوند می‌گوید: «به یقین تو را برای مقصودی نیکو آزاد خواهم کرد. به یقین دشمن را به وقت تنگی و مصیبت نزد تو به التماس و خواهی داشت. ۱۲ «آیا کسی می‌تواند آهن را، آهن شمال را، بشکند؟ و یا برنج را؟ ۱۳ من ثروت و گنجهای شما را، به سبب همه گناهانی که در سرتاسر حدودتان مرتکب شده‌اید، بی‌قیمت به تاراج خواهم داد، ۱۴ و شما را در سرزمینی که نمی‌شناسید به خدمت دشمنانتان در خواهم آورد، زیرا آتشی در خشم من افروخته شده که تا به ابد شعله‌ور خواهد بود.» ۱۵ خداوندا، تو می‌دانی! مرا به یاد آر و به یاری‌ام بیا، و انتقام را از آزاردهندگانم بگیر. در شکیبایی خویش هلاکم مساز؛ بدان که به‌خاطر تو رسوایی کشیده‌ام. ۱۶ سخنان یافت شد، و آنها را خوردم، و کلامت شادی و لذت دل من گردید. ۱۷ در مجلس عیاشان ننشستم، و با ایشان شادمانی نکردم؛ به سبب دست تو که بر من بود تنها نشستم، زیرا که مرا از خشم لبریز کرده بودی. ۱۸ چرا درد مرا پایانی نیست، و چرا جراحت من مهلک است و بی‌علاج؟ آیا تو برایم مانند چشمه‌ای فریبنده خواهی بود، و همچون نهری ناپایدار؟

١٩ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «إِنْ رَجَعْتَ أَرْجِعْكَ، فَتَقِفْ أَمَامِي. وَإِذَا أَخْرَجْتَ الثَّمِينَ مِنَ الْمَرْذُولِ فَمِثْلَ فَمِي تَكُونُ. هُمْ يَرْجِعُونَ إِلَيْكَ وَأَنْتَ لَا تَرْجِعُ إِلَيْهِمْ. ٢٠ وَأَجْعَلْكَ لِهَذَا الشَّعْبِ سُورَ نَحَاسٍ حَصِينًا، فَيَحَارِبُونَكَ وَلَا يَقْدِرُونَ عَلَيْكَ، لِأَنِّي مَعَكَ لِأَخْلَصَكَ وَأُنْقِذَكَ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٢١ فَأَنْقِذْكَ مِنْ يَدِ الْأَشْرَارِ وَأَفْدِيكَ مِنْ كَفِّ الْعُنَاةِ».

۱۹ پس خداوند چنین می‌گوید: «اگر بازگشت کنی، تو را احیا خواهم کرد، و در حضور من به خدمت خواهی ایستاد. اگر از نفایس سخن بگویی و نه از چیزهای باطل، مانند دهان من خواهی بود. مردمند که باید نزد تو بازگردند، و نه تو نزد ایشان. ۲۰ من تو را در برابر این قوم، دیوار مستحکم برنجین خواهم ساخت؛ با تو خواهند جنگید، اما بر تو چیره نخواهند شد، زیرا من با تو هستم تا نجات دهم و رهایی‌ات بخشم؛» این است فرموده خداوند. ۲۱ «من تو را از دست شریران رهایی خواهم بخشید، و از چنگِ ستمگران فدیة خواهم کرد.»

سفر ارمیا: الأصحاح السادس عشر * ۱۶:۱-۲۱

۱ ثُمَّ صَارَ إِلَيَّ كَلَامُ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «لَا تَتَّخِذْ لِنَفْسِكَ امْرَأَةً، وَلَا يَكُنْ لَكَ بَنُونَ وَلَا بَنَاتٌ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ. ۳ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنِ الْبَنِينَ وَعَنِ الْبَنَاتِ الْمُؤَلَّوْدِينَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ، وَعَنْ أُمَّهَاتِهِمِ اللَّوَاتِي وَلَدْنَهُمْ، وَعَنْ آبَائِهِمِ الَّذِينَ وَلَدُوهُمْ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ: ۴ مَيِّتَاتِ أَمْرَاضٍ يَمُوتُونَ. لَا يُنْدَبُونَ وَلَا يُدْفَنُونَ، بَلْ يَكُونُونَ دِمْنَةً عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، وَبِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ يَفْنَوْنَ، وَتَكُونُ جُثَثُهُمْ أَكْثَلًا لِطُيُورِ السَّمَاءِ وَلَوْحُوشِ الْأَرْضِ. ۵ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: لَا تَدْخُلْ بَيْتَ النَّوْحِ وَلَا تَمُضْ لِلدَّبِّ وَلَا تُعْزِهِمْ، لِأَنِّي نَزَعْتُ سَلَامِي مِنْ هَذَا الشَّعْبِ، يَقُولُ الرَّبُّ، الْإِحْسَانُ وَالْمَرَاحِمُ. ۶ فَيَمُوتُ الْكِبَارُ وَالصِّغَارُ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ. لَا يُدْفَنُونَ وَلَا يُنْدَبُونَهُمْ، وَلَا يَخْمَشُونَ أَنْفُسَهُمْ وَلَا يَجْعَلُونَ قَرَعَةً مِنْ أَجْلِهِمْ. ۷ وَلَا يَكْسِرُونَ خُبْزًا فِي الْمَنَاحَةِ لِيُعْزَوْهُمْ عَنْ مَيِّتٍ، وَلَا يَسْقُونَهُمْ كَأْسَ التَّغْزِيَةِ عَنْ أَبِي أَوْ أُمِّ. ۸ وَلَا تَدْخُلْ بَيْتَ الْوَلِيمَةِ لِتَجْلِسَ مَعَهُمْ لِلْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. ۹ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا مُبْطِلٌ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ، أَمَامَ أَغْيُنِكُمْ وَفِي أَيَّامِكُمْ، صَوْتُ الطَّرَبِ وَصَوْتُ الْفَرْحِ، صَوْتُ الْعَرِيسِ وَصَوْتُ الْعَرُوسِ.

۱ کلام خداوند بر من نازل شده، فرمود: ۲ «برای خود زنی مگیر، و تو را در این مکان پسران و دختران نباشد. ۳ زیرا خداوند درباره پسران و دخترانی که در این مکان زاده شوند، و درباره مادرانی که آنان را بزنند و پدرانی که ایشان را در این سرزمین تولید کنند، چنین می فرماید: ۴ به بیماریهای مهلک خواهند مرد. کسی برایشان ماتم نخواهد گرفت و دفشان نخواهد کرد، بلکه بر زمین همچون فضولات خواهند بود. به شمشیر و قحطی هلاک خواهند شد و اجسادشان طعمه پرندگان هوا و حیوانات زمین خواهد گشت. ۵ «آری، زیرا خداوند چنین می فرماید: به خانه ای که در آن مجلس سوگواری بر پاست، قدم مگذار؛ بدان جا مرو و با اهل آن خانه به ماتم و سوگ منشین، زیرا سلامتی خویش و محبت و رحمت خود را از این قوم برگرفته ام؛ این است فرموده خداوند. ۶ بزرگ و کوچک در این سرزمین خواهند مرد. به خاک سپرده نخواهند شد، و کسی برایشان سوگواری نخواهد کرد و خود را مجروح نخواهد ساخت و موی خویش را نخواهد تراشید. ۷ کسی برای شخص سوگوار نانی پاره نخواهد کرد تا او را برای مرده اش تسلی دهد، و نه پیاله تسلی به وی خواهد داد تا برای پدر یا مادر خویش بنوشد. ۸ «نیز به خانه بزم داخل مشو و با ایشان به خوردن و نوشیدن منشین. ۹ زیرا پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: اینک من در ایام شما، و در برابر دیدگان خودتان، فریاد خوشی و بانگ شادمانی، و آواز عروس و صدای داماد را در این مکان خاموش خواهم ساخت.

۱۰ «وَيَكُونُ حِينَ تَخْبِرُ هَذَا الشَّعْبَ بِكُلِّ هَذِهِ الْأُمُورِ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ لَكَ: لِمَاذَا تَكَلَّمَ الرَّبُّ عَلَيْنَا بِكُلِّ هَذَا الشَّرِّ الْعَظِيمِ، فَمَا هُوَ ذَنْبُنَا وَمَا هِيَ خَطِيئَتُنَا الَّتِي أَخْطَأْنَاهَا إِلَى الرَّبِّ إِلَهِنَا؟ ۱۱ فَتَقُولُ لَهُمْ: مِنْ أَجْلِ أَنْ آبَاءَكُمْ

قَدْ تَرَكُونِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَذَهَبُوا وَرَاءَ إِلَهَةٍ أُخْرَى وَعَبَدُوهَا وَسَجَدُوا لَهَا، وَإِنِّي تَرَكُوكُمَا، وَشَرَّيْتَنِي لَمْ يَحْفَظُوهَا.
 ۱۲ وَأَنْتُمْ أَسَاتُمْ فِي عَمَلِكُمْ أَكْثَرَ مِنْ آبَائِكُمْ. وَهَذَا أَنْتُمْ ذَاهِبُونَ كُلُّ وَاحِدٍ وَرَاءَ عِنَادِ قَلْبِهِ الشَّرِيرِ حَتَّى لَا تَسْمَعُوا لِي. ۱۳ فَأَطْرُدُكُمْ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ إِلَى أَرْضٍ لَمْ تَعْرِفُوهَا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ، فَتَعْبُدُونَ هُنَاكَ إِلَهَةً أُخْرَى نَهَارًا وَلَيْلًا حَيْثُ لَا أُعْطِيَكُمْ نِعْمَةً.

۱۰ «آنگاه که تمامی این سخنان را به این قوم بازگفتی، چون ایشان از تو پیرسند: "خداوند از چه سبب تمامی این بلای عظیم را بر ضد ما اعلام کرده است؟ تقصیر ما چیست؟ و چه گناهی به یهوه خدای خود ورزیده‌ایم؟" ۱۱ آنگاه به ایشان بگو: "خداوند چنین می‌فرماید: این از آن روست که پدران شما مرا ترک کردند و در پی خدایان غیر رفته، آنان را عبادت و سجده نمودند. ایشان مرا ترک کرده، شریعت مرا نگاه نداشتند. ۱۲ و شما نیز بدتر از پدرانتان عمل کرده‌اید، زیرا هر یک از شما از سرکشی دل‌شریر خود پیروی می‌کنید و به من گوش نمی‌گیرید. ۱۳ از این رو شما را از این سرزمین به سرزمینی که نه شما شناخته‌اید و نه پدرانتان بیرون خواهم افکند، و در آنجا روز و شب خدایان غیر را عبادت خواهید کرد، زیرا بر شما نظر لطف نخواهم داشت."

۱۴ «لِذَلِكَ هَذَا أَيَّامُ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَا يُقَالُ بَعْدُ: حَيٌّ هُوَ الرَّبُّ الَّذِي أَصْعَدَ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ،
 ۱۵ بَلْ حَيٌّ هُوَ الرَّبُّ الَّذِي أَصْعَدَ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ أَرْضِ الشِّمَالِ وَمِنْ جَمِيعِ الْأَرْضِ الَّتِي طَرَدَهُمْ إِلَيْهَا. فَأَرْجِعُهُمْ إِلَى أَرْضِهِمُ الَّتِي أُعْطِيتُ آبَاءَهُمْ إِيَّاهَا. ۱۶ «هَآنَذَا أُرْسِلُ إِلَى جَزَائِينَ كَثِيرِينَ، يَقُولُ الرَّبُّ، فَيَصْطَادُونَهُمْ، ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ أُرْسِلُ إِلَى كَثِيرِينَ مِنَ الْقَانِصِينَ فَيَقْتَنِصُونَهُمْ عَنْ كُلِّ جَبَلٍ وَعَنْ كُلِّ أَكْمَةٍ وَمِنْ شُقُوقِ الصُّخُورِ. ۱۷ لَأَنْ عَيْنِي عَلَى كُلِّ طَرْقِهِمْ. لَمْ تَسْتَبِرْ عَنْ وَجْهِِي، وَلَمْ يَخْتَفِ إِثْمُهُمْ مِنْ أَمَامِ عَيْنَيَّ. ۱۸ وَأَعَاقِبُ أَوَّلًا إِثْمَهُمْ وَخَطِيئَتَهُمْ ضِعْفَيْنِ، لِأَنَّهُمْ ذَنَبُوا أَرْضِي، وَبَجَشْتُ مَكْرَهَاتِهِمْ وَرَجَّاسَاتِهِمْ قَدْ مَلَأُوا مِيرَاثِي». ۱۹ يَا رَبُّ، عِزِّي وَحِصْنِي وَمَلْجَأِي فِي يَوْمِ الضِّيقِ، إِلَيْكَ تَأْتِي الْأُمَمُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، وَيَقُولُونَ: «إِنَّمَا وَرِثَ آبَاؤُنَا كَذِبًا وَأَبَاطِيلَ وَمَا لَا مَنَفْعَةَ فِيهِ. ۲۰ هَلْ يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ لِنَفْسِهِ إِلَهَةً وَهِيَ لَيْسَتْ إِلَهَةً؟». ۲۱ «لِذَلِكَ هَآنَذَا أَعْرِفُهُمْ هَذِهِ الْمَرَّةَ، أَعْرِفُهُمْ يَدَيَّ وَجَبْرَوْتِي، فَيَعْرِفُونَ أَنَّ اسْمِي يَهُوَهُ.

بازگشت اسرائیلیان پراکنده: ۱۴ «بنابر این خداوند می‌فرماید: اینک ایامی می‌آید که دیگر گفته نخواهد شد، "قسم به حیات خداوند که بنی‌اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد"، ۱۵ بلکه خواهند گفت، "قسم به حیات خداوند که بنی‌اسرائیل را از سرزمین شمال و از همه ممالکی که آنان را بدان‌جا رانده بود، باز آورد." زیرا من ایشان را به سرزمینشان که به پدران ایشان بخشیدم، باز خواهم آورد. ۱۶ «اما خداوند می‌فرماید: اینک از پی ماهیگیران بسیار خواهم فرستاد تا ایشان را صید کنند. سپس از پی شکارچیان بسیار خواهم فرستاد تا ایشان را از هر کوه و تلی، و از شکافهای صخره‌ها شکار کنند. ۱۷ زیرا

چشمانم بر تمامی راههای ایشان است؛ آنها از نظرم پنهان نیستند و نه تقصیر ایشان از چشمانم پوشیده. ۱۸ پس نخست تقصیر و گناه ایشان را دوجندان مکافات خواهم رسانید، زیرا سرزمین مرا به لاشهای بتهای منفور خود آلودند و میراث مرا با تمثالهای کراهِت آورشان پر ساختند. ۱۹ ای خداوند، ای قوت و قلعه من، ای پناهگاه من در روز تنگی، قومها از کرانههای زمین نزد تو آمده، خواهند گفت: «پدران ما چیزی به میراث نبردند، جز خدایان دروغین و بتهای باطل که هیچ فایده‌ای نمی‌رسانند. ۲۰ آیا انسان برای خویشتن خدایان بسازد؟ حال آنکه خدا نیستند!» ۲۱ «پس اینک من بدیشان معرفت خواهم بخشید؛ آری، این بار قدرت و عظمت خویش را بدیشان خواهم شناسانید، و آنگاه خواهند دانست که نام من یهوه است!»

سفر ارمیا: الأصحاح السابع عشر * ۱۷:۱-۲۷

۱ «حَطِيَّةُ يَهُودَا مَكْتُوبَةٌ بِقَلَمٍ مِنْ حَدِيدٍ، بِرَأْسٍ مِنَ الْمَاسِ مَنقُوشَةٌ عَلَى لَوْحٍ قَلْبِهِمْ وَعَلَى قُرُونٍ مَذَابِحِهِمْ. ۲ كَذَكَرِ بَنِيهِمْ مَذَابِحِهِمْ، وَسَوَارِيَهُمْ عِنْدَ أَشْجَارٍ خُضِرٍ عَلَى أَكَامٍ مُرْتَفِعَةٍ. ۳ يَا جَبَلِي فِي الْحَقْلِ، أَجْعَلْ ثُرُوتَكَ، كُلَّ خَزَائِنِكَ لِلنَّهْبِ، وَمُرْتَفَعَاتِكَ لِلْحَطِيَّةِ فِي كُلِّ تَخْوِمِكَ. ۴ وَتَتَبَرَّأُ وَبِنَفْسِكَ عَنْ مِيرَاثِكَ الَّذِي أُعْطِيتَكَ إِيَّاهُ، وَأَجْعَلَكَ تَخْدِمُ أَغْدَاءَكَ فِي أَرْضٍ لَمْ تَعْرِفْهَا، لِأَنَّكُمْ قَدْ أَضْرَمْتُمْ نَارًا بِغَضَبِي تَتَقَدُّ إِلَى الْأَبَدِ؟»

۱ «گناه یهودا به قلم آهنین نگاشته شده، و به نوک الماس بر لوح دلشان و شاخهای مذبحهایشان حک شده است. ۲ فرزندانِشان، مذبحهای خویش و آشیره‌های خود را نزد هر درخت سبز، و بر هر تل بلند، یاد می‌دارند. ۳ ای کوه من که در صحرایی، من ثروت و تمامی خزانه‌هایت را همراه با مکانهای بلندت به تاراج خواهم داد، به سبب گناهایی که در سرتاسر حدودت مرتکب شده‌ای. ۴ تو خود آنچه را به تو به میراث بخشیدم بر باد خواهی داد، و من تو را در سرزمینی که نمی‌شناسی، به خدمت دشمنانت در خواهم آورد، زیرا که آتش خشم مرا برافروخته‌ای، که تا به ابد شعله‌ور خواهد ماند.»

۵ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: مَلْعُونُ الرَّجُلُ الَّذِي يَتَّكِلُ عَلَى الْإِنْسَانِ، وَيَجْعَلُ الْبَشَرَ ذِرَاعَهُ، وَعَنِ الرَّبِّ يَحِيدُ قَلْبُهُ. ۶ وَيَكُونُ مِثْلَ الْعَرَعِ فِي الْبَادِيَةِ، وَلَا يَرَى إِذَا جَاءَ الْخَيْرُ، بَلْ يَسْكُنُ الْحَرَّةَ فِي الْبَرِّيَّةِ، أَرْضًا سَبِيحَةً وَغَيْرَ مَسْكُونَةٍ. ۷ مُبَارَكُ الرَّجُلِ الَّذِي يَتَّكِلُ عَلَى الرَّبِّ، وَكَانَ الرَّبُّ مُتَّكِلَهُ، ۸ فَإِنَّهُ يَكُونُ كَشَجَرَةٍ مَعْرُوسَةٍ عَلَى مِيَاهٍ، وَعَلَى نَهْرٍ تَمُدُّ أَصُولَهَا، وَلَا تَرَى إِذَا جَاءَ الْحَرُّ، وَيَكُونُ وَرَقُهَا أَخْضَرَ، وَفِي سَنَةِ الْقَحْطِ لَا تَخَافُ، وَلَا تَكْفُ عَنْ الْإِثْمَارِ. ۹ «الْقَلْبُ أَخَذَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ نَجِيسٌ، مَنْ يَعْرِفُهُ؟ ۱۰ أَنَا الرَّبُّ فَاجِصُ الْقَلْبِ مُخْتَبِرُ الْكُلِّي لِأَعْطِيَ كُلَّ وَاحِدٍ حَسَبَ طَرَفِهِ، حَسَبَ ثَمَرِ أَعْمَالِهِ. ۱۱ حَبَلَةٌ تَخْضُنُ مَا لَمْ تَبْضُ مُحْصِلُ الْغَنَى بغيرِ حَقٍّ. فِي نِصْفِ أَيَّامِهِ يَتَرُكُهُ وَفِي آخِرَتِهِ يَكُونُ أَحْمَقُ! ۱۲ كُرْسِيُّ مَجْدٍ مُرْتَفِعٌ مِنَ الْإِبْتِدَاءِ هُوَ مَوْضِعُ

مَقْدِسِنَا. ۱۳ أَيُّهَا الرَّبُّ رَجَاءُ إِسْرَائِيلَ، كُلُّ الَّذِينَ يَتَرَكُونَكَ يَخْرَوْنَ. «الْحَائِدُونَ عَنِّي فِي التُّرَابِ يُكْتَبُونَ، لِأَنَّهُمْ تَرَكُوا الرَّبَّ يَنْبُوعَ الْمَيَّاهِ الْحَيَّةِ».

۵ خداوند چنین می‌فرماید: «ملعون باد آن که بر انسان توکل کند، و بشرِ خاکی را قوتِ خویش سازد، و دلش از خداوند برگردد. ۶ او همچون بوته‌ای در بیابان خواهد بود که روی سعادت نخواهد دید. او در مکانهای خشکِ بیابان ساکن خواهد بود، بر زمینِ شوره‌زارِ غیرمسکون. ۷ «اما مبارک است آن که بر خداوند توکل کند، و اعتمادش بر او باشد. ۸ او همچون درختی نشانده در کنار آب خواهد بود، که ریشه‌های خویش را به جانبِ نهر می‌گستراند؛ چون موسم گرما فرا رسد، هراسان نخواهد شد، و برگ‌هایش همیشه سبز خواهد ماند؛ در خشکسالی نیز نگران نخواهد بود، و از ثمر آوردن باز نخواهد ایستاد.» ۹ دل از همه چیز فریبده‌تر است، و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟ ۱۰ «من، یهوه، کاوشگرِ دل و آزماینده افکارم؛ تا به هر کس بر حسب راه‌هایش و بر وفقِ ثمره کارهایش سزا دهم.» ۱۱ آن که به ناحق ثروت اندوزد، کبکی را ماند نشسته بر تخمهایی که خود نگذاشته است؛ چون عمرش به نیمه رسد، ترکش خواهد کرد، و در پایان کار خویش، احمقی بیش نخواهد بود. ۱۲ مکانِ قدسِ ما سریری است پر جلال، که از آغاز رفیع بوده است. ۱۳ ای خداوند، ای امید اسرائیل، آنان که تو را ترک کنند، جملگی سرافکنده خواهند شد؛ آنان که از تو روی بگردانند، بر خاکِ مکتوب خواهند شد؛ زیرا خداوند را ترک کرده‌اند، او را که چشمه آب حیات است.

۱۴ اِشْفِنِي يَا رَبُّ فَأُشْفَى. خَلِّصْنِي فَأَخْلَصَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ تَسْبِيحَتِي. ۱۵ هَا هُمْ يَقُولُونَ لِي: «أَيْنَ هِيَ كَلِمَةُ الرَّبِّ؟ لِنَأْتِ!» ۱۶ أَمَّا أَنَا فَلَمْ أَغْتَزِلْ عَنْ أَنْ أَكُونَ رَاعِيًا وَرَاعَكَ، وَلَا أَشْتَهَيْتُ يَوْمَ الْبَلِيَّةِ. أَنْتَ عَرَفْتَ. مَا خَرَجَ مِنْ شَفَتِي كَانَ مُقَابِلَ وَجْهِكَ. ۱۷ لَا تَكُنْ لِي رُغْبًا. أَنْتَ مَلْجَأِي فِي يَوْمِ الشَّرِّ. ۱۸ لِيَخْزَ طَارِدِي وَلَا أَخْزَ أَنَا. لِيَرْتَعِبُوا هُمْ وَلَا أَرْتَعِبْ أَنَا. إِجْلِبْ عَلَيْهِمْ يَوْمَ الشَّرِّ وَاسْحَقْهُمْ سَخَقًا مُضَاعَفًا.

دعای ارمیا برای رهایی: ۱۴ ای خداوند، شفایم ده، که شفا خواهم یافت؛ نجاتم ده، که نجات خواهم یافت. زیرا تویی ستایش من. ۱۵ اینک مرا گویند: «کجاست کلام خداوند؟ بگذار اکنون واقع شود!» ۱۶ من از شبانی برای تو نگریخته‌ام، و تو می‌دانی که روز هلاکت را نخواسته‌ام. آنچه بر لبانم جاری می‌شود، در حضورت آشکار است. ۱۷ مرا به وحشت می‌فکن، ای که در روز بلا، پناه منی. ۱۸ باشد که آزار دهند گانم سرافکنده شوند، نه من! باشد که آنان هراسان شوند، نه من! روز بلا را بر ایشان بیاور، و به هلاکت مضاعف، هلاکشان کن.

۱۹ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِي: «اذهَبْ وَقِفْ فِي بَابِ بَنِي الشَّعْبِ الَّذِي يَدْخُلُ مِنْهُ مُلُوكُ يَهُودَا وَيَخْرُجُونَ مِنْهُ، وَفِي كُلِّ أَبْوَابِ أُورُشَلِيمَ، ۲۰ وَقُلْ لَهُمْ: اسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا مُلُوكَ يَهُودَا، وَكُلَّ سَكَّانِ أُورُشَلِيمَ

الدَّخِلِينَ مِنْ هَذِهِ الْأَبْوَابِ. ۲۱ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: تَحْفَظُوا بِأَنْفُسِكُمْ وَلَا تَحْمِلُوا حِمْلًا يَوْمَ السَّبْتِ وَلَا تَدْخُلُوهُ فِي أَبْوَابِ أُورُشَلِيمَ، ۲۲ وَلَا تَخْرُجُوا حِمْلًا مِنْ بُيُوتِكُمْ يَوْمَ السَّبْتِ، وَلَا تَعْمَلُوا شُغلاً مَّا، بَلْ قَدِّسُوا يَوْمَ السَّبْتِ كَمَا أَمَرْتُ آبَاءَكُمْ. ۲۳ فَلَمْ يَسْمَعُوا وَلَمْ يُمِيلُوا أَذْنَهُمْ، بَلْ قَسَّوْا أَعْنَاقَهُمْ لئَلَّا يَسْمَعُوا وَلئَلَّا يَقْبَلُوا تَأْذِيًّا. ۲۴ وَيَكُونُ إِذَا سَمِعْتُمْ لِي سَمْعًا، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَمْ تَدْخُلُوا حِمْلًا فِي أَبْوَابِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ يَوْمَ السَّبْتِ، بَلْ قَدَّسْتُمْ يَوْمَ السَّبْتِ وَلَمْ تَعْمَلُوا فِيهِ شُغلاً مَّا، ۲۵ أَنَّهُ يَدْخُلُ فِي أَبْوَابِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ مُلُوكٌ وَرُؤَسَاءُ جَالِسُونَ عَلَى كُرْسِيِّ دَاوُدَ، رَاكِبُونَ فِي مَرْكَبَاتٍ وَعَلَى خَيْلٍ، هُمْ وَرُؤَسَاؤُهُمْ رِجَالٌ يَهُودَا وَسُكَّانُ أُورُشَلِيمَ، وَتُسَكَنُ هَذِهِ الْمَدِينَةُ إِلَى الْأَبَدِ. ۲۶ وَيَأْتُونَ مِنْ مِثْنِ يَهُودَا، وَمِنْ حَوَالِي أُورُشَلِيمَ وَمِنْ أَرْضِ بَنِيَامِينَ وَمِنْ السَّهْلِ وَمِنْ الْجِبَالِ وَمِنْ الْجَنُوبِ، يَأْتُونَ بِمُخْرَقَاتٍ وَذَبَائِحَ وَتَقْدِمَاتٍ وَلَبَنٍ، وَيَدْخُلُونَ بِذَبَائِحِ شُكْرِ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ. ۲۷ وَلَكِنْ إِنْ لَمْ تَسْمَعُوا لِي لِتَقْدَسُوا يَوْمَ السَّبْتِ لِكَيْلَا تَحْمِلُوا حِمْلًا وَلَا تَدْخُلُوهُ فِي أَبْوَابِ أُورُشَلِيمَ يَوْمَ السَّبْتِ، فَإِنِّي أَشْعِلُ نَارًا فِي أَبْوَابِهَا فَتَأْكُلُ قُصُورَ أُورُشَلِيمَ وَلَا تَنْطَفِئُ.»

رعایت روز شَبَات: ۱۹ خداوند به من چنین گفت: «برو و نزد دروازهٔ قوم» که پادشاهان یهودا از آن داخل و خارج می‌شوند، و نزد همهٔ دروازه‌های اورشلیم بایست، ۲۰ و بدیشان بگو: «ای پادشاهان یهودا و تمامی مردمان یهودا و همهٔ ساکنان اورشلیم که از این دروازه‌ها داخل می‌شوید، کلام خداوند را بشنوید. ۲۱ خداوند چنین می‌فرماید: به‌خاطر جان خود بر حذر باشید که در روز شَبَات باری حمل نکنید و آن را از دروازه‌های اورشلیم داخل مسازید. ۲۲ در روز شَبَات هیچ باری از خانه‌های خود بیرون میاورید و هیچ کار نکنید. بلکه همان‌گونه که به پدرانِتان فرمان دادم، روز شَبَات را مقدس بدانید. ۲۳ اما آنان نشنیدند و گوش فرا ندادند، بلکه گردن خویش را سخت ساختند تا نشنوند و تأذیب نپذیرند. ۲۴ «اما خداوند می‌فرماید: اگر به من به‌درستی گوش فرا دهید و در روز شَبَات هیچ باری از دروازه‌های این شهر داخل نسازید، بلکه روز شَبَات را مقدس بدانید و در آن هیچ کار نکنید، ۲۵ آنگاه پادشاهان و حاکمانی که بر تخت داوود می‌نشینند، سوار بر ارابه‌ها و اسبان، همراه با صاحب‌منصبان و مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم از دروازه‌های این شهر داخل خواهند شد، و این شهر تا به ابد مسکون خواهد ماند. ۲۶ و مردم از شهرهای یهودا و نواحی اطراف اورشلیم، و از سرزمین بنیامین، و از نواحی پست و مرتفع، و از نِگب خواهند آمد و قربانیهای تمام‌سوز و دیگر قربانیها و هدایای آردی و بخور و قربانیهای شکرگزاری به خانهٔ خداوند خواهند آورد. ۲۷ اما اگر مرا نشنوید و روز شَبَات را مقدس ندارید، و در روز شَبَات باری حمل کرده، آن را از دروازه‌های اورشلیم داخل سازید، آنگاه بر دروازه‌هایش آتشی بر خواهم افروخت که کاخهای اورشلیم را در کام خواهد کشید و خاموشی نخواهد پذیرفت.»

سفر ارمیا: الأصحاح الثامن عشر * ۱۸:۱-۲۳

۱ الْكَلَامُ الَّذِي صَارَ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «قُمْ انْزِلْ إِلَى بَيْتِ الْفَخَّارِيِّ وَهُنَاكَ أَسْمِعُكَ كَلَامِي». ۳ فَزَلْتُ إِلَى بَيْتِ الْفَخَّارِيِّ، وَإِذَا هُوَ يَصْنَعُ عَمَلًا عَلَى الدُّوَلَابِ. ۴ فَفَسَدَ الْوِعَاءُ الَّذِي كَانَ يَصْنَعُهُ مِنَ الطِّينِ بِيَدِ الْفَخَّارِيِّ، فَعَادَ وَعَمَلُهُ وَعَاءٌ آخَرَ كَمَا حَسُنَ فِي عَيْنِي الْفَخَّارِيُّ أَنْ يَصْنَعَهُ. ۵ فَصَارَ إِلَيَّ كَلَامُ الرَّبِّ قَائِلًا: ۶ «أَمَّا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَصْنَعَ بِكُمْ كَهَذَا الْفَخَّارِيِّ يَا بَيْتَ إِسْرَائِيلَ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ هُوَذَا كَالطِّينِ بِيَدِ الْفَخَّارِيِّ أَنْتُمْ هَكَذَا بِيَدِي يَا بَيْتَ إِسْرَائِيلَ. ۷ تَارَةً أَتَكَلَّمُ عَلَى أُمَّةٍ وَعَلَى مَمْلَكَةٍ بِالْقَلْعِ وَالْهَدْمِ وَالْإِهْلَاكِ، ۸ فَتَرْجِعُ تِلْكَ الْأُمَّةُ الَّتِي تَكَلَّمْتُ عَلَيْهَا عَنْ شَرِّهَا، فَأَنْدَمُ عَنِ الشَّرِّ الَّذِي قَصَدْتُ أَنْ أَصْنَعَهُ بِهَا. ۹ وَتَارَةً أَتَكَلَّمُ عَلَى أُمَّةٍ وَعَلَى مَمْلَكَةٍ بِالْبِنَاءِ وَالْغَرْسِ، ۱۰ فَتَفْعَلُ الشَّرَّ فِي عَيْنِي، فَلَا تَسْمَعُ لَصَوْتِي، فَأَنْدَمُ عَنِ الْخَيْرِ الَّذِي قُلْتُ إِنِّي أُحْسِنُ إِلَيْهَا بِهِ».

۱ این است کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ «برخیز و به خانه کوزه گر فرود آی، و در آنجا کلام خود را به تو خواهم شنوایند.» ۳ پس به خانه کوزه گر فرود آمدم، و او را بر چرخ خود سرگرم کار دیدم. ۴ هان ظرفی که کوزه گر از گل می ساخت، در دستش ضایع شد؛ پس ظرفی دیگر از آن ساخت، آن گونه که در نظرش پسند می آمد. ۵ آنگاه کلام خداوند بر من نازل شده، فرمود: ۶ «خداوند می فرماید: ای خاندان اسرائیل، آیا من نمی توانم با شما همان کنم که این کوزه گر کرد؟ هان ای خاندان اسرائیل، شما نیز در دستان من، همچون گل در دستان کوزه گرید. ۷ هرگاه درباره قوم یا مملکتی اعلام کنم که آن را برکنده، منهدم و نابود خواهم ساخت، ۸ اگر آن قوم که درباره اش چنین گفته ام، از شرارت خویش بازگشت کنند، آنگاه من نیز از آن بلا که قصد آن داشتم، باز خواهم گشت. ۹ و هرگاه درباره قوم یا مملکتی اعلام کنم که آن را بنا خواهم کرد و غرس خواهم نمود، ۱۰ اگر ایشان در نظر من شرارت ورزند و سخن مرا نشنوند، آنگاه من از آن نیکویی که قصد انجامش داشتم، باز خواهم گشت».

۱۱ «فَالآنَ كَلَّمَ رِجَالَ يَهُودَا وَسَكَانَ أُورُشَلِيمَ قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا مُصْدِرٌ عَلَيْكُمْ شَرًّا، وَقَاصِدٌ عَلَيْكُمْ قَصْدًا. فَارْجِعُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ طَرِيقِهِ الرَّدِيِّ، وَأَصْلِحُوا طَرِيقَكُمْ وَأَعْمَالَكُمْ». ۱۲ فَقَالُوا: «بَاطِلٌ! لَأَنَّا نَسْعَى وَرَاءَ أَفْكَارِنَا، وَكُلُّ وَاحِدٍ يَعْمَلُ حَسَبَ عِنَادِ قَلْبِهِ الرَّدِيِّ». ۱۳ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «اسْأَلُوا بَيْنَ الْأُمَمِ. مَنْ سَمِعَ كَهَذِهِ؟ مَا يُقْشَعَرُّ مِنْهُ جِدًّا عَمِلَتْ عَذْرَاءُ إِسْرَائِيلَ. ۱۴ هَلْ يَخْلُو صَخْرٌ حَقْلِي مِنْ ثَلَجٍ لُبْنَانٍ؟ أَوْ هَلْ تَنْشَفُ الْمِيَاهُ الْمُنْفَجِرَةُ الْبَارِدَةُ الْجَارِيَةُ؟ ۱۵ لَأَنَّ شَعْبِي قَدْ نَسِيَنِي! بَخَرُوا لِلْبَاطِلِ، وَقَدْ أَغْتَرَوْهُمْ فِي طَرِيقِهِمْ، فِي السَّبِيلِ الْقَدِيمَةِ لِيَسْلُكُوا فِي شُعْبٍ، فِي طَرِيقٍ غَيْرِ مُسَهَّلٍ، ۱۶ لِتَجْعَلَ أَرْضُهُمْ خَرَابًا وَصَفِيرًا أَبَدِيًّا. كُلُّ مَا رَفِيهَا يَذْهَبُ وَيَنْغُصُ رَأْسَهُ. ۱۷ كَرِيحُ شَرْقِيَّةٍ أَبْدِيَتْهُمْ أَمَامَ الْعُدُوِّ. أَرَبِهِمُ الْقَفَا لَا الْوَجْهَ فِي يَوْمِ مُصِيبَتِهِمْ».

۱۱ «پس حال به مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم بگو، "خداوند چنین می فرماید: هم اکنون برای شما بلایی تدارک می بینم و بر ضدتان تدبیری می اندیشم. پس هر یک از شما از راه زشت خود بازگشته، راهها و کردارتان را اصلاح کنید." ۱۲ اما ایشان می گویند: "یهوده است! ما نقشه های خودمان را پیروی خواهیم کرد و هر یک بر طبق سرکشی دل شریر خود رفتار خواهیم نمود." ۱۳ «پس خداوند چنین می فرماید: در میان قومها پرس و جو کنید، کیست که چنین چیزی شنیده باشد؟ اسرائیل باکره کاری بسیار زشت کرده است. ۱۴ آیا برف لبنان هرگز از صخره های سیریون ناپدید می شود؟ آیا آبهای سردش که از جای دور جاری است، هرگز خشک می گردد؟ ۱۵ اما قوم من مرا از یاد برده اند، و برایخدایان دروغین بخور می سوزانند! آنها ایشان را از راههایشان، یعنی از راههای قدیم، منحرف می کنند، تا در کوره راهها گام بردارند، نه در شاهراهها، ۱۶ و تا سرزمینشان را مایه وحشت بسازند، و تا به ابد مایه انگشت به دهان ماندن مردمان؛ چندان که هر که از آنجا بگذرد، متحیر شده، سر تکان دهد. ۱۷ آنان را همچون باد شرقی، در برابر دشمن پراکنده خواهم ساخت، و در روز مصیبت ایشان پشت سر خود را به ایشان نشان خواهم داد، نه روی خود را.»

۱۸ فَقَالُوا: «هَلُمَّ فَنفَكِّرْ عَلَى إِرْمِيَا أَفْكَارًا، لِأَنَّ الشَّرِيعَةَ لَا تَبِيدُ عَنِ الْكَاهِنِ، وَلَا الْمَشُورَةَ عَنِ الْحَكِيمِ، وَلَا الْكَلِمَةَ عَنِ النَّبِيِّ. هَلُمَّ فَنفَضِرْبُهُ بِاللِّسَانِ وَلِكُلِّ كَلَامِهِ لَا نُصْغِي.» ۱۹ أَصْغِ لِي يَا رَبُّ، وَاسْمَعْ صَوْتَ أَخْصَامِي. ۲۰ هَلْ يُجَازَى عَنْ خَيْرٍ بِشَرٍّ؟ لَأَنَّهُمْ خَفَرُوا حُفْرَةً لِنَفْسِي. اذْكُرْ وَقُوفِي أَمَامَكَ لَأَتَكَلَّمَ عَنْهُمْ بِالْخَيْرِ لَأَرُدَّ غَضَبَكَ عَنْهُمْ. ۲۱ لِذَلِكَ سَلِّمْ بَنِيهِمْ لِلْجُوعِ، وَادْفَعْهُمْ لِيَدِ السَّيْفِ، فَتَصِيرَ نِسَاؤُهُمْ ثَكَالَى وَأَزَامِلَ، وَتَصِيرَ رِجَالُهُمْ قَتْلَى الْمَوْتِ، وَشَبَابُهُمْ مَضْرُوبِي السَّيْفِ فِي الْحَرْبِ. ۲۲ لِيَسْمَعْ صِيَاخُ مِنْ بُيُوتِهِمْ إِذْ تَجَلِبُّ عَلَيْهِمْ جَيْشًا بَغْتَةً. لَأَنَّهُمْ خَفَرُوا حُفْرَةً لِيُمْسِكُونِي، وَطَمَرُوا فِخَاخًا لِرِجْلِي. ۲۳ وَأَنْتَ يَا رَبُّ عَرَفْتَ كُلَّ مَشُورَتِهِمْ عَلَيَّ لِلْمَوْتِ. لَا تَصْفَحْ عَنْهُمْ، وَلَا تَمْحُ خَطِيئَتَهُمْ مِنْ أَمَامِكَ، بَلْ لِيَكُونُوا مُتَعَثِّرِينَ أَمَامَكَ. فِي وَقْتِ غَضَبِكَ عَامِلُهُمْ.

۱۸ پس گفتند: «بیایید بر ضد ارمیا تدبیرها کنیم، زیرا تعلیم از کاهنان ضایع نخواهد شد، و نه مشورت از حکیمان، و نه کلام از انبیا. پس بیایید او را به زبان خود بزنیم و به هیچ سخنش اعتنا نکنیم.» ۱۹ خداوندا، به من گوش فرا ده، و سخن مخالفانم را بشنو! ۲۰ آیا پاداش نیکویی بدی است؟ زیرا که گودالی برای جان من کنده اند. به یاد آور چگونه به حضورت می ایستادم تا از ایشان به نیکویی سخن گفته، خشم تو را از ایشان برگردانم. ۲۱ پس اکنون فرزندان ایشان را به قحطی بسپار، و خودشان را به دم شمشیر تسلیم کن؛ بگذار زنان شان بی اولاد و بیوه شوند، و مردانشان از طاعون بمیرند، و جوانانشان در جنگ به شمشیر از پا در آیند. ۲۲ باشد که فریادی از خانه هایشان به گوش رسد، آنگاه که مهاجمان را به ناگاه بر ایشان فرود

آوری. زیرا برای گرفتار کردنم، گودال کنده‌اند، و برای پاهایم دامها گسترده‌اند. ۲۳ اما تو ای خداوند، همهٔ دسیسه‌های ایشان را می‌دانی، دسیسه‌هایی را که به قصد جان من کرده‌اند. پس تقصیرشان را کفاره مکن، و گناهشان را از نظرت محو مساز. بگذار در حضورت سرنگون شوند، و با ایشان به هنگام خشم خویش عمل نما.

سفر ارمیا: الأصحاح التاسع عشر * ۱۹:۱-۱۵

۱ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «اذْهَبْ وَاشْتَرِ إِبْرِيْقَ فَخَارِيٍّ مِنْ خَزَفٍ، وَخُذْ مِنْ شُبُوخِ الشَّعْبِ وَمِنْ شُبُوخِ الْكَهَنَةِ، ۲ وَاخْرُجْ إِلَى وَادِي ابْنِ هِنُومَ الَّذِي عِنْدَ مَدْخَلِ بَابِ الْفَخَارِ، وَنَادِ هُنَاكَ بِالْكَلِمَاتِ الَّتِي أَكَلِمْتُكَ بِهَا. ۳ وَقُلْ: اسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا مَلُوكَ يَهُودَا وَسُكَّانَ أُورُشَلِيمَ. هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا جَالِبٌ عَلَى هَذَا الْمَوْضِعِ شَرٌّ، كُلُّ مَنْ سَمِعَ بِهِ تَطِنٌ أُذُنَاهُ. ۴ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمْ تَرَكُونِي، وَأَنْكَرُوا هَذَا الْمَوْضِعَ وَبَخَرُوا فِيهِ لِأِلَهَةٍ أُخْرَى لَمْ يَعْرِفُوهَا هُمْ وَلَا آبَاؤُهُمْ وَلَا مَلُوكُ يَهُودَا، وَمَلَأُوا هَذَا الْمَوْضِعَ مِنْ دَمِ الْأَرْكَيَاءِ، ۵ وَبَنَوْا مُرْتَفَعَاتٍ لِلْبَعْلِ لِيُحْرِقُوا أَوْلَادَهُمْ بِالنَّارِ مُحْرِقَاتٍ لِلْبَعْلِ، الَّذِي لَمْ أُوصِ وَلَا تَكَلَّمْتُ بِهِ وَلَا صَعِدَ عَلَى قَلْبِي. ۶ لِذَلِكَ هَآ أَيَّامٌ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَا يُدْعَى بَعْدُ هَذَا الْمَوْضِعُ تُوْفَةً وَلَا وَادِي ابْنِ هِنُومَ، بَلْ وَادِي الْقَتْلِ.

۱ خداوند چنین می‌فرماید: «برو و کوزه‌ای سفالین از کوزه‌گر بخر، و برخی از مشایخ قوم و مشایخ کاهنان را با خود برداشته، ۲ به وادی بن‌هنوم که در آستانهٔ دروازهٔ کوزه‌گران است بیرون برو و سخنانی را که به تو می‌گویم، در آنجا اعلام کن. ۳ بگو، "ای پادشاهان یهودا و ای ساکنان اورشلیم، کلام خداوند را بشنوید! پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: اینک چنان بلایی بر این مکان خواهم آورد که گوش هر کس بشنود، صدا کند! ۴ زیرا مرا ترک کرده‌اند و این مکان را با سوزاندن بخور برای خدایان غیر بی‌حرمت ساخته‌اند، خدایانی که نه خود می‌شناختند، نه پدرانشان و نه پادشاهان یهودا. آنان این مکان را از خون بی‌گناهان آکنده‌اند ۵ و برای بعل مکانهای بلند بنا کرده‌اند تا پسرانشان را چون قربانی تمام‌سوز برای بعل بسوزانند، کاری که من هرگز بدان امر نفرموده و چیزی درباره‌اش نگفته بودم و حتی از خاطر من گذشته بود. ۶ پس خداوند می‌فرماید: هان ایامی فرا می‌رسد که این مکان نه توفت و نه وادی بن‌هنوم، بلکه وادی "کشتار" نامیده خواهد شد.

۷ وَأَنْقَضُ مَسُورَةَ يَهُودَا وَأُورُشَلِيمَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ، وَأَجْعَلُهُمْ يَسْقُطُونَ بِالسَّيْفِ أَمَامَ أَعْدَائِهِمْ وَيَبِيدُ طَالِبِي نَفْسِهِمْ، وَأَجْعَلُ جُثَّتَهُمْ أَكْلًا لِطُيُورِ السَّمَاءِ وَلَوْحُوشِ الْأَرْضِ. ۸ وَأَجْعَلُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ لِلدَّهْشِ وَالصَّفِيرِ. كُلُّ عَابِرٍ بِهَا يَدْهَشُ وَيَصْفِرُ مِنْ أَجْلِ كُلِّ ضَرْبَاتِهَا. ۹ وَأُطْعِمُهُمْ لَحْمَ بَنِيهِمْ وَلَحْمَ بَنَاتِهِمْ، فَيَأْكُلُونَ كُلُّ وَاحِدٍ لَحْمَ صَاحِبِهِ فِي الْحِصَارِ وَالضِّيْقِ الَّذِي يُضَايِقُهُمْ بِهِ أَعْدَاؤُهُمْ وَطَالِبُو نَفْسِهِمْ. ۱۰ ثُمَّ تَكْسِرُ الْإِبْرِيْقَ أَمَامَ أَعْيُنِ

الْقَوْمِ الَّذِينَ يَسِيرُونَ مَعَكَ ۱۱ وَتَقُولُ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: هَكَذَا أَكْسِرُ هَذَا الشَّعْبَ وَهَذِهِ الْمَدِينَةُ كَمَا يُكْسِرُ وَغَاءُ الْفَخَّارِيِّ بِحَيْثُ لَا يُمَكِّنُ جَبْرُهُ بَعْدُ، وَفِي تَوْفَةٍ يُدْفَنُونَ حَتَّى لَا يَكُونَ مَوْضِعٌ لِلدَّفْنِ. ۱۲ هَكَذَا أَصْنَعُ لِهَذَا الْمَوْضِعِ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلِسْكَانِهِ. وَأَجْعَلُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ مِثْلَ تَوْفَةٍ. ۱۳ وَتَكُونُ بُيُوتُ أُورُشَلِيمَ وَبُيُوتُ مَلُوكِ يَهُودَا كَمَوْضِعِ تَوْفَةٍ، نَجِسَةً كُلُّ الْبُيُوتِ الَّتِي بَخَرُوا عَلَى سَطُوحِهَا لِكُلِّ جُنْدِ السَّمَاءِ وَسَكَبُوا سَكَابَ لَا إِلَهَةٍ أُخْرَى».

۷ «زیرا من در این مکان نقشه‌های یهودا و اورشلیم را باطل خواهم کرد و آنان را در برابر دشمنانشان به دم شمشیر و به دست کسانی که قصد جانشان دارند، از پا در خواهم آورد؛ و اجسادشان را خوراک پرندگان هوا و جانوران زمین خواهم ساخت. ۸ من این شهر را مایه حیرت و انگشت به دهان ماندن مردمان خواهم ساخت، چندان که هر که از آن عبور کند، متحیر شده، از دیدن همه صدماتش انگشت به دهان ماند. ۹ گوشت تن پسران و دخترانشان را به ایشان خواهم خورانید؛ در محاصره و تنگی‌ای که دشمنان ایشان و آنان که قصد جانشان دارند بر ایشان وارد خواهند آورد، هر یک گوشت تن همسایه خویش را خواهند خورد.» ۱۰ «سپس کوزه را در برابر دیدگان مردانی که همراه تو می‌روند، بشکن، ۱۱ و بدیشان بگو، "پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: چنانکه کسی کوزه کوزه‌گر را می‌شکند و دیگر آن را مرمت نتوان کرد، من نیز این قوم و این شهر را خواهم شکست. و اجساد را در توفت دفن خواهند کرد، زیرا جایی دیگر برای دفن کردن باقی نخواهد بود. ۱۲ آری، خداوند می‌فرماید با این شهر و ساکنانش چنین خواهم کرد و این شهر را همچون توفت خواهم ساخت. ۱۳ خانه‌های اورشلیم و خانه‌های پادشاهان یهودا همچون مکان توفت نجس خواهد شد، یعنی همه خانه‌هایی که بر بامهایشان بخور برای تمامی لشکریان آسمان‌ها سوزانیدند و هدایای ریختنی به خدایان غیر تقدیم کردند.»^۴

۱۴ ثُمَّ جَاءَ إِرْمِيَا مِنْ تَوْفَةٍ الَّتِي أَرْسَلَهُ الرَّبُّ إِلَيْهَا لِيَتَنَبَّأَ، وَوَقَفَ فِي دَارِ بَيْتِ الرَّبِّ وَقَالَ لِكُلِّ الشَّعْبِ: ۱۵ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا جَالِبٌ عَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَعَلَى كُلِّ قُرَاهَا كُلِّ الشَّرِّ الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ عَلَيْهَا، لِأَنَّهُمْ صَلَّبُوا رِقَابَهُمْ فَلَمْ يَسْمَعُوا لِكَلَامِي».

۱۴ سپس ارمیا از توفت که خداوند او را به جهت نبوت کردن بدان‌جا فرستاده بود، بازگشت و در صحن خانه خداوند ایستاده، خطاب به همه مردم گفت: ۱۵ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین

^۴ شهر قدیم بیت المقدس را از سه سوی وادی‌های ژرف فرا گرفته بود؛ در شرق آن وادی قدرون (سیاه) و در جنوب و غرب وادی هِنوم قرار داشت. امتداد غربی وادی هِنوم در جنوب شهر بیت المقدس و در محلی به نام «بئر ایوب» به وادی قدرون می‌رسید که بنا بر کتاب مقدس، «توفت» (Tophet) به عمیق‌ترین بخش جنوب شرقی وادی هِنوم اطلاق می‌شده است.

می فرماید، اینک من بر این شهر و همه شهرهای اطراف، تمامی بلایایی را که بر ضد آن اعلام کرده‌ام، وارد خواهم آورد، زیرا که گردن خود را سخت ساخته، کلام مرا نشنیدند.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ العِشْرُونَ * ۱:۲۰-۱۸

۱ وَسَمِعَ فَشْحُورُ بْنُ إِمِيرِ الْكَاهِنِ، وَهُوَ نَاطِرٌ أَوَّلُ فِي بَيْتِ الرَّبِّ، إِرْمِيَا يَتَنَبَّأُ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ. ۲ فَضَرَبَ فَشْحُورُ إِرْمِيَا النَّبِيَّ، وَجَعَلَهُ فِي الْمَقْطَرَةِ الَّتِي فِي بَابِ بَنِيَامِينَ الْأَعْلَى الَّذِي عِنْدَ بَيْتِ الرَّبِّ. ۳ وَكَانَ فِي الْغَدِ أَنْ فَشْحُورُ أَخْرَجَ إِرْمِيَا مِنَ الْمَقْطَرَةِ. فَقَالَ لَهُ إِرْمِيَا: «لَمْ يَدْعُ الرَّبُّ اسْمَكَ فَشْحُورَ، بَلْ مَجُورَ مِسَائِبَ، ۴ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَازِدًا أَجْعَلُكَ خَوْفًا لِنَفْسِكَ وَلِكُلِّ مُجِيبِكَ، فَيَسْقُطُونَ بِسَيْفٍ أَغْدَائِهِمْ وَعَيْنَاكَ تَنْظُرَانِ، وَأَدْفَعُ كُلَّ يَهُودًا لِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ فَيَسْبِيهِمْ إِلَى بَابِلَ وَيَضْرِبُهُمْ بِالسَّيْفِ. ۵ وَأَدْفَعُ كُلَّ ثَرْوَةِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَكُلَّ تَعِبِهَا وَكُلَّ مُمْنَاتِهَا وَكُلَّ خَزَائِنِ مَلُوكِ يَهُودَا، أَدْفَعُهَا لِيَدِ أَغْدَائِهِمْ، فَيَغْنَمُونَهَا وَيَأْخُذُونَهَا وَيُخْضِرُونَهَا إِلَى بَابِلَ. ۶ وَأَنْتَ يَا فَشْحُورُ وَكُلُّ سُكَّانِ بَيْتِكَ تَذْهَبُونَ فِي السَّبْيِ، وَتَأْتِي إِلَى بَابِلَ وَهُنَاكَ تَمُوتُ، وَهُنَاكَ تَدْفَنُ أَنْتَ وَكُلُّ مُجِيبِكَ الَّذِينَ تَنَبَّأَتْ لَهُمْ بِالْكَذِبِ».

۱ و اما فَشْحُورِ کاهن، پسر امیر، که ناظر ارشد خانه خداوند بود، شنید که ارمیا این نبوتها را می کند. ۲ پس فَشْحُورِ ارمیای نبی را بزد و او را در گنده‌ای نزد دروازه بالایی بنیامین در خانه خداوند نهاد. ۳ فردای آن روز، چون فَشْحُورِ ارمیا را از گنده بیرون آورد، ارمیا به او گفت، «خداوند تو را نه فَشْحُور، بلکه 'ماگور' میسایب' نامیده است. ۴ زیرا خداوند چنین می فرماید: اینک تو را مایه وحشت خودت و همه دوستانت خواهم ساخت. ایشان در برابر دیدگان تو به شمشیر دشمنانشان خواهند افتاد. من یهودا را یکسره به دست پادشاه بابل تسلیم خواهم کرد، و او آنان را به بابل به اسیری برده، به شمشیر خواهد کشت. ۵ تمامی ثروت این شهر و همه دسترنجش و جمیع نفایس آن و تمامی گنجینه‌های پادشاهان یهودا را به دست دشمنانشان خواهم سپرد، که آنان را غارت کرده، گرفتار خواهند نمود و به بابل خواهند برد. ۶ و تو ای فَشْحُور، با همه اهل خانه‌ات به اسیری خواهید رفت. آری، تو و یارانت که بدیشان به دروغ نبوت کردی، جملگی به بابل خواهید رفت و در آنجا خواهید مرد و دفن خواهید شد.»

۷ قَدْ أَقْنَعْتَنِي يَا رَبُّ فَأَقْتَنَعْتُ، وَالْحَحْتُ عَلَيَّ فَغَلَبْتُ. صِرْتُ لِلضَّحِكِ كُلِّ النَّهَارِ. كُلُّ وَاحِدٍ اسْتَهْزَأَ بِي. ۸ لِأَنِّي كُلَّمَا تَكَلَّمْتُ صَرَخْتُ. نَادَيْتُ: «ظُلُمٌ وَاغْتِصَابٌ!» لِأَنَّ كَلِمَةَ الرَّبِّ صَارَتْ لِي لِلْغَارِ وَلِلْسُخْرَةِ كُلِّ النَّهَارِ. ۹ فَقُلْتُ: «لَا أَذْكُرُهُ وَلَا أَنْطِقُ بَعْدُ بِاسْمِهِ». فَكَانَ فِي قَلْبِي كَنَارٌ مُحْرِقَةٌ مَحْصُورَةٌ فِي عِظَامِي، فَمَلَأْتُ مِنَ الْإِمْسَاكِ وَلَمْ أَسْتَطِعْ. ۱۰ لِأَنِّي سَمِعْتُ مَذْمَةً مِنْ كَثِيرِينَ. خَوْفٌ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ يَقُولُونَ: «اشْكُوا، فَشْتَكِيْ

عَلَيْهِ». كُلُّ أَصْحَابِي يُرَاقِبُونَ ظُلْمِي قَائِلِينَ: «لَعَلَّهُ يُطْعَى فَنَقْدِرَ عَلَيْهِ وَنَنْتَقِمَ مِنْهُ». ۱۱ وَلَكِنَّ الرَّبَّ مَعِيَ كَجَبَّارٍ قَدِيرٍ. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ يَغْتَرُّ مُضْطَهَدِيَّ وَلَا يَقْدِرُونَ. خَزُوا جِدًّا لِأَنَّهُمْ لَمْ يَنْجَحُوا، خِزْيًا أَبَدِيًّا لَا يُنْسَى.

شکایت ارمیا: ۷ خداوند، تو مرا فریفتی، و فریفته شدم؛ از من نیرومندتر بودی، و غالب آمدی. تمامی روز مضحکه شده‌ام، و هر کس به ریشخند می‌گیرد. ۸ زیرا هرگاه زبان به سخن می‌گشایم، فریاد سر می‌دهم، و ندا می‌کنم که: «خشونت و ویرانی!» زیرا کلام خداوند برایم تمامی روز مایهٔ رسوایی و تمسخر شده است. ۹ ولی اگر بگویم، «ذکری از او نخواهم کرد، و دیگر به نامش سخن نخواهم گفت»، آنگاه در دلم همچون آتشی سوزان می‌گردد، محبوس در استخوانهایم، و از نگاه داشتنش در درونم خسته شده، توان خودداری بیشتر نخواهم داشت. ۱۰ زمزمهٔ بسیار به گوشم می‌رسد؛ از هر سو وحشت است! دوستان نزدیکم جملگی می‌گویند: «شکایت کنید! بیایید از او شکایت کنیم!» و افتادن مرا انتظار می‌کشند. می‌گویند: «شاید فریفته شود، آنگاه بر او چیره خواهیم شد، و انتقام خویش از او خواهیم ستاند!» ۱۱ اما خداوند همچون جنگاوری مهیب با من است؛ پس آزاردهندگانم خواهند لغزید و غالب نخواهند آمد. به غایت سرافکنده خواهند شد، زیرا که کامیاب نخواهند گردید؛ و رسوایی ابدی‌شان هرگز فراموش نخواهد گشت.

۱۲ يَا رَبَّ الْجُنُودِ، مُخْتَبِرَ الصِّدِّيقِ، نَاطِرَ الْكُلِّ وَالْقَلْبِ، دَغْنِي أَرَى نَقَمَتَكَ مِنْهُمْ لِأَنِّي لَكَ كَشَفْتُ دَعْوَايَ. ۱۳ رَتِّمُوا لِلرَّبِّ، سَبِّحُوا الرَّبَّ، لِأَنَّهُ قَدْ أَنْقَذَ نَفْسَ الْمُسْكِينِ مِنْ يَدِ الْأَشْرَارِ. ۱۴ مَلْعُونُ الْيَوْمِ الَّذِي وُلِدْتُ فِيهِ! الْيَوْمُ الَّذِي وَلَدْتَنِي فِيهِ أُمِّي لَا يَكُنْ مُبَارَكًا! ۱۵ مَلْعُونُ الْإِنْسَانِ الَّذِي بَشَّرَ أَبِي قَائِلًا: «قَدْ وُلِدَ لَكَ ابْنٌ» مُفْرِحًا إِيَّاهُ فَرَحًا. ۱۶ وَلْيَكُنْ ذَلِكَ الْإِنْسَانُ كَالْمُدْنِ الَّتِي قَلَبَهَا الرَّبُّ وَلَمْ يَنْدَمْ، فَيَسْمَعَ صِيحًا فِي الصَّبَاحِ وَجَلْبَةً فِي وَقْتِ الظَّهِيرَةِ. ۱۷ لِأَنَّهُ لَمْ يَقْتُلْنِي مِنَ الرَّجْمِ، فَكَانَتْ لِي أُمِّي قَبْرِي وَرَحِمُهَا حُبْلَى إِلَى الْأَبَدِ. ۱۸ لِمَاذَا خَرَجْتُ مِنَ الرَّجْمِ، لِأَرَى تَعَبًا وَحَزْنًا فَتَفَنِّي بِالْخِزْيِ أَيَّامِي؟

۱۲ ای پروردگار لشکریان، که پارسایان را می‌آزمایی، ای که دلها و ذهنها را می‌بینی، باشد که انتقام تو را از ایشان ببینم، زیرا که دعوی خویش به تو واگذارده‌ام. ۱۳ برای خداوند بسرایید؛ خداوند را بستايد! زیرا که جان نیازمندان را از دست شریران رهانیده است. ۱۴ نفرین بر روزی که زاده شدم! فرخنده مباد آن روز که مادرم مرا بزاد! ۱۵ نفرین بر آن که پدرم را مژده داد: «برایت پسری زاده شد!» و او را بسیار شادمان ساخت. ۱۶ باشد که چون شهرهایی گردد، که خداوند بدون هیچ گذشتی سرنگون ساخت! باشد که صبحگاهان آواز فریاد بشنود و نیمروزان ندای خطر، ۱۷ زیرا که مرا در رحم نگشت، تا مادرم گور من باشد، و رحمش همیشه آستن ماند. ۱۸ چرا از رحم به در آمدم تا شاهد مشقت و غم باشم، و روزگار خویش به شرمساری به سر آورم؟

سفر ارمیا: الأصحاح الحادي والعشرون * ۲۱: ۱-۱۴

۱ الْكَلَامُ الَّذِي صَارَ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ، حِينَ أَرْسَلَ إِلَيْهِ الْمَلِكُ صِدْقِيَا فَشُحُورَ بْنِ مَلِكِيَا وَصَفَنِيَا بْنِ مَعْصِيَا الْكَاهِنِ قَائِلًا: ۲ «اسْأَلِ الرَّبَّ مِنْ أَجْلِنَا، لَأَنْ نَبْوَخَذْرَاصَرَ مَلِكَ بَابِلَ يُخَارِبُنَا. لَعَلَّ الرَّبَّ يَصْنَعُ مَعَنَا حَسَبَ كُلِّ عَجَائِبِهِ فَيُصْعِدَ عَنَّا».

۱ این است کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد، آنگاه که صدیقیای پادشاه، فشحور پسر ملکیا و صفنیای کاهن پسر معسیا را نزد وی فرستاده، گفت: ۲ «برای ما از خداوند مسئلت کن، زیرا که نبوکدنصر پادشاه بابل به جنگ با ما برخاسته است، شاید که خداوند بر وفق کارهای شگفت‌انگیز خود با ما عمل کند، تا او از جنگیدن با ما دست برکشد».

۳ فَقَالَ لَهُمَا إِرْمِيَا: «هَكَذَا تَقُولَانِ لِصِدْقِيَا: ۴ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا أَدَوَاتُ الْحَرْبِ الَّتِي بِيَدِكُمْ الَّتِي أَنْتُمْ مُحَارِبُونَ بِهَا مَلِكَ بَابِلَ وَالْكَلْدَانِيِّينَ الَّذِينَ يُخَاصِرُونَكُمْ خَارِجَ السُّورِ، وَأَجْمَعُهُمْ فِي وَسْطِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ. ۵ وَأَنَا أُحَارِبُكُمْ بِيَدٍ مَمْدُودَةٍ وَبِذِرَاعٍ شَدِيدَةٍ، وَبِغَضَبٍ وَخُمٍّ وَغَيْظٍ عَظِيمٍ. ۶ وَأَضْرِبُ سُكَّانَ هَذِهِ الْمَدِينَةِ، النَّاسَ وَالْبَهَائِمَ مَعًا. بَوَيًّا عَظِيمٍ يَمُوتُونَ. ۷ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ الرَّبُّ: أَدْفَعُ صِدْقِيَا مَلِكَ يَهُودَا وَعَبِيدَهُ وَالشَّعْبَ وَالْبَاقِينَ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ مِنَ الْبَوَيِّ وَالسَّيْفِ وَالْجُوعِ لِيَدِ نَبْوَخَذْرَاصَرَ مَلِكَ بَابِلَ وَلِيَدِ أَعْدَائِهِمْ وَلِيَدِ طَالِبِي نَفْسِهِمْ، فَيَضْرِبُهُمْ بِحِدِّ السَّيْفِ. لَا يَتَرَأَّفُ عَلَيْهِمْ وَلَا يَشْفُقُ وَلَا يَرْحَمُ».

۳ اما ارمیا بدیشان گفت، ۴ «به صدقیا بگوئید، "یهوه خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: اینک من اسلحه جنگ را برمی‌گردانم، اسلحه‌ای که در دست شماست و شما بدانها با پادشاه بابل و کلدانیانی که از بیرون دیوارها شما را محاصره کرده‌اند می‌جنگید، و ایشان را جملگی در وسط این شهر گرد می‌آورم. ۵ من خود با دست افراشته و بازوی نیرومند، در خشمی آتشین و غضبی عظیم با شما خواهم جنگید. ۶ ساکنان این شهر را از انسان و حیوان خواهم زد، و آنها به طاعونی عظیم خواهند مرد. ۷ همچنین خداوند می‌فرماید: پس از آن، صدقیا پادشاه یهودا و خادمانش و مردمان این شهر را که از طاعون و شمشیر و قحطی جان به در برده‌اند، به دست نبوکدنصر پادشاه بابل و به دست دشمنانشان و آنان که قصد جانشان دارند، خواهم سپرد. او آنان را به دم شمشیر از پا در خواهد آورد و بر ایشان رحم و شفقت و گذشت نخواهد کرد».

۸ «وَتَقُولُ لِهَذَا الشَّعْبِ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أَجْعَلُ أَمَامَكُمْ طَرِيقَ الْحَيَاةِ وَطَرِيقَ الْمَوْتِ. ۹ الَّذِي يُقِيمُ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ يَمُوتُ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْبَوَيِّ. وَالَّذِي يَخْرُجُ وَيَسْقُطُ إِلَى الْكَلْدَانِيِّينَ الَّذِينَ يُخَاصِرُونَكُمْ يَحْيَا وَتَصِيرُ نَفْسُهُ لَهُ غَنِيمَةً. ۱۰ لِأَنِّي قَدْ جَعَلْتُ وَجْهِي عَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ لِلشَّرِّ لَا لِلْخَيْرِ، يَقُولُ الرَّبُّ. لِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ تَذْفَعُ فَيُحْرِقُهَا بِالنَّارِ. ۱۱ «وَلَبَّيْتَ مَلِكَ يَهُودَا تَقُولُ: اَسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ ۱۲ يَا بَيْتَ دَاوُدَ، هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ:

افضُوا فِي الصَّبَاحِ عَدْلًا، وَأَنْقِذُوا الْمَغْصُوبَ مِنْ يَدِ الظَّالِمِ، لِئَلَّا يَخْرُجَ كَنَارٌ غَضَبِي فَيُحْرِقَ وَلَيْسَ مَنْ يُطْفِئُ،
مِنْ أَجْلِ شَرِّ أَعْمَالِكُمْ، ١٣ هَانَذَا صِدِّكَ يَا سَاكِنَةَ الْعُمُقِ، صَخْرَةُ السَّهْلِ، يَقُولُ الرَّبُّ. الَّذِينَ يَقُولُونَ: مَنْ يَنْزِلُ
عَلَيْنَا وَمَنْ يَدْخُلُ إِلَيْنَا مَنَازِلَنَا؟ ١٤ وَلَكِنِّي أَغَاقِبُكُمْ حَسَبَ ثَمَرِ أَعْمَالِكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأُشْعِلُ نَارًا فِي وَغْرِهِ
فَتَأْكُلُ مَا حَوْلَئِهَا.

۸ «نیز به این قوم بگو: "خداوند چنین می‌فرماید: اینک طریق حیات و طریق مرگ را پیش پایتان
می‌نهم؛ ۹ هر که در این شهر بماند از شمشیر و قحطی و طاعون خواهد مرد، اما هر که بیرون رود و خود
را تسلیم کلدانیانی کند که شما را محاصره کرده‌اند، زنده خواهد ماند و جان خویش به غنیمت خواهد
برد. ۱۰ زیرا خداوند می‌فرماید: من روی خود را بر ضد این شهر نهاده‌ام تا بر آن بدی کنم و نه نیکی. این
شهر به دست پادشاه بابل تسلیم خواهد شد و او آن را به آتش خواهد کشید." ۱۱ «و به خاندان پادشاه
یهودا بگو: "به کلام خداوند گوش فرا دهید. ۱۲ ای خاندان داوود، خداوند چنین می‌فرماید: «هر بامداد
به انصاف داوری کنید، و غارت‌شدگان را از دست ظالمان برهانید، مبدا به سبب اعمال شرارت‌بارتان،
خشم من همچون آتش شعله برکشد، و بسوزاند و کسی را یارای خاموش کردن نباشد.» ۱۳ خداوند
می‌فرماید: «ای ساکن همواری و ای صخره دشت، اینک من بر ضد تو هستم، تویی که می‌گویی، "کیست
که بر ضد ما فرود آید، یا کیست که به مسکنهای ما درآید؟" ۱۴ من تو را بر حسب ثمره کردارت جزا
خواهم داد، و آتشی در جنگل تو خواهم افروخت، که تمامی حوالی تو را در کام خواهد کشید؛» این
است فرموده خداوند.

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ۲۲: ۱-۳۰

۱ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: أَنْزِلْ إِلَى بَيْتِ مَلِكِ يَهُوذاً وَتَكَلِّمْ هُنَاكَ بِهَذِهِ الْكَلِمَةِ، ٢ وَقُلْ: اسْمَعْ كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا مَلِكَ
يَهُوذاً الْجَالِسَ عَلَى كُرْسِيِّ دَاوُدَ، أَنْتَ وَعَبِيدُكَ وَشَعْبُكَ الدَّاخِلِينَ فِي هَذِهِ الْأَبْوَابِ. ٣ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: أَجْرُوا
حَقًّا وَعَدْلًا، وَأَنْقِذُوا الْمَغْصُوبَ مِنْ يَدِ الظَّالِمِ، وَالْغَرِيبَ وَالْيَتِيمَ وَالْأَرْمَلَةَ. لَا تَضْطَهِدُوا وَلَا تَظْلِمُوا، وَلَا تَسْفِكُوا
دَمًا زَكِيًّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ. ٤ لِأَنَّكُمْ إِنْ فَعَلْتُمْ هَذَا الْأَمْرَ يَدْخُلُ فِي أَبْوَابِ هَذَا الْبَيْتِ مُلُوكُ جَالِسُونَ لِدَاوُدَ
عَلَى كُرْسِيِّهِ رَاكِبِينَ فِي مَرْكَبَاتٍ وَعَلَى خَيْلٍ. هُوَ وَعَبِيدُهُ وَشَعْبُهُ. ٥ وَإِنْ لَمْ تَسْمَعُوا لِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ فَقَدْ أَقْسَمْتُ
بِنَفْسِي، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنَّ هَذَا الْبَيْتَ يَكُونُ خَرَابًا. ٦ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنْ بَيْتِ مَلِكِ يَهُوذاً: جِلْعَادُ أَنْتَ لِي.
رَأْسٌ مِنْ لُبْنَانٍ. إِنِّي أَجْعَلُكَ بَرِيَّةً، مُدُنًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ. ٧ وَأَقْدِسُ عَلَيْكَ مُهْلِكِينَ، كُلَّ وَاحِدٍ وَآلَتِهِ، فَيَقْطَعُونَ
خِيَارَ أَرْزَاكِ وَيُلْقُونَهُ فِي النَّارِ. ٨ وَيَعْبُرُ أُمَمٌ كَثِيرَةٌ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ، وَيَقُولُونَ الْوَاحِدُ لِصَاحِبِهِ: لِمَاذَا فَعَلَ الرَّبُّ

مِثْلَ هَذَا لِهَذِهِ الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ؟ ٩ فَيَقُولُونَ: مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمْ تَرَكُوا عَهْدَ الرَّبِّ إِلَهُهِمْ وَسَجَدُوا لِإِلَهَةٍ أُخْرَى وَعَبَدُوهَا.

۱ خداوند چنین می‌فرماید: «به خانه پادشاه یهودا فرود آی و این کلام را در آنجا بیان کن، ۲ و بگو: «ای پادشاه یهودا که بر تخت داوود نشسته‌ای، تو و خادمانت و قومت که از این دروازه‌ها داخل می‌شوید، کلام خداوند را بشنوید. ۳ خداوند چنین می‌فرماید: عدل و انصاف را به جا آرید، و غارت‌شدگان را از دست ظالمان برهانید. بر غریبان و یتیمان و بیوه‌زنان جور و ستم مکنید، و خون بی‌گناهان را در این مکان مریزید. ۴ زیرا اگر براستی این کلام را به جا آرید، آنگاه پادشاهانی که بر تخت داوود می‌نشینند، سوار بر اسبان و ارابه‌ها، به همراه خادمان و قوم خویش از دروازه‌های این خانه داخل خواهند شد. ۵ اما اگر این کلام را نشنوید، به ذات خودم قسم که این خانه به ویرانه‌ای بدل خواهد شد؛» این است فرموده خداوند. ۶ «زیرا خداوند درباره خاندان پادشاه یهودا چنین می‌فرماید: «گرچه تو برای من همچون جلعاد و مانند قُله لبنانی، من تو را به بیابان و شهر غیرمسکون بدل خواهم کرد. ۷ نابودکنندگان را بر ضد تو فراهم خواهم آورد، هر یک را با اسلحه‌اش. آنان بهترین سروهایت را خواهند بُرید، و در آتش خواهند افکند. ۸ «و ملل بسیار چون از کنار این شهر بگذرند، به یکدیگر خواهند گفت: 'چرا خداوند به این شهر عظیم چنین کرده است؟' ۹ و پاسخ خواهند شنید: 'از آن رو که عهد یهوه خدای خود را ترک کردند و خدایان غیر را سجد و عبادت نمودند.»

۱۰ « لَا تَبْكُوا مَيْتًا وَلَا تَتَذَبُّوهُ. ابْكُوا، ابْكُوا مَنْ يَمْضِي، لِأَنَّهُ لَا يَرْجِعُ بَعْدُ فَيَرَى أَرْضَ مِيلَادِهِ. ۱۱ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنْ شَلُومَ بْنِ يَوْشِيَا مَلِكِ يَهُوذَا، الْمَالِكِ عَوَضًا عَنْ يَوْشِيَا أَبِيهِ: الَّذِي خَرَجَ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ بَعْدُ. ۱۲ بَلْ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي سَبَّوهُ إِلَيْهِ، يَمُوتُ. وَهَذِهِ الْأَرْضُ لَا يَرَاهَا بَعْدُ.

داوری بر پسران یوشیا: ۱۰ برای آن که مُرده مگرید و برایش به سوگ منشینید، بلکه برای آن که به تبعید می‌رود زاری کنید، زیرا دیگر باز نخواهد گشت، و زاد و بوم خویش دیگر نخواهد دید. ۱۱ زیرا خداوند درباره شلوم، پسر یوشیا پادشاه یهودا، که به جای پدرش یوشیا پادشاه شد اما از این مکان رفته است، چنین می‌فرماید: «او دیگر بدین جا باز نخواهد گشت، ۱۲ بلکه در مکانی که او را به اسیری برده‌اند خواهد مرد، و دیگر هرگز این سرزمین را نخواهد دید.

۱۳ « وَبَلْ لِمَنْ يَبْنِي بَيْتَهُ بِغَيْرِ عَدْلٍ وَغَلَالِيٍّ بِغَيْرِ حَقٍّ، الَّذِي يَسْتَعْدِمُ صَاحِبَهُ مَجَانًّا وَلَا يُعْطِيهِ أَجْرَتَهُ. ۱۴ الْقَائِلُ: أَبْنِي لِنَفْسِي بَيْتًا وَسَيَعًا وَغَلَالِيٍّ فَيَسِيحَةً. وَيَشْقُ لِنَفْسِهِ كُورًا وَيَسْقِفُ بِأَرْزٍ وَيَذْهَبُ بِمُعْرَةٍ. ۱۵ هَلْ تَمْلِكُ لَأَنَّكَ أَنْتَ تَحَازِي الْأَرْزَ؟ أَمَا أَكَلَ أَبُوكَ وَشَرِبَ وَأَجْرَى حَقًّا وَعَدْلًا؟ حِينَئِذٍ كَانَ لَهُ خَيْرٌ. ۱۶ قَضَى قَضَاءَ الْفَقِيرِ وَالْمُسْكِينِ، حِينَئِذٍ كَانَ خَيْرٌ. أَلَيْسَ ذَلِكَ مَعْرِفَتِي، يَقُولُ الرَّبُّ؟ ۱۷ لِأَنَّ عَيْنَيْكَ وَقَلْبُكَ لَيْسَتْ

إِلَّا عَلَى خَطْفِكَ، وَعَلَى الدِّمِ الزَّكِيِّ لَتَسْفِكَهُ، وَعَلَى الْاِغْتِصَابِ وَالظُّلْمِ لَتَعْمَلَهُمَا. ۱۸ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنْ يَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُوذا: لَا يَنْدُبُونَهُ قَائِلِينَ: آه يَا أُخْتِي! أَوْ آه يَا أُخْتِي! لَا يَنْدُبُونَهُ قَائِلِينَ: آه يَا سَيِّدُ! أَوْ آه يَا جَلَّالَهُ! ۱۹ يُدْفَنُ دَفْنَ حِمَارٍ مَسْحُوبًا وَمَطْرُوحًا بَعِيدًا عَنْ أَبْوَابِ أُورُشَلِيمَ.

۱۳ «وای بر آن که خانه خویش با بی عدالتی بنا کند، و بالاخانه اش را با بی انصافی؛ وای بر آن که ممنوع خویش برایگان به خدمت گیرد، و مزد او را به او نپردازد؛ ۱۴ که گوید: «خانه ای بزرگ برای خویشتن خواهم ساخت، با بالاخانه های وسیع؛» که برای آن پنجره ها بگشاید، و آن را به چوب سرو پیوشاند، و به رنگ سرخ بیاراید. ۱۵ «آیا از آن رو که در بهره وری از چوب سرو گوی سبقت ربوده ای، خود را پادشاه می پنداری؟ آیا پدرت نمی خورد و نمی نوشید، و عدل و انصاف را به جانمی آورد؟ از همین رو سعادتمند بود. ۱۶ او ستمدیدگان و نیازمندان را دادرسی می کرد، و از همین رو سعادتمند بود. آیا شناختن من جز این است؟» این است فرموده خداوند. ۱۷ «اما چشمان و دل تو تنها معطوف به سود نامشروع است، و به ریختن خون بی گناهان و ظلم و اخاذی.» ۱۸ پس خداوند درباره یهویاقیم، پسر یوشیا پادشاه یهودا، چنین می فرماید: «برای او به سوگ نخواهند نشست، و نخواهند گفت: «آه ای برادرم!» و یا «آه ای خواهرم!» و برایش مرثیه نخواهند خواند، که «آه ای سرور ما!» یا «آه ای اعلیحضرت!» ۱۹ او را کشیده، بیرون دروازه های اورشلیم خواهند افکند، و همچون الاغی دفن خواهد شد.

۲۰ «إِصْعَدِي عَلَى لُبْنَانَ وَاصْرُخِي، وَفِي بَاشَانَ أَطْلِقِي صَوْتَكِ، وَاصْرُخِي مِنْ عِبَارِيمَ، لِأَنَّهُ قَدْ سَجِقَ كُلُّ مُجْبِيكِ. ۲۱ تَكَلَّمْتُ إِلَيْكَ فِي رَاحَتِكَ. قُلْتُ: لَا أَسْمَعُ. هَذَا طَرِيقُكَ مِنْذُ صِبَاكَ، أَنْكَ لَا تَسْمَعِينَ لِصَوْتِي. ۲۲ كُلُّ رُعَاتِكَ تَرْعَاهُمُ الرِّيحُ، وَمُحِبُّوكَ يَذْهَبُونَ إِلَى السَّبْيِ. فَحِينَئِذٍ تَخْزَيْنَ وَتَخْجَلِينَ لِأَجْلِ كُلِّ شَرِّكَ. ۲۳ آيَتُهَا السَّاكِنَةُ فِي لُبْنَانَ الْمُعْشِشَةُ فِي الْأَرْضِ، كَمْ يُسْفِقُ عَلَيْكَ عِنْدَ إِيْتَانِ الْمُخَاضِ عَلَيْكَ، الْوَجَعُ كَوَالِدَةٍ!

۲۰ «به لبنان برآی و بانگ برآور؛ آواز خود را در باشان بلند کن؛ از عباریم فریاد سر ده، زیرا که عاشقانت جملگی نابود گشته اند! ۲۱ در سعادتمندی با تو سخن گفتم، اما گفتم، «نخواهم شنید!» از روزگار جوانی عادت تو همین بوده است، که به آواز من گوش فرا ندهی. ۲۲ باد همه شبانانت را شبانی خواهد کرد، و عاشقانت به اسارت خواهند رفت؛ آنگاه به سبب تمامی شرارتت، سرافکنده و رسوا خواهی شد. ۲۳ ای که در لبنان ساکنی، و آشیان خویش میان سروها بنا کرده ای، آنگاه که دردها تو را مبتلا سازد، درد همچون درد زنی در حال زای، چگونه ناله سر خواهی داد!

۲۴ حَيَّ أَنَا، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَوْ كَانَ كُنْيَاهُ بْنُ يَهُوْيَاقِيمَ مَلِكِ يَهُوذا خَاتِمًا عَلَى يَدَيِ الْيُمْنَى فَإِنِّي مِنْ هُنَاكَ أَنْزَعُكَ، ۲۵ وَأُسَلِّمُكَ لِيَدِ طَالِبِي نَفْسِكَ، وَلِيَدِ الَّذِينَ تَخَافُ مِنْهُمْ، وَلِيَدِ نَبُوخَذْرَاصَرِّ مَلِكِ بَابِلَ، وَلِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ. ۲۶ وَأَطْرَحُكَ وَأَمُكَ الَّتِي وَلَدْتِكَ إِلَى أَرْضٍ أُخْرَى لَمْ تُولَدْ فِيهَا، وَهُنَاكَ تَمُوتَان. ۲۷ أَمَّا الْأَرْضُ

الَّتِي يَشْتَاتَانِ إِلَى الرَّجُوعِ إِلَيْهَا، فَلَا يَرْجِعَانِ إِلَيْهَا. ٢٨ هَلْ هَذَا الرَّجُلُ كُنْيَاهُ وَغَاءُ خَزَفٍ مُهَانَ مَكْسُورٍ، أَوْ إِنَاءٌ لَيْسَتْ فِيهِ مَسَرَّةٌ؟ لِمَاذَا طُرِحَ هُوَ وَتَسْلُهُ وَالْقَوَا إِلَى أَرْضٍ لَمْ يَعْرِفُوهَا؟ ٢٩ يَا أَرْضُ، يَا أَرْضُ، يَا أَرْضُ اسْمَعِي كَلِمَةَ الرَّبِّ! ٣٠ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: اكْتُبُوا هَذَا الرَّجُلَ عَقِيمًا، رَجُلًا لَا يَنْجَحُ فِي أَيَّامِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْجَحُ مِنْ نَسْلِهِ أَحَدٌ جَالِسًا عَلَى كُرْسِيِّ دَاوُدَ وَحَاكِمًا بَعْدُ فِي يَهُودَا.

داوری بر یهوایکین پادشاه: ٢٤ «خداوند می‌فرماید: به حیات خودم قسم که حتی اگر تو ای یهوایکین، پسر یهوایقیم پادشاه یهودا، انگشتر خاتم بر دست راست من بودی، تو را به در می‌آوردم. ٢٥ من تو را به دست کسانی که قصد جان تو دارند و از ایشان می‌هراسی، تسلیم خواهم کرد؛ آری، تو را به دست نبوکدنصر پادشاه بابل و به دست کلدانیان خواهم سپرد. ٢٦ من تو را و مادری را که تو را بزاد به سرزمینی دیگر خواهم افکند که در آن زاده نشده‌اید، و هر دو در آنجا خواهید مرد. ٢٧ شما هرگز به سرزمینی که مشتاق بازگشت به آنید، باز نخواهید گشت.» ٢٨ آیا این مرد، یهوایکین، کوزه‌ای حقیر و شکسته است؟ ظرفی که هیچ کس طالب آن نیست؟ چرا او و نسلش بیرون افکنده شده، و به سرزمینی که نمی‌شناسند پرتاب گردیده‌اند؟ ٢٩ ای زمین، ای زمین، ای زمین، کلام خداوند را بشنو! ٣٠ خداوند چنین می‌فرماید: «این مرد را بی‌فرزند بنگار، مردی که در ایام خویش کامیاب نخواهد شد، زیرا از نسل او هیچ کس توفیق نخواهد یافت که بر تخت داوود بنشیند و دیگر بار در یهودا حکم براند.»

سفر ارمیا: الْأَصْحَاحُ الثَّالِثُ وَالْعِشْرُونَ * ٢٣: ١-٤٠

١ «وَيْلٌ لِلرَّعَاةِ الَّذِينَ يُهْلِكُونَ وَيَبِيدُونَ غَنَمَ رَعِيَّتِي، يَقُولُ الرَّبُّ. ٢ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ عَنْ الرَّعَاةِ الَّذِينَ يَرْعَوْنَ شَعْبِي: أَنْتُمْ بَدَدْتُمْ غَنَمِي وَطَرَدْتُمُوهَا وَلَمْ تَعْهَدْوْهَا. هَآنَذَا أُعَاقِبُكُمْ عَلَى شَرِّ أَعْمَالِكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٣ وَأَنَا أَجْمَعُ بَقِيَّةَ غَنَمِي مِنْ جَمِيعِ الْأَرْضِ الَّتِي طَرَدْتُهَا إِلَيْهَا، وَأُرُدُّهَا إِلَى مَرَابِضِهَا فَتُثَمِّرُ وَتَكْثُرُ. ٤ وَأَقِيمُ عَلَيْهَا رِعَاةً يَرْعَوْنَهَا فَلَا تَخَافُ بَعْدُ وَلَا تَرْتَعِدُ وَلَا تُفْقَدُ، يَقُولُ الرَّبُّ.»

١ خداوند چنین می‌فرماید: «وای بر شبانانی که گله چراگاه مرا نابود و پراکنده می‌سازند!» ٢ پس یهوه خدای اسرائیل درباره شبانانی که قوم مرا می‌چرانند چنین می‌فرماید: «شما گله مرا پراکنده ساخته و رانده‌اید و از آنها مراقبت نکرده‌اید. پس، خداوند می‌فرماید، اینک من سزای اعمال بدتان را به شما خواهم داد. ٣ باقیمانده گله خویش را از تمامی سرزمینهایی که ایشان را بدان رانده‌ام جمع خواهم کرد، و آنها را بار دیگر به آغلشان باز خواهم آورد، و بارور و کثیر خواهند شد. ٤ و بر ایشان شبانانی خواهم گماشت که آنان را شبانی خواهند کرد، و دیگر ترسان و هراسان نخواهند شد؛ و از آنها یکی هم گم نخواهد گشت.» این است فرموده خداوند.

۵ «ها آیام تأتي، يقول الرب، وأقيم لداود غصن بر، فيملك ملك وينجح، ويجري حقا وعدلا في الأرض. ۶ في أيامه يخلص يهوذا، ويسكن إسرائيل آمنا، وهذا هو اسمه الذي يدعونه به: الرب برنا. ۷ لذلك ها آیام تأتي، يقول الرب، ولا يقولون بعد: حي هو الرب الذي أصعد بني إسرائيل من أرض مصر، ۸ بل: حي هو الرب الذي أصعد وأتى بنسل بيت إسرائيل من أرض الشمال ومن جميع الأراضي التي طردتهم إليها فيسكنون في أرضهم».

۵ خداوند می‌فرماید: «هان، روزهایی می‌آید که 'شاخه‌ای' عادل برای داوود بر پا می‌کنم؛ پادشاهی که به خردمندی سلطنت خواهد کرد، و عدل و انصاف را در این سرزمین به اجرا در خواهد آورد. ۶ در ایام او یهودا نجات خواهد یافت، و اسرائیل در امنیت به سر خواهد برد؛ و نامی که بدان نامیده خواهد شد این است: 'پروردگار عادل ما.'» ۷ پس خداوند می‌فرماید: «هان ایامی می‌آید که دیگر نخواهند گفت، "سوگند به خدای زنده که بنی اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد"، ۸ بلکه "سوگند به خدای زنده‌ای که نسل خاندان اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمامی سرزمینهایی که آنان را بدان‌جا رانده بود، بیرون آورده است." آنگاه آنان در سرزمین خویش ساکن خواهند شد.»

۹ في الأنبياء: انسحق قلبي في وسطي. ارتخت كل عظامي. صيرت كنسان سكران ومثل رجل غلبته الخمر، من أجل الرب ومن أجل كلام قدسه. ۱۰ لأن الأرض امتلأت من الفاسقين. لأنه من أجل اللعن ناحت الأرض. جفت مراعي البرية، وصار سغيهم للشر، وجبروتهم للباطل. ۱۱ «لأن الأنبياء والكهنة تنجسوا جميعا، بل في بيتي وجدت شرهم، يقول الرب. ۱۲ لذلك يكون طريقهم لهم كمزلق في ظلام دامس، فيطردون ويسقطون فيها، لأنني أجلب عليهم شرا سنة عقابهم، يقول الرب. ۱۳ وقد رأيت في أنبياء السامرة حماقة. تنبأوا بالبغل وأضلوا شعبي إسرائيل. ۱۴ وفي أنبياء اورشليم رأيت ما يفسع منه. يفسقون ويسلكون بالكذب، ويشددون أيادي فاعلي الشر حتى لا يرجعوا الواحد عن شره. صاروا لي كلهم كسدوم، وسكانها كعمورة. ۱۵ لذلك هكذا قال رب الجنود عن الأنبياء: هانذا أطعمهم أفسنتين وأسقيهم ماء العلقم، لأنه من عند أنبياء اورشليم خرج نفاق في كل الأرض. ۱۶ هكذا قال رب الجنود: لا تسمعوا لكلام الأنبياء الذين يتنبأون لكم، فإنهم يجعلونكم باطلا. يتكلمون برؤيا قلبهم لا عن فم الرب. ۱۷ قائلين قولا لمختبري: قال الرب: يكون لكم سلام! ويقولون لكل من يسير في عناد قلبه: لا يأتي عليكم شر. ۱۸ لأنه من وقف في مجلس الرب ورأى وسمع كلمته؟ من أصغى لكلمته وسمع؟».

انبیای دروغگو: ۹ درباره انبیا: دلم در اندرونم شکسته، استخوانهایم همه لرزان است؛ همچون مردی مستم، مانند شخص مدهوش از شراب، به سبب خداوند و به سبب کلام مقدس او. ۱۰ زیرا که این سرزمین از زناکاران آکنده است؛ زمین به سبب لعنت به ماتم نشسته، و چراگاه‌های صحرا خشکیده است. راه ایشان

بد است، و قدرتشان را به ناحق به کار می‌برند. ۱۱ خداوند می‌فرماید: «نبی و کاهن هر دو نجسند، و شرارت ایشان را حتی در خانه خویش نیز دیده‌ام. ۱۲ از این رو طریق ایشان برایشان مانند جایهای لغزنده در تاریکی خواهد بود که بدان رانده شده، در آن خواهند افتاد؛ زیرا که در سال مکافات ایشان بلا بر ایشان نازل خواهم کرد؛» این است فرموده خداوند. ۱۳ «در میان انبیای سامره قباحتی دیدم: آنان به نام بعل نبوت کرده، قوم من اسرائیل را گمراه می‌کردند. ۱۴ و در میان انبیای اورشلیم چیزی هولناک دیده‌ام: آنان مرتکب زنا می‌شوند و در دروغ گام برمی‌دارند؛ ایشان دستهای بدکاران را تقویت می‌بخشند، به گونه‌ای که هیچ کس از شرارت خویش بازگشت نمی‌کند؛ آنان جملگی برای من همچون سدوم گشته‌اند، و ساکنان آن همچون عموره.» ۱۵ بنابراین، پروردگار لشکریان درباره انبیا چنین می‌فرماید: «اینک من بدیشان خوراک تلخ خواهم خورانید، و آب مسموم خواهم نوشانید، زیرا که از انبیای اورشلیم نجاستی در سرتاسر این سرزمین منتشر شده است.» ۱۶ پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «به سخنان انبیایی که برای شما نبوت می‌کنند گوش مسپارید؛ زیرا شما را امید واهی می‌بخشند. آنان رؤیای دل خود را بیان می‌کنند نه سخنان دهان خداوند را. ۱۷ آنان همواره به کسانی که کلام خداوند را خوار می‌شمارند، می‌گویند: «شما را سلامتی خواهد بود!» و به کسانی که از سرکشی دل خود پیروی می‌کنند، می‌گویند: «هیچ بلایی به شما نخواهد رسید!» ۱۸ اما کدام یک از ایشان در جمع مَحَرمانِ اسرار خداوند ایستاده است تا کلامش را ببیند و بشنود؟ و کیست که به کلامش توجه کرده و بدان گوش سپرده باشد؟

۱۹ هَا زَوْبَعَةُ الرَّبِّ. غَيْظُ يَخْرُجُ، وَتَوَّءُ هَائِجُ. عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْرَارِ يَثُورُ. ۲۰ لَا يَرْتَدُّ غَضَبُ الرَّبِّ حَتَّى يُجْرِيَ وَيُقِيمَ مَقَاصِدَ قَلْبِهِ. فِي آخِرِ الْأَيَّامِ تَفْهَمُونَ فَهَمًّا. ۲۱ «لَمْ أَرْسِلِ الْأَنْبِيَاءَ بَلْ هُمْ جَرَوْا. لَمْ أَتَكَلَّمْ مَعَهُمْ بَلْ هُمْ تَنَبَّأُوا. ۲۲ وَلَوْ وَقَفُوا فِي مَجْلِسِي لَأَخْبَرُوا شَعْبِي بِكَلَامِي وَرَدُّوهُمْ عَنْ طَرِيقِهِمِ الرَّدِّيِّ وَعَنْ شَرِّ أَعْمَالِهِمْ. ۲۳ أَلْعَلِّي إِلَهٌ مِنْ قَرِيبٍ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَسْتُ إِلَهًا مِنْ بَعِيدٍ. ۲۴ إِذَا اخْتَبَأَ إِنْسَانٌ فِي أَمَاكِنَ مُسْتَتْرَةٍ أَفَمَا أَرَاهُ أَنَا، يَقُولُ الرَّبُّ؟ أَمَّا أَمَلًا أَنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ ۲۵ قَدْ سَمِعْتُ مَا قَالَهُ الْأَنْبِيَاءُ الَّذِينَ تَنَبَّأُوا بِاسْمِي بِالْكَذِبِ قَائِلِينَ: حَلِمْتُ، حَلِمْتُ. ۲۶ حَتَّى مَتَى يُوجَدُ فِي قَلْبِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُتَنَبِّئِينَ بِالْكَذِبِ؟ بَلْ هُمْ أَنْبِيَاءُ خِدَاعٍ قَلْبِهِمْ! ۲۷ الَّذِينَ يُفَكِّرُونَ أَنْ يُنْسَوُا شَعْبِي اسْمِي بِأَخْلَامِهِمِ الَّتِي يَقْصُونَهَا الرَّجُلُ عَلَى صَاحِبِهِ، كَمَا نَسِيَ آبَاؤُهُمْ اسْمِي لِأَجْلِ الْبَعْلِ. ۲۸ النَّبِيُّ الَّذِي مَعَهُ حُلْمٌ فَلْيَقْصُ حُلْمًا، وَالَّذِي مَعَهُ كَلِمَتِي فَلْيَتَكَلَّمْ بِكَلِمَتِي بِالْحَقِّ. مَا لِلتَّيْنِ مَعَ الْجِنَّةِ، يَقُولُ الرَّبُّ؟»

۱۹ هان، توفان خداوند برخاسته است، خشم او چون گردبادی سهمگین پیش می‌رود تا بر سر شیران فرود آید. ۲۰ غضب خداوند بر نخواهد گشت تا آنگاه که تدبیرهای دلش را به کمال تحقق بخشد؛ در روزهای آخر، این را در خواهید یافت. ۲۱ «من این انبیا را نفرستادم، اما ایشان دويدند؛ سخنی بدیشان

نگفتم، اما ایشان نبوت کردند! ۲۲ اگر در جمع محرمانِ آسرار من ایستاده بودند، کلام مرا به قوم من بیان می کردند، و آنان را از راه بدشان، و از کردار شرارت بارشان باز می گردانند.» ۲۳ خداوند می فرماید: «آیا من فقط خدای جاهای نزدیکم و نه خدای دور دستها؟» ۲۴ خداوند می فرماید: «آیا کسی می تواند خود را چنان پنهان کند که من او را نبینم؟ آیا من آسمان و زمین را پر نمی سازم؟» این است فرموده خداوند. ۲۵ «سخن انبیایی را که به نام من به دروغ نبوت می کنند، شنیده ام. ایشان می گویند: "خواب دیده ام! خواب دیده ام!" ۲۶ تا به کی این در دل انبیایی که به دروغ نبوت می کنند خواهد بود، انبیایی که به فریب دل خود نبوت می کنند؟ ۲۷ ایشان سودای این در سر دارند که با خوابهایی که به یکدیگر باز می گویند، نام مرا از یاد قوم من بزدایند، همان گونه که پدران شان نام مرا به سبب بعل فراموش کردند. ۲۸ آن نبی که خوابی دیده، خواب خویش باز گوید، اما آن که کلام مرا دارد، آن را با امانت بیان کند.» زیرا خداوند می گوید، «گاه را با گندم چه کار است؟»

۲۹ «أَلَيْسَتْ هَكَذَا كَلِمَتِي كَنَارٍ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَكَمْطَرَقَةً تُحْطِمُ الصَّخْرَ؟ ۳۰ لِذَلِكَ هَآنَذَا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ، يَقُولُ الرَّبُّ، الَّذِينَ يَسْرِقُونَ كَلِمَتِي بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ. ۳۱ هَآنَذَا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ، يَقُولُ الرَّبُّ، الَّذِينَ يَأْخُذُونَ لِسَانَهُمْ وَيَقُولُونَ: قَالَ. ۳۲ هَآنَذَا عَلَى الَّذِينَ يَتَنَبَّأُونَ بِأَحْلَامٍ كَاذِبَةٍ، يَقُولُ الرَّبُّ، الَّذِينَ يَقْصُونَهَا وَيُضِلُّونَ شَعْبِي بِكَاذِبِيهِمْ وَمُفَاخَرَاتِهِمْ وَأَنَا لَمْ أَرْسِلْهُمْ وَلَا أَمَرْتُهُمْ. فَلِمَ يُفِيدُوا هَذَا الشَّعْبَ فَائِدَةً، يَقُولُ الرَّبُّ.»

۲۹ خداوند می فرماید: «آیا کلام من همچون آتش نیست، و مانند پتکی که صخره را خرد می کند؟» ۳۰ از این رو خداوند می فرماید: «اینک من بر ضد انبیایی هستم که کلام مرا از یکدیگر می ربایند.» ۳۱ آری، خداوند می فرماید: «اینک من بر ضد انبیایی هستم که زبان خود را به کار گرفته، پیامهای نبوتی از خود می بافند.» ۳۲ خداوند می گوید: «اینک من بر ضد آنانی هستم که به خوابهای دروغین نبوت می کنند و آنها را بیان کرده، قوم مرا با دروغها و توهمات خویش به گمراهی می کشند، حال آنکه من ایشان را نفرستاده و مأمور نکرده ام. پس هیچ نفعی به این قوم نمی رسانند؛» این است فرموده خداوند.

۳۳ «وَإِذَا سَأَلَكَ هَذَا الشَّعْبُ أَوْ نَبِيٍّ أَوْ كَاهِنٍ: مَا وَخِيَ الرَّبُّ؟ فَقُلْ لَهُمْ: أَيُّ وَخِي؟ إِنِّي أَرْفُضُكُمْ، هُوَ قَوْلُ الرَّبِّ. ۳۴ فَالنَّبِيُّ أَوْ الْكَاهِنُ أَوْ الشَّعْبُ الَّذِي يَقُولُ: وَخِيَ الرَّبُّ، أَغَاقِبُ ذَلِكَ الرَّجُلَ وَبَيْتَهُ. ۳۵ هَكَذَا تَقُولُونَ الرَّجُلُ لِصَاحِبِهِ وَالرَّجُلُ لِأَخِيهِ: بِمَاذَا أَجَابَ الرَّبُّ، وَمَاذَا تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ. ۳۶ أَمَّا وَخِيَ الرَّبِّ فَلَا تَذْكُرُوهُ بَعْدُ، لِأَنَّ كُلَّ إِنْسَانٍ تَكُونُ وَخِيَهُ، إِذْ قَدْ حَرَفْتُمْ كَلَامَ الْإِلَهِ الْحَيِّ رَبِّ الْجُنُودِ إِلَهُنَا. ۳۷ هَكَذَا تَقُولُ لِلنَّبِيِّ: بِمَاذَا أَجَابَكَ الرَّبُّ، وَمَاذَا تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ. ۳۸ وَإِذَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ: وَخِيَ الرَّبُّ، فَلِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: مِنْ أَجْلِ قَوْلِكُمْ هَذِهِ الْكَلِمَةَ: وَخِيَ الرَّبُّ، وَقَدْ أَرْسَلْتُ إِلَيْكُمْ قَائِلًا لَا تَقُولُوا: وَخِيَ الرَّبِّ، ۳۹ لِذَلِكَ هَآنَذَا أَنْسَاكُمْ نِسْيَانًا،

وَأَرْفُضُكُمْ مِنْ أَمَامِ وَجْهِی، أَنْتُمْ وَالْمَدِیْنَةُ الَّتِیْ أُعْطِیْتُكُمْ وَأَبَاءُكُمْ إِيَّاهَا. ۴۰ وَأَجْعَلُ عَلَیْكُمْ عَارًا أَبَدِيًّا وَخِزْيًا أَبَدِيًّا لَا يُنْسَى.

۳۳ «و چون کسی از این قوم، یا نبی ای یا کاهنی از تو پرسد، "وحی خداوند چیست؟" بدیشان بگو، "کدام وحی؟ چرا که من شما را طرد خواهم کرد." این است فرموده خداوند. ۳۴ «و اگر نبی یا کاهن یا کسی از قوم بگوید: "این است وحی خداوند!"، من آن شخص را با تمام اهل خانه اش مجازات خواهم کرد. ۳۵ هر یک از شما باید به همسایه یا برادر خود بگوید: "خداوند چه پاسخ داده است؟"، یا "خداوند چه گفته است؟" ۳۶ اما "وحی خداوند" را دیگر ذکر نکنید، زیرا سخن هر یک از شما (در آن زمان) وحی (دروغین) است، چرا که کلام خدای زنده، پروردگار لشکریان، خدای ما را مخدوش ساخته‌اید. ۳۷ به نبی بگویید: "خداوند تو را چه پاسخ داده است؟" یا "خداوند چه گفته است؟" ۳۸ اما اگر بگویید، "وحی خداوند،" خداوند چنین می‌فرماید، "از آنجا که این سخن یعنی 'وحی خداوند' را بر زبان رانید، با اینکه نزد شما فرستاده، فرمودم نگوئید 'وحی خداوند'، ۳۹ پس به یقین من شما را فراموش خواهم کرد و از حضور خود طرد خواهم نمود، شما و شهری را که به شما و به پدران‌تان بخشیدم. ۴۰ و عار ابدی و رسوایی جاودانی را که هرگز فراموش نشود، بر شما نازل خواهم کرد."»

سفر ارمیا: الأصْحَاحُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ۱:۲۴-۱۰

۱ أَرَانِي الرَّبَّ وَإِذَا سَلَّتا تَيْنِ مَوْضُوعَتَانِ أَمَامَ هَيْكَلِ الرَّبِّ بَعْدَ مَا سَبَى نَبُوخَذْرَاصْرُ مَلِكُ بَابِلَ يَكْنِيانَ بَنَ يَهُوَيَاقِيمَ مَلِكِ يَهُودَا وَرُؤَسَاءَ يَهُودَا وَالنَّجَّارِينَ وَالْحَدَّادِينَ مِنْ أُورُشَلِيمَ، وَآتَى بِهِمْ إِلَى بَابِلَ. ۲ فِي السَّلَّةِ الْوَاحِدَةِ تَيْنِ جَيْدٌ جِدًّا مِثْلُ التِّينِ الْبَاكُورِيِّ، وَفِي السَّلَّةِ الْأُخْرَى تَيْنِ رَدِيءٌ جِدًّا لَا يُؤْكَلُ مِنْ رَدَاءَتِهِ. ۳ فَقَالَ لِي الرَّبُّ: «مَاذَا أَنْتَ رَأَيْتَ يَا إِرْمِيَا؟» فَقُلْتُ: «تَيْنَانِ الْجَيْدُ جَيْدٌ جِدًّا، وَالتِّينُ الرَّدِيءُ رَدِيءٌ جِدًّا لَا يُؤْكَلُ مِنْ رَدَاءَتِهِ.»

۱ پس از آن که نبوکدنصر پادشاه بابل، یهویاکین پسر یهوایاقیم پادشاه یهودا را به همراه صاحبمنصبان و صنعتگران و آهنگران یهودا از اورشلیم به بابل به تبعید برد، خداوند در رؤیا دو سبد انجیر به من نشان داد که در برابر معبد خداوند قرار داشت. ۲ درون یکی از سبدها انجیرهای بسیار خوب بود که به انجیرهای نوبر می‌ماند؛ اما انجیرهای سبد دیگر بسیار بد بود، چندان که نمی‌شد خورد. ۳ آنگاه خداوند مرا گفت: «ای ارمیا، چه می‌بینی؟» گفتم: «انجیر؛ انجیرهای نیکو که بسیار نیکویند، و انجیرهای بد که بسیار بدند، چندان که نمی‌توان خورد.»

۴ ثُمَّ صَارَ كَلَامُ الرَّبِّ إِلَيَّ قَائِلًا: ۵ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: كَهَذَا التِّينَ الْجَيِّدَ هَكَذَا أَنْظُرُ إِلَى سَبْيِ يَهُوذَا الَّذِي أَرْسَلْتُهُ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ إِلَى أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ لِلْخَيْرِ. ۶ وَأَجْعَلُ عَيْنِي عَلَيْهِمْ لِلْخَيْرِ، وَأَرْجِعُهُمْ إِلَى هَذِهِ الْأَرْضِ، وَأُنْبِيَهُمْ وَلَا أَهْدِمُهُمْ، وَأَغْرِسُهُمْ وَلَا أَقْلَعُهُمْ. ۷ وَأُعْطِيَهُمْ قَلْبًا لِيَعْرِفُونِي أَنِّي أَنَا الرَّبُّ، فَيَكُونُوا لِي شَعْبًا وَأَنَا أَكُونُ لَهُمْ إِلَهًا، لَأَنَّهُمْ يَرْجِعُونَ إِلَيَّ بِكُلِّ قَلْبِهِمْ.

۴ سپس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۵ «یهوه خدای اسرائیل چنین می فرماید: ”همچون این انجیرهای نیکو، من تبعیدیان یهودا را که ایشان را از این سرزمین به سرزمین کلدانیان فرستاده‌ام، نیکو خواهم شمرد. ۶ چشمان من برای خیریت بر ایشان خواهد بود، و آنان را بدین سرزمین باز خواهم گردانید. ایشان را بنا خواهم کرد و نه خراب؛ و غرس خواهم کرد، نه ریشه کن. ۷ دلی به ایشان خواهم بخشید که بدانند من یهوه هستم. ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود، زیرا به تمامی دل نزد من باز گشت خواهند کرد.“

۸ «وَكَاثِلَيْنِ الرَّدِيِّ الَّذِي لَا يُؤْكَلُ مِنْ رِذَائَتِهِ، هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ، هَكَذَا أَجْعَلُ صِدْقِيًا مَلِكَ يَهُوذَا وَرُؤُسَاءَهُ وَبَقِيَّةَ أَوْرُشَلِيمَ الْبَاقِيَّةِ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ وَالسَّائِكَةِ فِي أَرْضِ مِصْرَ. ۹ وَأُسَلِّمُهُمْ لِلْقَلَقِ وَالشَّرِّ فِي جَمِيعِ مَمَالِكِ الْأَرْضِ عَارًا وَمَثَلًا وَهَرَاةً وَلَعْنَةً فِي جَمِيعِ الْمَوَاضِعِ الَّتِي أَطْرَدُهُمْ إِلَيْهَا. ۱۰ وَأُرْسِلُ عَلَيْهِمُ السَّيْفَ وَالْجُوعَ وَالْوَبَاءَ حَتَّى يَفْنَوْا عَنْ وَجْهِ الْأَرْضِ الَّتِي أُعْطِيَتْهُمْ وَأَبَاءَهُمْ إِيَّاهَا».

۸ «اما خداوند می گوید: ”همچون انجیرهای بد که چنان بدند که نتوان خورد، من نیز با صدقیا پادشاه یهودا و صاحبمنصبانش و باقیمانده گان اورشلیم، چه آنان که در این سرزمین به سر می برند و چه آنان که در مصرند، بدین گونه رفتار خواهم کرد: ۹ ایشان را اسباب رعب و وحشت تمامی ممالک روی زمین خواهم ساخت و مایه رسوایی و تمسخر و ضرب المثل و لعنت، در هر کجا که ایشان را بدان رانده باشم. ۱۰ شمشیر و قحطی و طاعون بر ایشان نازل خواهم ساخت، تا از سرزمینی که به ایشان و به پدرانشان بخشیدم، به تمامی نابود گردند.“

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ * ۳۸-۱:۲۵

۱ الْكَلَامُ الَّذِي صَارَ إِلَى إِرْمِيَا عَنْ كُلِّ شَعْبٍ يَهُوذَا، فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ لِيَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُوذَا، هِيَ السَّنَةُ الْأُولَى لِنَبُوخَذْرَاصَرَ مَلِكِ بَابِلَ، ۲ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ إِرْمِيَا النَّبِيُّ عَلَى كُلِّ شَعْبٍ يَهُوذَا وَعَلَى كُلِّ سَكَّانِ أَوْرُشَلِيمَ قَائِلًا: ۳ «مِنَ السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ عَشْرَةَ لِيُوشِيَّا بْنِ أَمُونٍ مَلِكِ يَهُوذَا إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، هَذِهِ الثَّلَاثُ وَالْعِشْرِينَ سَنَةً، صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَيَّ فَكَلَّمْتُكُمْ مُبَكِّرًا وَمُكَلِّمًا فَلَمْ تَسْمَعُوا. ۴ وَقَدْ أَرْسَلَ الرَّبُّ إِلَيْكُمْ كُلَّ عِبِيدِهِ الْأَنْبِيَاءِ مُبَكِّرًا وَمُرْسِلًا فَلَمْ تَسْمَعُوا وَلَمْ تُمِيلُوا أُذُنَكُمْ لِلسَّمْعِ، ۵ قَائِلِينَ: ارْجِعُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ طَرِيقِهِ الرَّدِيِّ وَعَنْ شَرِّ

أَعْمَالِكُمْ وَأَسْكُنُوا فِي الْأَرْضِ الَّتِي أَغْطَاكُمْ الرَّبُّ إِيَّاهَا وَأَبَاءَكُمْ مِنَ الْأَزَلِ وَإِلَى الْأَبَدِ. ٦ وَلَا تَسْلُكُوا وَرَاءَ إِلَهَةٍ أُخْرَى لِتَعْبُدُوهَا وَتَسْجُدُوا لَهَا، وَلَا تَغِيظُونِي بِعَمَلِ أَيْدِيكُمْ فَلَا أُسِيءَ إِلَيْكُمْ. ٧ فَلَمَّ تَسْمَعُوا لِي، يَقُولُ الرَّبُّ، لَتَغِيظُونِي بِعَمَلِ أَيْدِيكُمْ شَرًّا لَكُمْ.

۱ این است کلامی که در چهارمین سال یهو یاقیم پسر یوشیا پادشاه یهودا، که سال اول نبوکدنصر پادشاه بابل بود، درباره تمامی مردم یهودا بر ارمیا نازل شد. ۲ ارمیای نبی آن کلام را برای تمامی مردم یهودا و همه ساکنان اورشلیم بیان کرده، گفت: ۳ «از سال سیزدهم یوشیا پادشاه یهودا پسر آمون تا به امروز، به مدت بیست و سه سال کلام خداوند بر من نازل گشته و من بارها با شما سخن گفته‌ام، اما شما بدان گوش نسپرده‌اید؛ ۴ و اگرچه خداوند همه خادمان خود، انبیا را بارها نزد شما فرستاده است، به آنها نیز گوش نگرفته و به سخنانشان اعتنا نکرده‌اید. ۵ آنها گفتند: "هر یک از شما از رفتار زشت و کردار شرارت‌بار خویش بازگشت کنید و در سرزمینی که خداوند از ازل تا به ابد به شما و به پدرانتان بخشیده است، ساکن باشید. ۶ از پی خدایان غیر مروید، آنها را عبادت و سجده مکنید، و خشم مرا با ساخته‌های دست خود بر میانگیزید، تا بلایی بر شما نازل نکنم." ۷ اما، خداوند می‌فرماید، "شما به من گوش نگرفتید، بلکه خشم مرا با ساخته‌های دست خود برانگیختید و خود را به بلا گرفتار کردید."

۸ «لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: مِنْ أَجْلِ أَنْكُمْ لَمْ تَسْمَعُوا لِكَلَامِي ۹ هَآنَذَا أُرْسِلُ فَأَخْذُ كُلَّ عَشَائِرِ الشِّمَالِ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَإِلَى نَبُوخَذْرَاصَرِّ عَبْدِي مَلِكِ بَابِلَ، وَأَتِي بِهِمْ عَلَى هَذِهِ الْأَرْضِ وَعَلَى كُلِّ سَكَّانِهَا وَعَلَى كُلِّ هَذِهِ الشُّعُوبِ حَوْلِهَا، فَأَحْرِمُهُمْ وَأَجْعَلُهُمْ دَهْشًا وَصَفِيرًا وَخَرَابًا أَبَدِيَّةً. ۱۰ وَأُبِيدُ مِنْهُمْ صَوْتَ الطَّرَبِ وَصَوْتَ الْفَرْحِ، صَوْتَ الْعَرِيسِ وَصَوْتَ الْعَرُوسِ، صَوْتَ الْأَرْحِيَّةِ وَنُورَ السِّرَاجِ. ۱۱ وَتَصِيرُ كُلُّ هَذِهِ الْأَرْضِ خَرَابًا وَدَهْشًا، وَتَتَخَذُ هَذِهِ الشُّعُوبُ مَلِكَ بَابِلَ سَبْعِينَ سَنَةً.

۸ «بدین جهت پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: "حال که به کلام من گوش فرا ندادید، ۹ خداوند می‌فرماید، اینک من فرستاده، تمامی قبایل شمال و نیز خادم خود نبوکدنصر پادشاه بابل را فرا خواهم خواند و ایشان را بر ضد این سرزمین و بر ضد ساکنانش و بر ضد تمامی قومهای اطراف خواهم آورد. و ایشان را به نابودی کامل سپرده، مایه حیرت و انگشت به دهان ماندن مردمان، و ویرانه ابدی خواهم ساخت. ۱۰ و از میان ایشان فریاد هلهله و شادمانی و آواز عروس و داماد و صدای آسیاب و روشنایی چراغ را نابود خواهم کرد. ۱۱ این سرزمین سراسر خراب و ویران خواهد شد، و این قومها هفتاد سال پادشاه بابل را بندگی خواهند کرد."

۱۲ «وَيَكُونُ عِنْدَ تَمَامِ السَّبْعِينَ سَنَةً أَنِّي أَغَاقِبُ مَلِكَ بَابِلَ، وَتِلْكَ الْأُمَّةُ، يَقُولُ الرَّبُّ، عَلَى إِثْمِهِمْ وَأَرْضَ الْكَلْدَانِيِّينَ، وَأَجْعَلُهَا خَرَابًا أَبَدِيَّةً. ۱۳ وَأَجْلِبُ عَلَى تِلْكَ الْأَرْضِ كُلَّ كَلَامِي الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ عَلَيْهَا، كُلَّ مَا

کُتِبَ فِي هَذَا السِّفْرِ الَّذِي تَنَبَّأَ بِهِ إِرْمِيَا عَلَى كُلِّ الشُّعُوبِ. ١٤ لَأَنَّهُ قَدْ اسْتَعْبَدَهُمْ أَيْضًا أُمَمٌ كَثِيرَةٌ وَمُلُوكٌ عِظَامٌ، فَأَجَازِيهِمْ حَسَبَ أَغْمَالِهِمْ وَحَسَبَ عَمَلِ أَيْدِيهِمْ».

۱۲ «اما خداوند می گوید: ”پس از پایان هفتاد سال، من پادشاه بابل و آن قوم و سرزمین کلدانیان را به سبب تقصیرشان مجازات خواهم کرد، و آن را ویرانه ابدی خواهم ساخت. ۱۳ و بر آن سرزمین تمامی سخنان خود را که بر ضد آن گفته‌ام، نازل خواهم کرد، یعنی هر چه را در این کتاب مکتوب است و ارمیا آن را درباره همه قومها نبوت کرده است. ۱۴ زیرا قومهای بسیار و پادشاهان بزرگ ایشان را بنده خود خواهند ساخت، و من ایشان را بر حسب کردارشان و اعمال دستهایشان جزا خواهم داد.“

١٥ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ لِي الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: «خُذْ كَأْسَ خَمْرٍ هَذَا السَّخَطِ مِنْ يَدِي، وَاسْقِ جَمِيعَ الشُّعُوبِ الَّذِينَ أَرْسَلْتُكَ أَنَا إِلَيْهِمْ إِيَّاهَا. ١٦ فَيَشْرَبُوا وَيَتَرْتَحُوا وَيَتَجَنَّنُوا مِنْ أَجْلِ السِّيفِ الَّذِي أَرْسَلُهُ أَنَا بَيْنَهُمْ». ١٧ فَأَخَذْتُ الْكَأْسَ مِنْ يَدِ الرَّبِّ وَسَقَيْتُ كُلَّ الشُّعُوبِ الَّذِينَ أَرْسَلَنِي الرَّبُّ إِلَيْهِمْ. ١٨ أُورُشَلِيمَ وَمَدُنَ يَهُوذَا وَمُلُوكَهَا وَرُؤُوسَاءَهَا، لِيَجْلِئَهَا خَرَابًا وَدَهْشًا وَصَفِيرًا وَلَغْنَةً كَهَذَا الْيَوْمِ. ١٩ وَفَرَعُونَ مَلِكَ مِصْرَ وَعَبِيدَهُ وَرُؤُوسَاءَهُ وَكُلَّ شَعْبِهِ. ٢٠ وَكُلَّ اللَّفِيفِ، وَكُلَّ مُلُوكِ أَرْضِ عُوصَ، وَكُلَّ مُلُوكِ أَرْضِ فِلِسْطِينَ وَأَشْقَلُونَ وَغَزَّةَ وَعَقْرُونَ وَبَقِيَّةَ أَشْدُودَ، ٢١ وَأَدُومَ وَمَوَآبَ وَبَنِي عَمُّونَ، ٢١ وَكُلَّ مُلُوكِ صُورَ، وَكُلَّ مُلُوكِ صَيْدُونَ، وَمُلُوكِ الْجَزَائِرِ الَّتِي فِي غَيْرِ الْبَحْرِ، ٢٣ وَدَذَانَ وَتَيْمَاءَ وَبُوزَ، وَكُلَّ مَقْصُوصِي الشَّعْرِ مُسْتَدِيرًا، ٢٤ وَكُلَّ مُلُوكِ الْعَرَبِ، وَكُلَّ مُلُوكِ اللَّفِيفِ السَّاكِنِينَ فِي الْبَرِّيَّةِ، ٢٥ وَكُلَّ مُلُوكِ زِمْرِي، وَكُلَّ مُلُوكِ عِيلَامَ، وَكُلَّ مُلُوكِ مَادِي، ٢٦ وَكُلَّ مُلُوكِ الشِّمَالِ الْقَرِيبِينَ وَالْبَعِيدِينَ، كُلِّ وَاحِدٍ مَعَ أَخِيهِ، وَكُلَّ مَمَالِكِ الْأَرْضِ الَّتِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ. وَمَلِكُ شَيْشَكُ يَشْرَبُ بَعْدَهُمْ. ٢٧ وَتَقُولُ لَهُمْ: «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: اشْرَبُوا وَاسْكُرُوا وَتَقَيَّأُوا وَاسْقُطُوا وَلَا تَقُومُوا مِنْ أَجْلِ السِّيفِ الَّذِي أَرْسَلُهُ أَنَا بَيْنَكُمْ. ٢٨ وَيَكُونُ إِذَا أَبَوْا أَنْ يَأْخُذُوا الْكَأْسَ مِنْ يَدِكَ لِيَشْرَبُوا، أَنَّكَ تَقُولُ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: تَشْرَبُونَ شَرِبًا. ٢٩ لَأَنِّي هَآنَذَا أَبْتَدِئُ أَسِيءُ إِلَى الْمَدِينَةِ الَّتِي دَعَيْتُ اسْمِي عَلَيْهَا، فَهَلْ تَتَبَرَّأُونَ أَنْتُمْ؟ لَا تَتَبَرَّأُونَ، لَأَنِّي أَنَا أَدْعُو السِّيفَ عَلَى كُلِّ سَكَّانِ الْأَرْضِ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ. ٣٠ وَأَنْتَ فَتَنَبَّأْ عَلَيْهِمْ بِكُلِّ هَذَا الْكَلَامِ، وَقُلْ لَهُمْ: الرَّبُّ مِنَ الْعَلَاءِ يُزْمَجِرُ، وَمِنْ مَسْكَنِ قُدْسِهِ يُطْلِقُ صَوْتَهُ، يَزَارُ زَيْبَرًا عَلَى مَسْكَنِهِ، يَهْتَافُ كَالدَّائِسِينَ يَصْرُخُ ضِدَّ كُلِّ سَكَّانِ الْأَرْضِ. ٣١ بَلَغَ الضَّجِيجُ إِلَى أَطْرَافِ الْأَرْضِ، لِأَنَّ لِلرَّبِّ خُصُومَةً مَعَ الشُّعُوبِ. هُوَ يُحَاكِمُ كُلَّ ذِي جَسَدٍ. يَدْفَعُ الْأَشْرَارَ لِلْسِّيفِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٣٢ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: هُوَذَا الشَّرُّ يَخْرُجُ مِنْ أُمَّةٍ إِلَى أُمَّةٍ، وَيَنْهَضُ نَوْءٌ عَظِيمٌ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ. ٣٣ وَتَكُونُ قَتْلَى الرَّبِّ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ أَقْصَاءِ الْأَرْضِ إِلَى أَقْصَاءِ الْأَرْضِ. لَا يُنْدَبُونَ وَلَا يُضَمُّونَ وَلَا يُدْفَنُونَ. يَكُونُونَ دِمْنَةً عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ».

پیاله خشم خدا: ۱۵ یهوه خدای اسرائیل به من چنین فرمود: «پیاله شراب خشم را از دست من بگیر و آن را به تمام قومهایی که تو را نزدشان می فرستم، بنوشان. ۱۶ آنان خواهند نوشید و به سبب شمشیری

که میانشان می فرستم، گنج خواهند خورد و دیوانه خواهند شد.» ۱۷ پس پیاله را از دست خداوند گرفتم و به تمامی قومهایی که خداوند مرا نزد آنها فرستاد، نوشانیدم؛ ۱۸ یعنی به اورشلیم و شهرهای یهودا، و به پادشاهان و صاحبمنصبانش، تا آنها را به ویرانه‌ای بدل کرده، مایه حیرت و انگشت به دهان ماندن و لعنت سازم، چنانکه امروز شده است؛ ۱۹ و نیز به فرعون پادشاه مصر و خادمان و صاحبمنصبان و تمامی قومش ۲۰ و به تمامی قبایل مختلط آن سرزمین؛ و به تمامی پادشاهان سرزمین عوص و پادشاهان سرزمین فلسطینیان، یعنی پادشاهان آشقلون و غزه و عقرون، و نیز به باقیمانده‌گان آشدود، ۲۱ و به آدوم و موآب و بنی‌عمون؛ ۲۲ و به تمامی پادشاهان صور و همه پادشاهان صیدون و پادشاهان سرزمینهای ساحلی که آنسوی دریا هستند؛ ۲۳ همچنین به ددان و تیما و بوز و به تمامی کسانی که گوشه‌های موی خود را می تراشند، ۲۴ و به تمامی پادشاهان عرب و همه پادشاهان قبایل مختلط بادیه‌نشین؛ ۲۵ به تمامی پادشاهان زمیری و همه پادشاهان عیلام و همه پادشاهان ماد؛ ۲۶ و به تمامی پادشاهان شمال خواه نزدیک و خواه دور، یکی از پس دیگری، و تمامی ممالک جهان که روی زمینند. و پس از ایشان، پادشاه بابل خواهد نوشت. ۲۷ «آنگاه به ایشان بگو، "پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: بنوشید و مست شده، قی کنید و به سبب شمشیری که میانتان می فرستم، بیفتید و دیگر برنخیزید." ۲۸ اگر نخواستند پیاله را از دست گرفته بنوشند، آنگاه بدیشان بگو، "پروردگار لشکریان چنین می فرماید: باید بنوشید! ۲۹ زیرا اینک من به رسانیدن بلا بر شهری که نام مرا بر خود دارد، آغاز خواهم کرد. پس آیا شما به واقع بی سزا خواهید ماند؟ نه، بی سزا نخواهید ماند، زیرا من شمشیری بر تمامی ساکنان جهان مأمور می دارم." این است فرموده پروردگار لشکریان. ۳۰ «پس تو تمامی این سخنان را بر ضد ایشان نبوت کرده، بگو: "خداوند از اعلا خواهد غرید، و از جایگاه مقدس خویش ندا خواهد داد؛ او به شدت بر ضد آغل خویش خواهد غرید، و بسان آنان که انگور می فشرد، بر تمام ساکنان زمین بانگ خواهد زد. ۳۱ صدای غوغا تا به کرانه‌های زمین خواهد رسید، زیرا خداوند علیه قومها اقامه دعوی خواهد کرد؛ او آدمیان را جملگی به محاکمه خواهد کشید، و شریران را از دم شمشیر خواهد گذرانید؛" این است فرموده خداوند. ۳۲ «پروردگار لشکریان چنین می فرماید: اینک بلا از قومی به قوم دیگر سرایت می کند؛ و توفانی عظیم از اقصای زمین به پا می خیزد. ۳۳ «و آنان که در آن روز به دست خداوند کشته می شوند، از این گران زمین تا گران دیگرش خواهند بود. برای ایشان ماتم نخواهند گرفت و اجسادشان را جمع نخواهند کرد و به خاک نخواهند سپرد، بلکه روی زمین سرگین خواهند بود.

۳۴ وَلَوْلُوا أَيُّهَا الرُّعَاةُ وَاصْرُخُوا، وَتَمَرَّغُوا يَا رُؤَسَاءَ الْغَنَمِ، لِأَنَّ أَيَّامَكُمْ قَدْ كَمَلَتْ لِلذَّبْحِ. وَأُبَدِّكُمْ فَتَسْقُطُونَ

كَإِنَاءٍ شَهِيٍّ. ۳۵ وَيَبِيدُ الْمَنَاصُ عَنْ الرُّعَاةِ، وَالنَّجَاةُ عَنْ رُؤَسَاءِ الْغَنَمِ. ۳۶ صَوْتُ صُرَاخِ الرُّعَاةِ، وَوَلَوْلَةُ رُؤَسَاءِ

الْغَنَمِ. لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ أَهْلَكَ مَرْعَاهُمْ. ۳۷ وَبَادَتْ مَرَاعِي السَّلَامِ مِنْ أَجْلِ حُمُومِ غَضَبِ الرَّبِّ. ۳۸ تَرَكَ كَثِيرٌ عَيْصَةً، لِأَنَّ أَرْضَهُمْ صَارَتْ خَرَابًا مِنْ أَجْلِ الظَّالِمِ وَمِنْ أَجْلِ حُمُومِ غَضَبِهِ.

۳۴ «ای شبانان، شیون کنید و بانگ بر آورید؛ ای رؤسای گله، در خاکستر بغلتید. زیرا موعد کشتار و پراکندگیتان فرا رسیده است، و شما همچون ظرفی مرغوب، خواهید افتاد و خرد خواهید شد. ۳۵ نه شبانان را پناهی خواهد بود، و نه رؤسای گله را گریزی. ۳۶ هان، بانگ شبانان و شیون صاحبان گله شنیده می شود! زیرا خداوند چراگاه هایشان را ویران می کند. ۳۷ به سبب خشم آتشین خداوند آغل های امن و آرام نابود گشته است. ۳۸ او همچون شیری گنام خویش را ترک گفته است؛ به سبب شمشیرِ ستمگر و خشم آتشینِ او، سرزمین ایشان ویرانه گشته است.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ * ۲۶: ۱-۲۴

۱ فِي ابْتِدَاءِ مُلْكِ يَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُوذَا، صَارَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: قِفْ فِي دَارِ بَيْتِ الرَّبِّ، وَتَكَلِّمْ عَلَى كُلِّ مَدْنٍ يَهُوذَا الْقَادِمَةِ لِلِسُجُودِ فِي بَيْتِ الرَّبِّ بِكُلِّ الْكَلَامِ الَّذِي أَوْصَيْتُكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِهِ إِلَيْهِمْ. لَا تَنْقُصُ كَلِمَةً. ۳ لَعَلَّهُمْ يَسْمَعُونَ وَيَرْجِعُونَ كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ طَرِيقِهِ الشَّرِيرِ، فَأَنْدَمَ عَنِ الشَّرِّ الَّذِي قَصَدْتُ أَنْ أَصْنَعَهُ بِهِمْ، مِنْ أَجْلِ شَرِّ أَعْمَالِهِمْ. ۴ وَتَقُولُ لَهُمْ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: إِنْ لَمْ تَسْمَعُوا إِلَيَّ لَسْتُ لَكُمْ فِي شَرِيعَتِي الَّتِي جَعَلْتُهَا أَمَامَكُمْ، ۵ لَسْتُ سَمْعُوا لِكَلَامِ عِبِيدِي الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ أَرْسَلْتُهُمْ أَنَا إِلَيْكُمْ مُبَكِّرًا وَمُرْسِلًا إِيَّاهُمْ، فَلَمْ تَسْمَعُوا. ۶ أَجْعَلْ هَذَا الْبَيْتَ كَشَيْلُوهُ، وَهَذِهِ الْمَدِينَةُ أَجْعَلْهَا لَعْنَةً لِكُلِّ شُعُوبِ الْأَرْضِ».

۱ در آغاز سلطنت یهو یاقیم، پسر یوشیا پادشاه یهودا، این کلام از جانب خداوند نازل شد: ۲ «خداوند چنین می فرماید: در صحن خانه خداوند بایست و بر ضد تمامی شهرهای یهودا که برای پرستش به خانه خداوند می آیند، همه سخنانی را که تو را امر می فرمایم بگو، و سخنی کم مکن. ۳ شاید گوش فرا دهند، و هر یک از ایشان از راههای شریرانه خود باز گردند، تا از رساندن بلایی که به سبب کردار پلیدشان قصد آن نموده ام، منصرف شوم. ۴ ایشان را بگو، "خداوند چنین می فرماید: اگر به من گوش نسپارید و در شریعت من که پیش روی شما نهاده ام سلوک نکنید، ۵ و به کلام خدمتگزاران من انبیا گوش نسپارید که ایشان را بارها نزد شما فرستادم، هر چند گوش فرادادید، ۶ آنگاه من این خانه را مانند شیلوه خواهم ساخت، و این شهر را برای جمیع قومهای زمین لعنت خواهم گردانید.»

۷ وَسَمِعَ الْكَهَنَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَكُلُّ الشَّعْبِ إِرْمِيَا يَتَكَلَّمُ بِهَذَا الْكَلَامِ فِي بَيْتِ الرَّبِّ. ۸ وَكَانَ لَمَّا فَرَغَ إِرْمِيَا مِنَ التَّكَلُّمِ بِكُلِّ مَا أَوْصَاهُ الرَّبُّ أَنْ يُكَلِّمَ كُلَّ الشَّعْبِ بِهِ، أَنَّ الْكَهَنَةَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَكُلَّ الشَّعْبِ أَمْسَكُوهُ قَائِلِينَ: «تَمُوتُ مَوْتًا! ۹ لِمَاذَا تَبَنَّتْ بِاسْمِ الرَّبِّ قَائِلًا: مِثْلَ شَيْلُوهُ يَكُونُ هَذَا الْبَيْتُ، وَهَذِهِ الْمَدِينَةُ تَكُونُ خَرِبَةً بِلَا سَاكِنٍ؟».

وَاجْتَمَعَ كُلُّ الشَّعْبِ عَلَى إِرْمِيَا فِي بَيْتِ الرَّبِّ. ١٠ فَلَمَّا سَمِعَ رُؤَسَاءُ يَهُودَا بِهَذِهِ الْأُمُورِ، صَعِدُوا مِنْ بَيْتِ الْمَلِكِ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ وَجَلَسُوا فِي مَدْخَلِ بَابِ الرَّبِّ الْجَدِيدِ. ١١ فَتَكَلَّمَ الْكَهَنَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ مَعَ الرُّؤَسَاءِ وَكُلِّ الشَّعْبِ قَائِلِينَ: «حَقُّ الْمَوْتِ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ لَأَنَّهُ قَدْ تَنَبَّأَ عَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ كَمَا سَمِعْتُمْ بِأَذَانِكُمْ».

۷ کاهنان و انبیا و تمامی قوم، این سخنان را که ارمیا در خانه خداوند بیان کرد، شنیدند. ۸ و چون ارمیا از گفتن هر آنچه خداوند او را به گفتن آنها به تمامی قوم امر فرموده بود فارغ شد، آنگاه کاهنان و انبیا و همه قوم بر او شوریده، گفتند: «تو باید بمیری! ۹ چرا به نام خداوند نبوت کرده، گفتی، "این خانه همچون شیلوه خواهد شد و این شهر به ویرانه‌ای متروک بدل خواهد گشت؟"» پس قوم جملگی در خانه خداوند گرد ارمیا حلقه زدند. ۱۰ چون این خبر به گوش صاحبمنصبان یهودا رسید، از خانه پادشاه به خانه خداوند برآمدند و در مدخل دروازه جدید خانه خداوند نشستند. ۱۱ آنگاه کاهنان و انبیا خطاب به صاحبمنصبان و همه قوم چنین گفتند: «این مرد مستوجب اعدام است، زیرا چنانکه شما نیز به گوش خود شنیده‌اید، بر ضد این شهر نبوت کرده است.»

١٢ فَكَلَّمَ إِرْمِيَا كُلَّ الرُّؤَسَاءِ وَكُلَّ الشَّعْبِ قَائِلًا: «الرَّبُّ أَرْسَلَنِي لِأَتَنَبَّأَ عَلَى هَذَا الْبَيْتِ وَعَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ بِكُلِّ الْكَلَامِ الَّذِي سَمِعْتُمُوهُ. ١٣ فَالآنَ أَصْلِحُوا طُرُقَكُمْ وَأَعْمَلُوا لِرَبِّكُمْ، وَاسْمَعُوا لِكَلِمَةِ الرَّبِّ إِلَهُكُمْ، فَيَنْدَمَ الرَّبُّ عَنْ الشَّرِّ الَّذِي تَكَلَّمُ بِهِ عَلَيْكُمْ. ١٤ أَمَّا أَنَا فَهَآنَذَا بِيَدِكُمْ، اصْنَعُوا بِي كَمَا هُوَ حَسَنٌ وَمُسْتَقِيمٌ فِي أَغْيُنِكُمْ. ١٥ لَكِنْ اغْلَمُوا عِلْمًا أَنَكُمْ إِن قَتَلْتُمُونِي، تَجْعَلُونَ دَمًا زَكِيًّا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَعَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَعَلَى سُكَّانِهَا، لَأَنَّهُ حَقًّا قَدْ أَرْسَلَنِي الرَّبُّ إِلَيْكُمْ لِأَتَكَلَّمَ فِي أَذَانِكُمْ بِكُلِّ هَذَا الْكَلَامِ».

۱۲ پس ارمیا خطاب به تمامی صاحبمنصبان و همه قوم چنین گفت: «خداوند مرا فرستاده است تا همه سخنانی را که شنیدید، بر ضد این خانه و بر ضد این شهر نبوت کنم. ۱۳ پس حال راهها و کردار خود را اصلاح کنید و به آواز یهوه خدایتان گوش فرا دهید، تا خداوند از بلایی که بر شما فرموده است، منصرف شود. ۱۴ و اما من، اینک در دست شما هستم. هر آنچه در نظرتان نیکو و درست است، بر من روا دارید. ۱۵ اما یقین بدانید که با کشتن من، خون فرد بی گناهی را بر خویشتن و بر این شهر و ساکنانش وارد خواهید آورد، زیرا که براستی خداوند مرا نزد شما فرستاده تا تمامی این سخنان را به گوش شما برسانم.»

١٦ فَقَالَ الرُّؤَسَاءُ وَكُلُّ الشَّعْبِ لِلْكَهَنَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ: «لَيْسَ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ حَقُّ الْمَوْتِ، لَأَنَّهُ إِنَّمَا كَلَّمَنَا بِاسْمِ الرَّبِّ إِلَهِنَا». ١٧ فَقَامَ أَنَاسٌ مِنْ شُيُوخِ الْأَرْضِ وَكَلَّمُوا كُلَّ جَمَاعَةِ الشَّعْبِ قَائِلِينَ: ١٨ «إِنَّ مِيخَا الْمُورَشِيَّ تَنَبَّأَ فِي أَيَّامِ حَزَقِيَّا مَلِكِ يَهُودَا، وَكَلَّمَ كُلَّ شَعْبِ يَهُودَا قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: إِنَّ صِهْيَوْنَ تُفْلَحُ كَحَقْلٍ وَتَصِيرُ أُورُشَلِيمُ خَرْبًا وَجَبَلُ الْبَيْتِ شَوَامِخَ وَغَيْرِ. ١٩ هَلْ قَتَلْنَا قَتْلَةً حَزَقِيَّا مَلِكُ يَهُودَا وَكُلُّ يَهُودَا؟ أَلَمْ يَخَفِ الرَّبُّ وَطَلَّبَ وَجْهَ الرَّبِّ، فَندِمَ الرَّبُّ عَنِ الشَّرِّ الَّذِي تَكَلَّمُ بِهِ عَلَيْهِمْ؟ فَنَحْنُ عَامِلُونَ شَرًّا عَظِيمًا ضِدَّ أَنْفُسِنَا».

۲۰ وَقَدْ كَانَ رَجُلٌ أَيْضًا يَتَنَبَّأُ بِاسْمِ الرَّبِّ، أُورِيَّا بْنُ شِمْعِيَا مِنْ قَرْيَةِ يَعَارِيمَ، فَتَنَّبَأَ عَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَعَلَى هَذِهِ الْأَرْضِ بِكُلِّ كَلَامٍ إِرْمِيَا. ۲۱ وَلَمَّا سَمِعَ الْمَلِكُ يَهُوْيَاقِيمُ وَكُلُّ أَيْطَالِهِ وَكُلُّ الرُّؤَسَاءِ كَلَامَهُ، طَلَبَ الْمَلِكُ أَنْ يَقْتُلَهُ. فَلَمَّا سَمِعَ أُورِيَّا خَافَ وَهَرَبَ وَأَتَى إِلَى مِصْرَ. ۲۲ فَأَرْسَلَ الْمَلِكُ يَهُوْيَاقِيمُ أَنَسَا إِلَى مِصْرَ، النَّاتَانُ بْنُ عَكْبُورَ وَرَجُلًا مَعَهُ إِلَى مِصْرَ، ۲۳ فَأَخْرَجُوا أُورِيَّا مِنْ مِصْرَ وَأَتَوْا بِهِ إِلَى الْمَلِكِ يَهُوْيَاقِيمَ، فَضَرَبَهُ بِالسَّيْفِ وَطَرَحَ جُثَّتَهُ فِي قُبُورِ بَنِي الشَّعْبِ. ۲۴ وَلَكِنَّ يَدَ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ كَانَتْ مَعَ إِرْمِيَا حَتَّى لَا يَدْفَعَ لِيَدِ الشَّعْبِ لِيَقْتُلُوهُ.

رهايي ارميا: ۱۶ آنگاه صاحبمنصبان و تمامی قوم به کاهنان و انبیا گفتند: «این مرد مستوجب اعدام نیست، زیرا به نام یهوه خدایمان با ما سخن گفته است.» ۱۷ سپس برخی از مشایخ ولایت برخاستند و خطاب به تمامی جماعت قوم چنین گفتند: ۱۸ «در ایام حزقیا پادشاه یهودا، میکاه مورشتی نبوت کرده، به تمامی مردم یهودا گفت: "پروردگار لشکریان چنین می فرماید: «صهیون همچون کشتزاری شخم زده خواهد شد؛ اورشلیم به تلی از خاک بدل خواهد گشت، و کوه این خانه به بلندیهای جنگل». ۱۹ آیا حزقیا پادشاه یهودا و تمامی یهودا او را کشتند؟ مگر نه اینکه او از خداوند ترسید و به خداوند التماس کرد و خداوند نیز از بلایی که بر ایشان اعلام داشته بود، منصرف شد؟ اما ما نزدیک است بلایی عظیم بر جان خود وارد آوریم.» ۲۰ مرد دیگری نیز بود، اوریا نام، پسر شمعیاز قریه یعاریم، که به نام خداوند نبوت می کرد. او نیز به سخنانی مانند سخنان ارمیا بر ضد این شهر و این سرزمین نبوت کرد. ۲۱ و چون یهو یاقیم پادشاه و تمامی جنگاوران و صاحبمنصبانش سخنان او را شنیدند، پادشاه قصد جان او نمود. اوریا چون این را شنید، هراسان شده، بگریخت و به مصر رفت. ۲۲ پس یهو یاقیم پادشاه کسان به مصر گسیل داشت: الناتان پسر عکبور و چند تن دیگر را همراه وی. ۲۳ آنها اوریا را از مصر بیرون آورده، او را نزد یهو یاقیم پادشاه بازگرداندند، که او را به شمشیر کشت و جسدش را در گورستان عوام افکند. ۲۴ اما دست اخیقام پسر شافان با ارمیا بود، به گونه ای که او به دست قوم سپرده نشد تا کشته شود.

سفر ارمیا: الأصْحَاحُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ۲۷:۱-۲۲

۱ فِي ابْتِدَاءِ مُلْكِ يَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُوذَا، صَارَ هَذَا الْكَلَامُ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِي: اصْنَعْ لِنَفْسِكَ رُبْطًا وَأَنْبَارًا، وَاجْعَلْهَا عَلَى غُنْقِكَ، ۳ وَأَرْسِلْهَا إِلَى مَلِكِ أَدُومَ، وَإِلَى مَلِكِ مُوَابَ، وَإِلَى مَلِكِ بَنِي عَمُّونَ، وَإِلَى مَلِكِ صُورَ، وَإِلَى مَلِكِ صَيْدُونَ، بِيَدِ الرُّسُلِ الْقَادِمِينَ إِلَى أُورُشَلِيمَ، إِلَى صِدْقِيَا مَلِكِ يَهُوذَا. ۴ وَأَوْصِهِمْ إِلَى سَادَتِهِمْ قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَكَذَا تَقُولُونَ لِسَادَتِكُمْ: ۵ إِنِّي أَنَا صَنَعْتُ الْأَرْضَ وَالْإِنْسَانَ وَالْحَيَوَانَ الَّذِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، بِقُوَّتِي الْعَظِيمَةِ وَبِذِرَاعِي الْمَمْدُودَةِ، وَأَعْطَيْتُهَا لِمَنْ حَسُنَ فِي عَيْنِي. ۶ وَالْآنَ قَدْ دَفَعْتُ كُلَّ هَذِهِ الْأَرْضِ لِيَدِ نَبُوخَذَنْصَرِ مَلِكِ بَابِلَ عَبْدِي،

وَأَعْطَيْتُهُ أَيْضًا حَيَوَانَ الْحَقْلِ لِيَخْدِمَهُ. ۷ فَتَخْدِمُهُ كُلُّ الشُّعُوبِ، وَابْنَهُ وَابْنِ ابْنِهِ، حَتَّى يَأْتِيَ وَقْتُ أَرْضِيهِ أَيْضًا، فَتَسْتَخْدِمُهُ شُعُوبٌ كَثِيرَةٌ وَمُلُوكٌ عِظَامٌ.

۱ در آغاز سلطنت صدقیا پسر یوشیا پادشاه یهودا، این کلام از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ خداوند به من چنین فرمود، «برای خود یوغی از بندها و چوبها بساز و آن را بر گردنت بگذار. ۳ آنگاه به دست فرستادگانی که به اورشلیم نزد صدقیا پادشاه یهودا آمده‌اند، پیامی برای پادشاهان آدوم و موآب و بنی‌عمون و صور و صیدون بفرست. ۴ این فرمان را بدیشان بده تا به سروران خود بازگویند: "پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: این است آنچه باید به سروران خود بگویید: ۵ مَنَم که به نیروی عظیم و بازوی افراشته خود زمین را با مردمان و حیواناتی که بر آنند آفریدم، و آن را به هر که در نظرم پسند آید، می‌بخشم. ۶ حال تمامی این ممالک را به دست خدمتگزار خود نبوکدنصر پادشاه بابل سپرده‌ام؛ حتی وحوش صحرا را نیز به خدمت او گمارده‌ام. ۷ همه قومها او و پسرش و پسرِ پسرش را بندگی خواهند کرد، تا اینکه موعد سرزمین خود او فرا رسد. آنگاه قومهای بسیار و پادشاهان نیرومند او را بنده خود خواهند ساخت.

۸ وَيَكُونُ أَنَّ الْأُمَّةَ أَوِ الْمَمْلَكَةَ الَّتِي لَا تَخْدِمُ نَبُوخَذَنْصَرَ مَلِكَ بَابِلَ، وَالَّتِي لَا تَجْعَلُ عُنْقَهَا تَحْتَ نِيرِ مَلِكِ بَابِلَ، إِنِّي أَعَاقِبُ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَيْ، يَقُولُ الرَّبُّ، حَتَّى أَفْنِيَهَا بِيَدِهِ. ۹ فَلَا تَسْمَعُوا أَنْتُمْ لَأَنْبِيَاءِكُمْ وَعَرَافِيكُمْ وَخَالِئِيكُمْ وَعَائِفِيكُمْ وَسَحَرَتِكُمُ الَّذِينَ يُكَلِّمُونَكُمْ قَائِلِينَ: لَا تَخْدِمُوا مَلِكَ بَابِلَ. ۱۰ لِأَنَّهُمْ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَ لَكُمْ بِالْكَذِبِ، لِكَيْ يُبْعِدُوكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ، وَلَا تُطْرَدُوكُمْ فَتَهْلِكُوا. ۱۱ وَالْأُمَّةُ الَّتِي تُدْخِلُ عُنْقَهَا تَحْتَ نِيرِ مَلِكِ بَابِلَ وَتَخْدِمُهُ، أَجْعَلُهَا تَسْتَقِرُّ فِي أَرْضِهَا، يَقُولُ الرَّبُّ، وَتَعْمَلُهَا وَتَسْكُنُ بِهَا».

۸ «اما هر قوم و مملکتی که به خدمت نبوکدنصر پادشاه بابل درنیاید و یوغ پادشاه بابل را گردن نهد، آن قوم را به شمشیر و قحطی و طاعون مجازات خواهم کرد تا اینکه ایشان را به دست او به تمامی نابود سازم؛ این است فرموده خداوند. ۹ پس به انبیا و فالگیران و خواب‌بینندگان و احضارکنندگان ارواح و جادوگران خود گوش مسپارید که به شما می‌گویند: «پادشاه بابل را خدمت نخواهید کرد.» ۱۰ زیرا آنان برای شما به دروغ نبوت می‌کنند، و این نتیجه‌ای نخواهد داشت جز این که از موطن خویش دور شوید و من شما را بیرون برانم تا نابود گردید. ۱۱ اما هر قومی که یوغ پادشاه بابل را گردن نهد و او را بندگی کند، آن قوم را در سرزمینش باقی خواهم گذاشت تا آن را کشت کند و در آنجا ساکن باشد؛ این است فرموده خداوند.»

۱۲ وَكَلَّمْتُ صِدْقِيَّا مَلِكَ يَهُودَا بِكُلِّ هَذَا الْكَلَامِ، قَائِلًا: «ادْخُلُوا أَغْنَاقَكُمْ تَحْتَ نِيرِ مَلِكِ بَابِلَ وَادْخُلُوا وَسَعْبَهُ وَادْخُلُوا. ۱۳ لِمَاذَا تَمُوتُونَ أَنْتَ وَشَعْبُكَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَيْ، كَمَا تَكَلَّمَ الرَّبُّ عَنِ الْأُمَّةِ الَّتِي لَا تَخْدِمُ مَلِكَ

بَابِل؟ ۱۴ فَلَا تَسْمَعُوا لِكَلَامِ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ يُكَلِّمُونَكُمْ قَائِلِينَ: لَا تَخْدُمُوا مَلِكَ بَابِلَ، لِأَنَّهُمْ إِنَّمَا يَتَنَبَّأُونَ لَكُمْ بِالْكَذِبِ. ۱۵ لِأَنِّي لَمْ أَرْسِلْهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، بَلْ هُمْ يَتَنَبَّأُونَ بِاسْمِي بِالْكَذِبِ، لِكَيْ أَطْرُدَكُمْ فَتَهْلِكُوا أَنْتُمْ وَالْأَنْبِيَاءُ الَّذِينَ يَتَنَبَّأُونَ لَكُمْ».

۱۲ نیز همین سخنان را به صدقیا پادشاه یهودا بیان کرده، گفتم: «یوغ پادشاه بابل را گردن نهید و او و قومش را خدمت کنید تا زنده بمانید. ۱۳ چرا باید تو و قومت به شمشیر و قحطی و طاعون بمیرید، آن گونه که خداوند در خصوص هر قومی که از خدمت پادشاه بابل سر باز زند، گفته است؟ ۱۴ به سخن انبیایی که به شما می گویند: "پادشاه بابل را خدمت نخواهید کرد،" گوش مگیرید، زیرا ایشان به دروغ برای شما نبوت می کنند. ۱۵ خداوند چنین می فرماید: من آنان را نفرستاده ام، بلکه آنان به نام من به دروغ نبوت می کنند، که نتیجه ای جز این نخواهد داشت که من شما را بیرون برانم و شما با انبیایی که برایتان نبوت می کنند، هلاک شوید.»

۱۶ وَكَلَّمْتُ الْكَهَنَةَ وَكُلَّ هَذَا الشَّعْبِ قَائِلًا: «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: لَا تَسْمَعُوا لِكَلَامِ أَنْبِيَائِكُمُ الَّذِينَ يَتَنَبَّأُونَ لَكُمْ قَائِلِينَ: هَا آيَةٌ بَيْتِ الرَّبِّ سَتُرَدُّ سَرِيعًا مِنْ بَابِلَ. لِأَنَّهُمْ إِنَّمَا يَتَنَبَّأُونَ لَكُمْ بِالْكَذِبِ. ۱۷ لَا تَسْمَعُوا لَهُمْ. أُخْدِمُوا مَلِكَ بَابِلَ وَاحْيُوا. لِمَادَا تَصِيرُ هَذِهِ الْمَدِينَةُ خَرَبَةً؟ ۱۸ فَإِنْ كَانُوا أَنْبِيَاءَ، وَإِنْ كَانَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ مَعَهُمْ، فَلْيَتَوَسَّلُوا إِلَيَّ رَبِّ الْجُنُودِ لِكَيْ لَا تَذْهَبَ إِلَى بَابِلَ الْآيَةُ الْبَاقِيَةُ فِي بَيْتِ الرَّبِّ وَبَيْتِ مَلِكِ يَهُودَا وَفِي أُورُشَلِيمَ. ۱۹ «لَأنَّ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ عَنِ الْأَعْمِدَةِ وَعَنِ الْبَحْرِ وَعَنِ الْقَوَاعِدِ وَعَنْ سَائِرِ الْآيَةِ الْبَاقِيَةِ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ، ۲۰ الَّتِي لَمْ يَأْخُذْهَا نَبُوخَذَنْصَرُ مَلِكُ بَابِلَ عِنْدَ سَبْيِهِ يَكُنْيَا بَنَ يَهُوَيَاقِيمَ مَلِكِ يَهُودَا مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى بَابِلَ وَكُلَّ أَشْرَافِ يَهُودَا وَأُورُشَلِيمَ. ۲۱ إِنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ عَنِ الْآيَةِ الْبَاقِيَةِ فِي بَيْتِ الرَّبِّ وَبَيْتِ مَلِكِ يَهُودَا وَفِي أُورُشَلِيمَ: ۲۲ يُؤْتَى بِهَا إِلَى بَابِلَ، وَتَكُونُ هُنَاكَ إِلَى يَوْمِ افْتِقَادِي إِيَّاهَا، يَقُولُ الرَّبُّ، فَأُصْعِدُهَا وَأَرُدُّهَا إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ».

۱۶ آنگاه خطاب به کاهنان و تمامی این قوم گفتم: «خداوند چنین می فرماید: به سخنان انبیای خود گوش مسپارید که برای شما نبوت کرده، می گویند: "اینک اسباب خانه خداوند به زودی از بابل باز آورده می شود"، زیرا که به دروغ برایتان نبوت می کنند. ۱۷ بدیشان گوش مسپارید، بلکه پادشاه بابل را خدمت کنید تا زنده بمانید. چرا باید این شهر ویران شود؟ ۱۸ اگر آنها نبی هستند و کلام خداوند با ایشان است، پس اکنون به درگاه پروردگار لشکریان استدعا کنند تا اسبابی که در خانه خداوند و خانه پادشاه یهودا و در اورشلیم باقی است، به بابل برده نشود. ۱۹ زیرا پروردگار لشکریان درباره ستونها و 'دریاچه' و پایه ها و دیگر اسبابی که در این شهر بر جای مانده، چنین می گوید، ۲۰ یعنی درباره آنچه نبوکدنصر پادشاه بابل، آنگاه که یهویاکین پسر یهوایا پادشاه یهودا و تمامی بزرگان یهودا و اورشلیم را از اورشلیم به بابل به

تبعید می‌برد، آنها را با خود نبرد، ۲۱ آری، پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، درخصوص اسبابی که هنوز در خانه خداوند و خانه پادشاه یهودا و اورشلیم بر جای مانده است، چنین می‌فرماید: ۲۲ آنها به بابل برده خواهد شد و در آنجا خواهد ماند تا روزی که به یاری ایشان بیایم. آنگاه آنها را بیرون آورده به این مکان باز خواهم گردانید؛ این است فرموده خداوند.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ * ۱۷-۱:۲۸

۱ وَحَدَّثَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِي ابْتِدَاءِ مُلْكِ صِدْقِيَا مَلِكِ يَهُودَا، فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ، فِي الشَّهْرِ الْخَامِسِ، أَنَّ حَنَنِيَّا بْنَ عَزُورَ النَّبِيَّ الَّذِي مِنْ جَبْعُونَ: كَلَّمَنِي فِي بَيْتِ الرَّبِّ أَمَامَ الْكَهَنَةِ وَكُلِّ الشَّعْبِ قَائِلًا: ۲ «هَكَذَا تَكَلَّمَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ قَائِلًا: قَدْ كَسَرْتُ نِيرَ مَلِكِ بَابِلَ. ۳ فِي سَتَتَيْنِ مِنَ الزَّمَانِ أَرُدُّ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ كُلَّ أُنِيَّةِ بَيْتِ الرَّبِّ الَّتِي أَخَذَهَا نَبُوخَذْنَصَّرُ مَلِكُ بَابِلَ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ، وَذَهَبَ بِهَا إِلَى بَابِلَ. ۴ وَأَرُدُّ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ يَكُونِيَا بْنُ يَهُوَيَاقِيمَ مَلِكِ يَهُودَا وَكُلِّ سَبْيِ يَهُودَا الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى بَابِلَ، يَقُولُ الرَّبُّ، لِأَنِّي أَكْسِرُ نِيرَ مَلِكِ بَابِلَ».

۱ در همان سال، در آغاز سلطنت صدقیا پادشاه یهودا، در ماه پنجم از سال چهارم، حننیا پسر عزور، نبی‌ای از جبعون، در خانه خداوند در حضور کاهنان و تمامی قوم خطاب به من چنین گفت: ۲ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: من یوغ پادشاه بابل را شکسته‌ام. ۳ ظرف دو سال، همه اسباب خانه خداوند را که نبوکدنصر پادشاه بابل از این مکان بر گرفت و به بابل برد، به اینجا باز خواهم آورد. ۴ همچنین یهویاکین پسر یهویاقیم پادشاه یهودا و تمامی تبعیدیان یهودا را که به بابل رفته‌اند، بدین مکان باز خواهم آورد، زیرا که یوغ پادشاه بابل را خواهم شکست. این است فرموده خداوند.»

۵ فَكَلَّمَ إِرْمِيَا النَّبِيَّ حَنَنِيَّا النَّبِيَّ أَمَامَ الْكَهَنَةِ وَأَمَامَ كُلِّ الشَّعْبِ الْوَاقِفِينَ فِي بَيْتِ الرَّبِّ، ۶ وَقَالَ إِرْمِيَا النَّبِيُّ: «أَمِينَ. هَكَذَا لِيَصْنَعَ الرَّبُّ. لِيُقِمَ الرَّبُّ كَلَامَكَ الَّذِي تَنَبَّأَ بِهِ، فَيَرُدَّ أُنِيَّةَ بَيْتِ الرَّبِّ وَكُلِّ السَّبْيِ مِنْ بَابِلَ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ. ۷ وَلَكِنْ اسْمَعْ هَذِهِ الْكَلِمَةَ الَّتِي أَتَكَلَّمُ أَنَا بِهَا فِي أُذُنِكَ وَفِي آذَانِ كُلِّ الشَّعْبِ. ۸ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ الَّذِينَ كَانُوا قَبْلِي وَقَبْلَكَ مِنْذُ الْقَدِيمِ وَتَنَبَّأُوا عَلَى أَرْضٍ كَثِيرَةٍ وَعَلَى مَمَالِكٍ عَظِيمَةٍ بِالْحَرْبِ وَالشَّرِّ وَالْوَيْ. ۹ النَّبِيُّ الَّذِي تَنَبَّأَ بِالسَّلَامِ، فَعِنْدَ حُصُولِ كَلِمَةِ النَّبِيِّ عُرِفَ ذَلِكَ النَّبِيُّ أَنَّ الرَّبَّ قَدْ أَرْسَلَهُ حَقًّا. ۱۰ ثُمَّ أَخَذَ حَنَنِيَّا النَّبِيُّ النَّيِّرَ عَنْ عُنُقِ إِرْمِيَا النَّبِيِّ وَكَسَرَهُ. ۱۱ وَتَكَلَّمَ حَنَنِيَّا أَمَامَ كُلِّ الشَّعْبِ قَائِلًا: «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَكَذَا أَكْسِرُ نِيرَ نَبُوخَذْنَصَّرِ مَلِكِ بَابِلَ فِي سَتَتَيْنِ مِنَ الزَّمَانِ عَنْ عُنُقِ كُلِّ الشُّعُوبِ». وَانْطَلَقَ إِرْمِيَا النَّبِيُّ فِي سَبِيلِهِ.

۵ آنگاه ارمیای نبی در حضور کاهنان و تمام مردمی که در خانه خداوند ایستاده بودند، با حنّیای نبی سخن گفت. ۶ ارمیای نبی چنین گفت: «آمین! خداوند چنین کند! خداوند آنچه نبوت کرده‌ای به تحقیق رساند و همه اسباب خانه خداوند و جمیع تبعیدیان را از بابل بدین مکان باز آورد. ۷ با این همه، اکنون کلامی را که به گوش تو و به گوش تمامی قوم می‌رسانم، بشنو: ۸ انبیایی که از روزگاران کهن، پیش از من و تو بوده‌اند، بر ضد سرزمینهای بسیار و ممالک عظیم به جنگ و قحطی و طاعون نبوت کرده‌اند. ۹ اما آن نبی که به صلح و سلامت نبوت کند، اگر سخن او واقع شود، آنگاه معلوم خواهد شد که براستی خداوند او را فرستاده است.» ۱۰ آنگاه حنّیای نبی یوغ را از گردن ارمیای نبی برگرفت و آن را شکست. ۱۱ و حنّیا در حضور تمام مردم به ارمیا گفت، «خداوند چنین می‌فرماید: به همین گونه ظرف دو سال یوغ نبوکدنصر پادشاه بابل را از گردن همه قومها خواهم شکست.» پس ارمیای نبی به راه خود رفت.

۱۲ ثُمَّ صَارَ كَلَامُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ، بَعْدَ مَا كَسَرَ حَنْنِيَا النَّبِيُّ النَّيْرَ عَنْ عُنُقِ إِرْمِيَا النَّبِيِّ، قَائِلًا: ۱۳ «اَذْهَبْ وَكَلِّمْ حَنْنِيَا قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: قَدْ كَسَرْتُ أُنْيَارَ الْخَشَبِ وَعَمِلْتُ عَوْضًا عَنْهَا أُنْيَارًا مِنْ حَدِيدٍ. ۱۴ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: قَدْ جَعَلْتُ نَيْرًا مِنْ حَدِيدٍ عَلَى عُنُقِ كُلِّ هَؤُلَاءِ الشُّعُوبِ لِيَخْدِمُوا نَبُوخَذْنَصَّرَ مَلِكَ بَابِلَ، فَيَخْدِمُونَهُ وَقَدْ أَعْطَيْتُهُ أَيْضًا حَيَوَانَ الْحَقْلِ». ۱۵ فَقَالَ إِرْمِيَا النَّبِيُّ لِحَنْنِيَا النَّبِيِّ: «اسْمَعْ يَا حَنْنِيَا. إِنَّ الرَّبَّ لَمْ يُرْسِلْكَ، وَأَنْتَ قَدْ جَعَلْتَ هَذَا الشَّعْبَ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكَذِبِ. ۱۶ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا طَارِدُكَ عَنْ وَجْهِ الْأَرْضِ. هَذِهِ السَّنَةُ تَمُوتُ، لِأَنَّكَ تَكَلَّمْتَ بِعِصْيَانٍ عَلَى الرَّبِّ». ۱۷ فَمَاتَ حَنْنِيَا النَّبِيُّ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِي الشَّهْرِ السَّابِعِ.

۱۲ چندی پس از آنکه حنّیای نبی یوغ را از گردن ارمیای نبی شکسته بود، کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۱۳ «برو و به حنّیا بگو، "خداوند چنین می‌فرماید: یوغهای چوبین را شکستی، اما به جای آنها یوغهای آهنین خواهی ساخت. ۱۴ زیرا پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: اکنون یوغی آهنین بر گردن جمیع این قومها نهاده‌ام تا به بندگی نبوکدنصر پادشاه بابل در آیند، و آنان او را بندگی خواهند کرد؛ آری، حتی وحوش صحرا را به او داده‌ام."» ۱۵ پس ارمیای نبی به حنّیای نبی گفت: «ای حنّیا، گوش فرا ده! خداوند تو را نفرستاده است، و تو این قوم را بر آن می‌داری که به آنچه دروغ است اعتماد کنند. ۱۶ از این رو خداوند چنین می‌فرماید: "اینک تو را از روی این زمین محو می‌سازم. همین امسال خواهی مرد، زیرا بر ضد خداوند سخنان فتنه‌انگیز بر زبان رانده‌ای."» ۱۷ و حنّیای نبی در ماه هفتم همان سال مرد.

سفر ارمیا: الأصحاح التاسع والعشرون * ۲۹:۱-۳۲

۱ هَذَا كَلَامُ الرِّسَالَةِ الَّتِي أَرْسَلَهَا إِرْمِيَا النَّبِيُّ مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى بَقِيَّةِ شُيُوخِ السَّبْيِ، وَإِلَى الْكَهَنَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ، وَإِلَى كُلِّ الشَّعْبِ الَّذِينَ سَبَّاهُمْ نَبُوخَذْنَصَّرُ مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى بَابِلَ، ۲ بَعْدَ خُرُوجِ يَكُنْيَا الْمَلِكِ وَالْمَلَكَاتِ وَالْخَصِيَّانِ وَرُؤَسَاءِ يَهُودَا وَأُورُشَلِيمَ وَالنَّجَّارِينَ وَالْحَدَّادِينَ مِنْ أُورُشَلِيمَ، ۳ بِيَدِ الْعَاسَةِ بْنِ شَافَانَ، وَجَمَرِيَا بْنِ حَلْقِيَّا، الَّذِينَ أَرْسَلَهُمَا صِدْقِيَّا مَلِكُ يَهُودَا إِلَى نَبُوخَذْنَصَّرِ مَلِكِ بَابِلَ إِلَى بَابِلَ قَائِلًا: ۴ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ لِكُلِّ السَّبْيِ الَّذِي سَبَيْتُهُ مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى بَابِلَ: ۵ إِنَّوَا بُيُوتًا وَاسْكُنُوا، وَأَغْرِسُوا جَنَاتٍ وَكُلُوا ثَمَرَهَا. ۶ خَذُوا نِسَاءً وَلِدُوا بَنِينَ وَبَنَاتٍ وَخَذُوا لِبَنِيكُمْ نِسَاءً وَأَعْطُوا بَنَاتِكُمْ لِرِجَالِ فِيلَدَنَ بَنِينَ وَبَنَاتٍ، وَكَثُرُوا هُنَاكَ وَلَا تَقْلُوا. ۷ وَاطْلُبُوا سَلَامَ الْمَدِينَةِ الَّتِي سَبَيْتُكُمْ إِلَيْهَا، وَصَلُّوا لِأَجْلِهَا إِلَى الرَّبِّ، لَأَنَّهُ بِسَلَامِهَا يَكُونُ لَكُمْ سَلَامٌ. ۸ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: لَا تَغْشَكُمُ أَنْبِيَائُكُمْ الَّذِينَ فِي وَسْطِكُمْ وَعَرَّافُكُمْ، وَلَا تَسْمَعُوا لِأَخْلَامِكُمْ الَّتِي تَتَحَلَّمُونَهَا. ۹ لَأَنَّهُمْ إِنَّمَا يَتَنَبَّأُونَ لَكُمْ بِاسْمِي بِالْكَذِبِ. أَنَا لَمْ أَرْسَلْهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱ این است مضمون نامه‌ای که ارمیای نبی از اورشلیم برای مشایخ بازمانده در تبعید و انبیا و کاهنان و همه آنان که نبوکدنصر از اورشلیم به بابل به تبعید برده بود، فرستاد، ۲ پس از آنکه یهوایکین پادشاه و ملکه مادر و خواجه‌سرایان و صاحبمنصبان یهودا و اورشلیم و صنعتگران و فلزکاران، اورشلیم را ترک گفته بودند. ۳ این نامه به دست العاسه پسر شافان و جمریا پسر حلقیا فرستاده شد، که صدقیا پادشاه یهودا ایشان را به بابل نزد نبوکدنصر پادشاه بابل گسیل داشت. مضمون نامه چنین بود: ۴ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، به تمامی تبعیدیانی که من ایشان را از اورشلیم به بابل به تبعید فرستادم، چنین می‌فرماید: ۵ خانه‌ها بنا کنید و در آنها مسکن گزینید؛ باغها احداث کنید و از ثمره آنها بخورید؛ ۶ زنان بگیرید و صاحب پسران و دختران شوید؛ برای پسرانتان زن بگیرید و دخترانتان را شوهر دهید تا آنان نیز صاحب پسران و دختران گردند؛ در آنجا زیاد شوید و کم نگردید. ۷ جویای سعادت شهری باشید که شما را بدان‌جا به تبعید فرستاده‌ام، و برای آن به درگاه خداوند دعا کنید، چراکه سعادت شما در گرو سعادت آن شهر است. ۸ زیرا پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: فریب انبیا و فالگیرانتان را که در میان شما نداشتید، و به خوابهایی که ایشان را به دیدن آنها برمی‌انگیزید، گوش مگیرید. ۹ زیرا که به دروغ به نام من برای شما نبوت می‌کنند، حال آنکه من ایشان را نفرستاده‌ام؛ این است فرموده خداوند.

۱۰ «لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: إِنِّي عِنْدَ تَمَامِ سَبْعِينَ سَنَةً لِبَابِلَ، أَتَعَهَّدُكُمْ وَأُقِيمُ لَكُمْ كَلَامِي الصَّالِحَ، بِرَدِّكُمْ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ. ۱۱ لَأَنِّي عَرَفْتُ الْأَفْكَارَ الَّتِي أَنَا مُفْتَكِرٌ بِهَا عَنْكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، أَفْكَارَ سَلَامٍ لَا شَرَّ، لِأَعْطِيَكُمْ آخِرَةً وَرَجَاءً. ۱۲ فَتَدْعُونِي وَتَذْهَبُونَ وَتُصَلُّونَ إِلَيَّ فَاسْمَعُ لَكُمْ. ۱۳ وَتَطْلُبُونِي فَتَجِدُونِي إِذْ تَطْلُبُونِي بِكُلِّ

قَلْبِكُمْ. ۱۴ فَأَوْجِدْ لَكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَرُدُّ سَبْيَكُمْ وَأَجْمَعُكُمْ مِنْ كُلِّ الْأُمَمِ وَمِنْ كُلِّ الْمَوَاضِعِ الَّتِي طَرَدْتُكُمْ إِلَيْهَا، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَرُدُّكُمْ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي سَبَيْتُكُمْ مِنْهُ.

۱۰ «و حال خداوند می فرماید: چون هفتاد سال بابل به سر آید، من به یاری شما خواهم آمد و با بازگردانیدن شما بدین مکان، وعده خود را برای شما تحقق خواهم بخشید. ۱۱ زیرا فکریایی را که برای شما دارم می دانم، که فکریای سعادت مندی است و نه تیره بختی، تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم؛ این است فرموده خداوند. ۱۲ آنگاه که مرا بخوانید و آمده، نزد من دعا کنید، شما را اجابت خواهم کرد. ۱۳ آنگاه که مرا بجوید، مرا خواهید یافت؛ اگر مرا به تمامی دل خود بجوید، ۱۴ از سوی شما یافت خواهم شد، و خداوند می فرماید که من سعادت را به شما باز خواهم گردانید، و شما را از میان تمامی قومها و سرزمینهایی که شما را بدان جا رانده ام، گرد خواهم آورد، و شما را به مکانی که از آنجا به تبعیدتان فرستادم، باز خواهم گردانید. این است فرموده خداوند.

۱۵ «لَأَنْتُمْ قُلْتُمْ: قَدْ أَقَامَ لَنَا الرَّبُّ نَبِيَّينَ فِي بَابِلَ، ۱۶ فَهَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِلْمَلِكِ الْجَالِسِ عَلَى كُرْسِيِّ دَاوُدَ، وَلِكُلِّ الشَّعْبِ الْجَالِسِ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ، إِخْوَتُكُمْ الَّذِينَ لَمْ يَخْرُجُوا مَعَكُمْ فِي السَّبْيِ: ۱۷ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: هَآنَذَا أَرْسِلُ عَلَيْهِمُ السَّيْفَ وَالْجُوعَ وَالْوَبَاءَ، وَأَجْعَلُهُمْ كَتِينٍ رَدِيٍّ لَا يُؤْكَلُ مِنَ الرَّدَاءَةِ. ۱۸ وَالْحَقُّهُمْ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ، وَأَجْعَلُهُمْ قَلَقًا لِكُلِّ مَمَالِكِ الْأَرْضِ، حُلَفَاءَ وَدَهَشًا وَصَفِيرًا وَغَارًا فِي جَمِيعِ الْأُمَمِ الَّذِينَ طَرَدْتُهُمْ إِلَيْهِمْ، ۱۹ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا لِكَلَامِي، يَقُولُ الرَّبُّ، إِذْ أَرْسَلْتُ إِلَيْهِمْ عِبِيدِي الْأَنْبِيَاءَ مُبَكِّرًا وَمُرْسِلًا وَلَمْ تَسْمَعُوا، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱۵ «از آنجا که گفته اید: ”خداوند در بابل انبیایی برای ما برانگیخته است“، ۱۶ پس خداوند درباره پادشاهی که بر تخت داوود نشسته، و درباره تمامی ساکنان این شهر یعنی آن برادران شما که با شما به تبعید نرفته اند، چنین می فرماید: ۱۷ آری، پروردگار لشکریان چنین می گوید: ”اینک من شمشیر و قحطی و طاعون بر ایشان خواهم فرستاد و آنان را مانند انجیرهای بد خواهم ساخت که آنها را از بدی نتوان خورد. ۱۸ آنان را به شمشیر و قحطی و طاعون تعقیب خواهم کرد، و ایشان را منفور تمامی ممالک جهان خواهم ساخت تا برای همه قومهایی که ایشان را به میانشان رانده ام، مایه لعنت و حیرت و انگشت به دهان ماندن و رسوایی باشند؛ ۱۹ زیرا خداوند می فرماید: به کلام من که به واسطه خادمان خود، انبیا نزد ایشان فرستادم گوش نسپردند. هر چند پی در پی آن را فرستادم، اما شما گوش فرا ندادید؛ این است فرموده خداوند.“

۲۰ «وَأَنْتُمْ فَاسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا جَمِيعَ السَّبْيِ الَّذِينَ أَرْسَلْتُهُمْ مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى بَابِلَ. ۲۱ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ عَنْ أَخَابَ بْنِ قَوْلَايَا، وَعَنْ صِدْقِيَّا بْنِ مَعْسِيَا، الَّذِينَ يَتَنَبَّأَن لَكُمْ بِاسْمِي بِالْكَذِبِ: هَآنَذَا أَدْفَعُهُمَا لِيَدِ نَبُوخَذْرَاصَرَ مَلِكِ بَابِلَ فَيَقْتُلُهُمَا أَمَامَ عَيْنَيْكُمْ. ۲۲ وَتُؤَخَذُ مِنْهُمَا لَعْنَةٌ لِكُلِّ سَبْيٍ يَهُودًا الَّذِينَ فِي

بَابِلَ، فَيَقَالُ: يَجْعَلُكَ الرَّبُّ مِثْلَ صِدِّيقِيَّ وَمِثْلَ أَخَابِ الَّذِينَ قَلَاهُمَا مَلِكُ بَابِلَ بِالنَّارِ. ٢٣ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمَا عَمَلَا قَبِيحًا فِي إِسْرَائِيلَ، وَزَنَيَا بِنِسَاءِ أَصْحَابِهِمَا، وَتَكَلَّمَا بِاسْمِي كَلَامًا كَاذِبًا لَمْ أُوصِيهِمَا بِهِ، وَأَنَا الْعَارِفُ وَالشَّاهِدُ، يَقُولُ الرَّبُّ.

۲۰ پس شما، ای همه تبعیدیانی که از اورشلیم به بابل فرستادم، کلام خداوند را بشنوید: ۲۱ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، درباره آخاب پسر قُلیا و صدیق پسر معسیا که به دروغ به نام من برای شما نبوت می کنند چنین می فرماید: اینک من آنان را به دست نبوکدنصر پادشاه بابل تسلیم می کنم، و او آنها را در برابر دیدگان شما خواهد کشت. ۲۲ و به سبب ایشان تمامی تبعیدیان یهودا که در بابل اند این نفرین را به کار برده، خواهند گفت، 'خداوند تو را مانند صدیق و آخاب سازد که پادشاه بابل آنها را در آتش سوزانید، ۲۳ زیرا در اسرائیل مرتکب عمل هولناکی شدند و با زنان همسایگان خود زنا کردند و به نام من دروغها گفتند که ایشان را بدان فرمان نداده بودم. من خود واقف و شاهد هستم؛ این است فرموده خداوند.»

٢٤ «وَكَلَّمَ شِمْعِيَا النَّحْلَامِيَّ قَائِلًا: ٢٥ هَكَذَا تَكَلَّمَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ قَائِلًا: مِنْ أَجْلِ أَنَّكَ أَرْسَلْتَ رَسَائِلَ بِاسْمِكَ إِلَى كُلِّ الشَّعْبِ الَّذِي فِي أُورُشَلِيمَ، وَإِلَى صَفْنِيَا بْنِ مَعْصِيَا الْكَاهِنِ، وَإِلَى كُلِّ الْكَهَنَةِ قَائِلًا: ٢٦ قَدْ جَعَلَكَ الرَّبُّ كَاهِنًا عَوَضًا عَنْ يَهُوْيَادَاعَ الْكَاهِنِ، لِتَكُونُوا وَكَلَاءَ فِي بَيْتِ الرَّبِّ لِكُلِّ رَجُلٍ مَجْنُونٍ وَمُتَنَبِّئٍ، فَتَدْفَعُهُ إِلَى الْمِفْطَرَةِ وَالْفِيُودِ. ٢٧ وَالْآنَ لِمَاذَا لَمْ تَزَجُرْ إِرمِيَا الْعَنَانُوثِيَّ الْمُتَنَبِّئَ لَكُمْ. ٢٨ لَأَنَّهُ لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْنَا إِلَى بَابِلَ قَائِلًا: إِنَّهَا مُسْتَطِيلَةٌ. ابْنُوا بُيُوتًا وَاسْكُنُوا، وَاغْرَسُوا جَنَاتٍ وَكُلُوا ثَمَرَهَا». ٢٩ فَقَرَأَ صَفْنِيَا الْكَاهِنُ هَذِهِ الرِّسَالَةَ فِي أُذُنِي إِرمِيَا النَّبِيِّ. ٣٠ ثُمَّ صَارَ كَلَامُ الرَّبِّ إِلَى إِرمِيَا قَائِلًا: ٣١ «أَرْسِلْ إِلَى كُلِّ السَّبْيِ قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ لِشِمْعِيَا النَّحْلَامِيَّ: مِنْ أَجْلِ أَنْ شِمْعِيَا قَدْ تَنَبَّأَ لَكُمْ وَأَنَا لَمْ أَرْسِلْهُ، وَجَعَلَكُمْ تَتَكَلَّمُونَ عَلَى الْكَذِبِ. ٣٢ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنذَا أُعَاقِبُ شِمْعِيَا النَّحْلَامِيَّ وَنَسْلَهُ. لَا يَكُونُ لَهُ إِنْسَانٌ يَجْلِسُ فِي وَسْطِ هَذَا الشَّعْبِ، وَلَا يَرَى الْخَيْرَ الَّذِي سَاصُنَعُهُ لِشَعْبِي، يَقُولُ الرَّبُّ، لَأَنَّهُ تَكَلَّمَ بِعَصِيَانٍ عَلَى الرَّبِّ».

نبوت دروغین شمعیا: ۲۴ و به شمعای نحلامی بگو: ۲۵ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می گوید: تو به نام خود نامه ها برای همه مردمی که در اورشلیم اند و برای صفنیای کاهن پسر معسیا و تمام دیگر کاهنان فرستاده و گفته ای، ۲۶ "خداوند تو را به جای یهویداع کاهن به کهانت گماشته تا متصدی خانه خداوند باشی و هر دیوانه ای را که خود را نبی می نماید، به گنده ها و زنجیرها ببندی. ۲۷ پس اکنون چرا ارمیای عناتوتی را که خود را برای شما نبی می نماید، توبیخ نمی کنی؟ ۲۸ زیرا او نزد ما به بابل فرستاده و گفته است 'دوران تبعیدتان به درازا خواهد کشید، پس خانه ها بنا کنید و در آنها مسکن گزینید؛ و باغها احداث نمایید و از میوه آنها بخورید.»» ۲۹ صفنیای کاهن این نامه را به گوش ارمیای نبی خواند. ۳۰ آنگاه کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۳۱ «نزد تمامی تبعیدیان فرستاده، بگو، "خداوند در باره

شَمْعِیایِ نَحَلَامی چنین می‌فرماید: از آنجا که شَمْعِیا برای شما نبوت کرده است، با اینکه من او را نفرستاده‌ام، و شما را بر آن داشته که به آنچه دروغ است اعتماد کنید، ۳۲ پس خداوند چنین می‌فرماید: اینک من شَمْعِیایِ نَحَلَامی و نسل او را مجازات خواهم کرد. از او کسی در میان این قوم باقی نخواهد ماند و او آن احسانی را که در حق قوم خود می‌کنم، نخواهد دید؛ زیرا بر ضد خداوند سخنان فتنه‌انگیز گفته است؛ این است فرموده خداوند.

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّلَاثُونَ * ۱:۳۰-۲۴

۱ الْكَلَامُ الَّذِي صَارَ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلًا: ۲ «هَكَذَا تَكَلَّمَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ قَائِلًا: اَكْتُبْ كُلَّ الْكَلَامِ الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي سَفَرٍ، ۳ لِأَنَّهُ هَا أَيَّامٌ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَرُدُّ سَبْيَ شَعْبِي إِسْرَائِيلَ وَيَهُودَا، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَرْجِعُهُمْ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي أُعْطِيتُ آبَاءَهُمْ إِيَّاهَا فَيَمْلِكُونَهَا».

۱ کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ «یهوه خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: تمامی سخنانی را که به تو گفته‌ام، در طوماری بنویس. ۳ زیرا خداوند می‌فرماید اینک ایامی می‌آید که سعادت را به قوم خود اسرائیل و یهودا باز خواهم گردانید و ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان بخشیدم، باز خواهم آورد تا آن را به تصرف آورند؛ این است فرموده خداوند.

۴ فَهَذَا هُوَ الْكَلَامُ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ عَنْ إِسْرَائِيلَ وَعَنْ يَهُودَا: ۵ «لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: صَوْتِ ارْتِعَادٍ سَمِعْنَا. خَوْفٌ وَلَا سَلَامٌ. ۶ إِسْأَلُوا وَانْظُرُوا إِنْ كَانَ ذَكَرٌ يَضَعُ! لِمَاذَا أَرَى كُلَّ رَجُلٍ يَدَاهُ عَلَى خَفْوَيْهِ كَمَاخِضٍ، وَتَحَوَّلَ كُلُّ وَجْهِهِ إِلَى صُفْرَةٍ؟ ۷ أَهْ! لَأَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَظِيمٌ وَلَيْسَ مِثْلُهُ. وَهُوَ وَقْتُ ضَيْقٍ عَلَى يَعْقُوبَ، وَلَكِنَّهُ سَيُخَلِّصُ مِنْهُ. ۸ وَيَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ، أَنِّي أَكْسِرُ نِيرَهُ عَنْ غُنْقِكَ، وَأَقْطَعُ رِئْطَكَ، وَلَا يَسْتَعْبِدُهُ بَعْدَ الْغُرَبَاءِ، ۹ بَلْ يَخْدُمُونَ الرَّبَّ إِلَهُهُمْ وَدَاوُدَ مَلِكَهُمْ الَّذِي أُقِيمَهُ لَهُمْ».

۴ این است کلامی که خداوند درباره اسرائیل و یهودا فرمود: ۵ «خداوند چنین می‌گوید: «فریاد وحشت به گوش می‌رسد؛ هراس است و آرامشی نیست. ۶ حال پرسید و بینید: آیا مرد می‌تواند بزاید؟ پس چرا هر مردی که می‌بینم، همچون زنی در حال زای، دست بر شکم دارد؟ چرا رنگ از همه رخسارها رفته است؟ ۷ وای بر ما، زیرا که آن روز، روز عظیمی است! روزی که مانند آن نیست. زمان تنگی یعقوب؛ اما از آن نجات خواهد یافت. ۸ «پروردگار لشکریان می‌فرماید: در آن روز یوغ او را از گردنشان خواهم شکست و بندهایشان را خواهم گسست؛ و بیگانگان دیگر ایشان را بنده خود نخواهند ساخت. ۹ بلکه ایشان یهوه خدای خود و داوود پادشاه خویش را که برای ایشان برمی‌انگیزم، خدمت خواهند کرد.

۱۰ «أَمَّا أَنْتَ يَا عَبْدِي يَعْقُوبُ فَلَا تَخَفْ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَلَا تَرْتَعِْبْ يَا إِسْرَائِيلُ، لَأَنِّي هَآنَذَا أَخْلَصُكَ مِنْ بَعِيدٍ، وَنَسْلَكَ مِنْ أَرْضِ سَبْيِهِ، فَيَرْجِعُ يَعْقُوبُ وَيَطْمَئِنُّ وَيَسْتَرِيحُ وَلَا مُزْعِجَ. ۱۱ لَأَنِّي أَنَا مَعَكَ، يَقُولُ الرَّبُّ، لِأَخْلَصَكَ. وَإِنْ أَفْنَيْتُ جَمِيعَ الْأُمَمِ الَّذِينَ بَدَلْتُكَ إِلَيْهِمْ، فَأَنْتَ لَا أَفْنِيكَ، بَلْ أُؤَدِّبُكَ بِالْحَقِّ، وَلَا أُبْرِئُكَ تَبَرُّةً. ۱۲ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: كَسَرْتُ عَدِيمَ الْجَبَرِ وَجَرَّخْتُ غُضَالَ. ۱۳ لَيْسَ مَنْ يَقْضِي حَاجَتَكَ لِلْعَصْرِ. لَيْسَ لَكَ عَقَاقِيرُ رِفَادَةٍ. ۱۴ قَدْ نَسَيْتُ كُلَّ مُجِيبِكَ. إِيَّاكَ لَمْ يَطْلُبُوا. لَأَنِّي ضَرَبْتُكَ ضَرْبَةً عَدُوٍّ، تَأْدِيبَ قَاسٍ، لَأَنَّ إِثْمَكَ قَدْ كَثُرَ، وَخَطَايَاكَ تَغَاطَمَتْ. ۱۵ مَا بِأَلْكَ تَصْرُخِينَ بِسَبَبِ كَسَرِكَ؟ جَرَّخْتُ عَدِيمَ الْبَرِّ، لَأَنَّ إِثْمَكَ قَدْ كَثُرَ، وَخَطَايَاكَ تَغَاطَمَتْ، قَدْ صَنَعْتُ هَذِهِ بِكَ. ۱۶ لِذَلِكَ يُؤْكَلُ كُلُّ أَكْلِيكَ، وَيَذْهَبُ كُلُّ أَغْدَايِكَ قَاطِبَةً إِلَى السَّبْيِ، وَيَكُونُ كُلُّ سَالِيكِ سَلْبًا، وَأَدْفَعُ كُلَّ نَاهِيكِ لِلنَّهْبِ. ۱۷ لَأَنِّي أَرْفُذُكَ وَأَشْفِيكَ مِنْ جُرُوحِكَ، يَقُولُ الرَّبُّ. لَأَنَّهُمْ قَدْ دَعَوْكَ مَنَفِيَّةً صَهْيُونَ الَّتِي لَا سَائِلَ عَنْهَا.

۱۰ «خداوند می فرماید: «پس ای خادم من یعقوب، مترس! و ای اسرائیل، هراسان مباش! زیرا هان تو را از آن مکان دوردست نجات خواهم داد و نسل تو را از سرزمین اسارتشان خواهم رهانید. یعقوب باز خواهد گشت و از آرامش و آسایش برخوردار خواهد بود، و دیگر کسی او را ترسان نخواهد ساخت. ۱۱ زیرا من با تو هستم تا تو را نجات بخشم؛ خداوند چنین می فرماید؛ قومهایی را که تو را در میانشان پراکنده ساختم، به تمامی نابود خواهم کرد؛ اما تو را به تمامی نابود نخواهم ساخت. تو را بی سزا نخواهم گذاشت، اما تأدیب تو به اندازه خواهد بود. ۱۲ «آری، خداوند چنین می فرماید: «جراحت تو بی علاج است و زخم ت مهلک. ۱۳ کسی نیست که به دفاع از حق تو برخیزد؛ زخمهایت را مرهمی نیست، و نه پیکرت را شفایی. ۱۴ همه یارانت تو را از یاد برده اند، و کسی در اندیشه تو نیست؛ زیرا که تو را به ضرب دشمن مبتلا ساختم، و به تأدیب خصم بی رحم سپردم؛ از آن رو که تقصیر تو عظیم است، و گناهانت بی شمار. ۱۵ چرا به سبب جراحت خود فریاد سر می دهی؟ درد تو را علاجی نیست! با تو چنین کردم، از آن رو که تقصیر تو عظیم است، و گناهانت بی شمار. ۱۶ «اما آنان که تو را فرو می بلعند همگی بلعیده خواهند شد، و دشمنانت جملگی به اسارت خواهند رفت؛ آنان که تو را چپاول می کنند چپاول خواهند شد، و تاراج کنند گانت را به تاراج خواهم سپرد. ۱۷ زیرا خداوند می فرماید: از آنجا که تو را مطرود خوانده، می گویند: «این است صهیون، که کسی در اندیشه اش نیست،» من سلامت را بر تو بازگردانده، زخمهایت را شفا خواهم بخشید.

۱۸ « هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أَرُدُّ سَبْيَ خِيَامِ يَعْقُوبَ، وَأَرْحَمُ مَسَاكِينَهُ، وَتُبْنِي الْمَدِينَةَ عَلَى تَلِّهَا، وَالْقَصْرُ يُسْكَنُ عَلَى عَادَتِهِ. ۱۹ وَيَخْرُجُ مِنْهُمْ الْحَمْدُ وَصَوْتُ اللَّاعِبِينَ، وَأَكْثَرُهُمْ وَلَا يَقْلُونَ، وَأَعْظَمُهُمْ وَلَا يَصْغُرُونَ. ۲۰ وَيَكُونُ بَنُوهُمْ كَمَا فِي الْقَدِيمِ، وَجَمَاعَتُهُمْ تَثْبُتُ أَمَامِي، وَأَعَاقِبُ كُلِّ مُضَاقِيهِمْ. ۲۱ وَيَكُونُ حَاكِمُهُمْ مِنْهُمْ، وَيَخْرُجُ وَالْيَهُودُ مِنْ وَسْطِهِمْ، وَأَقْرَبُهُ فَيَدْنُو إِلَيَّ، لَأَنَّهُ مَنْ هُوَ هَذَا الَّذِي أَرْهَنَ قَلْبَهُ لِيَدْنُو إِلَيَّ، يَقُولُ الرَّبُّ؟ ۲۲

وَتَكُونُونَ لِي شَعْبًا وَأَنَا أَكُونُ لَكُمْ إِلَهًا». ۲۳ هُوَذَا زَوْبَعَةُ الرَّبِّ تَخْرُجُ بِغَضَبٍ، نَوْءُ جَارِفٍ. عَلَى رَأْسِ الْأَشْرَارِ يَثُورُ. ۲۴ لَا يَرْتَدُّ خُمُو غَضَبِ الرَّبِّ حَتَّى يَفْعَلَ، وَحَتَّى يَقِيمَ مَقَاصِدَ قَلْبِهِ. فِي آخِرِ الْأَيَّامِ تَفْهَمُونَهَا.

۱۸ «خداوند چنین می‌فرماید: «هان من سعادت را به خیمه‌های یعقوب باز خواهم گردانید، و بر مسکنهایش ترحم خواهم کرد؛ شهر بر تل آن بنا خواهد شد، و قصرش بر جایی که بود خواهد ایستاد. ۱۹ سرود شکرگزاری از آن بر خواهد خاست و آواز جشن‌گیرندگان بلند خواهد شد. ایشان را کثیر خواهم ساخت و دیگر قلیل نخواهند بود؛ سرافرازشان خواهم کرد، و دیگر حقیر نخواهند بود. ۲۰ فرزندان‌شان همچون ایام پیشین خواهند بود، و جماعتشان در حضور من استوار خواهند گشت؛ و من همه آنان را که بر ایشان ستم می‌کنند، جزا خواهم داد. ۲۱ حاکم ایشان از خودشان خواهد بود، و رهبرشان از میان خود ایشان بر خواهد خاست؛ او را نزدیک خواهم آورد و او نزدیک من خواهد آمد؛ زیرا کیست که خود جرأت کند نزدیک من آید؟» این است فرموده خداوند. ۲۲ «پس شما قوم من خواهید بود، و من خدای شما خواهم بود.» ۲۳ هان، توفان خداوند برخاسته است! خشم او چون گردبادی سهمگین پیش می‌رود، تا بر سر شیران فرود آید. ۲۴ غضب خداوند بر نخواهد گشت تا آنگاه که تدبیرهای دلش را به کمال تحقق بخشد. در روزهای آخر، این را در خواهید یافت.

سفر ارمیا: الْأَصْحَاحُ الْحَادِي وَالثَّلَاثُونَ * ۳۱:۱-۴۰

۱ «فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَقُولُ الرَّبُّ، أَكُونُ إِلَهًا لِكُلِّ عَشَائِرِ إِسْرَائِيلَ، وَهُمْ يَكُونُونَ لِي شَعْبًا. ۲ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: قَدْ وَجَدَ نِعْمَةً فِي الْبَرِّيَّةِ، الشَّعْبُ الْبَاقِي عَنْ السَّيْفِ، إِسْرَائِيلُ حِينَ سِرْتُ لِأَرْيَحَهُ». ۳ تَرَأَى لِي الرَّبُّ مِنْ بَعِيدٍ: «وَمَحَبَّةً أَبَدِيَّةً أَحْبَبْتُكَ، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَدْمَتُ لَكَ الرَّحْمَةَ. ۴ سَأُبْنِيكَ بَعْدَ، فَتُبْنِيَنِي يَا عَذْرَاءَ إِسْرَائِيلَ. تَتَزَيَّنِينَ بَعْدَ بِدُفُوفِكَ، وَتَخْرُجِينَ فِي رَقْصِ اللَّاعِبِينَ. ۵ تَعْرِسِينَ بَعْدَ كُرُومًا فِي جِبَالِ السَّامِرَةِ. يَغْرِسُ الْغَارِسُونَ وَيَتَكْرَرُونَ. ۶ لَأنَّهُ يَكُونُ يَوْمٌ يُنَادِي فِيهِ النُّوَاطِيرُ فِي جِبَالِ أَفْرَايِمَ: قُومُوا فَنَصْعَدَ إِلَى صِهْيُونِ، إِلَى الرَّبِّ إِلَهِنَا. ۷ لَأنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: رَنِّمُوا لِيَعْقُوبَ فَرَحًا، وَاهْتَفُوا بِرَأْسِ الشُّعُوبِ. سَمِعُوا، سَبِّحُوا، وَقُولُوا: خَلِّصْ يَا رَبُّ شَعْبَكَ بَقِيَّةَ إِسْرَائِيلَ. ۸ هَآنَذَا آتَى بِهِمْ مِنْ أَرْضِ الشِّمَالِ، وَأَجْمَعُهُمْ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ. بَيْنَهُمُ الْأَعْمَى وَالْأَعْرَجُ، الْحُبْلَى وَالْمَاخِضُ مَعًا. جَمْعٌ عَظِيمٌ يَرْجِعُ إِلَيَّ هُنَا. ۹ بِالْبُكَاءِ يَأْتُونَ، وَبِالتَّضَرُّعَاتِ أَقُودُهُمْ. أَسِيرُهُمْ إِلَى أَنْهَارِ مَاءٍ فِي طَرِيقِ مُسْتَقِيمَةٍ لَا يَغْثُرُونَ فِيهَا. لِأَنِّي صِرْتُ لِإِسْرَائِيلَ أَبًا، وَأَفْرَايِمُ هُوَ بَكْرِي.

۱ خداوند می‌فرماید: «در آن هنگام من خدای تمامی طوایف اسرائیل خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.» ۲ خداوند چنین می‌فرماید: «قومی که از دم شمشیر رستند، در بیابان فیض یافتند، آنگاه که من رفتم تا به اسرائیل استراحت ببخشم. ۳ خداوند در ایام قدیم بر آنها ظاهر شده، فرمود: با مهری ازلی به

تو مهر ورزیده‌ام؛ از این رو تو را به محبت جذب کرده‌ام. ۴ ای اسرائیلِ باکره، تو را دیگر بار بنا خواهم کرد، و تو از نو بنا خواهی شد! دیگر بار خویشتن را به دَفَهِایت خواهی آراست، و به رقصِ جشن گیرندگان بیرون خواهی آمد. ۵ دیگر بار بر کوهسارانِ سامِرِه، تاکستانها غرس خواهی کرد؛ باغبانان غرس خواهند کرد، و از میوه آنها بهره‌مند خواهند شد. ۶ زیرا روزی خواهد آمد که دیدبانان بر کوهستانِ افرایم بانگ زنند: «برخیزید تا نزد یهوه خدایمان به صَهِیون بر آییم!» ۷ خداوند چنین می‌فرماید: «به جهت یعقوب بانگ شادی سر دهید؛ برای سرآمدِ قومها فریاد بر آورید؛ ندا در دهید و بستانید و بگویید: «ای خداوند، قوم خود را نجات ده، باقیمانندگان اسرائیل را!» ۸ اینک آنان را از سرزمین شمال خواهم آورد، و از کرانه‌های زمین جمع خواهم کرد. همراهشان کوران و لنگان، آبستان و زنانِ زائو خواهند بود؛ آری، جماعتی عظیم بدین مکان باز خواهند گشت. ۹ گریان خواهند آمد، و من آنان را در حالی که التماس می‌کنند، باز خواهم آورد. ایشان را نزد نهرهای آب رهبری خواهم کرد، از راه همواری که در آن نلغزند. زیرا من پدر اسرائیل هستم، و افرایم نخست‌زاده من است.

۱۰ «إِسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ أَيُّهَا الْأُمَمُ، وَأَخْبِرُوا فِي الْجَزَائِرِ الْبَعِيدَةِ، وَقُولُوا: مُبَدِّدَ إِسْرَائِيلَ يَجْمَعُهُ وَيَجْرُسُهُ كِرَاعٍ قَطِيعَةً. ۱۱ لَأَنَّ الرَّبَّ فَدَى يَعْقُوبَ وَفَكَهُ مِنْ يَدِ الَّذِي هُوَ أَقْوَى مِنْهُ. ۱۲ فَيَأْتُونَ وَيُرْتَمُونَ فِي مُرْتَفَعِ صِهْيُون، وَيَجْرُونَ إِلَى جُودِ الرَّبِّ عَلَى الْحِنِطَةِ وَعَلَى الْخَمْرِ وَعَلَى الزَّيْتِ وَعَلَى أُبْنَاءِ الْغَنَمِ وَالْبَقَرِ. وَتَكُونُ نَفْسُهُمْ كَجَنَّةِ رِيَّا، وَلَا يَعُودُونَ يَذُوبُونَ بَعْدُ. ۱۳ حِينَئِذٍ تَفْرَحُ الْعَذْرَاءُ بِالرَّقْصِ، وَالشَّبَّانُ وَالشُّيُوخُ مَعًا. وَأَحْوَلُ نَوْحُهُمْ إِلَى طَرَبٍ، وَأَعَزِّيهِمْ وَأَفْرِحُهُمْ مِنْ حُزْنِهِمْ. ۱۴ وَأُرْوِي نَفْسَ الْكَهَنَةِ مِنَ الدَّسَمِ، وَيَشْبَعُ شَعْبِي مِنْ جُودِي، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱۰ ای قومها، کلام خداوند را بشنوید، و آن را در سرزمینهای دوردستِ ساحلی اعلام کنید؛ بگویید: «آن که اسرائیل را پراکنده ساخت، ایشان را گرد می‌آورد، و چنانکه شبان گله خویش را می‌پاید، او نیز از ایشان مراقبت خواهد کرد.» ۱۱ زیرا خداوند یعقوب را فدیہ داده، و او را از دست کسانی که از او نیرومندتر بودند، رهایی داده است. ۱۲ ایشان آمده، بر بلندای صَهِیون فریاد شادمانی سر خواهند داد، و از احسان خداوند شاد و خرم خواهند شد، از غله و شراب و روغن، و از گله و رمه. جانشان چون باغی سیراب خواهد شد، و دیگر پژمرده نخواهند بود. ۱۳ آنگاه دوشیزگان شادی‌کنان خواهند رقصید، و مردان جوان و پیران شادی خواهند کرد. من ماتمشان را به خوشی بدل خواهم کرد؛ تسلی‌شان خواهم داد، و به جای اندوه بدیشان شادمانی خواهم بخشید. ۱۴ جان کاهنان را به خوراکِ فراوان سیر خواهم ساخت، و قوم من از احسان من مملو خواهند شد؛ این است فرموده خداوند.

۱۵ « هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: صَوْتُ سَمْعٍ فِي الرَّامَةِ، نَوْحٌ، بُكَاءٌ مُرٌّ. رَاحِيلُ تَبْكِي عَلَى أَوْلَادِهَا، وَتَأْتِي أَنْ تَتَعَزَّى عَنْ أَوْلَادِهَا لِأَنَّهُمْ لَيْسُوا بِمَوْجُودِينَ. ۱۶ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: امْنَعِي صَوْتَكَ عَنِ الْبُكَاءِ، وَعَيْنَيْكَ عَنِ الدَّمُوعِ، لِأَنَّهُ يُوجَدُ جَزَاءٌ لِعَمَلِكَ، يَقُولُ الرَّبُّ، فَيَرْجِعُونَ مِنْ أَرْضِ الْعَدُوِّ. ۱۷ وَيُوجَدُ رَجَاءٌ لَأَخِيرَتِكَ، يَقُولُ الرَّبُّ. فَيَرْجِعُ الْأَنْبَاءُ إِلَى تَحْمِهِمْ. ۱۸ « سَمْعًا سَمِعْتُ أَفْرَايِمَ يَنْتَحِبُ: أَذْبَتْنِي فَتَأَذَّبْتُ كَعَجَلٍ غَيْرِ مَرُوضٍ. تَوْنِي فَأَتُوبُ، لِأَنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ إِلَهِي. ۱۹ لِأَنِّي بَعْدَ رُجُوعِي نَدِمْتُ، وَبَعْدَ تَعْلَمِي صَفَقْتُ عَلَى فَخْذِي. خَزَيْتُ وَخَجَلْتُ لِأَنِّي قَدْ حَمَلْتُ عَارَ صِبَايَ. ۲۰ هَلْ أَفْرَايِمُ ابْنُ عَزِيزٍ لَدَيَّ، أَوْ وَلَدٌ مُسِيرٌ؟ لِأَنِّي كُلَّمَا تَكَلَّمْتُ بِهِ أَذْكُرُهُ بَعْدَ ذِكْرٍ. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ حَنَنْتُ أَحْشَائِي إِلَيْهِ. رَحْمَةً أَرْحَمُهُ، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱۵ خداوند چنین می‌فرماید: «صدایی در رامه شنیده می‌شود، ماتم و گریه بسیار تلخ؛ راحیل برای فرزندان می‌گرید، و از تسلی پذیرفتن ابا می‌کند، زیرا که نیستند.» ۱۶ خداوند چنین می‌فرماید: «صدای خود را از شیون بازدار، و چشمان خویش از اشک.» زیرا خداوند می‌گوید: «برای کارهای خویش پاداش خواهی یافت، و ایشان از سرزمین دشمن باز خواهند گشت. ۱۷ پس برای آینده تو امید هست، و فرزندان به سرزمین خویش باز خواهند گشت؛» این است فرموده خداوند. ۱۸ «به یقین سوگواری افرایم را شنیده‌ام که می‌گوید: "تأدبیم کردی و تأدیب شدم، همچون گوساله‌ای که تربیت نیافته. مرا بازگردان تا بازگردم، زیرا که تو یهوه خدای من هستی. ۱۹ پس از برگشتن از راه، پشیمان شدم، و چون تعلیم یافتم، بر سینه خویش کوفتم؛ شرمسار بودم و رسوایی کشیدم، چونکه ننگ ایام جوانی‌ام را متحمل گشتم." ۲۰ «آیا افرایم پسر عزیز من نیست؟ آیا او فرزند دلبند من نیست؟ هرچند بارها بر ضد او سخن می‌گویم، او را همچنان به یاد می‌آورم. از این رو دل من به شدت مشتاق اوست، و به یقین بر او رحم خواهم کرد؛» این است فرموده خداوند.

۲۱ « أَنْصِبِي لِنَفْسِكَ صُوءً. اجْعَلِي لِنَفْسِكَ أَنْصَابًا. اجْعَلِي قَلْبَكَ نَحْوَ السِّكَّةِ، الطَّرِيقِ الَّتِي ذَهَبَتْ فِيهَا. ارْجِعِي يَا عَذْرَاءَ إِسْرَائِيلَ. ارْجِعِي إِلَى مُدْنِكَ هَذِهِ. ۲۲ حَتَّى مَتَى تَطُوفِينَ أَيْتَهَا الْبِنْتُ الْمُرْتَدَّةُ؟ لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ خَلَقَ شَيْئًا حَدِيثًا فِي الْأَرْضِ. أَتَنْتِي تُحِيطُ بِرَجُلٍ. ۲۳ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: سَيَقُولُونَ بَعْدَ هَذِهِ الْكَلِمَةِ فِي أَرْضِ يَهُودَا وَفِي مُدْنِهَا، عِنْدَمَا أَرُدُّ سَبْيَهُمْ: يُبَارِكُكَ الرَّبُّ يَا مَسْكِنَ الْبَرِّ، يَا أَيُّهَا الْجَبَلُ الْمُقَدَّسُ. ۲۴ فَيَسْكُنُ فِيهِ يَهُودًا وَكُلُّ مُدْنِهِ مَعًا، الْفَلَاحُونَ وَالَّذِينَ يُسْرِحُونَ الْقُطْعَانَ. ۲۵ لِأَنِّي أَرَوَيْتُ النَّفْسَ الْمُعْيِيَةَ، وَمَلَأْتُ كُلَّ نَفْسٍ ذَائِبَةً. ۲۶ عَلَى ذَلِكَ اسْتَيْقِظْتُ وَتَطَرْتُ وَلَذَّ لِي نَوْمِي.

۲۱ «نشانه‌ها برای خویشتن بگذار؛ علامتها برای خود بر پا کن! شاهراه را نیکو ملاحظه کن، راهی را که از آن رفتی. ای اسرائیلِ باکره، بازگرد، به شهرهای خویش بازگشت نما. ۲۲ ای دختر بی‌وفا، تا به کی سرگردان خواهی بود؟ زیرا خداوند چیزی نو بر زمین آفریده است: زن، مرد را در بر می‌گیرد.» ۲۳

پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: «آنگاه که سعادت را به ایشان بازگردانم، این کلمات را بار دیگر در سرزمین یهودا و شهرهایش بر زبان خواهند راند: «ای مسکن عدالت، ای کوه مقدس، خداوند تو را برکت دهد!» ۲۴ مردم با هم در یهودا و تمامی شهرهایش ساکن خواهند شد، یعنی کشاورزان و کسانی که با گله‌هایشان گردش می‌کنند. ۲۵ زیرا من جانِ خستگان را تازه خواهم ساخت و همه پژمردگان را طراوت خواهم بخشید.» ۲۶ در این هنگام بیدار شدم و نگریستم، و خوابم برایم شیرین بود.

۲۷ «ها آیام تآتی، یَقُولُ الرَّبُّ، وَأَزْرَعُ بَيْتَ إِسْرَائِيلَ وَبَيْتَ يَهُوذَا بَزْرِعِ إِنْسَانٍ وَزَرْعِ حَيَّوَانٍ. ۲۸ وَيَكُونُ كَمَا سَهَرْتُ عَلَيْهِمْ لِلْأَقْتِلَاعِ وَالْهَدْمِ وَالْقَرْصِ وَالْإِهْلَاكِ وَالْأَذَى، كَذَلِكَ أَسْهَرُ عَلَيْهِمْ لِلْبِنَاءِ وَالْغَرْسِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۲۹ فِي تِلْكَ الْآيَامِ لَا يَقُولُونَ بَعْدُ: الْآبَاءُ أَكَلُوا حَصْرِمًا، وَأَسْنَانُ الْآبْنَاءِ ضَرِسَتْ. ۳۰ بَلْ كُلُّ وَاحِدٍ يَمُوتُ بِذَنْبِهِ. كُلُّ إِنْسَانٍ يَأْكُلُ الْحَصْرِمَ تَضَرَّسُ أَسْنَانُهُ.

۲۷ خداوند چنین می‌فرماید: «اینک روزهایی می‌آید که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا را به بذر انسان و بذر حیوان خواهم کاشت. ۲۸ و چنانکه زمانی مراقب بودم تا ایشان را برکنم و ویران کنم و منهدم سازم و هلاک نمایم و بلا رسانم، حال مراقب خواهم بود تا ایشان را بنا کنم و غرس نمایم؛» این است فرموده خداوند. ۲۹ «در آن روزها دیگر نخواهند گفت: «پدران انگور ترش خوردند، و دندان فرزندان کند شد!» ۳۰ بلکه هر کس برای گناه خودش خواهد مرد. هر که انگور ترش خورد، هم او دندانانش کند خواهد شد.»

۳۱ «ها آیام تآتی، یَقُولُ الرَّبُّ، وَأَقْطَعُ مَعَ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ وَمَعَ بَيْتِ يَهُوذَا عَهْدًا جَدِيدًا. ۳۲ لَيْسَ كَالْعَهْدِ الَّذِي قَطَعْتُهُ مَعَ آبَائِهِمْ يَوْمَ أَمْسَكْتُهُمْ بِيَدِهِمْ لِأَخْرَجَهُمْ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ، حِينَ نَقَضُوا عَهْدِي فَرَفَضْتُهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۳ بَلْ هَذَا هُوَ الْعَهْدُ الَّذِي أَقْطَعُهُ مَعَ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ بَعْدَ تِلْكَ الْآيَامِ، يَقُولُ الرَّبُّ: أَجْعَلُ شَرِيعَتِي فِي دَاخِلِهِمْ وَأَكْتُبُهَا عَلَى قُلُوبِهِمْ، وَأَكُونُ لَهُمْ إِلَهًا وَهُمْ يَكُونُونَ لِي شَعْبًا. ۳۴ وَلَا يُعْلَمُونَ بَعْدُ كُلُّ وَاحِدٍ صَاحِبَهُ، وَكُلُّ وَاحِدٍ أَخَاهُ، قَائِلِينَ: اغْرِفُوا الرَّبَّ، لِأَنَّهُمْ كُلُّهُمْ سَيَعْرِفُونَنِي مِنْ صَغِيرِهِمْ إِلَى كِبِيرِهِمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، لِأَنِّي أَصْفَحُ عَنْ إِثْمِهِمْ، وَلَا أَذْكَرُ خَطِيئَتَهُمْ بَعْدُ. ۳۵ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ الْجَاعِلُ الشَّمْسَ لِلْإِضَاءَةِ نَهَارًا، وَفَرَائِضَ الْقَمَرِ وَالنُّجُومِ لِلْإِضَاءَةِ لَيْلًا، الرَّاجِرُ الْبَحْرَ حِينَ تَعَجُّ أَمْوَالُهُ، رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ: ۳۶ إِنْ كَانَتْ هَذِهِ الْفَرَائِضُ تَزُولُ مِنْ أَمَامِي، يَقُولُ الرَّبُّ، فَإِنَّ نَسْلَ إِسْرَائِيلَ أَيْضًا يَكْفُ مِنْ أَنْ يَكُونَ أُمَّةً أَمَامِي كُلَّ الْآيَامِ. ۳۷ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: إِنْ كَانَتْ السَّمَاوَاتُ تَقَاسُ مِنْ فَوْقُ وَتُفَحَّصُ أَسَاسَاتُ الْأَرْضِ مِنْ أَسْفَلُ، فَإِنِّي أَنَا أَيْضًا أَرْفُضُ كُلَّ نَسْلِ إِسْرَائِيلَ مِنْ أَجْلِ كُلِّ مَا عَمِلُوا، يَقُولُ الرَّبُّ.

عهد تازه: ۳۱ خداوند می‌فرماید: «اینک روزهایی فرا می‌رسد که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه خواهم بست، ۳۲ نه مانند عهدی که با پدرانشان بستم آن روز که دست ایشان را گرفتم

تا از سرزمین مصر به در آورم،» زیرا خداوند می‌فرماید، «آنان عهد مرا شکستند، با آنکه من شوهرشان بودم.» ۳۳ اما خداوند می‌گوید: «این است عهده‌ی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت، و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. ۳۴ دیگر کسی به همسایه یا به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت «خداوند را بشناسید!»،» زیرا خداوند می‌گوید، «همه از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، از آن رو که تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» ۳۵ خداوندی که آفتاب را به جهت روشنایی روز قرار داده، و نظام ثابت ماه و ستارگان را برای روشنایی شب؛ که دریا را به تلاطم می‌آورد تا امواجش به خروش آیند؛ آن که نامش پروردگار لشکریانست، چنین می‌فرماید: ۳۶ «تنها اگر این نظام ثابت از حضور من برداشته شود، ذریت اسرائیل نیز از اینکه قومی در حضور من باشند ساقط خواهند شد!» ۳۷ خداوند چنین می‌گوید: «اگر آسمانها را در بالا پیمایش توان کرد، و بنیان زمین را در پایین توان کاوید، من نیز ذریت اسرائیل را به سبب آنچه کرده‌اند طرد خواهم کرد؛» این است فرموده خداوند.

۳۸ «هَا أَيَّامُ تَأْنِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَتُبْنَى الْمَدِينَةُ لِلرَّبِّ مِنْ بُرْجِ حَنْثِيلَ إِلَى بَابِ الزَّائِيَةِ، ۳۹ وَيَخْرُجُ بَعْدَ خَيْطِ الْقِيَاسِ مُقَابِلَهُ عَلَى أَكْمَةِ جَارِبَ، وَيَسْتَدِيرُ إِلَى جَوْعَةَ، ۴۰ وَيَكُونُ كُلُّ وَادِي الْجُبْتِ وَالرَّمَادِ، وَكُلُّ الْحُقُولِ إِلَى وَادِي قَدْرُونَ إِلَى زَائِيَةِ بَابِ الْخَيْلِ شَرْقًا، قُدْسًا لِلرَّبِّ. لَا تَقْلَعُ وَلَا تَهْدَمُ إِلَى الْأَبَدِ».

۳۸ خداوند می‌فرماید: «اینک روزهایی می‌رسد که این شهر از 'برج حَنْثِيل' تا 'دروازه گوشه' برای من تجدید بنا خواهد شد. ۳۹ ریسمان اندازه‌گیری تا 'نَلْ جَارِب' مستقیم پیش خواهد رفت و از آنجا به سوی 'جوعه' دور خواهد زد. ۴۰ و تمامی وادی لاشه‌ها و خاکستر، و تمامی دشتها تا وادی قدرون، و تا گوشه 'دروازه اسبان' به سمت شرق، برای خداوند مقدس خواهد بود. این شهر دیگر هرگز برکنده و سرنگون نخواهد شد.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُونَ * ۱:۳۲-۴۴

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ، فِي السَّنَةِ الْعَاشِرَةِ لِصِدْقِيَّا مَلِكِ يَهُوذَا، هِيَ السَّنَةُ الثَّامِنَةُ عَشْرَةَ لِنَبُوخَذْرَاصَر، ۲ وَكَانَ حِينَئِذٍ جَيْشُ مَلِكِ بَابِلَ يُحَاصِرُ أُورُشَلِيمَ، وَكَانَ إِرْمِيَا النَّبِيُّ مَحْبُوسًا فِي دَارِ السِّجْنِ الَّذِي فِي بَيْتِ مَلِكِ يَهُوذَا، ۳ لِأَنَّ صِدْقِيَّا مَلِكَ يَهُوذَا حَبَسَهُ قَائِلًا: «لِمَادَا تَنَبَّأتَ قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أَدْفَعُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ لِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ، فَيَأْخُذُهَا؟ ۴ وَصِدْقِيَّا مَلِكُ يَهُوذَا لَا يُفْلِتُ مِنْ يَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ بَلْ إِنَّمَا يُدْفَعُ

لِيَدِّ مَلِكِ بَابِلَ، وَيُكَلِّمُهُ فَمَا لَقِمَ وَعَيْنَاهُ تَرَيَانِ عَيْنِيهِ، ٥ وَيَسِيرُ بِصِدْقِيَا إِلَى بَابِلَ فَيَكُونُ هُنَاكَ حَتَّى أَفْتَقِدَهُ، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنَّ حَارَبْتُمْ الْكَلْدَانِيِّينَ لَا تَنْجَحُونَ».

۱ این است کلامی که در سال دهم صیدیا پادشاه یهودا، که سال هجدهم نبوکدنصر بود، از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد. ۲ در آن هنگام، لشکر پادشاه بابل اورشلیم را در محاصره داشت، و ارمیای نبی در حیاط قراولان در کاخ پادشاه یهودا، در بند بود. ۳ زیرا صیدیا پادشاه یهودا او را به زندان افکنده و گفته بود: «چرا نبوت می کنی و می گویی، "خداوند چنین می فرماید: اینک من این شهر را به دست پادشاه بابل تسلیم می کنم، و او آن را تسخیر خواهد کرد؛ ۴ صیدیا پادشاه یهودا از چنگ کلدانیان نخواهد رست، بلکه به یقین به دست پادشاه بابل تسلیم شده، با او رو در رو سخن خواهد گفت و او را به چشم خود خواهد دید. ۵ و خداوند می گوید که او صیدیا را به بابل خواهد برد و او در آنجا خواهد ماند، تا آنگاه که من به یاری او بیایم. اگر با کلدانیان به نبرد برخیزید، پیروز نخواهید شد»؟

٦ فَقَالَ إِرْمِيَا: «كَلِمَةُ الرَّبِّ صَارَتْ إِلَيَّ قَائِلَةً: ٧ هُوَذَا حَنْمَيْيلُ بْنُ شَلُومَ عَمِّكَ يَأْتِي إِلَيْكَ قَائِلًا: اشْتَرِ لِنَفْسِكَ حَقْلِي الَّذِي فِي عَنَاثُوثَ، لِأَنَّ لَكَ حَقَّ الْفِكَاكِ لِلشِّرَاءِ». ٨ فَجَاءَ إِلَيَّ حَنْمَيْيلُ ابْنُ عَمِّي حَسَبَ كَلِمَةِ الرَّبِّ إِلَى دَارِ السِّجْنِ، وَقَالَ لِي: «اشْتَرِ حَقْلِي الَّذِي فِي عَنَاثُوثَ الَّذِي فِي أَرْضِ بَنِيَامِينَ، لِأَنَّ لَكَ حَقَّ الْإِرْثِ، وَلَكَ الْفِكَاكُ. اشْتَرِهِ لِنَفْسِكَ». فَعَرَفْتُ أَنَّهَا كَلِمَةُ الرَّبِّ. ٩ فَاشْتَرَيْتُ مِنْ حَنْمَيْيلَ ابْنِ عَمِّي الْحَقْلَ الَّذِي فِي عَنَاثُوثَ، وَوَزَنْتُ لَهُ الْفِضَّةَ، سَبْعَةَ عَشَرَ شَاقِلًا مِنَ الْفِضَّةِ. ١٠ وَكَتَبْتُ فِي صَكِّ وَخْتَمْتُ وَأَشْهَدْتُ شُهُودًا، وَوَزَنْتُ الْفِضَّةَ بِمَوَازِينَ. ١١ وَأَخَذْتُ صَكَّ الشِّرَاءِ الْمَخْتُومَ حَسَبَ الْوَصِيَّةِ وَالْفَرِيضَةِ وَالْمَفْتُوحِ. ١٢ وَسَلَّمْتُ صَكَّ الشِّرَاءِ لِبَارُوخَ بْنِ نِيرِيَا بْنِ مَحْسِيَا أَمَامَ حَنْمَيْيلَ ابْنِ عَمِّي، وَأَمَامَ الشُّهُودِ الَّذِينَ أَمْضَوْا صَكَّ الشِّرَاءِ أَمَامَ كُلِّ الْيَهُودِ الْجَالِسِينَ فِي دَارِ السِّجْنِ. ١٣ وَأَوْصَيْتُ بَارُوخَ أَمَامَهُمْ قَائِلًا: ١٤ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: خُذْ هَذَيْنِ الصَّكَّيْنِ، صَكَّ الشِّرَاءِ هَذَا الْمَخْتُومَ، وَالصَّكَّ الْمَفْتُوحَ هَذَا، وَاجْعَلْهُمَا فِي إِنَاءٍ مِنْ خَزَفٍ لِكَيْ يَبْقَيَا آيَامًا كَثِيرَةً. ١٥ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: سَيَشْتَرُونَ بَعْدُ بَيُوتًا وَحُقُولًا وَكُرُومًا فِي هَذِهِ الْأَرْضِ».

۶ ارمیا گفت: «کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۷ "اینک حنمیل، پسر عموی تو شلوم، نزد تو می آید و می گوید: مزرعه مرا که در عناتوت است بخر، زیرا حق باخرید بر مبنای خویشاوندی با توست." ۸ پس همان گونه که خداوند فرموده بود، پسرعمویم حنمیل در حیاط قراولان نزد من آمد و گفت، "مزرعه مرا که در عناتوت در قلمرو بنیامین است بخر، زیرا که حق مالکیت و باخرید آن از آن توست؛ پس آن را برای خود بخر." آنگاه دانستم که این کلام از جانب خداوند است. ۹ «پس مزرعه ای را که در عناتوت بود از پسرعمویم حنمیل خریدم و بهای آن را که هفده مثقال نقره بود برایش وزن کردم. ۱۰

آنگاه قباله را امضا و مهر کرده، شاهدان گرفتیم و بهای آن را به نقره بر ترازو وزن کردم. ۱۱ سپس قباله خرید را برداشتم، هم نسخه مَمهور را که حاوی مُفاد و شرایط بود، و هم نسخه باز را. ۱۲ و قباله خرید را در حضور پسرعمویم حَنمیل و تمام شاهدانی که قباله خرید را امضا کرده بودند، و نیز در برابر تمام یهودیانی که در حیاط قراولان نشسته بودند، به باروک پسر نیریا نواده مَحسیا دادم. ۱۳ و در حضور ایشان به باروک چنین سفارش کردم: ۱۴ ”پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: این قباله ها، یعنی نسخه مَمهور و نیز نسخه باز را بگیر و در ظرفی سفالین بگذار تا مدتی طولانی محفوظ بماند. ۱۵ زیرا پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: بار دیگر در این سرزمین خانه ها و مزرعه ها و تاکستانها خریداری خواهد شد.“

۱۶ ثُمَّ صَلَّيْتُ إِلَى الرَّبِّ بَعْدَ تَسْلِيمِ صَكِّ الشِّرَاءِ لِبَارُوخَ بْنِ نِيرِيَّا قَائِلًا: ۱۷ «آه، أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّبُّ، هَا إِنَّكَ قَدْ صَنَعْتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقُوَّتِكَ الْعَظِيمَةِ، وَبِذِرَاعِكَ الْمَمْدُودَةِ. لَا يَغْسُرُ عَلَيْكَ شَيْءٌ. ۱۸ صَانِعُ الْإِحْسَانِ لِأُلُوفٍ، وَمُجَازِي ذَنْبِ الْآبَاءِ فِي حُضْنِ بَنِيهِمْ بَعْدَهُمْ، إِلَهُ الْعَظِيمِ الْجَبَّارُ، رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. ۱۹ عَظِيمٌ فِي الْمَشُورَةِ، وَقَادِرٌ فِي الْعَمَلِ، الَّذِي عَيْنَاكَ مَفْتُوحَتَانِ عَلَى كُلِّ طَرُقٍ بَنِي آدَمَ لِتُعْطِيَ كُلَّ وَاحِدٍ حَسَبَ طَرَقِهِ، وَحَسَبَ ثَمَرِ أَعْمَالِهِ. ۲۰ الَّذِي جَعَلْتَ آيَاتٍ وَعَجَائِبَ فِي أَرْضِ مِصْرَ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي إِسْرَائِيلَ وَفِي النَّاسِ، وَجَعَلْتَ لِنَفْسِكَ اسْمًا كَهَذَا الْيَوْمِ، ۲۱ وَأَخْرَجْتَ شَعْبَكَ إِسْرَائِيلَ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ بِآيَاتٍ وَعَجَائِبَ، وَبِيَدٍ شَدِيدَةٍ وَذِرَاعٍ مَمْدُودَةٍ وَمَخَافَةٍ عَظِيمَةٍ، ۲۲ وَأَعْطَيْتَهُمْ هَذِهِ الْأَرْضَ الَّتِي حَلَفْتَ لِآبَائِهِمْ أَنْ تُعْطِيَهُمْ إِيَّاهَا، أَرْضًا تَفِيضُ لَبَنًا وَعَسَلًا. ۲۳ فَاتُّوا وَامْتَلَكُوهَا، وَلَمْ يَسْمَعُوا لَصَوْتِكَ، وَلَا سَارُوا فِي شَرِيعَتِكَ. كُلُّ مَا أَوْصَيْتَهُمْ أَنْ يَعْمَلُوهُ لَمْ يَعْمَلُوهُ، فَأَوْقَعْتَ بِهِمْ كُلَّ هَذَا الشَّرِّ. ۲۴ هَا الْمَتَارِسُ! قَدْ أَتَوْا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيَأْخُذُوهَا، وَقَدْ دَفَعْتَ الْمَدِينَةَ لِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ الَّذِينَ يُحَارِبُونَهَا بِسَبَبِ السَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَيْ، وَمَا تَكَلَّمْتَ بِهِ فَقَدْ حَدَثَ، وَهَا أَنْتَ نَاطِلٌ. ۲۵ وَقَدْ قُلْتَ أَنْتَ لِي أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّبُّ: اشْتَرِ لِنَفْسِكَ الْحَقْلَ بِفِضَّةٍ وَأَشْهَدْ شَهْودًا، وَقَدْ دَفَعْتَ الْمَدِينَةَ لِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ».

دعای ارمیا: ۱۶ «پس از آنکه قباله خرید را به باروک پسر نیریا دادم، نزد خداوند دعا کرده، گفتم: ۱۷ ”آه ای خداوندگار یهوه! تویی که آسمانها و زمین را به نیروی عظیم و بازوی افرشته خود آفریدی! هیچ چیز برای تو دشوار نیست. ۱۸ محبت خود را بر هزاران ارزانی می داری، اما مکافات گناه پدران را پس از ایشان، دامنگیر فرزندانشان می کنی. ای خدای عظیم و قادر، که نامت پروردگار لشکریانست، ۱۹ که مشورتهايت عظیم و اعمالت نیرومند است؛ ای که چشمانت بر تمامی راههای بنی آدم باز است، و به هر کس بر حسب راههایش و بر وفق ثمره اعمالش پاداش می دهی! ۲۰ ای که در سرزمین مصر آیات و عجایب به ظهور آوردی، و تا به امروز نیز در اسرائیل و در میان آدمیان چنین می کنی، و از بهر خود، مانند

امروز، نامی فراهم آورده‌ای. ۲۱ ای که قوم خود اسرائیل را به آیات و عجایب، و دست قوی و بازوی افراشته، و هیبت عظیم از سرزمین مصر بیرون آوردی؛ ۲۲ و این سرزمین را که برای پدرانشان سوگند خوردی که بدیشان بدهی، بدیشان بخشیدی - سرزمینی که شیر و شهد در آن جاری است. ۲۳ و ایشان بدان جا داخل شده، آن را به تصرف آوردند، اما به ندای تو گوش فرا ندادند و به شریعت تو سلوک نکردند و آنچه را بدیشان امر فرموده بودی انجام ندادند. از این رو تو نیز تمامی این بلا را بر ایشان نازل کردی. ۲۴ اینک سنگرها به جهت تسخیر شهر بر آن بر پا شده است، و شهر به سبب شمشیر و قحطی و طاعون به دست کلدانیانی که با آن می‌جنگند، تسلیم می‌شود. آنچه گفته بودی، واقع شده است، و اینک تو آن را می‌بینی. ۲۵ اما ای خداوند گارِ یهوه، تو خود به من فرمودی: 'مزرعه را در حضور شاهدان به نقد بخر' - با اینکه شهر به دست کلدانیان تسلیم شده است.»

۲۶ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا قَائِلًا: ۲۷ «هَآنذَا الرَّبُّ إِلَهُ كُلِّ ذِي جَسَدٍ. هَلْ يَعْسُرُ عَلَيَّ أَمْرٌ مَا؟ ۲۸ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنذَا أَدْفَعُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ لِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ وَلِيَدِ نَبُوخَذْرَاصَر مَلِكِ بَابِلَ فَيَأْخُذُهَا. ۲۹ فَيَأْتِي الْكَلْدَانِيُّونَ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ هَذِهِ الْمَدِينَةَ، فَيُشْعِلُونَ هَذِهِ الْمَدِينَةَ بِالنَّارِ، وَيُحْرِقُونَهَا وَالْبُيُوتَ الَّتِي بَخَرُوا عَلَى سَطُوحِهَا لِلْبَعْلِ وَسَكَبُوا سَكَائِبَ لِآلِهَةٍ أُخْرَى لِيُعْظُونَ. ۳۰ لِأَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَنِي يَهُوذَا إِنَّمَا صَنَعُوا الشَّرَّ فِي عَيْنَيَّ مِنْذُ صِبَاهُمْ. لِأَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّمَا أَغَاظُونِي بِعَمَلِ أَيْدِيهِمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۱ لِأَنَّ هَذِهِ الْمَدِينَةَ قَدْ صَارَتْ لِي لَغْصِي وَلِغْصِي مِنَ الْيَوْمِ الَّذِي فِيهِ بَنَوْهَا إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، لِأَنزَعَهَا مِنْ أَمَامِ وَجْهِ ۳۲ مِنْ أَجْلِ كُلِّ شَرِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَنِي يَهُوذَا الَّذِي عَمَلُوهُ لِيُعْظُونِي بِهِ، هُمْ وَمُلُوكُهُمْ وَرُؤَسَاؤُهُمْ وَكَهَنَتُهُمْ وَأَنْبِيَآؤُهُمْ وَرِجَالُ يَهُوذَا وَسُكَّانُ أُورُشَلِيمَ. ۳۳ وَقَدْ حَوَّلُوا لِي الْقَفَا لَا الْوَجْهَ. وَقَدْ عَلَّمْتُهُمْ مُبَكَّرًا وَمُعَلِّمًا، وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا لِيَقْبَلُوا أَدْبًا. ۳۴ بَلْ وَضَعُوا مَكْرَهَاتِهِمْ فِي الْبَيْتِ الَّذِي دُعِيَ بِاسْمِي، لِيُنَجِسُوهُ. ۳۵ وَبَنَوُا الْمُرْتَفَعَاتِ لِلْبَعْلِ الَّتِي فِي وَادِي ابْنِ هِنُومَ، لِيُجِيزُوا بَنِيَهُمْ وَبَنَاتِهِمْ فِي النَّارِ لِمَوْلَاكَ، الْأَمْرَ الَّذِي لَمْ أُوصِهِمْ بِهِ، وَلَا صَعِدَ عَلَى قَلْبِي، لِيَعْمَلُوا هَذَا الرَّجْسَ، لِيَجْعَلُوا يَهُوذَا يُخْطِئُ.

پاسخ خداوند به ارمیا: ۲۶ آنگاه کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۲۷ «هان، من یهوه خدای جمیع آدمیان هستم. آیا چیزی هست که برای من دشوار باشد؟ ۲۸ پس خداوند چنین می‌فرماید: اینک من این شهر را به دست کلدانیان و به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل تسلیم می‌کنم، و او آن را تسخیر خواهد کرد. ۲۹ کلدانیانی که با این شهر می‌جنگند، به شهر درآمده، آن را به آتش خواهند کشید و آن را با خانه‌هایش خواهند سوزانید، همان خانه‌هایی که بر بامهای آنها برای بعل بخور می‌سوزانند و هدایای ریختنی برای خدایان غیر می‌ریختند و بدین گونه خشم مرا برمی‌انگیختند. ۳۰ زیرا بنی اسرائیل و بنی یهودا، از روزگار جوانی کاری جز انجام آنچه در نظر من بد است، نکرده‌اند. آری، خداوند می‌فرماید که

بنی اسرائیل کاری جز برانگیختن خشم من با عمل دستان خود نکرده‌اند. ۳۱ این شهر از روز بنایش تا به امروز، چنان خشم و غضب مرا برافروخته است که باید آن را از حضور خود به دور افکنم. ۳۲ بنی اسرائیل و بنی یهودا با همه شرارتی که مرتکب شدند خشم مرا برانگیختند، ایشان با پادشاهان و صاحبمنصبانشان، کاهنان و انبیایشان، و مردان یهودا و ساکنان اورشلیم. ۳۳ آنان به جای آنکه به من رو کنند، پشت کردند. و هرچند ایشان را بارها و بارها تعلیم دادم، گوش نسپردند و تادیب نپذیرفتند. ۳۴ آنها بتهای نفرت‌انگیز خود را در خانه‌ای که به نام من نامیده شده است، بر پا کردند تا آن را نجس سازند. ۳۵ و مکانهای بعل را در وادی بن‌هنوم بنا کردند تا پسران و دخترانشان را برای مولک در آتش قربانی کنند، گرچه ایشان را بدان امر نکرده و حتی به خاطرم خطور نکرده بود که از ایشان بخواهم با چنین عمل کراحت‌آوری یهودا را به گناه بکشانند.

۳۶ «وَالآنَ لَذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ عَنْ هَذِهِ الْمَدِينَةِ الَّتِي تَقُولُونَ إِنَّهَا قَدْ دُفِعَتْ لِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ: ۳۷ هَآنَذَا أَجْمَعُهُمْ مِنْ كُلِّ الْأَرْضِ الَّتِي طَرَدْتُهُمْ إِلَيْهَا بِغَضَبِي وَغَيْظِي وَبَسْخَطٍ عَظِيمٍ، وَأُرِدُّهُمْ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ، وَأُسَكِّنُهُمْ آمِنِينَ. ۳۸ وَيَكُونُونَ لِي شَعْبًا وَأَنَا أَكُونُ لَهُمْ إِلَهًا. ۳۹ وَأُعْطِيهِمْ قَلْبًا وَاحِدًا وَطَرِيقًا وَاحِدًا لِيَخَافُونِي كُلَّ الْأَيَّامِ، لِيُخَيِّرَهُمْ وَخَيْرٌ أَوْلَادِهِمْ بَعْدَهُمْ. ۴۰ وَأَقْطَعُ لَهُمْ عَهْدًا أَبَدِيًّا أَنِّي لَا أَرْجِعُ عَنْهُمْ لِأُحْسِنَ إِلَيْهِمْ، وَأَجْعَلَ مَخَافَتِي فِي قُلُوبِهِمْ فَلَا يَحِيدُونَ عَنِّي. ۴۱ وَأَفْرَحُ بِهِمْ لِأُحْسِنَ إِلَيْهِمْ، وَأَغْرِسَهُمْ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ بِالْأَمَانَةِ بِكُلِّ قَلْبِي وَبِكُلِّ نَفْسِي. ۴۲ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: كَمَا جَلَبْتُ عَلَى هَذَا الشَّعْبِ كُلِّ هَذَا الشَّرَّ الْعَظِيمِ، هَكَذَا أَجْلِبُ أَنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ الْخَيْرِ الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ إِلَيْهِمْ. ۴۳ فَتَشْتَرِي الْحُقُولَ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي تَقُولُونَ إِنَّهَا خَرَبَةٌ بِلَا إِنْسَانَ وَبِلَا حَيَوَانٍ، وَقَدْ دُفِعَتْ لِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ. ۴۴ يَشْتَرُونَ الْحُقُولَ بِفِضَّةٍ، وَيَكْتُبُونَ ذَلِكَ فِي صُكُوكَ، وَيَخْتِمُونَ وَيُشْهِدُونَ شُهُودًا فِي أَرْضِ بَنِيَامِينَ وَخَوَالِي أُورُشَلِيمَ، وَفِي مَدُنَ يَهُودَا وَمَدُنِ الْجَبَلِ وَمَدُنِ السَّهْلِ وَمَدُنِ الْجَنُوبِ، لِأَنِّي أُرِدُّ سَبِيَّهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ».

وعدة سعادته مجدد: ۳۶ «و حال یهوه خدای اسرائیل درباره این شهر که شما می گوید، "به قحطی و شمشیر و طاعون گرفتار آمده و به دست پادشاه بابل تسلیم شده است"، چنین می فرماید: ۳۷ به یقین من ایشان را از تمام ممالکی که ایشان را در خشم شدید و غضب عظیم خود بدانها رانده‌ام، گرد آورده، بدین مکان باز خواهم آورد تا در امنیت زندگی کنند. ۳۸ ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان. ۳۹ و ایشان را یک دل و یک طریق خواهم داد تا به جهت خیریت خویش و خیریت فرزندانسان که پس از ایشان خواهند بود، همیشه از من بترسند. ۴۰ و عهد جاودانی با ایشان خواهم بست که هرگز از نیکویی کردن به ایشان بازنیستم. و ترس خود را در دل ایشان خواهم نهاد تا از من روی برنتابند. ۴۱ از نیکویی کردن به ایشان شادمان خواهم شد و ایشان را به امانت خویش و به تمامی دل و جان خود در این سرزمین

غرس خواهم کرد. ۴۲ «زیرا خداوند چنین می‌فرماید: چنانکه بر این قوم تمامی این بلاى عظیم را نازل کردم، همچنان تمامی آن نیکویی را که بدیشان وعده داده‌ام، بر ایشان نازل خواهم کرد. ۴۳ و در این سرزمین که درباره‌اش می‌گویید، «ویرانه‌ای است خالی از انسان و حیوان، و به دست کلدانیان تسلیم شده است!» مزرعه‌ها خریداری خواهد شد. ۴۴ آری، مزرعه‌ها به نقد خریداری خواهد شد و در حضور شاهدان قباله‌ها نوشته و مهر خواهد شد، در زمین بنیامین و حوالی اورشلیم و در شهرهای یهودا و شهرهای کوهستان و شهرهای نواحی کم‌ارتفاع و شهرهای نگب؛ زیرا، خداوند می‌فرماید، من سعادت گذشته را بدیشان باز خواهم گردانید.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّالِثُ وَالثَّلَاثُونَ * ۳۳: ۱-۲۶

۱ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا ثَانِيَةً وَهُوَ مَحْبُوسٌ بَعْدُ فِي دَارِ السِّجْنِ قَائِلَةً: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ صَانِعُهَا، الرَّبُّ مُصَوِّرُهَا لِيُثَبِّتَهَا، يَهْوَهُ اسْمُهُ: ۳ أُدْعِنِي فَأَجِيبَكَ وَأُخْبِرَكَ بِعَظَائِمِ وَعَوَائِصَ لَمْ تَعْرِفْهَا. ۴ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ عَنْ يَبُوتِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ وَعَنْ يَبُوتِ مُلُوكِ يَهُودَا الَّتِي هُدِمَتْ لِلْمَتَارِسِ وَالْمَجَانِيْقِ: ۵ يَا تُنُونَ لِيُخَارِبُوا الْكَلْدَانِيِّينَ وَيَمْلَأُوهَا مِنْ جِيفِ النَّاسِ الَّذِينَ ضَرَبْتَهُمْ بِغَضَبِي وَغَيْظِي، وَالَّذِينَ سَتَرْتُ وَجْهِي عَنْ هَذِهِ الْمَدِينَةِ لِأَجْلِ كُلِّ شَرِّهِمْ. ۶ هَآنَذَا أَضَعُ عَلَيْهَا رِفَادَةً وَعِلَاجًا، وَأَشْفِيهِمْ وَأُغْلِنُ لَهُمْ كَثْرَةَ السَّلَامِ وَالْأَمَانَةِ. ۷ وَأَرُدُّ سَبْيَ يَهُودَا وَسَبْيَ إِسْرَائِيلَ وَأُئْنِبُهُمْ كَالْأَوَّلِ. ۸ وَأُطَهِّرُهُمْ مِنْ كُلِّ إِثْمِهِمُ الَّذِي أَخْطَأُوا بِهِ إِلَيَّ، وَأَغْفِرُ كُلَّ ذُنُوبِهِمُ الَّتِي أَخْطَأُوا بِهَا إِلَيَّ، وَالَّتِي عَصَوْا بِهَا عَلَيَّ. ۹ فَتَكُونُ لِي اسْمُ فَرَحٍ لِلتَّسْبِيحِ وَلِلزَّيْنَةِ لَدَى كُلِّ أُمَّةٍ الْأَرْضِ، الَّذِينَ يَسْمَعُونَ بِكُلِّ الْخَيْرِ الَّذِي أَصْنَعُهُ مَعَهُمْ، فَيَخَافُونَ وَيَرْتَعِدُونَ مِنْ أَجْلِ كُلِّ الْخَيْرِ وَمِنْ أَجْلِ كُلِّ السَّلَامِ الَّذِي أَصْنَعُهُ لَهَا.

۱ در همان حال که ارمیا هنوز در حیاط قراولان محبوس بود، کلام خداوند بار دیگر بر او نازل شده، گفت: ۲ «خداوندی که زمین را آفرید، خداوندی که آن را شکل داده، مستحکم فرمود، و نامش یهوه است، چنین می‌گوید: ۳ مرا بخوان که تو را اجابت خواهم کرد و تو را از چیزهای عظیم و مخفی که ندانسته‌ای، آگاه خواهم ساخت. ۴ زیرا یهوه خدای اسرائیل درباره‌ی خانه‌های این شهر و خانه‌های پادشاهان یهودا که ویران شده تا از آنها سنگرها در برابر خاکریزهای محاصره و در برابر شمشیر ساخته شود، چنین می‌فرماید: ۵ آنها می‌آیند تا با کلدانیان بجنگند و آن خانه‌ها را از اجساد کسانی که من در خشم و غضب خود خواهم گشت پر کنند، زیرا من به سبب تمامی شرارت آنها، روی خود را از این شهر پوشانیده‌ام. ۶ «با این همه، سلامتی و شفا را به این شهر باز خواهم گردانید و آنان را شفا بخشیده، سلامتی و امنیت را به فراوانی بدیشان خواهم رسانید. ۷ و سعادت را به یهودا و اسرائیل باز آورده، آنان را همچون گذشته بنا

خواهم کرد. ۸ من ایشان را از تمامی گناهای که به من ورزیده‌اند پاک خواهم ساخت، و تمامی تقصیرهای ایشان را که بدانها بر من گناه ورزیده و از من سر پیچیده‌اند، خواهم آمرزید. ۹ آنگاه این شهر برای من در حضور تمامی قومهای زمین که دربارهٔ جملهٔ احسانهای من در حق ایشان خواهند شنید، مایهٔ شهرت و شادی و ستایش و حرمت خواهد بود. و آنها به سبب فراوانی سعادت و سلامتی که برای آن فراهم خواهم آورد، حیران و لرزان خواهند بود.

۱۰ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: سَيَسْمَعُ بَعْدُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الَّذِي تَقُولُونَ إِنَّهُ خَرِبٌ بِلَا إِنْسَانٍ وَبِلَا حَيَوَانٍ، فِي مَدْنٍ يَهُودَا، وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ الْخَرِبَةَ بِلَا إِنْسَانٍ وَلَا سَاكِنٍ وَلَا بَهِيمَةٍ، ۱۱ صَوْتُ الطَّرَبِ وَصَوْتُ الْفَرْحِ، صَوْتُ الْعَرِيسِ وَصَوْتُ الْعَرُوسِ، صَوْتُ الْقَائِلِينَ: اْحْمَدُوا رَبَّ الْجُنُودِ لَأَنَّ الرَّبَّ صَالِحٌ، لَأَنَّ إِلَى الْأَبَدِ رَحْمَتُهُ. صَوْتُ الَّذِينَ يَأْتُونَ بِذَبِيحَةِ الشُّكْرِ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ، لِأَنِّي أَرُدُّ سَبْيَ الْأَرْضِ كَالْأَوَّلِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۲ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: سَيَكُونُ بَعْدُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الْخَرِبِ بِلَا إِنْسَانٍ وَلَا بَهِيمَةٍ وَفِي كُلِّ مَدْنِهِ، مَسْكَنُ الرُّعَاةِ الْمُرْبِضِينَ الْغَنَمِ. ۱۳ فِي مَدْنِ الْجَبَلِ وَمَدْنِ السَّهْلِ وَمَدْنِ الْجَنُوبِ، وَفِي أَرْضِ بَنِيَامِينَ وَخَوَالِي أُورُشَلِيمَ، وَفِي مَدْنٍ يَهُودَا، تَمُرُّ أَيْضًا الْغَنَمُ تَحْتَ يَدَيِ الْمُحْصِي، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱۰ «خداوند چنین می‌فرماید: در این مکان که درباره‌اش می‌گویید: ”ویرانه‌ای است خالی از انسان و حیوان“، یعنی در شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم که متروک و خالی از انسان و سگنه و حیوانات است، ۱۱ بار دیگر بانگ شور و شغف شنیده خواهد شد و آواز عروس و داماد و آواز کسانی که هدایای تشکر به خانهٔ خداوند آورده، می‌خوانند: »پروردگار لشکریان را سپاس گوید، زیرا خداوند نیکوست و محبتش جاودانه است!« زیرا خداوند می‌فرماید: من سعادت را همچون گذشته به این سرزمین باز خواهم گردانید. ۱۲ »پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: در اینجا که ویرانه و از انسان و حیوان خالی است، و در تمامی شهرهایش، بار دیگر مکانهایی خواهد بود که شبانان در آن گله‌ها را بخوابانند. ۱۳ و خداوند می‌گوید که در شهرهای کوهستان و شهرهای نواحی کم‌ارتفاع و شهرهای نگب، و در سرزمین بنیامین و حوالی اورشلیم و شهرهای یهودا، گوسفندان بار دیگر از زیر دست شمارندگان خواهند گذشت.

۱۴ «هَا أَيَّامٌ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأُقِيمُ الْكَلِمَةَ الصَّالِحَةَ الَّتِي تَكَلَّمْتُ بِهَا إِلَى بَيْتِ إِسْرَائِيلَ وَإِلَى بَيْتِ يَهُودَا. ۱۵ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ وَفِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَتُبْتُ لِدَاوُدَ غُصْنَ الْبَرِّ، فَيَجْرِي عَذْلًا وَبَرًّا فِي الْأَرْضِ. ۱۶ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ يَخْلُصُ يَهُودَا، وَتَسْكُنُ أُورُشَلِيمُ أَمْنَةً، وَهَذَا مَا تَسَمَّى بِهِ: الرَّبُّ بَرُّنَا. ۱۷ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: لَا يَنْقَطِعُ لِدَاوُدَ إِنْسَانٌ يَجْلِسُ عَلَى كُرْسِيِّ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ، وَلَا يَنْقَطِعُ لِلْكَهَنَةِ الْلاَوِيِّينَ إِنْسَانٌ مِنْ أَمَامِي يُصْعِدُ مُحَرَّقَةً، وَيُحْرِقُ تَقْدِمَةً، وَيُهِبِّي ذَبِيحَةً كُلَّ الْأَيَّامِ».

عهد جاودانی خداوند با داوود: ۱۴ «خداوند می‌فرماید: هان روزهایی می‌آید که به آن وعده نیکو که به خاندان اسرائیل و خاندان یهودا دادم، وفا خواهم کرد. ۱۵ در آن ایام و در آن زمان برای داوود شاخه‌ای عادل خواهم رویانید که عدل و انصاف را در این سرزمین به اجرا در خواهد آورد. ۱۶ در آن ایام یهودا نجات خواهد یافت، و اورشلیم در امنیت به سر خواهد بُرد. و نامی که بدان نامیده خواهد شد این است: «پروردگار عادل ما» ۱۷ «زیرا خداوند چنین می‌فرماید: داوود کسی را که بر تخت پادشاهی خاندان اسرائیل بنشیند، هرگز کم نخواهد داشت؛ ۱۸ و لاویان کاهن نیز کسی را که به حضور من قربانیهای تمام‌سوز تقدیم دارد و هدایای آردی بسوزاند و پیوسته قربانیها ذبح کند، هرگز کم نخواهند داشت.»

۱۹ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا قَائِلَةً: ۲۰ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: إِنَّ نَقَضْتُمْ عَهْدِي مَعَ النَّهَارِ، وَعَهْدِي مَعَ اللَّيْلِ حَتَّى لَا يَكُونَ نَهَارٌ وَلَا لَيْلٌ فِي وَقْتِهِمَا، ۲۱ فَإِنَّ عَهْدِي أَيْضًا مَعَ دَاوُدَ عَبْدِي يُنْقَضُ، فَلَا يَكُونُ لَهُ ابْنٌ مَالِكًا عَلَى كُرْسِيِّهِ، وَمَعَ الْلاَوِيِّينَ الْكَهَنَةِ خَادِمِي. ۲۲ كَمَا أَنَّ جُنْدَ السَّمَاوَاتِ لَا يُعَدُّ، وَمِثْلَ الْبَحْرِ لَا يُحْصَى، هَكَذَا أَكْثَرَ نَسْلَ دَاوُدَ عَبْدِي وَالْلاَوِيِّينَ خَادِمِي.»

۱۹ کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۲۰ «خداوند چنین می‌فرماید: اگر عهد مرا با روز و عهد مرا با شب باطل توانید کرد به گونه‌ای که روز و شب در وقت خود نشود، ۲۱ آنگاه عهد من با خادم من داوود نیز باطل خواهد شد، به گونه‌ای که او را پسری نخواهد بود که بر تخت او سلطنت کند، و نیز با خدمتگزارانم، لاویان کاهن. ۲۲ چنانکه سپاهیان آسمان را نتوان شمرد و ریگ دریا را اندازه نتوان گرفت، به همین سان من نیز نسل خادم خود داوود و لاویان را که مرا خدمت می‌کنند، بی‌شمار خواهم گردانید.»

۲۳ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا قَائِلَةً: ۲۴ «أَمَا تَرَى مَا تَكَلَّمَ بِهِ هَذَا الشَّعْبُ قَائِلًا: إِنَّ الْعَشِيرَتَيْنِ اللَّتَيْنِ اخْتَارَهُمَا الرَّبُّ قَدْ رَفَضَهُمَا. فَقَدْ اخْتَقَرُوا شَعْبِي حَتَّى لَا يَكُونُوا بَعْدَ أُمَّةٍ أَمَامَهُمْ. ۲۵ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: إِنَّ كُنْتُ لَمْ أَجْعَلْ عَهْدِي مَعَ النَّهَارِ وَاللَّيْلِ، فَارْتَضَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ، ۲۶ فَإِنِّي أَيْضًا أَرْفُضُ نَسْلَ يَعْقُوبَ وَدَاوُدَ عَبْدِي، فَلَا أَخْذُ مِنْ نَسْلِهِ حُكَاَمًا لِنَسْلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، لِأَنِّي أَرُدُّ سَبْيَهُمْ وَأَرْحَمُهُمْ.»

۲۳ و کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۲۴ «آیا به سخن این مردمان توجه نکرده‌ای که می‌گویند: «خداوند آن دو طایفه را که برگزیده بود، ترک کرده است؟» پس قوم مرا خوار می‌شمارند و دیگر ایشان را قومی نمی‌انگارند. ۲۵ اما خداوند چنین می‌فرماید: اگر من با روز و شب عهد نبسته و قانونهای آسمان و زمین را برقرار نکرده باشم، ۲۶ در آن صورت نسل یعقوب و خادم خود داوود را نیز ترک خواهم کرد، و از نسل او کسی را به حکمرانی بر نسل ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر نخواهم گزید. زیرا به یقین سعادت گذشته را به این سرزمین باز خواهم گردانید، و دیگر بار بر ایشان رحم خواهم کرد.»

سفر ارمیا: الأصحاح الرابع والثلاثون * ۳۴: ۱-۲۲

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ حِينَ كَانَ نَبُوخَذَنْصَرُ مَلِكُ بَابِلَ وَكُلُّ جَيْشِهِ وَكُلُّ مَمَالِكِ أَرَاظِيِّ سُلْطَانٍ يَدِهِ وَكُلُّ الشُّعُوبِ، يُحَارِبُونَ أُورُشَلِيمَ وَكُلُّ مَدْنِهَا قَائِلَةٌ: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: اذْهَبْ وَكَلِّمْ صِدْقِيَّا مَلِكَ يَهُودَا وَقُلْ لَهُ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أَدْفَعُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ لِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ فَيُحْرِقُهَا بِالنَّارِ. ۳ وَأَنْتَ لَا تَقُلْتَ مِنْ يَدِهِ، بَلْ تُمْسِكُ إِمْسَاكًا وَتُدْفَعُ لِيَدِهِ، وَتَرَى عَيْنُكَ عَيْنِي مَلِكِ بَابِلَ، وَتَكَلِّمُهُ فَمَا لِفَمٍّ وَتَذْهَبُ إِلَى بَابِلَ. ۴ وَلَكِنْ اسْمَعْ كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا صِدْقِيَّا مَلِكَ يَهُودَا. هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ مِنْ جِهَتِكَ: لَا تَمُوتَ بِالسَّيْفِ. ۵ بِسَلَامٍ تَمُوتُ، وَبِاخْرَاقِ آبَائِكَ الْمُلُوكِ الْأَوَّلِينَ الَّذِينَ كَانُوا قَبْلَكَ، هَكَذَا يُحْرِقُونَ لَكَ وَيَنْدُبُونَكَ قَائِلِينَ: أَوَ يَا سَيِّدَ. لَأَنِّي أَنَا تَكَلَّمْتُ بِالْكَلِمَةِ، يَقُولُ الرَّبُّ». ۶ فَكَلَّمَ إِرْمِيَا النَّبِيَّ صِدْقِيَّا مَلِكَ يَهُودَا بِكُلِّ هَذَا الْكَلَامِ فِي أُورُشَلِيمَ، ۷ إِذْ كَانَ جَيْشُ مَلِكِ بَابِلَ يُحَارِبُ أُورُشَلِيمَ وَكُلُّ مَدْنٍ يَهُودَا الْبَاقِيَّةِ: لَخِيْشَ وَعَزِيقَةَ. لَأَنَّ هَاتَيْنِ بَقِيَّتَا فِي مَدْنٍ يَهُودَا مَدِينَتَيْنِ حَصِينَتَيْنِ.

۱ آنگاه که نبوکدنصر پادشاه بابل و تمامی لشکرش با تمامی ممالک جهان که زیر سلطه او بودند و تمامی قومها، با اورشلیم و همه شهرهایش می جنگیدند، این کلام از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ «یهوه خدای اسرائیل چنین می گوید: برو و صدقیا پادشاه یهودا را خطاب کرده، بگو: "خداوند چنین می فرماید: اینک من این شهر را به دست پادشاه بابل تسلیم می کنم، و او آن را به آتش خواهد سوزانید. ۳ و تو از دستش نخواهی رست، بلکه به یقین گرفتار شده، به دست وی تسلیم خواهی گشت. پادشاه بابل را به چشم خود خواهی دید و با او رو در رو سخن خواهی گفت، و به بابل خواهی رفت." ۴ حال ای صدقیا، پادشاه یهودا، کلام خداوند را بشنو! خداوند درباره تو چنین می گوید: "تو به شمشیر کشته نخواهی شد، ۵ بلکه در آرامش خواهی مرد. و همان گونه که برای پدران، یعنی پادشاهان پیشین که قبل از تو بودند، بخور سوزانند، برای تو نیز چنین خواهند کرد و برایت سوگواری کرده، خواهند گفت: "آه، ای سرور ما!" زیرا خداوند می فرماید: من این سخن را گفتم." ۶ پس ارمیای نبی تمامی این سخنان را در اورشلیم به صدقیا پادشاه یهودا گفت، ۷ آن هنگام که لشکر پادشاه بابل با اورشلیم و با همه شهرهای یهودا که هنوز باقی بودند، یعنی با لاکیش و عزیکه، می جنگیدند؛ زیرا از شهرهای حصاردار یهودا تنها این دو شهر باقی مانده بود.

۸ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ، بَعْدَ قَطْعِ الْمَلِكِ صِدْقِيَّا عَهْدًا مَعَ كُلِّ الشَّعْبِ الَّذِي فِي أُورُشَلِيمَ لِيُنَادُوا بِالْعِتْقِ، ۹ أَنْ يُطْلِقَ كُلُّ وَاحِدٍ عَبْدَهُ وَكُلُّ وَاحِدٍ أَمَتَهُ الْعِبْرَانِيَّةَ وَالْعِبْرَانِيَّةَ حُرَيْنِ، حَتَّى لَا يَسْتَعْبِدَهُمَا، أَيْ أَخَوَيْهِ الْيَهُودِيِّينَ، أَحَدٌ. ۱۰ فَلَمَّا سَمِعَ كُلُّ الرُّوسَاءِ وَكُلُّ الشَّعْبِ الَّذِينَ دَخَلُوا فِي الْعَهْدِ أَنْ يُطْلَقُوا كُلُّ وَاحِدٍ

عَبْدَهُ، وَكُلُّ وَاحِدٍ أَمَتَهُ خُرَّيْنِ وَلَا يَسْتَعْبِدُوهُمَا بَعْدُ، أَطَاعُوا وَأَطْلَقُوا. ۱۱ وَلَكِنَّهُمْ عَادُوا بَعْدَ ذَلِكَ فَأَرْجَعُوا الْعَبِيدَ وَالْإِمَاءَ الَّذِينَ أَطْلَقُوهُمْ أَخْرَارًا، وَأَخْضَعُوهُمْ عَبِيدًا وَإِمَاءً.

آزادی برای بردگان: ۸ این کلام از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد، پس از آنکه صدیقای پادشاه با تمامی مردم اورشلیم عهد بست که ایشان را به آزادی ندا کند، ۹ تا هر کس غلام و کنیز عبرانی خود را آزاد کند، و دیگر هیچ کس برادر یهودی خود را غلام خویش نسازد. ۱۰ پس تمامی صاحبمنصبان و همه کسانی که بدین عهد داخل شدند، پذیرفتند که هر یک غلام و کنیز خویش را آزاد کنند و دیگر آنان را در بندگی نگاه ندارند. پس اطاعت کردند و آنها را آزاد ساختند. ۱۱ اما بعد، از تصمیم خود برگشته، غلامان و کنیزانی را که رها کرده بودند، باز آوردند و ایشان را دوباره به بندگی گرفتند.

۱۲ فَصَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلَةً: ۱۳ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: أَنَا قَطَعْتُ عَهْدًا مَعَ آبَائِكُمْ يَوْمَ أَخْرَجْتُهُمْ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ مِنْ بَيْتِ الْعَبِيدِ قَائِلًا: ۱۴ فِي نِهَايَةِ سَبْعِ سِنِينَ تَطْلُقُونَ كُلَّ وَاحِدٍ أَخَاهُ الْعِبْرَانِيَّ الَّذِي يَبِيعُ لَكَ وَخَدَمَكَ سِتَّ سِنِينَ، فَتُطْلِقُهُ خَرًّا مِنْ عِنْدِكَ. وَلَكِنْ لَمْ يَسْمَعْ آبَاؤُكُمْ لِي وَلَا أَمَالُوا أَذُنَهُمْ. ۱۵ وَقَدْ رَجَعْتُمْ أَنْتُمْ الْيَوْمَ وَفَعَلْتُمْ مَا هُوَ مُسْتَقِيمٌ فِي عَيْنَيَّ، مُنَادِينَ بِالْعِتْقِ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى صَاحِبِهِ، وَقَطَعْتُمْ عَهْدًا أَمَامِي فِي الْبَيْتِ الَّذِي دُعِيَ بِاسْمِي. ۱۶ ثُمَّ عُدْتُمْ وَدَنَسْتُمْ اسْمِي وَأَرْجَعْتُمْ كُلَّ وَاحِدٍ عَبْدَهُ، وَكُلُّ وَاحِدٍ أَمَتَهُ الَّذِينَ أَطْلَقْتُمُوهُمْ أَخْرَارًا لِأَنْفُسِهِمْ، وَأَخْضَعْتُمُوهُمْ لِيَكُونُوا لَكُمْ عَبِيدًا وَإِمَاءً.

۱۲ پس کلام خداوند از جانب خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۱۳ «یهوه خدای اسرائیل چنین می گوید: آنگاه که پدرانان را از سرزمین مصر و از خانه بندگی بیرون آوردم، من خود با ایشان عهد بسته، گفتم: ۱۴ ”در پایان هر هفت سال، هر یک از شما باید برادر عبرانی خود را که خویشان را به شما فروخته و شش سال شما را خدمت کرده است، رها سازید. باید او را از خدمت معاف کنید.“ اما پدران شما از من اطاعت نکردند و به من گوش فرادادند. ۱۵ شما در این زمان توبه کردید و آنچه را در نظر من درست است، به جا آوردید و هر یک برای همسایه خویش به آزادی ندا کرده، در خانه ای که نام من بر آن است، در حضور من عهد بستید. ۱۶ اما بعد، از آن برگشته و نام مرا بی حرمت ساخته اید و هر یک از شما غلام و کنیز خود را که ایشان را بنا به میل شان رها کرده بودید، باز آورده و به زور به بندگی خویش گماشته اید.

۱۷ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: أَنْتُمْ لَمْ تَسْمَعُوا لِي لِتَنَادُوا بِالْعِتْقِ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى أَخِيهِ، وَكُلُّ وَاحِدٍ إِلَى صَاحِبِهِ. هَآنَذَا أَنَادِي لَكُمْ بِالْعِتْقِ، يَقُولُ الرَّبُّ، لِلسَّيْفِ وَالْوَبْرِ وَالْجُوعِ، وَأَجْعَلُكُمْ قَلَقًا لِكُلِّ مَمَالِكِ الْأَرْضِ. ۱۸ وَأَدْفَعُ النَّاسَ الَّذِينَ تَعَدَّوْا عَهْدِي، الَّذِينَ لَمْ يُقِيمُوا كَلَامَ الْعَهْدِ الَّذِي قَطَعُوهُ أَمَامِي. الْعِجْلُ الَّذِي قَطَعُوهُ إِلَى اثْنَيْنِ، وَجَازُوا بَيْنَ قِطْعَتَيْهِ. ۱۹ رُؤَسَاءُ يَهُودَا وَرُؤَسَاءُ أُورُشَلِيمَ، الْخَصِيَّانَ وَالْكَهَنَةَ وَكُلَّ شَعْبِ الْأَرْضِ الَّذِينَ جَازَوْا بَيْنَ قِطْعَتَيِ الْعِجْلِ، ۲۰ أَدْفَعُهُمْ لِيَدِ أَعْدَائِهِمْ وَلِيَدِ طَالِبِي نَفْسِهِمْ، فَتَكُونُ جُثَّتُهُمْ أَكْلًا لِطُيُورِ السَّمَاءِ وَوَحُوشِ

الأرض. ۲۱ وأدفعُ صِدْقِيَا مَلِكِ يَهُودَا وَرُؤَسَاءَهُ لِيَدِ أَعْدَائِهِمْ، وَلِيَدِ طَالِبِي نَفُوسِهِمْ، وَلِيَدِ جَيْشِ مَلِكِ بَابِلَ الَّذِينَ صَعِدُوا عَنْكُمْ. ۲۲ هَآنَذَا أَمْرُ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَرْدُهُمْ إِلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ فَيَخَارِبُونَهَا وَيَأْخُذُونَهَا وَيُخْرِقُونَهَا بِالنَّارِ، وَأَجْعَلُ مُدُنَ يَهُودَا خَرِبَةً بِلَا سَاكِنٍ».

۱۷ «پس خداوند چنین می فرماید: حال که شما از من اطاعت نکردید و هر یک برای برادر و همسایه خویش به آزادی ندا نمودید، من برای شما به آزادی ندا می کنم تا به شمشیر و طاعون و قحطی از پا در آید! و خداوند می گوید که شما را مایه دهشت تمامی ممالک جهان خواهم گردانید. ۱۸ من با کسانی که از عهد من تجاوز کردند و مفاد عهدی را که در حضور من بستند به جا نیاوردند، همچون گوساله ای عمل خواهم کرد که آن را به دو نیم کرده، از میانش عبور نمودند. ۱۹ من صاحبمنصبان یهودا و صاحبمنصبان اورشلیم و خواجه سرایان و کاهنان و همه مردمان این سرزمین را که از میان پاره های گوساله عبور کرده اند، ۲۰ به دست دشمنانشان و به دست آنان که قصد جانشان دارند تسلیم خواهم کرد، و اجسادشان طعمه پرندگان هوا و وحوش صحرا خواهد شد. ۲۱ و صدقیا پادشاه یهودا و صاحبمنصبانش را به دست دشمنانشان و به دست آنان که قصد جانشان دارند، یعنی به دست لشکر پادشاه بابل که از نزد شما عقب نشسته اند، تسلیم خواهم کرد. ۲۲ و هان، خداوند می فرماید، من فرمان می دهم و آنان را بدین شهر بازمی گردانم تا با آن بجنگند و آن را تسخیر کرده، به آتش بسوزانند. من شهرهای یهودا را به ویرانه ای غیرمسکون بدل خواهم ساخت.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الْخَامِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ۱۹-۱:۳۵

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ فِي أَيَّامِ يَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُودَا قَائِلَةً: ۲ «إِذْهَبْ إِلَى بَيْتِ الرِّكَابِيِّينَ وَكَلِّمْهُمْ، وَادْخُلْ بِهِمْ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ إِلَى أَحَدِ الْمَخَادِعِ وَاسْقِهِمْ خَمْرًا». ۳ فَأَخَذْتُ يَازَنِيَا بْنَ إِرْمِيَا بْنَ حَبْصِينِيَا وَإِخْوَتَهُ وَكُلَّ بَنِيهِ وَكُلَّ بَيْتِ الرِّكَابِيِّينَ، ۴ وَدَخَلْتُ بِهِمْ إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ إِلَى مِخْدَعِ بَنِي حَانَانَ بْنِ يَجْدَلِيَا رَجُلِ اللَّهِ، الَّذِي بِجَانِبِ مِخْدَعِ الرُّؤَسَاءِ، الَّذِي فَوْقَ مِخْدَعِ مَعْسِيَا بْنِ شَلُومَ حَارِسِ الْبَابِ. ۵ وَجَعَلْتُ أَمَامَ بَنِي بَيْتِ الرِّكَابِيِّينَ طَاسَاتٍ مَلَانَةً خَمْرًا وَأَقْدَاحًا، وَقُلْتُ لَهُمْ: «اشْرَبُوا خَمْرًا». ۶ فَقَالُوا: «لَا نَشْرَبُ خَمْرًا، لَأَنْ يُونَادَابَ بْنَ رَكَابَ أَبَانَا أَوْصَانَا قَائِلًا: لَا تَشْرَبُوا خَمْرًا أَنْتُمْ وَلَا بَنُوكُمْ إِلَى الْأَبَدِ. ۷ وَلَا تَتَّبِعُوا بَيْتًا، وَلَا تَزْرَعُوا زَرْعًا، وَلَا تَعْرِسُوا كَرْمًا، وَلَا تَكُنْ لَكُمْ، بَلْ اسْكُنُوا فِي الْخِيَامِ كُلَّ أَيَّامِكُمْ، لِكَيْ تَحْيُوا أَيَّامًا كَثِيرَةً عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ الَّتِي أَنْتُمْ مُتَغَرِّبُونَ فِيهَا. ۸ فَسَمِعْنَا لَصَوْتِ يُونَادَابَ بْنِ رَكَابَ أَبِينَا فِي كُلِّ مَا أَوْصَانَا بِهِ، أَنْ لَا نَشْرَبَ خَمْرًا كُلَّ أَيَّامِنَا، نَحْنُ وَنِسَاؤُنَا وَبَنُونَا وَبَنَاتُنَا، ۹ وَأَنْ لَا نَبْنِيَ بُيُوتًا لِسُكْنَانَا، وَأَنْ لَا يَكُونَ لَنَا كَرْمٌ وَلَا حَقْلٌ وَلَا زَرْعٌ. ۱۰ فَسَكْنَا فِي الْخِيَامِ، وَسَمِعْنَا وَعَمَلْنَا حَسَبَ كُلِّ مَا أَوْصَانَا بِهِ يُونَادَابُ أَبُونَا. ۱۱ وَلَكِنْ كَانَ لَمَّا صَعِدَ

نَبُوخَذْرَاصْرُ مَلِكُ بَابِلَ إِلَى الْأَرْضِ، أَنَا قُلْنَا: هَلُمَّ فَندْخُلْ إِلَى أُورُشَلِيمَ مِنْ وَجْهِ جَيْشِ الْكَلْدَانِيِّينَ وَمِنْ وَجْهِ جَيْشِ الْأَرَامِيِّينَ. فَسَكَنَّا فِي أُورُشَلِيمَ.»

۱ این است کلامی که در ایام یهو یاقیم، پسر یوشیا پادشاه یهودا، از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲ «به خانهٔ رکابیان برو و با ایشان سخن گفته، آنان را به یکی از حجره‌های خانهٔ خداوند بیاور و به آنها شراب بنوشان.» ۳ پس، یازنیا پسر ارمیا پسر خبصنیا را با تمام برادران و پسرانش و تمامی خاندان رکابیان برگرفتم، ۴ و آنان را به خانهٔ خداوند به حجرهٔ پسران حانان پسر مرد خدایی یجدکیا نام بردم که در کنار حجرهٔ صاحبمنصبان و بالای حجرهٔ معسیا پسر شلوم، نگاهبان آستانه، قرار داشت. ۵ سپس تَنگهای پر از شراب و جامها جلوی خاندان رکابیان نهادم و بدیشان گفتم: «شراب بنوشید.» ۶ ایشان پاسخ دادند: «شراب نمی‌نوشیم، زیرا جدّ ما یوناداب پسر رکاب به ما فرمان داده و گفته است: "نه شما و نه فرزندان، هیچگاه لب به شراب مزیند. ۷ همچنین خانه‌ها مسازید و کشت مکنید؛ تاکستانها غرس منماید و مالک آنها مشوید؛ بلکه تمامی ایام خود را در خیمه به سر برید. آنگاه در دیاری که در آن غریبید، روزهای بسیار زیست خواهید کرد." ۸ ما نیز به سخن جدّمان یوناداب پسر رکاب و آنچه به ما امر فرموده بود، گردن نهاده‌ایم و در تمامی روزهای عمرمان شراب ننوشیده‌ایم، نه ما و نه زنانمان، و نه پسران و دخترانمان، ۹ و خانه‌ای به جهت سکونت نساخته‌ایم و تاکستان و مزرعه و بذر برای خود نگرفته‌ایم. ۱۰ بلکه در خیمه‌ها مسکن گزیده‌ایم و از جدّمان یوناداب اطاعت کرده و آنچه او امر فرموده است، به جای آورده‌ایم. ۱۱ اما چون نبوکدنصر پادشاه بابل به این سرزمین برآمد، گفتیم: "بیایید از ترس سپاه کلدانیان و سپاه آرامیان به اورشلیم برویم." پس در اورشلیم ساکن شده‌ایم.»

۱۲ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا قَائِلَةً: ۱۳ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: اذْهَبْ وَقُلْ لِرِجَالِ يَهُوذاَ وَسُكَّانِ أُورُشَلِيمَ: أَمَا تَقْبَلُونَ تَأْدِيبًا لِتَسْمَعُوا كَلَامِي، يَقُولُ الرَّبُّ؟ ۱۴ قَدْ أَقِيمَ كَلَامُ يُونَادَابَ بْنِ رَكَابَ الَّذِي أَوْصَى بِهِ بَنِيهِ أَنْ لَا يَشْرَبُوا خَمْرًا، فَلَمْ يَشْرَبُوا إِلَى هَذَا الْيَوْمِ لِأَنَّهُمْ سَمِعُوا وَصِيَّةَ آبِيهِمْ. وَأَنَا قَدْ كَلَّمْتُكُمْ مُبَكِّرًا وَمَكَلِّمًا وَلَمْ تَسْمَعُوا لِي. ۱۵ وَقَدْ أَرْسَلْتُ إِلَيْكُمْ كُلَّ عِبِيدِي الْأَنْبِيَاءِ مُبَكِّرًا وَمُرْسِلًا قَائِلًا: ارْجِعُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ طَرِيقِهِ الرَّدِيئَةِ، وَأَصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ، وَلَا تَذْهَبُوا وَرَاءَ إِلَهَةٍ أُخْرَى لِتَعْبُدُوهَا، فَتَسْكُنُوا فِي الْأَرْضِ الَّتِي أَغْطَيْتُكُمْ وَأَبَاءَكُمْ. فَلَمْ تَمِيلُوا أَذُنَّكُمْ، وَلَا سَمِعْتُمْ لِي. ۱۶ لَأَنَّ بَنِي يُونَادَابَ بْنِ رَكَابَ قَدْ أَقَامُوا وَصِيَّةَ آبِيهِمِ الَّتِي أَوْصَاهُمْ بِهَا. أَمَّا هَذَا الشَّعْبُ فَلَمْ يَسْمَعْ لِي. ۱۷ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ الْجُنُودِ، إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا أَجْلِبُ عَلَى يَهُوذاَ وَعَلَى كُلِّ سُكَّانِ أُورُشَلِيمَ كُلِّ الشَّرِّ الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ عَلَيْهِمْ، لِأَنِّي كَلَّمْتُهُمْ فَلَمْ يَسْمَعُوا، وَدَعَوْتُهُمْ فَلَمْ يُجِيبُوا.»

۱۲ سپس کلام خداوند بر ارمیا نازل شده گفت: ۱۳ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می گوید: برو و به مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم بگو: خداوند می فرماید، آیا عبرت نمی گیرید و به کلام من گوش فرا نمی دهید؟ ۱۴ فرمانی که یوناداب پسر رکاب به پسرانش داد که شراب ننوشند، نگاه داشته می شود و ایشان تا به امروز شراب نمی نوشند زیرا به فرمان جد خویش گردن می نهند؛ اما من بارها با شما سخن گفته ام، ولی به من گوش نگرفتید. ۱۵ من خادمان خود، انبیا را جملگی نزدتان فرستادم؛ ایشان را بارها گسیل داشته، گفتم: "هر یک از شما از راه بد خویش بازگشت کنید و کردارتان را اصلاح کرده، خدایان غیر را پیروی و عبادت منماید، تا در سرزمینی که به شما و به پدرانتان داده ام، ساکن شوید." اما شما گوش فراندادید و مرا اطاعت نکردید. ۱۶ پسران یوناداب پسر رکاب به فرمان جدشان گردن می نهند، اما این قوم از من فرمان نمی برند. ۱۷ پس پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: اینک من بر یهودا و بر جمیع ساکنان اورشلیم تمامی آن بلا را که درباره ایشان گفته ام، نازل می کنم، زیرا که بدیشان سخن گفتم، اما نشنیدند، و ایشان را خواندم، اما پاسخ ندادند.»

۱۸ وَقَالَ إِرْمِيَا لَبَيْتِ الرِّكَابِيِّينَ: «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: مِنْ أَجْلِ أَنْكُمْ سَمِعْتُمْ لَوْصِيَّةَ يُونَادَابَ أَبِيكُمْ، وَحَفِظْتُمْ كُلَّ وَصَايَاهُ وَعَمَلْتُمْ حَسَبَ كُلِّ مَا أَوْصَاكُمْ بِهِ، ۱۹ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: لَا يَنْقَطِعُ لِيُونَادَابَ بْنِ رِكَابٍ إِنْسَانٌ يَقِفُ أَمَامِي كُلِّ الْأَيَّامِ.»

۱۸ اما ارمیا خطاب به خاندان رکابیان گفت: «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می فرماید: از آنجا که شما از فرمان جدتان یوناداب اطاعت کرده اید و همه اوامر او را نگاه داشته، آنچه را به شما حکم کرده بود، به جا آورده اید، ۱۹ پس پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می گوید: نسل یوناداب پسر رکاب کسی را که در حضور من به خدمت بایستد، هرگز کم نخواهد داشت.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ السَّادِسُ وَالثَّلَاثُونَ * ۳۶:۱-۳۲

۱ وَكَانَ فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ لِيَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُوذاَ، أَنَّ هَذِهِ الْكَلِمَةَ صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ قَائِلَةً: ۲ «خُذْ لِنَفْسِكَ دَرَجَ سِيفٍ، وَاكْتُبْ فِيهِ كُلَّ الْكَلَامِ الَّذِي كَلَّمْتُكَ بِهِ عَلَى إِسْرَائِيلَ وَعَلَى يَهُوذاَ وَعَلَى كُلِّ الشُّعُوبِ، مِنَ الْيَوْمِ الَّذِي كَلَّمْتُكَ فِيهِ، مِنْ أَيَّامِ يُوشِيَّا إِلَى هَذَا الْيَوْمِ. ۳ لَعَلَّ بَيْتَ يَهُوذاَ يَسْمَعُونَ كُلَّ الشَّرِّ الَّذِي أَنَا مُفَكِّرٌ أَنْ أَصْنَعَهُ بِهِمْ، فَيَرْجِعُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ طَرِيقِهِ الرَّدِيِّ، فَأَغْفِرَ ذُنُوبَهُمْ وَخَطِيئَتَهُمْ». ۴ فَدَعَا إِرْمِيَا بَارُوخَ بْنَ نِيرِيَّا، فَكَتَبَ بَارُوخُ عَنْ فَمِ إِرْمِيَا كُلَّ كَلَامِ الرَّبِّ الَّذِي كَلَّمَهُ بِهِ فِي دَرَجِ السِّيفِ. ۵ وَأَوْصَى إِرْمِيَا بَارُوخَ قَائِلًا: «أَنَا مُحْبُوسٌ لَا أَقْدِرُ أَنْ أَدْخُلَ بَيْتَ الرَّبِّ. ۶ فَادْخُلْ أَنْتَ وَاقْرَأْ فِي الدَّرَجِ الَّذِي كَتَبْتُ عَنْ فَمِي كُلَّ كَلَامِ الرَّبِّ فِي آذَانِ الشُّعْبِ، فِي بَيْتِ الرَّبِّ فِي يَوْمِ الصَّوْمِ، وَاقْرَأْهُ أَيْضًا فِي آذَانِ كُلِّ يَهُوذاَ الْقَادِمِينَ مِنْ

مُدْنِهِمْ. ۷ لَعَلَّ تَضَرَّعَتْهُمْ يَفْعُ أَمَامَ الرَّبِّ، فَيَرْجِعُوا كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ طَرِيقِهِ الرَّدِيِّ، لِأَنَّهُ عَظِيمُ الْغَضَبِ وَالْغَيْظِ
الَّذَانِ تَكَلَّمَ بِهِمَا الرَّبُّ عَلَى هَذَا الشَّعْبِ. ۸ فَقَعَلَ بَارُوخُ بْنُ نِيرِيَّا حَسَبَ كُلِّ مَا أَوْصَاهُ بِهِ إِرْمِيَا النَّبِيُّ، بِقِرَاءَتِهِ
فِي السِّفْرِ كَلَامَ الرَّبِّ فِي بَيْتِ الرَّبِّ.

۱ در چهارمین سالِ یهوایقیم پسر یوشیا پادشاه یهودا، این کلام از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: ۲
«طوماری بگیر و تمامی سخنانی را که از ایام یوشیا تا به امروز دربارهٔ اسرائیل و یهودا و همهٔ قومها به تو
گفته‌ام، بر آن بنویس. ۳ شاید چون خاندان یهودا تمامی بلایایی را که قصد دارم بر ایشان نازل کنم بشنوند،
از راه بد خود بازگردند، و من تقصیر و گناهشان را بیامرزم.» ۴ پس ارمیا، باروک پسر نیریا را فرا خواند،
و باروک از دهان ارمیا تمامی سخنان خداوند را که به او گفته بود، بر طومار نوشت. ۵ و ارمیا به باروک
چنین فرمان داد: «من از ورود به خانهٔ خداوند منع شده‌ام، ۶ پس تو در روزِ روزه به خانهٔ خداوند برو و
سخنان خداوند را از طوماری که از دهان من نوشتی، در گوش تمامی قوم بخوان، و نیز در گوش مردم
یهودا که از شهرهایشان می‌آیند. ۷ شاید که به درگاه خداوند التماس کنند و هر کدام از ایشان از راه بد
خود بازگردند؛ زیرا خشم و غضبی که خداوند بر ضد این قوم اعلام کرده، عظیم است.» ۸ پس باروک
پسر نیریا تمام آنچه را که ارمیای نبی بدو فرمان داده بود، به جای آورد و کلام خداوند را در خانهٔ خداوند
از آن طومار خواند.

۹ وَكَانَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ لِيَهُوَيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُودَا، فِي الشَّهْرِ التَّاسِعِ، أَنَّهُمْ نَادَوْا لِصَوْمِ أَمَامَ الرَّبِّ،
كُلَّ الشَّعْبِ فِي أُورُشَلِيمَ، وَكُلَّ الشَّعْبِ الْقَادِمِينَ مِنْ مُدُنِ يَهُودَا إِلَى أُورُشَلِيمَ. ۱۰ فَقَرَأَ بَارُوخُ فِي السِّفْرِ كَلَامَ
إِرْمِيَا فِي بَيْتِ الرَّبِّ فِي مِخْدَعِ جَمْرِيَا بْنِ شَافَانَ الْكَاتِبِ، فِي الدَّارِ الْعُلْيَا، فِي مَدْخَلِ بَابِ بَيْتِ الرَّبِّ الْجَدِيدِ،
فِي آذَانِ كُلِّ الشَّعْبِ.

۹ در ماه نهم از پنجمین سالِ یهوایقیم پسر یوشیا پادشاه یهودا، برای تمامی مردمان اورشلیم و برای همهٔ
کسانی که از شهرهای یهودا به اورشلیم می‌آمدند، به روزه در حضور خداوند اعلام شد. ۱۰ آنگاه باروک
سخنان ارمیا را از آن طومار در خانهٔ خداوند، در حجرهٔ جمریا پسر شافانِ کاتب، واقع در صحن فوقانی،
در مدخلِ 'دروازهٔ جدید' خانهٔ خداوند به گوش تمامی مردم خواند.

۱۱ فَلَمَّا سَمِعَ مِيخَايَا بْنُ جَمْرِيَا بْنِ شَافَانَ كُلَّ كَلَامِ الرَّبِّ مِنَ السِّفْرِ، ۱۲ نَزَلَ إِلَى بَيْتِ الْمَلِكِ، إِلَى مِخْدَعِ
الْكَاتِبِ، وَإِذَا كُلُّ الرُّؤَسَاءِ جُلُوسٌ هُنَاكَ: أَلِيشَامَاعُ الْكَاتِبُ، وَدَلَايَا بْنُ شِمْعِيَا، وَالتَّنَانُ بْنُ عَكْبُورَ، وَجَمْرِيَا بْنُ
شَافَانَ، وَصِدْقِيَا بْنُ حَنَنْيَا، وَكُلُّ الرُّؤَسَاءِ. ۱۳ فَأَخْبَرَهُمْ مِيخَايَا بِكُلِّ الْكَلَامِ الَّذِي سَمِعَهُ عِنْدَمَا قَرَأَ بَارُوخُ السِّفَرَ
فِي آذَانِ الشَّعْبِ. ۱۴ فَأَرْسَلَ كُلُّ الرُّؤَسَاءِ إِلَى بَارُوخَ يَهُودِيَّيْنِ تَنْثِيَا بْنُ سَلْمِيَا بْنِ كُوشِي قَائِلِينَ: «الدَّرَجُ
الَّذِي قَرَأْتَ فِيهِ فِي آذَانِ الشَّعْبِ، خُذْهُ بِيَدِكَ وَتَعَالَ». فَأَخَذَ بَارُوخُ بْنُ نِيرِيَّا الدَّرَجَ بِيَدِهِ وَأَتَى إِلَيْهِمْ. ۱۵ فَقَالُوا

لَهُ: «اجلس وافرأه في آذاننا». فَقَرَأَ بَارُوخُ فِي آذَانِهِمْ. ١٦ فَكَانَ لَمَّا سَمِعُوا كُلَّ الْكَلَامِ أَنَّهُمْ خَافُوا نَاطِرِينَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، وَقَالُوا لِبَارُوخَ: «إِخْبَارًا نُخْبِرُ الْمَلِكَ بِكُلِّ هَذَا الْكَلَامِ». ١٧ ثُمَّ سَأَلُوا بَارُوخَ قَائِلِينَ: «أَخْبَرْنَا كَيْفَ كَتَبْتَ كُلَّ هَذَا الْكَلَامِ عَنْ فَمِهِ؟» ١٨ فَقَالَ لَهُمْ بَارُوخُ: «بِفَمِهِ كَانَ يَقْرَأُ لِي كُلَّ هَذَا الْكَلَامِ، وَأَنَا كُنْتُ أَكْتُبُ فِي السِّفْرِ بِالْحَبْرِ». ١٩ فَقَالَ الرَّؤَسَاءُ لِبَارُوخَ: «اذْهَبْ وَاخْتَبِئْ أَنْتَ وَإِرْمِيَا وَلَا يَعْلَمُ إِنْسَانٌ أَنَّنَا أَنْتُمَا».

۱۱ چون میکایا پسر جمریا، پسر شافان، تمامی سخنان خداوند را از آن طومار شنید، ۱۲ به حجره کاتب واقع در خانه پادشاه رفت. تمام صاحبمنصبان در آنجا نشسته بودند: الیشمع کاتب، دلایا پسر شمعی، الناتان پسر عکبور، جمریا پسر شافان، صدقیا پسر حنیا و همه دیگر صاحبمنصبان. ۱۳ میکایا تمامی سخنانی را که از باروک شنیده بود برای ایشان بازگفت، همان سخنان را که باروک به گوش مردم از طومار خوانده بود. ۱۴ آنگاه صاحبمنصبان جملگی 'یهودی' پسر نتنیا پسر شلمیا پسر کوشی را نزد باروک فرستادند تا به او بگویند: «طوماری را که در حضور مردم خواندی، به دست گرفته، بیا.» پس باروک پسر نیریا طومار را به دست گرفته، نزد ایشان رفت. ۱۵ آنان به وی گفتند: «بنشین و آن را برای ما بخوان.» پس باروک آن را برای ایشان خواند. ۱۶ چون تمامی آن سخنان را شنیدند، هراسان به یکدیگر نگرستند و به باروک گفتند: «باید تمامی این سخنان را به عرض پادشاه برسانیم.» ۱۷ سپس از باروک پرسیدند: «به ما بگو این سخنان را چگونه نوشتی؟ آیا آنها را از دهان ارمیا شنیدی؟» ۱۸ باروک پاسخ داد: «آری، تمامی این سخنان را او به من بیان کرد و من آنها را به مرکب بر طوماری نوشتم.» ۱۹ آنگاه صاحبمنصبان به باروک گفتند: «تو و ارمیا رفته، خویشان را پنهان کنید تا کسی نداند کجائید.»

٢٠ ثُمَّ دَخَلُوا إِلَى الْمَلِكِ إِلَى الدَّارِ، وَأَوْدَعُوا الدَّرَجَ فِي مِخْدَعِ أَلِيشَمَاعِ الْكَاتِبِ، وَأَخْبَرُوا فِي أُذُنِي الْمَلِكِ بِكُلِّ الْكَلَامِ. ٢١ فَأَرْسَلَ الْمَلِكُ يَهُودِيَّ لِيَأْخُذَ الدَّرَجَ، فَأَخَذَهُ مِنْ مِخْدَعِ أَلِيشَمَاعِ الْكَاتِبِ، وَقَرَأَهُ يَهُودِيٌّ فِي أُذُنِي الْمَلِكِ، وَفِي آذَانِ كُلِّ الرَّؤَسَاءِ الْوَاقِفِينَ لَدَى الْمَلِكِ. ٢٢ وَكَانَ الْمَلِكُ جَالِسًا فِي بَيْتِ الشِّتَاءِ فِي الشَّهْرِ التَّاسِعِ، وَالْكَائُونُ قَدَامَهُ مُتَقِدٌ. ٢٣ وَكَانَ لَمَّا قَرَأَ يَهُودِيٌّ ثَلَاثَةَ شُطُورٍ أَوْ أَرْبَعَةً أَنَّهُ شَقَّ بِمِبرَاقِ الْكَاتِبِ، وَالْقَاهُ إِلَى النَّارِ الَّتِي فِي الْكَائُونِ، حَتَّى فَنِيَ كُلُّ الدَّرَجِ فِي النَّارِ الَّتِي فِي الْكَائُونِ. ٢٤ وَلَمْ يَخَفِ الْمَلِكُ وَلَا كُلُّ عَبِيدِهِ السَّامِعِينَ كُلَّ هَذَا الْكَلَامِ، وَلَا شَقُّوا ثِيَابَهُمْ. ٢٥ وَلَكِنَّ النَّاتَانَ وَدَلَايَا وَجَمَرِيَا تَرَجَّوْا الْمَلِكَ أَنْ لَا يُحْرِقَ الدَّرَجَ فَلَمْ يَسْمَعْ لَهُمْ. ٢٦ بَلْ أَمَرَ الْمَلِكُ يَرْحَمِيْلَ ابْنَ الْمَلِكِ، وَسَرَايَا بْنَ عَزْرَثِيْلَ، وَشَلْمِيَا بْنَ عَبْدِيْلَ، أَنْ يَقْبِضُوا عَلَى بَارُوخَ الْكَاتِبِ وَإِرْمِيَا النَّبِيِّ، وَلَكِنَّ الرَّبَّ خَبَّاهُمَا.

۲۰ پس طومار را در حجره الیشمع کاتب نهادند و به صحن، نزد پادشاه رفتند، و تمامی آن سخنان را به عرض پادشاه رساندند. ۲۱ آنگاه پادشاه 'یهودی' را فرستاد تا طومار را بیاورد، و او آن را از حجره الیشمع کاتب آورده، برای پادشاه و تمامی صاحبمنصبانی که نزد پادشاه ایستاده بودند، خواند. ۲۲ ماه نهم

بود، و پادشاه در سرای زمستانی خود نشسته بود و آتش پیش رویش در آتشدان افروخته بود. ۲۳ هر بار که 'یهودی' سه یا چهار ستون از طومار را می‌خواند، پادشاه آن را به کاردی می‌برد و در آتشی که در آتشدان بود می‌افکند، تا سرانجام تمام طومار در آتشی که در آتشدان بود، بسوخت. ۲۴ نه پادشاه و نه هیچ‌یک از خادمانش که این سخنان را به‌تمامی شنیدند، نه پروا کردند و نه جامه‌های خویش بر تن دریدند؛ ۲۵ و گرچه الناتان و دلایا و جمریا به پادشاه التماس کردند که طومار را نسوزاند، بدیشان اعتنا نکرد. ۲۶ بلکه به شاهزاده یرحمیل و سرایا پسر عزریئیل و شلمیا پسر عبدیل فرمان داد تا باروک کاتب و ارمیای نبی را بگیرند. اما خداوند ایشان را پنهان کرده بود.

۲۷ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا بَعْدَ إِخْرَاقِ الْمَلِكِ الدَّرَجِ وَالْكَلَامِ الَّذِي كَتَبَهُ بَارُوخُ عَنْ فَمِ إِرْمِيَا قَائِلَةً: ۲۸ «عَنْ فَخَذَ لِنَفْسِكَ دَرْجًا آخَرَ، وَكُتِبَ فِيهِ كُلُّ الْكَلَامِ الْأَوَّلِ الَّذِي كَانَ فِي الدَّرَجِ الْأَوَّلِ الَّذِي أَخْرَقَهُ يَهُوْيَاقِيمُ مَلِكَ يَهُوذا، وَقُلْ لِيَهُوْيَاقِيمَ مَلِكَ يَهُوذا: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: أَنْتَ قَدْ أَخْرَقْتَ ذَلِكَ الدَّرَجَ قَائِلًا: لِمَاذَا كَتَبْتُ فِيهِ قَائِلًا: مَجِيئًا يَجِيءُ مَلِكَ بَابِلَ وَيُهْلِكُ هَذِهِ الْأَرْضَ، وَيُلَاقِي مِنْهَا الْإِنْسَانَ وَالْحَيَوَانَ؟ ۳۰ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ عَنْ يَهُوْيَاقِيمَ مَلِكَ يَهُوذا: لَا يَكُونُ لَهُ جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ دَاوُدَ، وَتَكُونُ جُثَّتُهُ مَطْرُوحَةً لِلْحَرِّ نَهَارًا، وَلِلْبَرْدِ لَيْلًا. ۳۱ وَأَعَاقِبُهُ وَنَسْلُهُ وَعَبِيدُهُ عَلَى إِثْمِهِمْ، وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى سُكَّانِ أُورُشَلِيمَ وَعَلَى رِجَالِ يَهُوذا كُلِّ الشَّرِّ الَّذِي كَلَّمْتُهُمْ عَنْهُ وَلَمْ يَسْمَعُوا». ۳۲ فَأَخَذَ إِرْمِيَا دَرْجًا آخَرَ وَدَفَعَهُ لِبَارُوخَ بْنِ نِيرِيَا الْكَاتِبِ، فَكَتَبَ فِيهِ عَنْ فَمِ إِرْمِيَا كُلَّ كَلَامِ السِّفْرِ الَّذِي أَخْرَقَهُ يَهُوْيَاقِيمُ مَلِكَ يَهُوذا بِالنَّارِ، وَزَيْدَ عَلَيْهِ أَيْضًا كَلَامٌ كَثِيرٌ مِثْلُهُ.

۲۷ و اما پس از آنکه پادشاه طومار و سخنانی را که باروک از دهان ارمیا نوشته بود، سوزانید، کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت: ۲۸ «طوماری دیگر بگیر و همه سخنانی را که بر طومار نخست بود و یهوایقیم پادشاه یهودا آن را سوزانید، بر آن بنویس. ۲۹ و به یهوایقیم پادشاه یهودا بگو: "خداوند چنین می‌فرماید: تو آن طومار را سوزاندی و گفתי، 'چرا در آن نوشتی که پادشاه بابل به یقین خواهد آمد و این سرزمین را ویران کرده، انسان و حیوان را از آن نابود خواهد ساخت؟' ۳۰ پس خداوند درباره یهوایقیم پادشاه یهودا چنین می‌گوید: برای او کسی نخواهد بود که بر تخت داوود بنشیند، و جسدش در گرمای روز و سرمای شب بیرون افکنده خواهد شد. ۳۱ من او و نسلش و خدمتگزارانش را به سبب تقصیرشان مکافات خواهم رسانید و بر آنها و ساکنان اورشلیم و مردم یهودا همه آن بلایا را که بر ضد ایشان اعلام کردم، نازل خواهم کرد، زیرا که مرا نشنیدند.» ۳۲ پس ارمیا طوماری دیگر برگرفت و آن را به باروک کاتب پسر نیریا داد، و او تمامی سخنان طوماری را که یهوایقیم پادشاه یهودا در آتش سوزانده بود، از دهان ارمیا بر آن نوشت، و سخنان بسیاری مانند آنها نیز بر آن افزوده شد.

سفر ارمیا: الأصحاح السابع والثلاثون * ۳۷: ۱-۲۱

۱ وَمَلِكُ الْمَلِكِ صِدْقِيَّا بْنُ يُوْشِيَّا مَكَانَ كُنْيَاهُ بْنُ يَهُوْيَاقِيمَ، الَّذِي مَلَكَهٗ نَبُوخَذْرَاصَّرُ مَلِكُ بَابِلَ فِي أَرْضِ يَهُودَا. ۲ وَلَمْ يَسْمَعْ هُوَ وَلَا عَبِيدُهُ وَلَا شَعْبُ الْأَرْضِ لِكَلَامِ الرَّبِّ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ عَنْ يَدِ إِرْمِيَا النَّبِيِّ. ۳ وَأَرْسَلَ الْمَلِكُ صِدْقِيَّا يَهُوْحَلَ بْنَ سَلَمِيَّا، وَصَفْنِيَّا بْنَ مَعْسِيَا الْكَاهِنَ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ قَائِلًا: «صَلِّ لَأَجْلِنَا إِلَى الرَّبِّ إِلَهِنَا». ۴ وَكَانَ إِرْمِيَا يَدْخُلُ وَيَخْرُجُ فِي وَسْطِ الشَّعْبِ، إِذْ لَمْ يَكُونُوا قَدْ جَعَلُوهُ فِي بَيْتِ السِّجْنِ. ۵ وَخَرَجَ جَيْشُ فِرْعَوْنَ مِنْ مِصْرَ. فَلَمَّا سَمِعَ الْكَلْدَانِيُّونَ الْمُحَاصِرُونَ أُورُشَلِيمَ بِخَبَرِهِمْ، صَعَدُوا عَنْ أُورُشَلِيمَ.

۱ صدقیا پسر یوشیا، که نبوکدنصر پادشاه بابل او را بر سرزمین یهودا به پادشاهی نصب کرده بود، به جای یهوایکین پسر یهوایقیم، پادشاه شد. ۲ اما نه او و نه خدمتگزارانش و نه مردمان آن سرزمین، هیچ یک به کلام خداوند که به واسطه ارمیای نبی بیان شده بود، گوش فرا ندادند. ۳ صدقیای پادشاه، یهوکل پسر شلمیا و صفنیای کاهن پسر معسیا را نزد ارمیای نبی فرستاد تا بگویند: «تمنا اینکه نزد یهوه خدایمان برای ما دعا کنی.» ۴ ارمیا در این هنگام در میان مردم آمد و رفت می کرد، زیرا هنوز به زندان نیفتاده بود. ۵ و لشکر فرعون از مصر عزیمت کرد، و کلدانیان که اورشلیم را در محاصره داشتند، چون این خبر را شنیدند، از اورشلیم عقب نشستند.

۶ فَصَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ قَائِلَةً: ۷ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَكَذَا تَقُولُونَ لِمَلِكِ يَهُودَا الَّذِي أَرْسَلَكُمْ إِلَيَّ لَتَسْتَشِيرُونِي: هَا إِنَّ جَيْشَ فِرْعَوْنَ الْخَارِجِ إِلَيْكُمْ لِمُسَاعَدَتِكُمْ، يَرْجِعُ إِلَى أَرْضِهِ، إِلَى مِصْرَ. ۸ وَيَرْجِعُ الْكَلْدَانِيُّونَ وَيُخَارِبُونَ هَذِهِ الْمَدِينَةَ وَيَأْخُذُونَهَا وَيُحْرِقُونَهَا بِالنَّارِ. ۹ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: لَا تَخْذَعُوا أَنْفُسَكُمْ قَائِلِينَ: إِنَّ الْكَلْدَانِيِّينَ سَيَذْهَبُونَ عَنَّا، لَا تَهْمُ لَا يَذْهَبُونَ. ۱۰ لِأَنَّكُمْ وَإِنْ ضَرَبْتُمْ كُلَّ جَيْشِ الْكَلْدَانِيِّينَ الَّذِينَ يُخَارِبُونَكُمْ، وَبَقِيَ مِنْهُمْ رَجُلٌ قَدْ طُعِنُوا، فَإِنَّهُمْ يَقُومُونَ كُلُّ وَاحِدٍ فِي خِيَمَتِهِ وَيُحْرِقُونَ هَذِهِ الْمَدِينَةَ بِالنَّارِ».

۶ آنگاه کلام خداوند بر ارمیای نبی نازل شده، گفت: ۷ «یهوه خدای اسرائیل چنین می فرماید: به پادشاه یهودا که شما را نزد من فرستاده است تا از من مسئلت کند، چنین بگویید: "اینک لشکر فرعون که به یاری شما آمده اند، به سرزمین خود مصر بازمی گردند. ۸ و کلدانیان بازگشته، با این شهر خواهند جنگید و آن را تسخیر کرده، به آتش خواهند کشید. ۹ خداوند چنین می فرماید: خود را با این سخن فریب مدهید که، "کلدانیان به یقین از نزد ما خواهند رفت،" زیرا که نخواهند رفت. ۱۰ حتی اگر لشکر کلدانیان را که با شما می جنگند، یکسره شکست می دادید به گونه ای که از ایشان به جز مجروحان کسی در خیمه هایشان باقی نمی ماند، باز هم هر یک از آنان به پا خاسته، این شهر را به آتش می کشیدند.»

۱۱ وَكَانَ لَمَّا أَصْعَدَ جَيْشُ الْكَلْدَانِيِّينَ عَنْ أُورُشَلِيمَ مِنْ وَجْهِ جَيْشِ فِرْعَوْنَ، ۱۲ أَنَّ إِرمِيَا خَرَجَ مِنْ أُورُشَلِيمَ لِيَنْطَلِقَ إِلَى أَرْضِ بَنِيَامِينَ لِيَنْسَابَ مِنْ هُنَاكَ فِي وَسْطِ الشَّعْبِ. ۱۳ وَفِيمَا هُوَ فِي بَابِ بَنِيَامِينَ، إِذَا هُنَاكَ نَاطِرُ الْحُرَّاسِ، اسْمُهُ يَرِيئَا بْنُ شَلَمِيَا بْنُ حَنَنِيَّا، فَقَبَضَ عَلَى إِرمِيَا النَّبِيِّ قَائِلًا: «إِنَّكَ تَفْعُ لِلْكَلْدَانِيِّينَ». ۱۴ فَقَالَ إِرمِيَا: «كَذِبْ! لَا أَفْعُ لِلْكَلْدَانِيِّينَ». وَلَمْ يَسْمَعْ لَهُ، فَقَبَضَ يَرِيئَا عَلَى إِرمِيَا وَأَتَى بِهِ إِلَى الرُّؤَسَاءِ. ۱۵ فَغَضِبَ الرُّؤَسَاءُ عَلَى إِرمِيَا، وَضَرْبُوهُ وَجَعَلُوهُ فِي بَيْتِ السِّجْنِ، فِي بَيْتِ يُونَاثَانَ الْكَاتِبِ، لِأَنَّهُمْ جَعَلُوهُ بَيْتَ السِّجْنِ. ۱۶ فَلَمَّا دَخَلَ إِرمِيَا إِلَى بَيْتِ الْجُبِّ، وَإِلَى الْمُقَبَّبَاتِ، أَقَامَ إِرمِيَا هُنَاكَ أَيَّامًا كَثِيرَةً. ۱۷ ثُمَّ أَرْسَلَ الْمَلِكُ صِدْقِيَّا وَأَخَذَهُ، وَسَأَلَهُ الْمَلِكُ فِي بَيْتِهِ سِرًّا وَقَالَ: «هَلْ تُوْجَدُ كَلِمَةٌ مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ؟» فَقَالَ إِرمِيَا: «تُوْجَدُ». فَقَالَ: «إِنَّكَ تَدْفَعُ لِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ». ۱۸ ثُمَّ قَالَ إِرمِيَا لِلْمَلِكِ صِدْقِيَّا: «مَا هِيَ خَطِيبَتِي إِلَيْكَ وَإِلَى عَبِيدِكَ وَإِلَى هَذَا الشَّعْبِ، حَتَّى جَعَلْتُمُونِي فِي بَيْتِ السِّجْنِ؟ ۱۹ فَأَيْنَ أَنْبِيََاؤُكُمْ الَّذِينَ تَنَبَّأُوا لَكُمْ قَائِلِينَ: لَا يَأْتِي مَلِكُ بَابِلَ عَلَيْكُمْ، وَلَا عَلَى هَذِهِ الْأَرْضِ؟ ۲۰ فَالآنَ اسْمَعْ يَا سَيِّدِي الْمَلِكُ. لِيَقَعَ تَضَرُّعِي أَمَامَكَ، وَلَا تُرَدِّدْنِي إِلَى بَيْتِ يُونَاثَانَ الْكَاتِبِ، فَلَا أَمُوتَ هُنَاكَ». ۲۱ فَامَرَ الْمَلِكُ صِدْقِيَّا أَنْ يَضَعُوا إِرمِيَا فِي دَارِ السِّجْنِ، وَأَنْ يُعْطَى رَغِيفَ خُبْزٍ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ سُوقِ الْخُبَّازِينَ، حَتَّى يَنْفَدَ كُلُّ الْخُبْزِ مِنَ الْمَدِينَةِ. فَأَقَامَ إِرمِيَا فِي دَارِ السِّجْنِ.

در بند نهادن ارمیا: ۱۱ و اما پس از آنکه لشکر کلدانیان به سبب سپاه فرعون از اورشليم عقب نشست، ۱۲ ارمیا از اورشليم عازم سرزمین بنیامین شد تا از میان قوم، سهم خویش را از ملک طلب کند. ۱۳ اما چون به دروازه بنیامین رسید، رئیس قراولان به نام یرئیا پسر شلمیا پسر حننیا، ارمیای نبی را گرفتار کرد و گفت: «تو می روی تا به کلدانیان بیوندی!» ۱۴ ارمیا پاسخ داد: «دروغ است؛ به کلدانیان نمی پیوندم!» اما یرئیا به وی گوش نگرفت و ارمیا را گرفته، او را نزد صاحبمنصبان برد. ۱۵ و صاحبمنصبان بر ارمیا خشمناک گشته، وی را زدند و در خانه یوناتان کاتب زندانی کردند، زیرا آن را زندان ساخته بودند. ۱۶ ارمیا به یکی از اتاقکهای سیاهچال افتاده، روزهای بسیار در آنجا ماند، ۱۷ تا اینکه صدقیای پادشاه از پی او فرستاد و او را به خانه خویش آورده، در خلوت از او چنین پرسید: «آیا کلامی از جانب خداوند هست؟» ارمیا پاسخ داد: «آری، هست.» و افزود: «به دست پادشاه بابل تسلیم خواهی شد!» ۱۸ همچنین به صدقیای پادشاه گفت: «به تو و خدمتگزارانت و این مردم چه خطایی ورزیده ام که مرا به زندان افکنده اید؟ ۱۹ کجایند آن انبیای شما که برای شما نبوت کرده، می گفتند: "پادشاه بابل بر ضد شما و بر ضد این سرزمین نخواهد آمد"؟ ۲۰ حال ای سرورم پادشاه، تمنا اینکه عرایضم را بشنوی. رخصت ده تا استدعای خود را عرض کنم: مرا به خانه یوناتان کاتب بازگردان مبادا در آنجا بمیرم.» ۲۱ پس صدقیای پادشاه دستور داد ارمیا را به حیاط قراولان منتقل کنند، و تا زمانی که در شهر نانی باقی بود، هر روز قرصی نان از کوچه نانوایان به او می دادند. پس ارمیا در حیاط قراولان بماند.

سفر ارمیا: الأصحاح الثامن والثلاثون * ۲۸-۱:۳۸

۱ وَسَمِعَ شَفَطِيَّا بْنُ مَتَّانَ، وَجَدَلِيَّا بْنُ فَشْحُورَ، وَيُوَحْلُ بْنُ شَلَمِيَّا، وَفَشْحُورُ بْنُ مَلِكِيَّا، الْكَلَامَ الَّذِي كَانَ إِرْمِيَّا يُكَلِّمُ بِهِ كُلَّ الشَّعْبِ قَائِلًا: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: الَّذِي يُقِيمُ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ يَمُوتُ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ. أَمَّا الَّذِي يَخْرُجُ إِلَى الْكَلْدَانِيِّينَ فَإِنَّهُ يَحْيَا وَتَكُونُ لَهُ نَفْسُهُ غَنِيمَةً فَيَحْيَا. ۳ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَذِهِ الْمَدِينَةُ سَتُدْفَعُ دَفْعًا لِيَدِ جَيْشِ مَلِكِ بَابِلَ فَيَأْخُذُهَا». ۴ فَقَالَ الرَّؤَسَاءُ لِلْمَلِكِ: «لَيُقْتَلَ هَذَا الرَّجُلُ، لِأَنَّهُ بِذَلِكَ يُضْعَفُ أَيَادِي رِجَالِ الْحَرْبِ الْبَاقِينَ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ، وَأَيَادِي كُلِّ الشَّعْبِ، إِذْ يُكَلِّمُهُمْ بِمِثْلِ هَذَا الْكَلَامِ. لِأَنَّ هَذَا الرَّجُلَ لَا يَطْلُبُ السَّلَامَ لِهَذَا الشَّعْبِ بَلِ الشَّرَّ». ۵ فَقَالَ الْمَلِكُ صَدِيقًا: «هَا هُوَ يَدِّكُمُ، لِأَنَّ الْمَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْكُمْ فِي شَيْءٍ». ۶ فَأَخَذُوا إِرْمِيَّا وَالْقُوَّةَ فِي جُبِّ مَلِكِيَّا ابْنِ الْمَلِكِ، الَّذِي فِي دَارِ السِّجْنِ، وَدَلُّوا إِرْمِيَّا بِحَبَالٍ. وَلَمْ يَكُنْ فِي الْجُبِّ مَاءٌ بَلْ وَحْلٌ، فَغَاصَ إِرْمِيَّا فِي الْوَحْلِ.

۱ و اما شَفَطِيَّا پسر مَتَّان، جَدَلِيَّا پسر فَشْحُور، یوکل پسر شَلَمِیا و فَشْحُور پسر مَلِکیا سخنان ارمیا را شنیدند که به همه مردم می گفت: ۲ «خداوند چنین می فرماید: هر که در این شهر بماند به شمشیر و قحطی و طاعون خواهد مرد، اما آن که نزد کلدانیان بیرون رود، زنده خواهد ماند؛ آری، او جان خویش به غنیمت خواهد برد و زنده خواهد ماند. ۳ خداوند چنین می گوید: این شهر بی گمان به دست لشکر پادشاه بابل تسلیم شده، به تصرف در خواهد آمد.» ۴ پس صاحبمنصبان به پادشاه گفتند: «این مرد باید کشته شود، زیرا با سخنانی که می گوید، دستان سربازانی را که در این شهر باقی مانده اند، و دستان تمامی مردم را سست می کند. او نه سعادت این قوم، بلکه سیه روزیشان را خواهان است.» ۵ آنگاه صدقای پادشاه پاسخ داد: «اینک او در دست شماست، زیرا پادشاه کاری به خلاف شما نمی تواند کرد.» ۶ پس ایشان ارمیا را گرفتند و در آب انبار مَلِکیا پسر شاه، که در حیاط قراولان بود، افکندند. آنها ارمیا را با طناب پایین فرستادند، و در آب انبار هیچ آب نبود بلکه گل بود، و ارمیا در گل فرو رفت.

۷ فَلَمَّا سَمِعَ عَبْدُ الْمَلِكِ الْكُوشِيُّ، رَجُلٌ خَصِيٌّ، وَهُوَ فِي بَيْتِ الْمَلِكِ، أَنَّهُمْ جَعَلُوا إِرْمِيَّا فِي الْجُبِّ، وَالْمَلِكُ جَالِسٌ فِي بَابِ بَنِيَامِينَ، ۸ خَرَجَ عَبْدُ الْمَلِكُ مِنْ بَيْتِ الْمَلِكِ وَكَلَّمَ الْمَلِكَ قَائِلًا: ۹ «يَا سَيِّدِي الْمَلِكُ، قَدْ أَسَاءَ هَؤُلَاءِ الرِّجَالُ فِي كُلِّ مَا فَعَلُوا بِإِرْمِيَّا النَّبِيِّ، الَّذِي طَرَحُوهُ فِي الْجُبِّ، فَإِنَّهُ يَمُوتُ فِي مَكَانِهِ بِسَبَبِ الْجُوعِ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بَعْدُ خُبْرٌ فِي الْمَدِينَةِ». ۱۰ فَأَمَرَ الْمَلِكُ عَبْدُ الْمَلِكِ الْكُوشِيُّ قَائِلًا: «خُذْ مَعَكَ مِنْ هُنَا ثَلَاثِينَ رَجُلًا، وَأَطْلِعْ إِرْمِيَّا مِنَ الْجُبِّ قَبْلَمَا يَمُوتُ». ۱۱ فَأَخَذَ عَبْدُ الْمَلِكِ الرِّجَالَ مَعَهُ، وَدَخَلَ إِلَى بَيْتِ الْمَلِكِ، إِلَى أَسْفَلِ الْمَخْرَنِ، وَأَخَذَ مِنْ هُنَاكَ ثِيَابًا رَثَةً وَمَلَابِسَ بَالِيَّةً وَدَلَّاهَا إِلَى إِرْمِيَّا إِلَى الْجُبِّ بِحَبَالٍ. ۱۲ وَقَالَ عَبْدُ الْمَلِكِ

الْكُوشِيِّ لِإِرْمِيَا: «صَعِ الثِّيابَ الرَّثِيَّةَ وَالْمَلَابِسَ الْبَالِيَّةَ تَحْتَ إِطْيَاكِ تَحْتَ الْجِبَالِ». فَفَعَلَ إِرْمِيَا كَذَلِكَ. ١٣
فَجَذَبُوا إِرْمِيَا بِالْجِبَالِ وَأَطْلَعُوهُ مِنَ الْجُبِّ. فَأَقَامَ إِرْمِيَا فِي دَارِ السِّجْنِ.

رهايي ارميا از آب انبار: ٧ و اما عبدملك حبشی که یکی از خواجه سرایان کاخ سلطنتی بود، شنید که ارمیا را به آب انبار افکنده اند. پس چون پادشاه نزد دروازه بنیامین به قضاوت نشسته بود، ٨ عبدملك از کاخ سلطنتی بیرون آمده، به پادشاه گفت: ٩ «ای سرور من پادشاه! این مردان در آنچه به ارمیای نبی کرده اند، مرتکب عملی شریرانه شده اند. آنان او را به آب انبار افکنده اند، و او در آنجا از گرسنگی خواهد مرد، زیرا در شهر نانی باقی نمانده است.» ١٠ پس پادشاه به عبدملك حبشی دستور داد: «سی مرد از اینجا با خود بگیر و ارمیای نبی را پیش از آنکه بمیرد، از آب انبار بیرون آور.» ١١ پس عبدملك آن کسان را همراه خود برگرفت و به کاخ سلطنتی رفته، به حجره‌ای داخل شد که زیر خزانه بود و از آنجا پارچه‌های کهنه و جامه‌های مندرس برگرفته، آنها را با طنابها به آب انبار نزد ارمیا پایین فرستاد. ١٢ عبدملك حبشی به ارمیا گفت: «این پارچه‌های کهنه و جامه‌های مندرس را میان طنابها و زیر بغل خود بگذار.» و ارمیا چنین کرد. ١٣ پس ارمیا را با طنابها بالا کشیده، او را از آب انبار بیرون آوردند. و ارمیا در حیاط قراولان ماند.

١٤ فَأَرْسَلَ الْمَلِكُ صِدْقِيَّا وَأَخَذَ إِرْمِيَا النَّبِيَّ إِلَيْهِ، إِلَى الْمَدْخَلِ الثَّلَاثِ الَّذِي فِي بَيْتِ الرَّبِّ، وَقَالَ الْمَلِكُ لِإِرْمِيَا: «أَنَا أَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرٍ. لَا تُخَفِ عَنِّي شَيْئًا». ١٥ فَقَالَ إِرْمِيَا لَصِدْقِيَّا: «إِذَا أَخْبَرْتُكَ أَفَمَا تَقْتُلْنِي قَتْلًا؟ وَإِذَا أَشَرْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَسْمَعْ لِي!» ١٦ فَحَلَفَ الْمَلِكُ صِدْقِيَّا لِإِرْمِيَا سِرًّا قَائِلًا: «حَيَّ هُوَ الرَّبُّ الَّذِي صَنَعَ لَنَا هَذِهِ النَّفْسَ، إِنِّي لَا أَقْتُلُكَ وَلَا أَدْفَعُكَ لِيَدِ هَؤُلَاءِ الرِّجَالِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ نَفْسَكَ». ١٧ فَقَالَ إِرْمِيَا لَصِدْقِيَّا: «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: إِنْ كُنْتُ تَخْرُجُ خُرُوجًا إِلَى رُؤَسَاءِ مَلِكِ بَابِلَ، تَحْيَا نَفْسُكَ وَلَا تُحْرَقُ هَذِهِ الْمَدِينَةُ بِالنَّارِ، بَلْ تَحْيَا أَنْتَ وَبَيْتُكَ. ١٨ وَلَكِنْ إِنْ كُنْتُ لَا تَخْرُجُ إِلَى رُؤَسَاءِ مَلِكِ بَابِلَ، تُدْفَعُ هَذِهِ الْمَدِينَةُ لِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ فَيُحْرِقُونَهَا بِالنَّارِ، وَأَنْتَ لَا تَقْلُتُ مِنْ يَدِهِمْ». ١٩ فَقَالَ صِدْقِيَّا الْمَلِكُ لِإِرْمِيَا: «إِنِّي أَخَافُ مِنَ الْيَهُودِ الَّذِينَ قَدْ سَقَطُوا لِلْكَلدَانِيِّينَ لِيَلَّا يَذْفَعُونِي لِيَدِهِمْ فَيَزِدُّوهُ بِي». ٢٠ فَقَالَ إِرْمِيَا: «لَا يَذْفَعُونَكَ. اسْمَعْ لِصَوْتِ الرَّبِّ فِي مَا أَكَلِمْتُكَ أَنَا بِهِ، فَيُحْسِنَ إِلَيْكَ وَتَحْيَا نَفْسُكَ. ٢١ وَإِنْ كُنْتُ تَأْبَى الْخُرُوجَ، فَهَذِهِ هِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَرَانِي الرَّبُّ إِيَّاهَا: ٢٢ هَا كُلُّ النِّسَاءِ اللَّوَاتِي بَقِيْنَ فِي بَيْتِ مَلِكِ يَهُودَا، يُخْرِجْنَ إِلَى رُؤَسَاءِ مَلِكِ بَابِلَ وَهُنَّ يَقُلْنَ: قَدْ خَدَعَكَ وَقَدِرَ عَلَيْكَ مُسَالِمُوكَ. غَاصَتْ فِي الْحَمَاءِ رِجْلَاكَ وَارْتَدَّتَا إِلَى الْوَرَاءِ. ٢٣ وَيُخْرِجُونَ كُلَّ نِسَائِكَ وَنَبِيَّكَ إِلَى الْكَلْدَانِيِّينَ، وَأَنْتَ لَا تَقْلُتُ مِنْ يَدِهِمْ، لِأَنَّكَ أَنْتَ تُمْسِكُ بِيَدِ مَلِكِ بَابِلَ، وَهَذِهِ الْمَدِينَةُ تُحْرَقُ بِالنَّارِ».

هشدار مجدد ارمیا به صدقیا: ١٤ صدقیای پادشاه در پی ارمیای نبی فرستاده، او را در مدخل سوم خانه خداوند جای داد. پادشاه به ارمیا گفت: «از تو مطلبی می‌پرسم؛ از من چیزی پنهان مدار.» ١٥ ارمیا به

صدقی‌ا گفت: «اگر به تو بگویم، آیا مرا به یقین نخواهی کشت؟ و اگر تو را مشورت دهم، مرا نخواهی شنید.» ۱۶ آنگاه صدقی‌ای پادشاه در نهان نزد ارمیا قسم خورده، گفت: «به حیات خداوند جان آفرین قسم که تو را نخواهم کشت و به دست این کسان نیز که قصد جانت دارند، تسلیم نخواهم کرد.» ۱۷ پس ارمیا به صدقی‌ا گفت: «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: اگر خود را به صاحب‌منصبان پادشاه بابل تسلیم کنی، جانت را حفظ خواهی کرد و این شهر به آتش نخواهد سوخت، و تو و اهل خانه‌ات زنده خواهید ماند. ۱۸ اما اگر خود را تسلیم صاحب‌منصبان پادشاه بابل نکنی، این شهر به دست کلدانیان سپرده خواهد شد، و ایشان آن را به آتش خواهند سوزانید، و تو نیز از چنگشان نخواهی رست.» ۱۹ صدقی‌ای پادشاه به ارمیا گفت: «من از آن دسته از اهالی یهودیه که به کلدانیان پیوسته‌اند، بیم دارم، مبدا کلدانیان مرا به دست آنان تسلیم کنند و آنان با من بیرحمانه رفتار نمایند.» ۲۰ ارمیا گفت: «تو را تسلیم آنان نخواهند کرد؛ تمنا اینکه از کلام خداوند که به تو می‌گویم اطاعت کنی، تا تو را خیریت باشد و زنده بمانی. ۲۱ اما اگر از تسلیم شدن ابا کنی، این است آنچه خداوند بر من آشکار فرموده است: ۲۲ اینک تمام زنانی که در کاخ پادشاه یهودا باقی مانده‌اند، نزد صاحب‌منصبان پادشاه بابل بیرون برده خواهند شد. این زنان خواهند گفت: «یارانت تو را فریب داده، بر تو چیره گشته‌اند؛ اکنون که پای تو در گل فرو رفته، از تو روی برتافته‌اند.» ۲۳ آری، زنان و فرزندان را جملگی نزد کلدانیان بیرون خواهند برد و تو از چنگ آنان نخواهی رست، بلکه به دست پادشاه بابل گرفتار خواهی آمد و این شهر به آتش سوزانیده خواهد شد.»

۲۴ فَقَالَ صِدْقِيَّا لِإِرْمِيَا: «لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ بِهَذَا الْكَلَامِ، فَلَا تَمُوتَ. ۲۵ وَإِذَا سَمِعَ الرَّؤَسَاءُ أَنِّي كَلَّمْتُكَ، وَآتَوْا إِلَيْكَ وَقَالُوا لَكَ: أَخِيرْنَا بِمَاذَا كَلَّمْتَ الْمَلِكَ، لَا تُخَفِ عَنَّا فَلَا نَقْتُلَكَ، وَمَاذَا قَالَ لَكَ الْمَلِكُ. ۲۶ فَقُلْ لَهُمْ: إِنِّي أَلْقَيْتُ تَصْرُعِي أَمَامَ الْمَلِكِ حَتَّى لَا يَرُدَّنِي إِلَى بَيْتِ يُونَاثَانَ لَأَمُوتَ هُنَاكَ». ۲۷ فَآتَى كُلُّ الرَّؤَسَاءِ إِلَى إِرْمِيَا وَسَأَلُوهُ، فَأَخْبَرَهُمْ حَسَبَ كُلِّ هَذَا الْكَلَامِ الَّذِي أَوْصَاهُ بِهِ الْمَلِكُ. فَسَكَتُوا عَنْهُ لَأَنَّ الْأَمْرَ لَمْ يُسْمَعْ. ۲۸ فَأَقَامَ إِرْمِيَا فِي دَارِ السِّجْنِ إِلَى الْيَوْمِ الَّذِي أُخِذَتْ فِيهِ أُورُشَلِيمُ. وَلَمَّا أُخِذَتْ أُورُشَلِيمُ،

۲۴ آنگاه صدقی‌ا به ارمیا گفت: «احدی از این سخنان آگاه نشود، وگرنه خواهی مرد. ۲۵ اگر صاحب‌منصبان بشنوند که با تو سخن گفته‌ام، و نزدت آمده، تو را بگویند: «ما را از آنچه به پادشاه گفتی و آنچه پادشاه به تو گفت، آگاه ساز و چیزی از ما پنهان مدار تا تو را نکشیم،» ۲۶ آنگاه به ایشان بگو، «از پادشاه التماس کردم مرا به خانه یوناتان بازنگرداند، مبدا در آنجا بمیرم.» ۲۷ از قضا صاحب‌منصبان جملگی نزد ارمیا آمده، از او سؤال کردند، و او نیز مطابق هر آنچه پادشاه فرموده بود، بدیشان پاسخ گفت. پس ایشان از سخن گفتن با او دست کشیدند، زیرا هیچ کس گفتگوی او و پادشاه را نشنیده بود. ۲۸ باری، ارمیا تا روز تسخیر اورشلیم، در حیاط قزاولان بماند.

سفر ارمیا: الأصحاح التاسع والثلاثون * ۱:۳۹-۱۸

۱ في السَّنةِ التَّاسِعَةِ لَصِدْقِيَّا مَلِكِ يَهُودَا فِي الشَّهْرِ الْعَاشِرِ، أَتَى نَبُوخَذْرَاصْرُ مَلِكُ بَابِلَ وَكُلُّ جَيْشِهِ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَخَاصَرُوهَا. ۲ وَفِي السَّنةِ الْخَادِيَةِ عَشْرَةَ لَصِدْقِيَّا، فِي الشَّهْرِ الرَّابِعِ، فِي تَاسِعِ الشَّهْرِ فُتِحَتِ الْمَدِينَةُ. ۳ وَدَخَلَ كُلُّ رُؤَسَاءِ مَلِكِ بَابِلَ وَجَلَسُوا فِي الْبَابِ الْأَوْسَطِ: نَرْجَلُ شَرَاصِرَ، وَسَمَجَرْ نَبُو، وَسَرَسَخِيمُ رَئِيسُ الْخِصْيَانِ، وَنَرْجَلُ شَرَاصِرَ رَئِيسُ الْمَجُوسِ، وَكُلُّ بَقِيَّةِ رُؤَسَاءِ مَلِكِ بَابِلَ. ۴ فَلَمَّا رَأَاهُمْ صِدْقِيَّا مَلِكُ يَهُودَا وَكُلُّ رِجَالِ الْحَرْبِ، هَرَبُوا وَخَرَجُوا لَيْلًا مِنَ الْمَدِينَةِ فِي طَرِيقِ جَنَّةِ الْمَلِكِ، مِنَ الْبَابِ بَيْنَ السُّورَيْنِ، وَخَرَجَ هُوَ فِي طَرِيقِ الْعَرَبَةِ. ۵ فَسَعَى جَيْشُ الْكَلْدَانِيِّينَ وَرَأَاهُمْ، فَأَذْرَكُوا صِدْقِيَّا فِي عَرَبَاتِ أَرِيحَا، فَأَخَذُوهُ وَأَصْعَدُوهُ إِلَى نَبُوخَذْنِاصِرَ مَلِكِ بَابِلَ إِلَى رَبْلَةَ فِي أَرْضِ حَمَاةَ، فَكَلَّمَهُ بِالْقَضَاءِ عَلَيْهِ. ۶ فَقَتَلَ مَلِكُ بَابِلَ بَنِي صِدْقِيَّا فِي رَبْلَةَ أَمَامَ عَيْنَيْهِ، وَقَتَلَ مَلِكُ بَابِلَ كُلَّ أَشْرَافِ يَهُودَا. ۷ وَأَغْمَى عَيْنِي صِدْقِيَّا، وَقَيَّدَهُ بِسَلْسِلٍ نَحَاسٍ لِيَأْتِيَ بِهِ إِلَى بَابِلَ. ۸ أَمَّا بَيْتُ الْمَلِكِ وَبُيُوتُ الشَّعْبِ فَأَخْرَقَهَا الْكَلْدَانِيُّونَ بِالنَّارِ، وَنَقَضُوا أَسْوَارَ أُورُشَلِيمَ. ۹ وَبَقِيَّةُ الشَّعْبِ الَّذِينَ بَقُوا فِي الْمَدِينَةِ، وَالْهَارِبُونَ الَّذِينَ سَقَطُوا لَهُ، وَبَقِيَّةُ الشَّعْبِ الَّذِينَ بَقُوا، سَبَاهُمْ نَبُوَزَرَادَانُ رَئِيسُ الشَّرْطِ إِلَى بَابِلَ. ۱۰ وَلَكِنَّ بَعْضَ الشَّعْبِ الْفُقَرَاءَ الَّذِينَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شَيْءٌ، تَرَكَهُمْ نَبُوَزَرَادَانُ رَئِيسُ الشَّرْطِ فِي أَرْضِ يَهُودَا، وَأَعْطَاهُمْ كُرُومًا وَحَقُولًا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

۱ در دهمین ماه از نهمین سال صدقیا پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل با تمامی لشکر خویش بر اورشلیم برآمده، آن را محاصره کرد. ۲ آنها در نهمین روز ماه چهارم از یازدهمین سال صدقیا، به شهر رخنه کردند. ۳ آنگاه صاحبمنصبان پادشاه بابل جملگی آمده، نزد دروازه میانی بر مسند نشستند: نرجل شراصر و سمجربو، و سرسکیم رئیس خواجهسرایان، و نرجل شراصر رئیس مجوسیان، و سایر صاحبمنصبان پادشاه بابل. ۴ چون صدقیا پادشاه یهودا و تمامی سربازان این را دیدند، گریختند و در تاریکی شب از راه باغستان شاه، از دروازه‌ای که میان دو حصار بود، از شهر خارج شدند و به سوی عربّه رفتند. ۵ اما سپاه کلدانیان ایشان را تعقیب کردند و در دشتهای اریحا به صدقیا رسیدند و او را گرفته، به ربله در سرزمین حمات نزد نبوکدنصر پادشاه بابل آوردند، و او بر محکومیت وی حکم بداد. ۶ آنگاه پادشاه بابل پسران صدقیا را در برابر دیدگانش در ربله سلاخی کرد و همه نجیب‌زادگان یهودا را نیز از دم تیغ گذرانید. ۷ او چشمان صدقیا را از حدقه بیرون آورد، و او را به زنجیرها بسته، به بابل برد. ۸ کلدانیان کاخ سلطنتی و خانه‌های مردم را به آتش کشیدند و دیوارهای اورشلیم را ویران کردند. ۹ آنگاه نبوزردان، رئیس گارد سلطنتی، بقیه قوم را که در شهر باقی مانده بودند و آنان را که برای پیوستن به او بیرون رفته

بودند، با بقیه مردم به بابل به تبعید برد. ۱۰ اما نبوزردان، رئیس گارد سلطنتی، برخی مردمان بینوا را که چیزی نداشتند در سرزمین یهودا باقی گذاشت و در آن روز تاکستانها و مزارع به ایشان داد.

۱۱ وَأَوْصَى نَبُوخَذْرَاصُ مَلِكَ بَابِلَ عَلَى إِرْمِيَا نَبُوَزَرْدَانِ رَئِيسَ الشَّرْطِ قَائِلًا: ۱۲ «خُذْهُ وَضَعْ عَيْنَيْكَ عَلَيْهِ، وَلَا تَفْعَلْ بِهِ شَيْئًا رَدِيئًا، بَلْ كَمَا يُكَلِّمُكَ هَكَذَا افْعَلْ مَعَهُ». ۱۳ فَأَرْسَلَ نَبُوَزَرْدَانُ رَئِيسَ الشَّرْطِ وَنَبُوشَزْبَانَ رَئِيسَ الْخِصْيَانِ وَرَجُلَ شَرَاصِرِ رَئِيسِ الْمَجُوسِ وَكُلَّ رُؤَسَاءِ مَلِكِ بَابِلَ، ۱۴ أَرْسَلُوا فَأَخَذُوا إِرْمِيَا مِنْ دَارِ السِّجْنِ وَأَسْلَمُوهُ لِحَدَلْيَا بْنِ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ لِيُخْرِجَ بِهِ إِلَى الْبَيْتِ. فَسَكَنَ بَيْنَ الشَّعْبِ.

رهای ارمیا: ۱۱ و اما نبوکدنصر پادشاه بابل درباره ارمیا به نبوزردان، رئیس گارد سلطنتی چنین فرمان داد: ۱۲ «او را بگیر و به خوبی از وی مراقبت کن. هیچ آزاری به او مرسان، بلکه هر چه بگوید، برایش انجام ده.» ۱۳ پس نبوزردان رئیس گارد سلطنتی به اتفاق نبوشزبان رئیس خواجهسرایان و نرجل شراصر رئیس مجوسیان و همه دیگر بزرگان پادشاه بابل ۱۴ کسان فرستادند و ارمیا را از حیاط قراولان برگرفتند. و او را به جدلیا پسر اخیقام پسر شافان سپردند تا او را به خانه خود برد. پس او در میان مردم سکنی گزید.

۱۵ وَصَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا إِذْ كَانَ مَحْبُوسًا فِي دَارِ السِّجْنِ قَائِلَةً: ۱۶ «اَذْهَبْ وَكَلِّمْ عَبْدَ مَلِكِ الْكُوشِيِّ قَائِلًا: هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا جَالِبُ كَلَامِي عَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ لِلشَّرِّ لَا لِلْخَيْرِ، فَيَحْدُثُ أَمَامَكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. ۱۷ وَلَكِنِّي أَنْقِذُكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، يَقُولُ الرَّبُّ، فَلَا تُسَلِّمُ لِيَدِ النَّاسِ الَّذِينَ أَنْتَ خَائِفٌ مِنْهُمْ. ۱۸ بَلْ إِنَّمَا أَنْجِيكَ نَجَاةً، فَلَا تَسْقُطُ بِالسَّيْفِ، بَلْ تَكُونُ لَكَ نَفْسُكَ غَنِيمَةً، لِأَنَّكَ قَدْ تَوَكَّلْتَ عَلَيَّ، يَقُولُ الرَّبُّ».

۱۵ اما زمانی که ارمیا در حیاط قراولان محبوس بود، کلام خداوند بر او نازل شده، گفت: ۱۶ «برو و به عبدملک حبشی بگو، ”پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: اینک آنچه درباره این شهر گفته‌ام، با آوردن مصیبت و نه سعادت عملی می کنم، و اینها در برابر دیدگان تو در آن روز رخ خواهد داد. ۱۷ اما خداوند می گوید: من تو را در آن روز خواهم رهانید و تو به دست کسانی که از ایشان می هراسی، تسلیم نخواهی شد. ۱۸ آری، خداوند می گوید: یقین دار که تو را رهایی خواهم داد، و تو به شمشیر از پا در نخواهی آمد، بلکه از آن رو که بر من توکل داشته‌ای، جان خویش به غنیمت خواهی برد.»

سفر ارمیا: الأصحاح الأربعون * ۴۰:۱-۱۶

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ، بَعْدَ مَا أَرْسَلَهُ نَبُوزَرَدَانُ رَئِيسُ الشَّرْطِ مِنَ الرَّامَةِ، إِذْ أَخَذَهُ وَهُوَ مُقَيَّدٌ بِالسَّلَاسِلِ فِي وَسْطِ كُلِّ سَبْيِ أُورُشَلِيمَ وَيَهُودَا الَّذِينَ سُبُّوا إِلَى بَابِلَ. ۲ فَأَخَذَ رَئِيسُ الشَّرْطِ إِرْمِيَا وَقَالَ لَهُ: «إِنَّ الرَّبَّ إِلَهَكَ قَدْ تَكَلَّمَ بِهَذَا الشَّرِّ عَلَى هَذَا الْمَوْضِعِ. ۳ فَجَلَبَ الرَّبُّ وَفَعَلَ كَمَا تَكَلَّمَ، لِأَنَّكُمْ قَدْ أَخْطَأْتُمْ إِلَى الرَّبِّ وَلَمْ تَسْمَعُوا لِصَوْتِهِ، فَحَدَّثَ لَكُمْ هَذَا الْأَمْرُ. ۴ فَالآنَ هَآنَذَا أَخُذُكَ الْيَوْمَ مِنَ الْقِيُودِ الَّتِي عَلَى يَدِكَ. فَإِنْ حَسَنْ فِي عَيْنَيْكَ أَنْ تَأْتِيَ مَعِيَ إِلَى بَابِلَ فَتَعَالَ، فَأَجْعَلَ عَيْنِي عَلَيْكَ. وَإِنْ قُبْحٌ فِي عَيْنَيْكَ أَنْ تَأْتِيَ مَعِيَ إِلَى بَابِلَ فَامْتَنِعْ. أَنْظُرْ. كُلُّ الْأَرْضِ هِيَ أَمَامَكَ، فَحَيْثُمَا حَسَنْ وَكَانَ مُسْتَقِيمًا فِي عَيْنَيْكَ أَنْ تَنْطَلِقَ فَانْطَلِقْ إِلَى هُنَاكَ». ۵ وَإِذْ كَانَ لَمْ يَرْجِعْ بَعْدُ، قَالَ: «ارْجِعْ إِلَى جَدَلْيَا بْنِ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ الَّذِي أَقَامَهُ مَلِكُ بَابِلَ عَلَى مُدُنِ يَهُودَا، وَأَقِمْ عِنْدَهُ فِي وَسْطِ الشَّعْبِ، وَانْطَلِقْ إِلَى حَيْثُ كَانَ مُسْتَقِيمًا فِي عَيْنَيْكَ أَنْ تَنْطَلِقَ». وَأَعْطَاهُ رَئِيسُ الشَّرْطِ زَادًا وَهَدِيَّةً وَأَطْلَقَهُ. ۶ فَجَاءَ إِرْمِيَا إِلَى جَدَلْيَا بْنِ أَخِيْقَامَ إِلَى الْمِصْفَاةِ وَأَقَامَ عِنْدَهُ فِي وَسْطِ الشَّعْبِ الْبَاقِينَ فِي الْأَرْضِ.

۱ این است کلامی که از جانب خداوند به ارمیا رسید، پس از آنکه نبوزردان رئیس گارد سلطنتی او را در رامه رها کرد. نبوزردان او را در غل و زنجیر همراه با تمامی اسیران اورشلیم و یهودا که به بابل تبعید می شدند، به آنجا برده بود. ۲ رئیس گارد سلطنتی ارمیا را برگرفته، او را گفت: «یهوه خدایت این بلا را درباره این مکان اعلام فرموده بود. ۳ حال خداوند آن را عملی کرده و آنچه را که گفته بود، به انجام رسانده است. از آنجا که به خداوند گناه ورزیده و به کلام او گوش فرا نداده اید، این همه بر شما گذشته است. ۴ اینک من امروز تو را از زنجیرهایی که بر دستان توست، می رها کنم. اگر مایلی با من به بابل بیایی، بیا، و من از تو به نیکویی مراقبت خواهم کرد؛ ولی اگر مایل نیستی با من به بابل بیایی، نیا. بین، تمامی این سرزمین پیش روی توست؛ به هر کجا که تو را خوش و پسند آید، برو. ۵ اما اگر می مانی، نزد جدلیا پسر اخیقام پسر شافان بازگرد که پادشاه بابل وی را بر شهرهای یهودا نصب کرده است، و نزد او در میان مردم ساکن شو. یا به هر کجای دیگر که دلخواه توست، برو.» پس رئیس گارد سلطنتی به او توشه راه و هدیه داد، و رهاش کرد. ۶ ارمیا نیز به مصفه نزد جدلیا پسر اخیقام رفت و با او در میان مردمانی که در زمین باقی مانده بودند، سکونت گزید.

۷ فَلَمَّا سَمِعَ كُلُّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ الَّذِينَ فِي الْحَقْلِ هُمْ وَرَجَالُهُمْ أَنَّ مَلِكَ بَابِلَ قَدْ أَقَامَ جَدَلْيَا بْنَ أَخِيْقَامَ عَلَى الْأَرْضِ، وَأَنَّهُ وَكَّلَهُ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْأَطْفَالِ وَعَلَى فَقَرَاءِ الْأَرْضِ الَّذِينَ لَمْ يُسَبُّوا إِلَى بَابِلَ، ۸ أَتَى إِلَى جَدَلْيَا إِلَى الْمِصْفَاةِ: إِسْمَاعِيلُ بْنُ نَثْنِيَا، وَيُوحَنَّا ابْنُ قَارِيحَ، وَسَرَايَا بْنُ تَنْخُومَثَ، وَبَنُو عِيفَايَ النَّطُوفَاتِيِّ، وَيَزَنِّيَا ابْنُ الْمَعْكِي، هُمْ وَرَجَالُهُمْ. ۹ فَخَلَفَ لَهُمْ جَدَلْيَا بْنُ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ وَلِرَجَالِهِمْ قَائِلًا: «لَا تَخَافُوا مِنْ أَنْ تَخْدِمُوا الْكَلْدَانِيِّينَ. اُسْكُنُوا فِي الْأَرْضِ، وَاخْدُمُوا مَلِكَ بَابِلَ فَيُحَسِّنَ إِلَيْكُمْ. ۱۰ أَمَّا أَنَا فَهَآنَذَا

سَاكِنٌ فِي الْمِصْفَاةِ لِأَقْفَ أَمَامَ الْكَلْدَانِيِّينَ الَّذِينَ يَأْتُونَ إِلَيْنَا. أَمَّا أَنْتُمْ فَاجْمَعُوا خَمْرًا وَتَيْنًا وَزَيْتًا وَضَعُوا فِي أَوْعِيَّتِكُمْ، وَاسْكُنُوا فِي مَذْنُكُمُ الَّتِي أَخَذْتُمُوهَا».

کشته شدن جدلیا: ۷ چون تمامی سرداران سپاه که در صحرا بودند و مردانشان شنیدند که پادشاه بابل جدلیا پسر آخیا را بر آن سرزمین نصب کرده و مردان و زنان و کودکان، از فقیرترین مردمان آن دیار را که به تبعید بابل برده نشده بودند، به دست او سپرده است، ۸ به مصفه نزد جدلیا آمدند: اسماعیل پسر نتنیا، یوحانان و یوناتان پسران قاریح، سرایا پسر تحومت، پسران عفاى نطوفاتی و یزیا پسر معکایی، و مردانشان. ۹ جدلیا پسر آخیا را پسر شافان برای ایشان و افرادشان سوگند خورده، گفت: «از خدمت کردن به کلدانیان مهراسید؛ در این سرزمین ساکن شوید و پادشاه بابل را خدمت کنید، که سعادتمند خواهید بود. ۱۰ و اما من در مصفه خواهم ماند تا به نمایندگی از جانب شما به حضور کلدانیانی که نزد ما می آیند، بایستم. پس شما شراب و میوه های تابستانی و روغن گرد آورید و در ظروف خود ذخیره کنید و در شهرهایی که گرفته اید، ساکن شوید.»

۱۱ وَكَذَلِكَ كُلُّ الْيَهُودِ الَّذِينَ فِي مُوَابَ، وَبَيْنَ بَنِي عَمُّونَ، وَفِي أَدُومَ، وَالَّذِينَ فِي كُلِّ الْأَرْضِ، سَمِعُوا أَنَّ مَلِكَ بَابِلَ قَدْ جَعَلَ بَقِيَّةَ يَهُودَا، وَقَدْ أَقَامَ عَلَيْهِمْ جَدَلْيَا بْنُ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ، ۱۲ فَرَجَعَ كُلُّ الْيَهُودِ مِنْ كُلِّ الْمَوَاضِعِ الَّتِي طُوحُوا إِلَيْهَا وَأَتَوْا إِلَى أَرْضِ يَهُودَا، إِلَى جَدَلْيَا، إِلَى الْمِصْفَاةِ، وَجَمَعُوا خَمْرًا وَتَيْنًا كَثِيرًا جِدًّا. ۱۳ ثُمَّ إِنَّ يُوْحَانَانَ بْنَ قَارِيحَ وَكُلَّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ الَّذِينَ فِي الْحَقْلِ أَتَوْا إِلَى جَدَلْيَا إِلَى الْمِصْفَاةِ، ۱۴ وَقَالُوا لَهُ: «أَتَعْلَمُ عَلَمَاً أَنَّ بَعْلِيْسَ مَلِكَ بَنِي عَمُّونَ قَدْ أَرْسَلَ إِسْمَاعِيْلَ بْنَ نَثْنِيَا لِيَقْتُلَكَ؟» فَلَمْ يُصَدِّقْهُمْ جَدَلْيَا بْنُ أَخِيْقَامَ. ۱۵ فَكَلَّمَ يُوْحَانَانُ بْنُ قَارِيحَ جَدَلْيَا سِرًّا فِي الْمِصْفَاةِ قَائِلًا: «دَعْنِي أَنْطَلِقَ وَأَضْرِبَ إِسْمَاعِيْلَ بْنَ نَثْنِيَا وَلَا يَعْلَمُ إِنْسَانٌ. لِمَاذَا يَقْتُلُكَ فَيَتَبَدَّدَ كُلُّ يَهُودَا الْمُجْتَمِعِ إِلَيْكَ، وَتَهْلِكَ بَقِيَّةُ يَهُودَا؟» ۱۶ فَقَالَ جَدَلْيَا بْنُ أَخِيْقَامَ لِيُوْحَانَانَ بْنِ قَارِيحَ: «لَا تَفْعَلْ هَذَا الْأَمْرَ، لَأَنَّكَ إِنَّمَا تَتَكَلَّمُ بِالْكَذِبِ عَنِ إِسْمَاعِيْلَ».

۱۱ چون تمامی یهودیانی که در موآب و در میان عمونیان و در آدوم و دیگر ولایات بودند، شنیدند که پادشاه بابل شماری را در یهودا باقی گذاشته و جدلیا پسر آخیا را پسر شافان را بر ایشان نصب کرده است، ۱۲ همگی از هر مکانی که در آن پراکنده شده بودند، به سرزمین یهودا و نزد جدلیا در مصفه بازگشتند و شراب و میوه های تابستانی بسیار زیاد گرد آوردند. ۱۳ و اما یوحانان پسر قاریح و تمامی سرداران سپاه که در صحرا بودند، به مصفه نزد جدلیا آمدند ۱۴ و او را گفتند: «آیا می دانی که بعلیس پادشاه بنی عمون، اسماعیل پسر نتنیا را فرستاده تا تو را بکشد؟» اما جدلیا پسر آخیا سخنان ایشان را باور نکرد. ۱۵ آنگاه یوحانان پسر قاریح، پنهانی در مصفه به جدلیا گفت: «تو اینک اجازه دهی تا بروم و اسماعیل پسر نتنیا را بکشم، و کسی آگاه نخواهد شد. چرا او جان تو را بستاند و مردمان یهودا که جملگی

نزد تو گرد آمده‌اند، پراکنده شوند و باقیماندگان یهودا نابود گردند؟» ۱۶ اما جدکيا پسر اخيقام به يوحانان پسر قاريح پاسخ داده، گفت: «این کار را ممکن، زیرا سخت درباره اسماعيل دروغ است.»

سفر ارميا: الأصحاح الحادي والأربعون * ۴۱:۱-۱۸

۱ وَكَانَ فِي الشَّهْرِ السَّابِعِ، أَنَّ إِسْمَاعِيلَ بْنَ نَثْنِيَا بْنِ أَلِيشَامَاعَ، مِنَ النَّسْلِ الْمُلُوكِيِّ، جَاءَ هُوَ وَعُظْمَاءُ الْمَلِكِ وَعَشْرَةُ رِجَالٍ مَعَهُ إِلَى جَدَلْيَا بْنِ أَخِيْقَامَ إِلَى الْمِصْفَاةِ، وَكُلُّوا هُنَاكَ خُبْزًا مَعًا فِي الْمِصْفَاةِ. ۲ فَقَامَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ نَثْنِيَا وَالْعَشْرَةُ الرِّجَالِ الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُ وَضَرَبُوا جَدَلْيَا بْنَ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ بِالسَّيْفِ فَقَتَلُوهُ، هَذَا الَّذِي أَقَامَهُ مَلِكُ بَابِلَ عَلَى الْأَرْضِ. ۳ وَكُلُّ الْيَهُودِ الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُ، أَيَّ مَعَ جَدَلْيَا، فِي الْمِصْفَاةِ وَالْكَلْدَانِيُّونَ الَّذِينَ وَجِدُوا هُنَاكَ، وَرِجَالُ الْحَرْبِ، ضَرَبَهُمْ إِسْمَاعِيلُ. ۴ وَكَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي بَعْدَ قَتْلِهِ جَدَلْيَا وَلَمْ يَعْلَمْ إِنْسَانٌ، ۵ أَنَّ رَجُلًا أَتَوْا مِنْ شَكِيمَ وَمِنْ شَيْلُو وَمِنْ السَّامِرَةِ، ثَمَانِينَ رَجُلًا مَخْلُوقِي اللَّحْيِ وَمُشَقَّقِي الثِّيَابِ وَمُخَمَّشِينَ، وَبِيَدِهِمْ تَقْدِيمَةٌ وَلُبَانٌ لِيُدْخِلُوهُمَا إِلَى بَيْتِ الرَّبِّ. ۶ فَخَرَجَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ نَثْنِيَا لِلِقَائِهِمْ مِنَ الْمِصْفَاةِ سَائِرًا وَبَاكِيًا. فَكَانَ لَمَّا لَقِيَهُمْ أَنَّهُ قَالَ لَهُمْ: «هَلُمُّوا إِلَيَّ جَدَلْيَا بْنَ أَخِيْقَامَ». ۷ فَكَانَ لَمَّا أَتَوْا إِلَى وَسْطِ الْمَدِينَةِ، أَنَّ إِسْمَاعِيلَ بْنَ نَثْنِيَا قَتَلَهُمْ وَأَلْقَاهُمْ إِلَى وَسْطِ الْجُبِّ، هُوَ وَالرِّجَالُ الَّذِينَ مَعَهُ. ۸ وَلَكِنْ وَجَدَ فِيهِمْ عَشْرَةَ رِجَالٍ قَالُوا لِإِسْمَاعِيلَ: «لَا تَقْتُلْنَا لَأَنَّهُ يُوجَدُ لَنَا خَزَائِنٌ فِي الْحَقْلِ: قَمْحٌ وَشَعِيرٌ وَزَيْتٌ وَعَسَلٌ». فَامْتَنَعَ وَلَمْ يَقْتُلْهُمْ بَيْنَ إِخْوَتِهِمْ. ۹ فَالْجُبُّ الَّذِي طَرَحَ فِيهِ إِسْمَاعِيلُ كُلَّ جُثَثِ الرِّجَالِ الَّذِينَ قَتَلَهُمْ بِسَبَبِ جَدَلْيَا، هُوَ الَّذِي صَنَعَهُ الْمَلِكُ آسَا مِنْ وَجْهِ بَغْشَا مَلِكِ إِسْرَائِيلَ. فَلَمَّا هُؤْلِيَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ نَثْنِيَا مِنَ الْقَتْلِ. ۱۰ فَسَبَى إِسْمَاعِيلُ كُلَّ بَقِيَّةِ الشَّعْبِ الَّذِينَ فِي الْمِصْفَاةِ، بَنَاتِ الْمَلِكِ وَكُلَّ الشَّعْبِ الَّذِي بَقِيَ فِي الْمِصْفَاةِ، الَّذِينَ أَقَامَ عَلَيْهِمْ نَبُوزَرَادَانُ رَئِيسُ الشَّرْطِ جَدَلْيَا بْنَ أَخِيْقَامَ، سَبَاهُمْ إِسْمَاعِيلُ بْنُ نَثْنِيَا وَذَهَبَ لِيُعْبَرَ إِلَى بَنِي عَمُّونَ.

۱ در ماه هفتم، اسماعيل پسر نثنيا پسر ايشماع كه از خاندان سلطنتي و يكي از سرداران پادشاه بود، به همراه ده مرد ديگر به مصفه نزد جدكيا پسر اخيقام آمد. همچنان كه آنان با يكديگر به نان خوردن مشغول بودند، ۲ اسماعيل پسر نثنيا و آن ده كه همراهش بودند، برخاستند و جدكيا پسر اخيقام پسر شافان را كه پادشاه بابل به فرمانداري آن ديار برگماشته بود، به ضرب شمشير به قتل رساندند. ۳ اسماعيل همچنين تمامي يهودياني را كه با جدكيا در مصفه بودند و نيز سربازان كلداني را كه از قضا در آنجا حضور داشتند، كشت. ۴ روز بعد از كشته شدن جدكيا، پيش از آنكه كسي از اين امر آگاه شود، ۵ هشتاد تن با ريش تراشيده و جامه دريده و تن خراشيده از شكيم، شيلوه و سامره رسيدند، در حالي كه هدايايي از غله و بخور به همراه داشتند تا در خانه خداوند تقديم كنند. ۶ اسماعيل پسر نثنيا از مصفه به استقبال ايشان بيرون رفت و در راه مي گريست. چون بدیشان رسيد، گفت: «نزد جدكيا پسر اخيقام بياييد.» ۷ چون به شهر در آمدند،

اسماعیل پسر نتنیا و مردانش ایشان را کشتند و اجسادشان را به گودالی افکندند. ۸ اما در میان ایشان ده تن یافت شدند که به اسماعیل گفتند: «ما را نکش، زیرا ذخیره‌ای از گندم و جو و روغن و عسل در صحرا پنهان داشته‌ایم.» پس آنها را وا گذاشت و با همراهانشان نکشت. ۹ و اما آب‌انباری که اسماعیل اجساد همه کسانی را که با جدکلیا کشته بود بدان افکند، همان آب‌انبار بزرگی بود که آسای پادشاه برای مقابله با بعشا پادشاه اسرائیل ساخته بود. بدین‌سان، اسماعیل پسر نتنیا آن آب‌انبار را از اجساد کشتگان پر ساخت. ۱۰ اسماعیل سپس مابقی مردم را که در مصفّه بودند با دختران پادشاه و همه کسانی که نبوزردان رئیس گارد سلطنتی به جدکلیا پسر اخیقام سپرده بود و در نتیجه در مصفّه مانده بودند، به اسیری گرفت. پس اسماعیل پسر نتنیا ایشان را اسیر ساخته، روانه شد تا به نزد عمّونیان عبور کند.

۱۱ فَلَمَّا سَمِعَ يُوحَنَّا بْنُ قَارِيحَ وَكُلُّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ الَّذِينَ مَعَهُ بِكُلِّ الشَّرِّ الَّذِي فَعَلَهُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ نَتْنِيَا،
 ۱۲ أَخَذُوا كُلَّ الرَّجَالِ وَسَارُوا لِيُخَارِبُوا إِسْمَاعِيلَ بْنَ نَتْنِيَا، فَوَجَدُوهُ عِنْدَ الْمِيَاهِ الْكَثِيرَةِ الَّتِي فِي جَبْعُونَ. ۱۳
 وَلَمَّا رَأَى كُلُّ الشَّعْبِ الَّذِي مَعَ إِسْمَاعِيلَ يُوحَنَّا بْنَ قَارِيحَ وَكُلُّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ الَّذِينَ مَعَهُمْ فَرَحُوا. ۱۴
 فَدَارَ كُلُّ الشَّعْبِ الَّذِي سَبَاهُ إِسْمَاعِيلُ مِنَ الْمُصَفَّاءِ، وَرَجَعُوا وَسَارُوا إِلَى يُوحَنَّا بْنِ قَارِيحَ. ۱۵ أَمَّا إِسْمَاعِيلُ
 بْنُ نَتْنِيَا فَهَرَبَ بِثَمَانِيَةِ رِجَالٍ مِنْ وَجْهِ يُوحَنَّا وَسَارَ إِلَى بَنِي عَمُّونَ. ۱۶ فَأَخَذَ يُوحَنَّا بْنُ قَارِيحَ وَكُلُّ رُؤَسَاءِ
 الْجِيُوشِ الَّذِينَ مَعَهُ، كُلَّ بَقِيَّةِ الشَّعْبِ الَّذِينَ اسْتَرَدَّوْهُمْ مِنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ نَتْنِيَا مِنَ الْمُصَفَّاءِ، بَعْدَ قَتْلِ جَدَلْيَا بْنِ
 أَخِيْقَامَ، رِجَالَ الْحَرْبِ الْمُتَقَدِّرِينَ وَالنِّسَاءَ وَالْأَطْفَالَ وَالْخَصِيَّانَ الَّذِينَ اسْتَرَدَّوْهُمْ مِنْ جَبْعُونَ. ۱۷ فَسَارُوا وَأَقَامُوا
 فِي جِيْرُوتَ كِمَهَامَ الَّتِي بِجَانِبِ بَيْتِ لَحْمٍ، لِيَسِيرُوا وَيَدْخُلُوا مِصْرَ ۱۸ مِنْ وَجْهِ الْكَلْدَانِيِّينَ لِأَنَّهُمْ كَانُوا خَائِفِينَ
 مِنْهُمْ، لِأَنَّ إِسْمَاعِيلَ بْنَ نَتْنِيَا كَانَ قَدْ ضَرَبَ جَدَلْيَا بْنَ أَخِيْقَامَ الَّذِي أَقَامَهُ مَلِكُ بَابِلَ عَلَى الْأَرْضِ.

۱۱ وقتی یوحانان پسر قاریح و تمامی سرداران سپاه که همراه وی بودند، درباره تمامی جنایاتی که اسماعیل پسر نتنیا مرتکب شده بود شنیدند، ۱۲ تمامی مردان خود را گرد آورده، به جنگ با اسماعیل پسر نتنیا رفتند، و در نزدیکی دریاچه‌ای بزرگ واقع در جبعون به او رسیدند. ۱۳ چون کسانی که با اسماعیل بودند یوحانان پسر قاریح و سرداران سپاه را همراه وی دیدند، جملگی شادمان شدند. ۱۴ و همه کسانی که اسماعیل از مصفّه به اسیری گرفته بود، بازگشته، نزد یوحانان پسر قاریح آمدند. ۱۵ اما اسماعیل پسر نتنیا به اتفاق هشت تن از مردانش از جنگ یوحانان گریختند و نزد عمّونیان رفتند. ۱۶ آنگاه یوحانان پسر قاریح و تمامی سرداران سپاه که همراه او بودند، باقیمانده مصفّه را که او از اسماعیل پسر نتنیا بازپس گرفته بود با خود بردند، یعنی همان کسان را که اسماعیل پس از کشتن جدکلیا پسر اخیقام به اسیری گرفته بود. پس یوحانان مردان جنگاور و زنان و کودکان و مقامات درباری را از جبعون بازآورد، ۱۷ و آنها رفته، در جیروت کهمام واقع در نزدیکی بیت لحم ماندند تا از آنجا راهی مصر شوند، ۱۸ زیرا که از

کلدانیان در هراس بودند، از آن رو که اسماعیل پسر نتنیا، جدکیا پسر اخیقام را که پادشاه بابل او را به فرمانداری آن دیار برگماشته بود، به قتل رسانیده بود.

سفر ارمیا: الأصحاح الثانی والأربعون * ۴۲:۱-۲۲

۱ فَقَدَّمَ كُلُّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ وَيُوحَنَّا بْنِ قَارِيحَ، وَيَزَنِيَا بْنُ هُوشَعْيَا، وَكُلُّ الشَّعْبِ مِنَ الصَّغِيرِ إِلَى الْكَبِيرِ، ۲ وَقَالُوا لِإِرْمِيَا النَّبِيِّ: «لَيْتَ تَصْرَعَنَا يَقَعُ أَمَامَكَ، فَتُصَلِّيَ لَأَجْلِنَا إِلَى الرَّبِّ إِلَهِكَ لِأَجْلِ كُلِّ هَذِهِ الْبَقِيَّةِ. لَأَنَّنَا قَدْ بَقِينَا قَلِيلِينَ مِنْ كَثِيرِينَ كَمَا تَرَانَا عَيْنَاكَ. ۳ فَيُخْبِرُنَا الرَّبُّ إِلَهَكَ عَنِ الطَّرِيقِ الَّذِي نَسِيرُ فِيهِ، وَالْأَمْرَ الَّذِي نَفْعَلُهُ». ۴ فَقَالَ لَهُمْ إِرْمِيَا النَّبِيُّ: «قَدْ سَمِعْتُ. هَانَذَا أَصَلِّي إِلَى الرَّبِّ إِلَهِكُمْ كَقَوْلِكُمْ، وَيَكُونُ أَنَّ كُلَّ الْكَلَامِ الَّذِي يُجِيبُكُمُ الرَّبُّ أَخْبِرْكُمْ بِهِ. لَا أَمْنَعُ عَنْكُمْ شَيْئًا». ۵ فَقَالُوا لَهُمْ لِإِرْمِيَا: «لِيَكُنِ الرَّبُّ بَيْنَنَا شَاهِدًا صَادِقًا وَآمِينَ إِنَّا نَفْعَلُ حَسَبَ كُلِّ أَمْرٍ يُرْسِلُكَ بِهِ الرَّبُّ إِلَهُكُمَا إِلَيْنَا، ۶ إِنْ خَيْرًا وَإِنْ شَرًّا. فَإِنَّا نَسْمَعُ لَصَوْتِ الرَّبِّ إِلَهِكَ الَّذِي نَحْنُ مُرْسَلُونَ إِلَيْهِ لِيُحْسِنَ إِلَيْنَا إِذَا سَمِعْنَا لَصَوْتِ الرَّبِّ إِلَهِنَا».

۱ آنگاه تمامی سرداران سپاه همراه با یوحانان پسر قاریح و یزنیا پسر هوشعیا، و تمامی مردم از کوچک و بزرگ پیش آمدند ۲ و به ارمیا نبی گفتند: «تما اینکه التماس ما را بشنوی و نزد یهوه خدایت برای همه ما باقیماندهگان قوم دعا کنی، زیرا چنانکه می بینی، از آن قوم بزرگ تنها این شمار اندک باقی مانده ایم. ۳ باشد که یهوه خدایت راهی را که باید برویم و کاری را که باید بکنیم، به ما بنمایاند.» ۴ ارمیا نبی پاسخ داده، گفت: «شنیدم. اینک طبق درخواستان به حضور یهوه خدایتان دعا خواهم کرد، و هر آنچه یهوه در پاسخ شما بگوید، به شما خواهم گفت و چیزی از شما باز نخواهم داشت.» ۵ ایشان نیز به ارمیا گفتند: «خداوند بر ضد ما شاهد راست و امین باشد اگر مطابق تمامی کلامی که یهوه خدایت به واسطه تو نزد ما بفرستد، عمل نکنیم. ۶ چه نیک باشد چه بد، کلام یهوه خدای خود را که تو را نزد او می فرستیم اطاعت خواهیم کرد، تا با اطاعت از کلام یهوه خدای خود، روی سعادت ببینیم.»

۷ وَكَانَ بَعْدَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ أَنَّ كَلِمَةَ الرَّبِّ صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا. ۸ فَدَعَا يُوحَنَّا بْنَ قَارِيحَ وَكُلَّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ الَّذِينَ مَعَهُ، وَكُلَّ الشَّعْبِ مِنَ الصَّغِيرِ إِلَى الْكَبِيرِ، ۹ وَقَالَ لَهُمْ: «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ الَّذِي أُرْسَلْتُمُونِي إِلَيْهِ لِكَيْ أَلْقِيَ تَصْرَعَكُمْ أَمَامَهُ: ۱۰ إِنْ كُنْتُمْ تَسْكُنُونَ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ، فَإِنِّي أَبْنِيَكُمْ وَلَا أَنْقُضُكُمْ، وَأَغْرِسُكُمْ وَلَا أَقْتُلُكُمْ. لَأَنِّي نَدِمْتُ عَنِ الشَّرِّ الَّذِي صَنَعْتُهُ بِكُمْ. ۱۱ لَا تَخَافُوا مَلِكَ بَابِلَ الَّذِي أَنْتُمْ خَائِفُوهُ. لَا تَخَافُوهُ، يَقُولُ الرَّبُّ، لَأَنِّي أَنَا مَعَكُمْ لِأَخْلَصَكُمْ وَأُنْقِذَكُمْ مِنْ يَدِهِ. ۱۲ وَأُعْطِيَكُمْ نِعْمَةً، فَيَرْحَمُكُمْ وَيَرُدُّكُمْ إِلَى أَرْضِكُمْ. ۱۳ «وَإِنْ قُلْتُمْ: لَا نَسْكُنُ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ. وَلَمْ تَسْمَعُوا لَصَوْتِ الرَّبِّ إِلَهِكُمْ، ۱۴ قَائِلِينَ: لَا بَلْ إِلَى أَرْضِ مِصْرَ نَذْهَبُ، حَيْثُ لَا نَرَى حَرْبًا، وَلَا نَسْمَعُ صَوْتَ بُوقٍ، وَلَا نَجُوعَ لِلْخُبْزِ، وَهَنَّاكَ نَسْكُنُ».

۷ پس از گذشت ده روز، کلام خداوند بر ارمیا نازل شد. ۸ پس ارمیا، یوحانان پسر قاریح و همه سرداران سپاه را که همراهش بودند و نیز تمامی مردم را از کوچک و بزرگ به حضور فرا خوانده، ۹ بدیشان گفت: «یهوه خدای اسرائیل، همان که مرا نزد او فرستادید تا مسئلت شما را به حضورش برسانم، چنین می‌فرماید: ۱۰ اگر در این سرزمین بمانید، شما را بنا کرده، ویران نخواهم ساخت، و غرس کرده، ریشه کن نخواهم نمود، زیرا از مصیبتی که به شما رسانیدم، برگشته‌ام. ۱۱ از پادشاه بابل که از او بیم دارید، مهراسید؛ از او ترسان مباشید، زیرا خداوند می‌گوید من با شما هستم تا شما را از چنگ او رها کرده، نجات بخشم. ۱۲ بر شما رحمت خواهم کرد تا او نیز بر شما رحمت کند و شما را به سرزمینتان بازگرداند. ۱۳ اما اگر بگویید: «در این سرزمین نمی‌مانیم،» و بدین گونه از کلام یهوه خدایتان سرپیچی کنید ۱۴ و بگویید: «نه، به سرزمین مصر خواهیم رفت، جایی که جنگ نخواهیم دید و صدای گرنا نخواهیم شنید و گرسنه نان نخواهیم بود، و در آنجا مسکن خواهیم گزید،»

۱۵ فَالآنَ لِذَلِكَ اسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا بَقِيَّةَ يَهُوذَا، هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: إِنْ كُنْتُمْ تَجْعَلُونَ
وُجُوهَكُمْ لِلدُّخُولِ إِلَى مِصْرَ، وَتَذْهَبُونَ لِتَتَغَرَّبُوا هُنَاكَ، ۱۶ يَحْدُثُ أَنَّ السَّيْفَ الَّذِي أَنْتُمْ خَائِفُونَ مِنْهُ يُدْرِكُكُمْ
هُنَاكَ فِي أَرْضِ مِصْرَ، وَالْجُوعَ الَّذِي أَنْتُمْ خَائِفُونَ مِنْهُ يَحْقُقُكُمْ هُنَاكَ فِي مِصْرَ، فَتَمُوتُونَ هُنَاكَ. ۱۷ وَيَكُونُ
أَنَّ كُلَّ الرِّجَالِ الَّذِينَ جَعَلُوا وُجُوهَهُمْ لِلدُّخُولِ إِلَى مِصْرَ لِيَتَغَرَّبُوا هُنَاكَ، يَمُوتُونَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ، وَلَا
يَكُونُ مِنْهُمْ بَاقٍ وَلَا نَاجٍ مِنَ الشَّرِّ الَّذِي أَجْلَبْتُهُ أَنَا عَلَيْهِمْ. ۱۸ لِأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: كَمَا
انْسَكَبَ غَضَبِي وَغَيْظِي عَلَى سَكَّانِ أُورُشَلِيمَ، هَكَذَا يَنْسَكِبُ غَيْظِي عَلَيْكُمْ عِنْدَ دُخُولِكُمْ إِلَى مِصْرَ، فَتَصِيرُونَ
خَلْفًا وَدَهْشًا وَلَعْنَةً وَغَارًا، وَلَا تَرَوْنَ بَعْدَ هَذَا الْمَوْضِعِ». ۱۹ «قَدْ تَكَلَّمَ الرَّبُّ عَلَيْكُمْ يَا بَقِيَّةَ يَهُوذَا: لَا تَدْخُلُوا
مِصْرَ. اغْلَمُوا عِلْمًا أَنِّي قَدْ أَنْذَرْتُكُمْ الْيَوْمَ. ۲۰ لِأَنَّكُمْ قَدْ خَدَعْتُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ أَرْسَلْتُمُونِي إِلَى الرَّبِّ إِلَهِكُمْ قَائِلِينَ:
صَلِّ لَأَجْلِنَا إِلَى الرَّبِّ إِلَهِنَا، وَحَسَبَ كُلِّ مَا يَقُولُهُ الرَّبُّ إِلَهِنَا هَكَذَا أَخْبَرْنَا فَنَفْعَلَ. ۲۱ فَقَدْ أَخْبَرْتُكُمْ الْيَوْمَ فَلَمْ
تَسْمَعُوا لَصَوْتِ الرَّبِّ إِلَهِكُمْ، وَلَا لِشَيْءٍ مِمَّا أَرْسَلَنِي بِهِ إِلَيْكُمْ. ۲۲ فَالآنَ اغْلَمُوا عِلْمًا أَنَّكُمْ تَمُوتُونَ بِالسَّيْفِ
وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي ابْتَغَيْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوهُ لِتَتَغَرَّبُوا فِيهِ».

۱۵ پس ای باقیماندگان یهودا، به کلام خداوند گوش فرا دهید. پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: اگر بر رفتن به مصر پا فشارید و بدان‌جا رفته، در آن سرزمین مسکن گزینید، ۱۶ آنگاه شمشیری که از آن می‌ترسید، آنجا در سرزمین مصر به شما خواهد رسید و قحطی‌ای که از آن بیم دارید تا آنجا از پی شما خواهد آمد، و در آنجا خواهید مرد. ۱۷ آری، تمامی آنان که عزم رفتن به مصر و سکونت در آنجا دارند، به شمشیر و قحطی و طاعون خواهند مرد. حتی یکی از ایشان نیز از بلایی که بر ایشان نازل می‌کنم، باقی نخواهد ماند و جان به در نخواهد برد. ۱۸ زیرا پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل

چنین می فرماید: همان گونه که خشم و غضب من بر ساکنان اورشلیم فرو ریخت، بر شما نیز چون به مصر در آید، غضب من فرو خواهد ریخت. شما به نفرین و وحشت و لعنت و تمسخر دچار خواهید شد، و این مکان را دیگر نخواهید دید. ۱۹ ای باقیماندگان یهودا، خداوند به شما گفته است: «به مصر نروید!» این را یقین دانید: من امروز به شما هشدار می دهم ۲۰ که اشتباه مهلکی مرتکب شدید که مرا نزد یهوه خدایتان فرستاده، گفتید: «نزد یهوه خدایمان برای ما دعا کن، و ما را از هر آنچه یهوه خدایمان فرماید آگاه ساز، که آن را به عمل خواهیم آورد.» ۲۱ من امروز شما را آگاه ساختم، اما شما سخن یهوه خدایتان را در مورد هیچ یک از چیزهایی که مرا نزد شما فرستاد تا به شما بگویم، نشنیدید. ۲۲ پس حال، یقین بدانید که شما در مکانی که می خواهید بروید و در آن زندگی کنید، به شمشیر و قحطی و طاعون خواهید مرد.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الثَّالِثُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۳-۱۳

۱ وَكَانَ لَمَّا فَرَغَ إِرْمِيَا مِنْ أَنْ كَلَّمَ كُلَّ الشَّعْبِ بِكُلِّ كَلَامِ الرَّبِّ إِلَيْهِمْ، الَّذِي أَرْسَلَهُ الرَّبُّ إِلَيْهِمْ، أَنْ عَزَرِيَّا بْنُ هُوشَعْيَا وَيُوحَنَّا بْنُ قَارِيحَ، وَكُلَّ الرِّجَالِ الْمُتَكَبِّرِينَ كَلَّمُوا إِرْمِيَا قَائِلِينَ: «أَنْتَ مُتَكَلِّمٌ بِالْكَذِبِ! لَمْ يُرْسِلَكَ الرَّبُّ إِلَيْنَا لِنَقُولَ: لَا تَذْهَبُوا إِلَى مِصْرَ لَتَتَعَرَّبُوا هُنَاكَ. ۳ بَلْ بَارُوخُ بْنُ نِيرِيَّا مُهَيِّجُكَ عَلَيْنَا لِنَدْفَعَنَّ لِيَدِ الْكَلْدَانِيِّينَ لِيَقْتُلُونَا، وَلِيَسْبُونَا إِلَى بَابِلَ». ۴ فَلَمْ يَسْمَعْ يُوحَنَّا بْنُ قَارِيحَ وَكُلُّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ وَكُلُّ الشَّعْبِ لِسَوْتِ الرَّبِّ بِالْإِقَامَةِ فِي أَرْضِ يَهُودَا، ۵ بَلْ أَخَذَ يُوحَنَّا بْنُ قَارِيحَ وَكُلُّ رُؤَسَاءِ الْجِيُوشِ، كُلَّ بَقِيَّةِ يَهُودَا الَّذِينَ رَجَعُوا مِنْ كُلِّ الْأُمَمِ الَّذِينَ طَوَّحُوا إِلَيْهِمْ لِيَتَعَرَّبُوا فِي أَرْضِ يَهُودَا، ۶ الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ وَالْأَطْفَالُ وَبَنَاتُ الْمَلِكِ، وَكُلُّ الْأَنْفُسِ الَّذِينَ تَرَكَهُمْ نُبُورَزَادَانُ رَئِيسُ الشَّرْطِ، مَعَ جَدَلْيَا بْنِ أَخِيْقَامَ بْنِ شَافَانَ، وَإِرْمِيَا النَّبِيِّ وَبَارُوخُ بْنُ نِيرِيَّا، ۷ فَجَاءُوا إِلَى أَرْضِ مِصْرَ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا لِسَوْتِ الرَّبِّ وَأَتَوْا إِلَى تَخْفَنْحِيسَ.

۱ چون ارمیا از گفتن هر آنچه یهوه خدای ایشان فرموده بود تا او به مردم بازگوید، فارغ شد، یعنی از گفتن تمامی آن کلام که یهوه خدای ایشان ارمیا را برای بیان آنها نزد مردم فرستاده بود، ۲ آنگاه عزریا پسر هوشعیا و یوحانان پسر قاریح و تمامی مردان متکبر به ارمیا گفتند: «تو دروغ می گویی! یهوه خدای ما تو را نفرستاده تا بگویی: «به مصر نروید و در آنجا زندگی نکنید.» ۳ بلکه باروک پسر نیریا تو را بر ضد ما برانگیخته است تا ما را به دست کلدانیان تسلیم کنی، و آنان ما را بکشند و یا به بابل به تبعید برند.» ۴ پس یوحانان پسر قاریح و همه سرداران سپاه و تمامی قوم، از اطاعت کلام خداوند مبنی بر ماندن در سرزمین یهودا، سر باز زدند. ۵ یوحانان پسر قاریح و تمامی سرداران سپاه، باقیماندگان یهودا را با خود بردند، یعنی آنان را که از همه ممالکی که بدان رانده شده بودند بازگشته بودند تا در سرزمین یهودا ساکن شوند: ۶ مردان و زنان و کودکان و دختران پادشاه را، و هر آن کس را که نبوزردان رئیس گارد سلطنتی

به جدکیا پسر آخیاام پسر شافان سپرده بود، و نیز ارمیای نبی و باروک پسر نیریا را. ۷ باری، آنان به سرزمین مصر درآمدند، زیرا از کلام خداوند اطاعت نکردند، و به تحفنجیس رسیدند.

۸ ثُمَّ صَارَتْ كَلِمَةُ الرَّبِّ إِلَى إِرْمِيَا فِي تَحْفَنْجِيسَ قَائِلَةً: ۹ «خُذْ بِيَدِكَ حِجَارَةً كَبِيرَةً وَاطْمُرْهَا فِي الْمَلَاطِ، فِي الْمَلِينِ الَّذِي عِنْدَ بَابِ بَيْتِ فِرْعَوْنَ فِي تَحْفَنْجِيسَ أَمَامَ رِجَالِ يَهُودٍ. ۱۰ وَقُلْ لَهُمْ: هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا أُرْسِلُ وَأَخْذُ نُبُوخَذْرَاصَرَ مَلِكَ بَابِلَ عَبْدِي، وَأَضَعُ كُرْسِيِّهُ فَوْقَ هَذِهِ الْحِجَارَةِ الَّتِي طَمَرْتُهَا فَيُثَبِّطُ دِيْبَاجَهُ عَلَيْهَا. ۱۱ وَبِأْتِي وَيَضْرِبُ أَرْضَ مِصْرَ، الَّذِي لِمَوْتِ فَلَمُوتِ، وَالَّذِي لِلْسَّبْيِ فَلِلْسَبْيِ، وَالَّذِي لِلْسَيْفِ فَلِلْسَيْفِ. ۱۲ وَأَوْقِدْ نَارًا فِي بُيُوتِ آلِهَةِ مِصْرَ فَيُحْرِقُهَا وَيَسْبِيهَا، وَيَلْبَسُ أَرْضَ مِصْرَ كَمَا يَلْبَسُ الرَّاعِي رِدَاءَهُ، ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ هُنَاكَ بِسَلَامٍ. ۱۳ وَيَكْسِرُ أَنْصَابَ بَيْتِ شَمْسِ الَّتِي فِي أَرْضِ مِصْرَ، وَيُحْرِقُ بُيُوتَ آلِهَةِ مِصْرَ بِالنَّارِ».

۸ اما کلام خداوند در تحفنجیس بر ارمیا نازل شده، گفت: ۹ «سنگهایی بزرگ به دست خود برگیر و آنها را در برابر دیدگان مردمان یهودا در گل سنگفرشی که جلوی دروازه کاخ فرعون در تحفنجیس است، پنهان کن، ۱۰ و به ایشان بگو: ”پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: اینک من فرستاده، خادم خود نبوکدنصر پادشاه بابل را خواهم گرفت و تخت او را بر این سنگها که پنهان کردم، خواهم نهاد و او سایبان خویش را بر آنها خواهد گسترد. ۱۱ او خواهد آمد و سرزمین مصر را خواهد زد، و آنان را که برای طاعون مقدرند، به طاعون خواهد سپرد، آنان را که برای اسارت مقدرند، به اسارت، و آنان را که برای شمشیر مقدرند، به شمشیر. ۱۲ او آتشی در خانه های خدایان مصر خواهد افروخت، و آنها را خواهد سوزانید و به اسیری خواهد برد. او سرزمین مصر را پاک خواهد کرد، آن سان که شبانی جامه اش را از شپش پاک کند، و به سلامت از آنجا خواهد رفت. ۱۳ او ستونهای سنگی بیت شمس را که در سرزمین مصر است در هم خواهد شکست، و خانه های خدایان مصر را به آتش خواهد سوزانید.“

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الرَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۴-۳۰

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا مِنْ جِهَةِ كُلِّ الْيَهُودِ السَّاكِنِينَ فِي أَرْضِ مِصْرَ، السَّاكِنِينَ فِي مَجْدَلٍ وَفِي تَحْفَنْجِيسَ، وَفِي نُوفٍ وَفِي أَرْضِ فَتْرُوسَ قَائِلَةً: ۲ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: أَنْتُمْ رَأَيْتُمْ كُلَّ الشَّرِّ الَّذِي جَلَبْتُهُ عَلَى أُورُشَلِيمَ، وَعَلَى كُلِّ مُدُنٍ يَهُودَا، فَهَا هِيَ خَرَبَةٌ هَذَا الْيَوْمَ وَلَيْسَ فِيهَا سَاكِنٌ، ۳ مِنْ أَجْلِ شَرِّهِمِ الَّذِي فَعَلُوهُ لِيُعِظُونِي، إِذْ ذَهَبُوا لِيُخْرِجُوا وَيَعْبُدُوا آلِهَةً أُخْرَى لَمْ يَعْرِفُوهَا هُمْ وَلَا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ. ۴ فَأَرْسَلْتُ إِلَيْكُمْ كُلَّ عِبْدِي الْأَنْبِيَاءِ مُبَكِّرًا وَمُرْسِلًا قَائِلًا: لَا تَفْعَلُوا أَمْرَ هَذَا الرَّجْسِ الَّذِي أَبْغَضْتُهُ. ۵ فَلَمْ يَسْمَعُوا وَلَا آمَلُوا أَدْنَهُمْ لِيَرْجِعُوا عَنْ شَرِّهِمْ فَلَا يُخْرِجُوا لِآلِهَةٍ أُخْرَى. ۶ فَانْسَكَبَ غَيْظِي وَغَضَبِي، وَاشْتَعَلَ

في مُدُن يَهُودَا وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ، فَصَارَتْ خَرِبَةً مُفْقِرَةً كَهَذَا الْيَوْمِ. ٧ فَلَا نَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ الْجُنُودِ، إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: لِمَاذَا أَنْتُمْ فَاعِلُونَ شَرًّا عَظِيمًا خِذْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَقْرَاضِكُمْ رِجَالًا وَنِسَاءً أَطْفَالًا وَرُضْعًا مِنْ وَسْطِ يَهُودَا وَلَا تَبْقَى لَكُمْ بَقِيَّةٌ؟ ٨ لَا غَاطِطِي بِأَعْمَالِ أَيْدِيكُمْ، إِذْ تَبْخِرُونَ لِأِلَهِةٍ أُخْرَى فِي أَرْضِ مِصْرَ الَّتِي أَتَيْتُمْ إِلَيْهَا لِتَتَغَرَّبُوا فِيهَا، لِكَيْ تَنْقَرِضُوا وَلِكَيْ تَصِيرُوا لَعْنَةً وَعَارًا بَيْنَ كُلِّ أُمَّةٍ الْأَرْضِ. ٩ هَلْ نَسِيتُمْ شُرُورَ آبَائِكُمْ وَشُرُورَ مُلُوكِ يَهُودَا وَشُرُورَ نِسَائِهِمْ، وَشُرُورَكُمْ وَشُرُورَ نِسَائِكُمْ الَّتِي فَعَلْتُمْ فِي أَرْضِ يَهُودَا وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ؟ ١٠ لَمْ يَذَلُّوا إِلَى هَذَا الْيَوْمِ، وَلَا خَافُوا وَلَا سَلَكُوا فِي شَرِيعَتِي وَفَرَائِضِي الَّتِي جَعَلْتُهَا أَمَامَكُمْ وَأَمَامَ آبَائِكُمْ.

۱ این کلام درباره تمامی یهودیانی که در سرزمین مصر ساکن بودند و در مجدل و تحفنجیس و ممفیس و دیار فتروس به سر می بردند، بر ارمیا نازل شد: ۲ «پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: شما خود تمامی بلایی را که بر اورشلیم و همه شهرهای یهودا وارد آوردم، دیدید. اینک امروز ویرانه ای بیش نیستند و کسی در آنها سکونت ندارد، ۳ زیرا با شرارتی که مرتکب شدند، خشم مرا برافروختند، از آن رو که رفته، بخور سوزانیدند و خدایان غیر را که نه خود می شناختند، نه شما و نه پدران شما، عبادت کردند. ۴ با این حال، من پی در پی خادمان خود، انبیا را جملگی فرستادم و گفتم: "این عمل قبیح را که من از آن کراهت دارم، به جا نیاورید." ۵ اما گوش نگرفتند و اعتنا نکردند تا از شرارت خود بازگشت کنند و برای خدایان غیر بخور نسوزانند. ۶ از این رو خشم و غضب من فرو ریخت، و همچون آتش شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم را در کام کشید، و امروز آنها به ویرانه ای متروک بدل گشته اند. ۷ و حال پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: چرا چنین مصیبتی عظیم بر خود وارد می آورید تا مردان و زنان و کودکان و شیرخوارگان را از میان یهودا منقطع ساخته، باقیمانده ای برای خود بر جا نگذارید؟ ۸ چرا با اعمال دستهایتان خشم مرا برمی انگیزید و در سرزمین مصر که به جهت سکونت به آنجا رفته اید، برای خدایان غیر بخور می سوزانید تا خویشان را منقطع ساخته، در میان جمیع ممالک روی زمین به لعن و تمسخر دچار گردانید؟ ۹ آیا شرارت پدران خود و شرارت پادشاهان یهودا و شرارت زنان ایشان و شرارت خودتان و شرارت زنانتان را که در سرزمین یهودا و کوچه های اورشلیم مرتکب شدید، از یاد برده اید؟ ۱۰ آنان تا به امروز نه خویشان را فروتن ساخته اند، نه مرا حرمت نهاده اند، و نه به شریعت و فرایض من که پیش شما و پیش پدرانتان نهادم، سلوک کرده اند.

۱۱ «لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَانَذَا أَجْعَلُ وَجْهِي عَلَيْكُمْ لِلشَّرِّ، وَلَا قِرْصَ كُلِّ يَهُودَا. ۱۲ وَآخُذْ بَقِيَّةَ يَهُودَا الَّذِينَ جَعَلُوا وَجُوهَهُمْ لِلدَّخُولِ إِلَى أَرْضِ مِصْرَ لِيَتَغَرَّبُوا هُنَاكَ، فَيَفْنَوْنَ كُلُّهُمْ فِي أَرْضِ مِصْرَ. يَسْقُطُونَ بِالسَّيْفِ وَبِالْجُوعِ. يَفْنَوْنَ مِنَ الصَّغِيرِ إِلَى الْكَبِيرِ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ. يَمُوتُونَ وَيَصِيرُونَ خَلْفًا وَدَهْشًا وَلَعْنَةً وَعَارًا. ۱۳ وَأَعَاقِبُ الَّذِينَ يَسْكُنُونَ فِي أَرْضِ مِصْرَ، كَمَا عَاقَبْتُ أُورُشَلِيمَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ وَالْوَبَاءِ. ۱۴ وَلَا

يَكُونُ نَاجٍ وَلَا بَاقٍ لِّبَقِيَّةِ يَهُودًا الْآتِينَ لِيَتَغَرَّبُوا هُنَاكَ فِي أَرْضِ مِصْرَ، لِيَرْجِعُوا إِلَى أَرْضِ يَهُودًا الَّتِي يَشْتَاتُونَ إِلَى الرُّجُوعِ لِأَجْلِ السَّكَنِ فِيهَا، لِأَنَّهُ لَا يَرْجِعُ مِنْهُمْ إِلَّا الْمُنْفِلَتُونَ».

۱۱ «از این رو پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: اینک من به آوردن بلا بر شما جزم خواهم کرد، تا یهودا را یکسره نابود سازم. ۱۲ من دست خود را بر باقیمانده گان یهودا خواهم نهاد که برای رفتن به مصر و سکونت در آنجا جازم بودند، و آنان همگی در مصر تلف خواهند شد. به شمشیر از پای در خواهند آمد و از قحطی خواهند مرد. آری، از کوچک و بزرگ به شمشیر و قحطی خواهند مرد و به نفرین و وحشت و لعنت و تمسخر دچار خواهند گردید. ۱۳ من آنان را که در سرزمین مصر مسکن گزیده اند، به شمشیر و قحطی و طاعون مجازات خواهم کرد، همان گونه که اورشلیم را مجازات کردم، ۱۴ چندان که از باقیمانده گان یهودا که برای اقامت به سرزمین مصر در آمدند، احدی جان به در نخواهد برد و باقی نخواهد ماند تا به سرزمین یهودا بازگردد، به سرزمینی که آرزوی بازگشتن و زیستن در آن را در سر می پروراند. زیرا از ایشان، به جز شماری اندک که جان به در خواهند برد، هیچ کس باز نخواهد گشت.»

۱۵ فَاجَابَ إِرْمِيَا كُلُّ الرِّجَالِ الَّذِينَ عَرَفُوا أَنَّ نِسَاءَهُمْ يُبَخِّرْنَ لِإِلَهَةٍ أُخْرَى، وَكُلُّ النِّسَاءِ الْوَاقِفَاتِ، مَخْفَلٌ كَبِيرٌ، وَكُلُّ الشَّعْبِ السَّاكِنِ فِي أَرْضِ مِصْرَ فِي فَتْرُوسَ قَائِلِينَ: ۱۶ «إِنَّا لَا نَسْمَعُ لَكَ الْكَلِمَةَ الَّتِي كَلَّمْتَنَا بِهَا بِاسْمِ الرَّبِّ، ۱۷ بَلْ سَنَعْمَلُ كُلَّ أَمْرٍ خَرَجَ مِنْ فَمِنَا، فَتُبَخِّرُ لِمَلِكَةِ السَّمَاوَاتِ، وَتَسْكُبُ لَهَا سَكَائِبَ. كَمَا فَعَلْنَا نَحْنُ وَأَبَاؤُنَا وَمُلُوكُنَا وَرُؤَسَاؤُنَا فِي أَرْضِ يَهُودًا وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ، فَشَبِعْنَا خُبْرًا وَكُنَّا بِخَيْرٍ وَلَمْ نَرِ شَرًّا. ۱۸ وَلَكِنْ مِنْ حِينَ كَفَفْنَا عَنِ التَّبَخِيرِ لِمَلِكَةِ السَّمَاوَاتِ وَتَسْكُبُ سَكَائِبَ لَهَا، اخْتَبَجْنَا إِلَى كُلِّ، وَفِينَا بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ. ۱۹ وَإِذْ كُنَّا نُبَخِّرُ لِمَلِكَةِ السَّمَاوَاتِ وَتَسْكُبُ لَهَا سَكَائِبَ، فَهَلْ يَدُونُ رِجَالُنَا كُنَّا نَصْنَعُ لَهَا كَعَا لِنَعْبُدَهَا وَتَسْكُبُ لَهَا السَّكَائِبَ؟».

۱۵ آنگاه تمامی مردانی که می دانستند زنانشان برای خدایان غیر بخور می سوزانند، و نیز جمیع زنانی که در آنجا حضور داشتند، با گروهی عظیم از مردم، و تمامی آنان که در فتروس در سرزمین مصر سکونت داشتند، جملگی در پاسخ ارمیا گفتند: ۱۶ «ما کلامی را که به نام خداوند به ما گفتی، گوش نخواهیم گرفت. ۱۷ بلکه هر آنچه را که نذر کرده ایم، به یقین به جا خواهیم آورد: برای ملکه آسمان بخور خواهیم سوزانید و به جهت او هدایای ریختنی خواهیم ریخت، چنانکه خود و پدران و پادشاهان و صاحبمنصبان ما در شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم می کردیم. زیرا در آن زمان خوراک کافی داشتیم و سعادتمند بودیم، و بلا نمی دیدیم. ۱۸ اما از زمانی که سوزاندن بخور برای ملکه آسمان و ریختن هدایای ریختنی برای او را ترک گفتیم، محتاج همه چیز شده ایم و به شمشیر و قحطی تباہ گشته ایم.» ۱۹ زنان نیز گفتند:

«آنگاه که برای ملکه آسمان بخور می‌سوزانیدیم و برایش هدایای ریختنی می‌ریختیم، مگر شوهرانمان نمی‌دانستند که برایش قرصهای نان می‌پزیم که نقش او را بر خود دارند، و هدایای ریختنی برایش می‌ریزیم؟»

۲۰ فَكَلَّمَ إِرْمِيَا كُلَّ الشَّعْبِ، الرِّجَالَ وَالنِّسَاءَ الَّذِينَ جَاوَبُوهُ بِهَذَا الْكَلَامِ قَائِلًا: ۲۱ «أَلَيْسَ الْبَخُورُ الَّذِي بَخَرْتُمُوهُ فِي مَذْنِ يَهُودَا وَفِي شَوَارِعِ أُورُشَلِيمَ، أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ وَمُلُوكُكُمْ وَرُؤَسَاؤُكُمْ وَشَعْبُ الْأَرْضِ، هُوَ الَّذِي ذَكَرَهُ الرَّبُّ وَصَعِدَ عَلَى قَلْبِهِ. ۲۲ وَلَمْ يَسْتَطِعِ الرَّبُّ أَنْ يَخْتَمِلَ بَعْدُ مِنْ أَجْلِ شَرِّ أَعْمَالِكُمْ، مِنْ أَجْلِ الرَّجَاسَاتِ الَّتِي فَعَلْتُمْ، فَصَارَتْ أَرْضُكُمْ خَرِبَةً وَدَهْشًا وَلَغْنَةً بِلَا سَاكِنٍ كَهَذَا الْيَوْمِ. ۲۳ مِنْ أَجْلِ أَنْكُمْ قَدْ بَخَرْتُمْ وَأَخْطَأْتُمْ إِلَى الرَّبِّ، وَلَمْ تَسْمَعُوا لَصَوْتِ الرَّبِّ، وَلَمْ تَسْلُكُوا فِي شَرِيعَتِهِ وَفَرَائِضِهِ وَشَهَادَاتِهِ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَدْ أَصَابَكُمْ هَذَا الشَّرُّ كَهَذَا الْيَوْمِ». ۲۴ ثُمَّ قَالَ إِرْمِيَا لِكُلِّ الشَّعْبِ وَلِكُلِّ النِّسَاءِ: «اسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا جَمِيعَ يَهُودَا الَّذِينَ فِي أَرْضِ مِصْرَ. ۲۵ هَكَذَا تَكَلَّمَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ قَائِلًا: أَنْتُمْ وَرُؤَسَاؤُكُمْ تَكَلَّمْتُمْ بِفَمِكُمْ وَأَكْمَلْتُمْ بِأَيْدِيكُمْ قَائِلِينَ: إِنَّا إِنَّمَا نَتَوَكَّلُ عَلَى نُذُورِنَا الَّتِي نَذَرْنَاهَا، أَنْ نُبْخِرَ لِمَلِكَةِ السَّمَاوَاتِ وَتَسْكُبَ لَهَا سَكَائِبَ، فَإِنَّهُمْ يَقُومُونَ نُذُورَكُمْ، وَيَتَوَكَّلُونَ عَلَى نُذُورِكُمْ. ۲۶ لِذَلِكَ اسْمَعُوا كَلِمَةَ الرَّبِّ يَا جَمِيعَ يَهُودَا السَّاكِنِينَ فِي أَرْضِ مِصْرَ: هَآنذَا قَدْ خَلَفْتُ بِاسْمِي الْعَظِيمِ، قَالَ الرَّبُّ، إِنَّ اسْمِي لَنْ يُسَمَّى بَعْدُ بِفَمِ إِنْسَانٍ مَا مِنْ يَهُودَا فِي كُلِّ أَرْضِ مِصْرَ قَائِلًا: حَيُّ السَّيِّدِ الرَّبِّ. ۲۷ هَآنذَا أَشْهَرُ عَلَيْهِمُ لِلشَّرِّ لَا لِلْخَيْرِ، فَيَقْنَى كُلُّ رَجُلٍ يَهُودَا الَّذِينَ فِي أَرْضِ مِصْرَ بِالسَّيْفِ وَالْجُوعِ حَتَّى يَبْتَلاشُوا. ۲۸ وَالنَّاجُونَ مِنَ السَّيْفِ يَرْجِعُونَ مِنْ أَرْضِ مِصْرَ إِلَى أَرْضِ يَهُودَا نَفَرًا قَلِيلًا، فَيَعْلَمُ كُلُّ بَقِيَّةِ يَهُودَا الَّذِينَ أَتَوْا إِلَى أَرْضِ مِصْرَ لِيَتَغَرَّبُوا فِيهَا، كَلِمَةً آيِنَا تَقُومُ.

۲۰ سپس ارمیا خطاب به تمامی قوم، از مردان و زنان، که این گونه به او پاسخ داده بودند، گفت: ۲۱ «آیا خداوند بخوری را که شما و پدران و پادشاهان و صاحبمنصبان شما و مردم این سرزمین در شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم سوزانده‌اید، به یاد ندارد و بدان نیندیشیده است؟ ۲۲ خداوند دیگر نمی‌توانست شرارت شما و اعمال کراهت‌آوری را که به جا آورده بودید، تاب آورد. از این روست که سرزمینتان، چنانکه امروز می‌بینید، ویران گشته و دچار وحشت و لعنت گردیده و خالی از سکنه شده است. ۲۳ از آنجا که بخور سوزانده و بر خداوند گناه ورزیده و از کلام او اطاعت نکرده‌اید، و مطابق شریعت و فرایض و شهادات او سلوک ننموده‌اید، به این بلا که امروز می‌بینید گرفتار آمده‌اید.» ۲۴ ارمیا به تمامی مردم و جمیع زنان گفت: «ای تمامی مردمان یهودا که در سرزمین مصر هستید، به کلام خداوند گوش فرا دهید! ۲۵ پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: شما و زنانتان آنچه را به زبان آوردید، به دستان خویش به انجام رساندید، آنگاه که گفتید: "نذرهایی را که کرده‌ایم، به یقین به جای خواهیم آورد و بخور برای ملکه آسمان خواهیم سوزانید و هدایای ریختنی برای او خواهیم ریخت." پس رفته، آنچه را که گفته‌اید، به جای آرید! نذرهای خود را ادا کنید! ۲۶ بنابراین، ای تمامی مردم یهودا که ساکن سرزمین

مصرید، به کلام خداوند گوش فرا دهید: هان، خداوند می‌فرماید، به نام عظیم خود سوگند که نام من دیگر هرگز بر زبان هیچ‌یک از مردم یهودا که در سراسر سرزمین مصرند آورده نخواهد شد، و دیگر نخواهند گفت: «به حیات جناب پروردگار سوگند!» ۲۷ زیرا که چشمان من مراقب ایشان است، اما نه برای نیکویی، بلکه برای بدی. جمیع مردان یهودا که در سرزمین مصرند، به شمشیر و قحطی هلاک خواهند شد، تا آنجا که به کلی از میان بروند. ۲۸ با این حال شماری اندک از شمشیر جان به در خواهند برد و از سرزمین مصر به سرزمین یهودا باز خواهند گشت. آنگاه تمامی باقیمانده‌گان یهودا که به جهت سکونت به مصر عزیمت کرده‌اند، خواهند دانست که کلام چه کسی عملی خواهد شد، کلام من یا کلام ایشان!

۲۹ «وَهَذِهِ هِيَ الْعَلَامَةُ لَكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنِّي أُعَاقِبُكُمْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ، لِتَعْلَمُوا أَنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَقُومَ كَلَامِي عَلَيْكُمْ لِلشَّرِّ. ۳۰ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أَدْفَعُ فِرْعَوْنَ حَفْرَعَ مَلِكِ مِصْرَ لِيَدِ أَغْدَائِهِ وَلِيَدِ طَالِبِي نَفْسِهِ، كَمَا دَفَعْتُ صِدْقِيَّ مَلِكِ يَهُودَا لِيَدِ نَبُوخَذْرَاصَرَ مَلِكِ بَابِلَ عَدُوِّهِ وَطَالِبِ نَفْسِهِ».

۲۹ خداوند چنین می‌فرماید: این است علامت برای شما از اینکه من شما را در اینجا مجازات خواهم کرد تا بدانید که کلام من درباره شما به‌یقین برای بدی عملی خواهد شد: ۳۰ خداوند چنین می‌فرماید، اینک من فرعون حُفْرَع، پادشاه مصر را به دست دشمنانش که قصد جان او دارند، تسلیم خواهم کرد، همان‌گونه که صدیق‌پادشاه یهودا را به دست دشمنش نبوکدنصر پادشاه بابل که قصد جان او داشت، تسلیم کردم.»

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الْخَامِسُ وَالْأَرْبَعُونَ * ۱:۴۵-۵

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي تَكَلَّمَ بِهَا إِرْمِيَا النَّبِيُّ إِلَى بَارُوخَ بْنِ نِيرِيَّا عِنْدَ كِتَابَتِهِ هَذَا الْكَلَامَ فِي سَفَرٍ عَنْ فَمِ إِرْمِيَا، فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ لِيَهُوَيَاقِيمَ بْنِ يُوشِيَّا مَلِكِ يَهُودَا قَائِلًا: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ لَكَ يَا بَارُوخُ: ۳ قَدْ قُلْتُ: وَيْلٌ لِي لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ زَادَ حُزْنَنا عَلَى أَلَمِي. قَدْ غَشِيَ عَلَيَّ فِي تَنَهَّدِي، وَلَمْ أَجِدْ رَاحَةً. ۴ «هَكَذَا تَقُولُ لَهُ: هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أَهْدِمُ مَا بَنَيْتُهُ، وَأَقْتُلِعُ مَا غَرَسْتُهُ، وَكُلَّ هَذِهِ الْأَرْضِ. ۵ وَأَنْتَ فَهَلْ تَطْلُبُ لِنَفْسِكَ أُمُورًا عَظِيمَةً؟ لَا تَطْلُبْ! لِأَنِّي هَآنَذَا جَالِبٌ شَرًّا عَلَى كُلِّ ذِي جَسَدٍ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأُعْطِيكَ نَفْسَكَ غَنِيمَةً فِي كُلِّ الْمَوَاضِعِ الَّتِي تَسِيرُ إِلَيْهَا».

۱ این است کلامی که ارمیای نبی در چهارمین سال سلطنت یهوایقیم پسر یوشیا پادشاه یهودا به باروک پسر نیریا گفت، پس از آنکه باروک سخنان ارمیا را که به او گفته بود، بر طوماری نوشت: ۲ «ای باروک، یهوه خدای اسرائیل به تو چنین می‌فرماید: ۳ تو گفته‌ای: "وای بر من! زیرا خداوند بر درد من غم افزوده است. از نالیدن خسته شده‌ام و راحت نمی‌یابم." ۴ او را بگو، خداوند چنین می‌فرماید: اینک در سرتاسر

این سرزمین، هر آنچه بنا کرده‌ام، ویران خواهم ساخت و هر آنچه کاشته‌ام، از ریشه بر خواهم کند. ۵ آیا تو چیزهای بزرگ برای خود می‌طلبی؟ خداوند می‌گوید آنها را طلب مکن، زیرا هان بر تمامی بشر بلا خواهم رسانید. اما تو به هر جا بروی، جانت را به تو به غنیمت خواهم بخشید.»

سفر ارمیا: الأصحاح السادس والأربعون * ۴۶: ۱-۲۸

۱ كَلِمَةُ الرَّبِّ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ عَنِ الْأُمَمِ، ۲ عَنْ مِصْرَ، عَنْ جَيْشِ فِرْعَوْنَ نَحْوِ مَلِكِ مِصْرَ الَّذِي كَانَ عَلَى نَهْرِ الْفُرَاتِ فِي كَرْكَمِيشَ، الَّذِي ضَرَبَهُ نَبُوخَذْرَاصَرُ مَلِكُ بَابِلَ فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ لِيَهُوْيَاقِيمَ بْنِ يَوْشِيَا مَلِكِ يَهُوذَا:

۱ کلام خداوند که درباره ملتها بر ارمیای نبی نازل شد: ۲ درباره مصر، و سپاهیان فرعون نکو که کنار رودخانه فرات در کرکمیش بودند و نبوکدنصر، پادشاه بابل، ایشان را در سال چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه یهودا، شکست داد:

۳ «أَعِدُّوا الْمِجَنَّ وَالتُّرْسَ وَتَقَدَّمُوا لِلْحَرْبِ. ۴ أَسْرِجُوا الْخَيْلَ، وَاصْعَدُوا أَيُّهَا الْفُرْسَانُ، وَانْتَصِبُوا بِالْخَوْذِ. اصْقُلُوا الرِّمَاحَ. الْبَسُوا الدَّرُوعَ. ۵ لِمَاذَا أَرَاهُمْ مُرْتَعِبِينَ وَمُدْبِرِينَ إِلَى الْوَرَاءِ، وَقَدْ تَحَطَّمَتْ أَبْطَالُهُمْ وَفَرُّوا هَارِبِينَ، وَلَمْ يَلْتَفِتُوا؟ الْخَوْفُ حَوْلَهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۶ الْخَفِيفُ لَا يَنْوُصُ وَالْبَطَلُ لَا يَنْجُو. فِي الشِّمَالِ بِجَانِبِ نَهْرِ الْفُرَاتِ عَثَرُوا وَسَقَطُوا. ۷ مِنْ هَذَا الصَّاعِدِ كَالنَّيْلِ، كَأَنَّهُارٍ تَتَلَاطَمُ أَمْوَاهُهَا؟ ۸ تَصْعَدُ مِصْرُ كَالنَّيْلِ، وَكَأَنَّهُارٍ تَتَلَاطَمُ الْمِيَاهُ. فَيَقُولُ: أَصْعَدُ وَأُعْطِي الْأَرْضَ. أَهْلِكُ الْمَدِينَةَ وَالسَّاكِنِينَ فِيهَا. ۹ اصْعَدِي أَيَّتُهَا الْخَيْلُ، وَهَيِّجِي أَيَّتُهَا الْمَرْكَبَاتُ، وَلْتَخْرُجِ الْأَبْطَالُ: كُوشُ وَفُوطُ الْقَابِضَانِ الْمِجَنَّ، وَاللُّوْدِيُّونَ الْقَابِضُونَ وَالْمَادُّونَ الْقَوْسَ. ۱۰ فَهَذَا الْيَوْمَ لِلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ يَوْمَ نَقْمَةٍ لِلانْتِقَامِ مِنْ مُبْغِضِيهِ، فَيَأْكُلُ السَّيْفُ وَيَشْبَعُ وَيَرْتَوِي مِنْ دَمِهِمْ. لِأَنَّ السَّيِّدَ رَبَّ الْجُنُودِ ذَبِيحَةً فِي أَرْضِ الشِّمَالِ عِنْدَ نَهْرِ الْفُرَاتِ. ۱۱ اصْعَدِي إِلَى جِلْعَادَ وَخُذِي بِلَسَانًا يَا عَذْرَاءُ، بِنْتُ مِصْرَ. بَاطِلًا تُكْثِرِينَ الْعُقَاقِيرَ. لَا رِفَادَةَ لَكَ. ۱۲ قَدْ سَمِعَتِ الْأُمَمُ بِخَزْيِكَ، وَقَدْ مَلَأَ الْأَرْضَ عَوِيلُكَ، لِأَنَّ بَاطِلًا يَصْدِمُ بَاطِلًا فَيَسْقُطَانِ كِلَاهُمَا مَعًا».

۵ أما الفرات فهو في العراق كما هو واضح، وأما أن المخلص ذبيحة عند نهر الفرات، فلأن المخلص كما تبين هو نفسه قائم آل محمد، والقائم وإن كان هو نفسه المعزي الذي وعد به عيسى كما تقدم وبالتالي فهو يطالب بالأنبياء جميعاً، ولكن الذبيحة العزيزة على قلبه والتي يطلب بدمها هو دم جده الحسين (ع) المقتول في كربلاء على نهر الفرات. لذا يعلمنا الإمام المهدي (ع) أن ندب ابنه القائم أحمد ونقول: (أين الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين الطالب بدم المقتول بكربلاء)، كما في دعاء الندبة. ولأن كربلاء تقع شمال البصرة، فهذا يعني أن منطلق المخلص ومسكنه يكون جنوب كربلاء، وإليك النص الذي يحدد مسكنه: (۱) مَنْ ذَا الْآتِي مِنْ أَدُومَ، بَنِيَابِ حُمُرٍ مِنْ بَصْرَةَ؟ هَذَا الْبَهِيُّ بِمَلَابِسِهِ، الْمُتَعَزِّمُ بِكَثْرَةِ قُوَّتِهِ. أَنَا الْمُتَكَلِّمُ بِالْبَرِّ، الْعَظِيمُ لِلْخَلَاصِ) سفر إشعياء - الأصحاح ۶۳. إنها (بصرة) بالفتح، وليس (بصرة) بالضم كما فعل المزورون بقصد.

۳ «سپرهای بزرگ و کوچک را آماده کنید، برای رزم به پیش تازید! ۴ اسبان را بیارایید؛ ای سواران، بر آنها سوار شوید! کلاهخود بر سر، در جای خود مستقر گردید، نیزه‌هایتان را صیقل دهید، و زره بر تن کنید. ۵ خداوند می‌فرماید: چه می‌بینم؟ ایشان هراسان گشته، عقب‌نشینی می‌کنند. پهلوانانشان مغلوب شده، به‌شتاب می‌گریزند؛ به پشت سر نمی‌نگرند؛ زیرا وحشت از هر سو حکمفرماست! ۶ «چابکان را گریزی نیست، و نه پهلوانان را رهایی! در شمال، کنار رود فُرات، می‌لغزند و می‌افتند. ۷ «این کیست که همچون رود نیل طغیان می‌کند، چون نه‌رهای که آب‌هایشان در سیلان است؟ ۸ مصر همچون رود نیل طغیان می‌کند، چون نه‌رهای که آب‌هایشان در سیلان است. می‌گوید: «من طغیان کرده، زمین را خواهم پوشانید، و شهرها را با ساکنانش نابود خواهم کرد!» ۹ ای اسبان بت‌ازید! ای ارابه‌ها، تند برانید! پهلوانان بیرون روند: مردان کوش و فوط که سپردارند، مردان لود که کمانگیرند! ۱۰ آن روز، روز سیدِ پروردگار لشکریان است، روز انتقام، روز انتقام از دشمنانش. شمشیر فرو خواهد بلعید و سیر خواهد شد، و از خونشان سرمست خواهد گردید. زیرا برای سیدِ پروردگار لشکریان، در سرزمین شمال، در کنار رود فُرات، قربانی وجود دارد. ۱۱ «ای دختر باکره مصر، به جلعاد برآی و بلسان بگیر! تو بیهوده مرهم‌های زیاد به کار می‌بری، زیرا تو را علاجی نیست. ۱۲ آوازه رسوایی‌ات به گوش ملتها رسیده، و ناله‌هایت جهان را پر ساخته است؛ از آن رو که پهلوان بر پهلوان می‌لغزد، و هر دو با هم می‌افتند.»^۶

۱۳ الْكَلِمَةُ الَّتِي تَكَلَّمَ بِهَا الرَّبُّ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ فِي مَجِيءِ نَبُوخَذْرَاصَر مَلِكِ بَابِلَ لِيَضْرِبَ أَرْضَ مِصْرَ: ۱۴ «أَخْبِرُوا فِي مِصْرَ، وَأَسْمِعُوا فِي مَجْدَلٍ، وَأَسْمِعُوا فِي نُوفَ وَفِي تَخْفَنْجِسَ. قُولُوا انْتَصِبْ وَتَهَيَّأْ، لَأَنَّ السَّيْفَ يَأْكُلُ حَوَالِيكَ. ۱۵ لِمَآذَا أَنْطَرَحَ مُقْتَدِرُوكَ؟ لَا يَقِفُونَ، لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ طَرَحَهُمْ! ۱۶ كَثَرُ الْعَاثِرِينَ حَتَّى يَسْقُطَ الْوَاحِدُ عَلَى صَاحِبِهِ، وَيَقُولُوا: قُومُوا فَتَرْجِعْ إِلَى شَعْبِنَا، وَإِلَى أَرْضِ مِيلَادِنَا مِنْ وَجْهِ السَّيْفِ الصَّارِمِ. ۱۷ قَدْ نَادُوا هُنَاكَ: فِرْعَوْنُ مَلِكُ مِصْرَ هَآلِكَ. قَدْ فَاتَ الْمِيعَادُ. ۱۸ حَيَّ أَنَا، يَقُولُ الْمَلِكُ رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ، كَتَابُورِ بَيْنَ الْجِبَالِ، وَكَكَرْمَلٍ عِنْدَ الْبَحْرِ يَأْتِي. ۱۹ اصْنَعِي لِنَفْسِكَ أَهْبَةً جَلَاءَ آيَتِهَا الْبِنْتُ السَّاكِنَةُ مِصْرَ، لَأَنَّ نُوفَ تَصِيرُ خَرِبَةً وَتُحْرَقُ فَلَا سَاكِنَ. ۲۰ مِصْرُ عَجَلَةٌ حَسَنَةٌ جِدًّا. الْهَلَاكُ مِنَ الشِّمَالِ جَاءَ جَاءَ. ۲۱ أَيْضًا مُسْتَأْجَرُوهَا فِي وَسْطِهَا كَعُجُولٍ صِيرَةٍ. لَأَنَّهُمْ هُمْ أَيْضًا يَزْتَدُونَ، يَهْرَبُونَ مَعًا. لَمْ يَقِفُوا لَأَنَّ يَوْمَ هَلَاكِهِمْ أَتَى عَلَيْهِمْ، وَقَدْ عَقَابَهُمْ. ۲۲ صَوْتُهَا يَمْشِي كَحَيَّةٍ، لَأَنَّهُمْ يَسِيرُونَ بِجَيْشٍ، وَقَدْ جَاءُوا إِلَيْهَا بِالْفُؤُوسِ كَمُخْتَطِبِي خَطَبٍ. ۲۳

^۶ کلامی که خداوند بر ارمیا نبی (ع) نازل کرد علاوه بر اتفاقات دوران گذشته در آینده نیز احتمال وقوع دارد، شاید بتوان یکی از نمونه‌های این پوشگویی را جنگ قرقیسیا نامید، جنگی که در آن ابر قدرت‌های دوران ظهور بر سر مال دنیا با یکدیگر بجنگ می‌پردازند و یک دیگر را بکام مرگ می‌کشند، جنگی که شمشیر انتقام خداوند است از دشمنان قائم (ع)؛ قائمی که برای او در کنار رود فرات فدیة‌ای همچون حسین (ع) داده شد است تا حاکمیت خداوند را بر روز زمین به اجرا درآورد.

يَقْطَعُونَ وَغَرَهَا، يَقُولُ الرَّبُّ، وَإِنْ يَكُنْ لَا يُحْصَى، لَأَنْتَهُمْ قَدْ كَثُرُوا أَكْثَرَ مِنَ الْجَرَادِ، وَلَا عَدَدَ لَهُمْ. ٢٤ قَدْ
أُخْزِيتْ بِنْتُ مِصْرَ وَذَفَعْتُ لِيَدِ شَعْبِ الشِّمَالِ.

۱۳ کلامی که خداوند درباره آمدن نبوکدنصر پادشاه بابل به قصد حمله بر مصر به ارمیای نبی فرمود:
۱۴ «در مصر ندا کنید، در مجدل بانگ بر زنید، در ممفیس و تحفنجیس اعلان نمایید؛ بگوئید: ”در جاهای
خود قرار گیرید و خویشان را مهیا سازید، زیرا شمشیر، اطرافیانان را هلاک می کند!“ ۱۵ چرا زورآورانت
مغلوب شده اند؟ آنان را یارای ایستادن نیست، زیرا خداوند ایشان را به زیر افکنده است! ۱۶ او بسیاری را
لغزانیده، و آنها افتاده اند، و به یکدیگر می گویند: ”برخیزید تا نزد قوم خویش و به زادگاهمان بازگردیم،
تا از شمشیر آن ستمکیش در امان مانیم!“ ۱۷ آنجا فرعون پادشاه مصر را چنین توصیف خواهند کرد:
”رَجَزْخَوَانِی که فرصت از کف داده است!“ ۱۸ «پادشاهی که نامش پروردگار لشکریانست، چنین
می فرماید: «به حیات خودم قسم، کسی خواهد آمد، که در میان کوهها همچون کوه تابور است، و همچون
کرم بر کنار دریا. ۱۹ ای شما که در مصر ساکنید، اثاثیه تبعید برای خویشان آماده کنید! زیرا ممفیس
ویران خواهد شد و متروک و نامسکون خواهد گشت. ۲۰ «مصر، گوساله ای زیباست، اما حشره ای گزنده
از شمال بر آن خواهد آمد. ۲۱ حتی سپاهیان مزدورش، در میانش بسان گوساله هایی فربه اند؛ آنان نیز روی
گردانیده با هم می گریزند، و ایستادگی نمی کنند؛ زیرا که روز مصیبت بر ایشان می آید و زمان مجازاتشان
فرا رسیده است. ۲۲ «مصر بسان ماری در حال فرار ’هیس‘ می کند، زیرا دشمنانش نیرومندان به پیش
می تازند، و همچون کسانی که درختان را قطع می کنند، با تبرها بر او می آیند. ۲۳ خداوند می فرماید:
جنگل او را خواهند برید، هرچند که انبوه باشد. زیرا از ملخها کثیرترند، و در شمار نمی آیند. ۲۴ دختر
مصر سرافکنده شده، به دست قوم شمالی تسلیم خواهد شد.»

٢٥ قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا أَغَاقِبُ أُمُونَ نُو وَفِرْعَوْنَ وَمِصْرَ وَالْهَتَهَا وَمُلُوكَهَا، فِرْعَوْنَ وَالْمُتَوَكِّلِينَ
عَلَيْهِ. ٢٦ وَأَدْفَعُهُمْ لِيَدِ طَالِبِي نَفْسِهِمْ، وَلِيَدِ نَبُوخَذْرَاصَرَ مَلِكِ بَابِلَ، وَلِيَدِ عَبِيدِهِ. ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ تُسَكِّنُ كَالْأَيَّامِ
الْقَدِيمَةِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٢٧ «وَأَنْتَ فَلَا تَخَفْ يَا عَبْدِي يَعْقُوبُ، وَلَا تَرْتَعِبْ يَا إِسْرَائِيلُ، لِأَنِّي هَآنَذَا أَخْلَصُكَ مِنْ
بَعِيدٍ، وَنَسَلَكَ مِنْ أَرْضِ سَبْيِهِمْ، فَيَرْجِعُ يَعْقُوبُ وَيَطْمَئِنُّ وَيَسْتَرِيحُ وَلَا مَخِيفَ. ٢٨ أَمَّا أَنْتَ يَا عَبْدِي يَعْقُوبُ
فَلَا تَخَفْ، لِأَنِّي أَنَا مَعَكَ، لِأَنِّي أَفْنِي كُلَّ الْأُمَمِ الَّذِينَ بَدَّدْتُكَ إِلَيْهِمْ. أَمَّا أَنْتَ فَلَا أَفْنِيكَ، بَلْ أَوْدِيكَ بِالْحَقِّ
وَلَا أُبْرِئُكَ تَبَرُّتَةً».

۲۵ پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل می فرماید: «اینک من آمون خدای تیس و فرعون و مصر و
خدایان و پادشاهانش را مکافات خواهم رسانید، یعنی فرعون و هر آن کس را که بر فرعون توکل دارد.
۲۶ من آنان را به دست کسانی خواهم سپرد که قصد جانشان دارند، یعنی به دست نبوکدنصر پادشاه بابل

و سردارانش. با این حال، خداوند می‌فرماید، بعدها مصر دیگر بار همچون ایام پیشین مسکون خواهد شد. ۲۷ «اما تو ای خادم من یعقوب، ترسان مباش، و تو ای اسرائیل، هراسان مشو، زیرا به یقین تو را از دوردستها نجات خواهم داد، و نسل تو را از سرزمین تبعیدشان خواهم رها نمود. یعقوب باز خواهد گشت، و از آسایش و راحتی برخوردار خواهد شد، و کسی او را هراسان نخواهد ساخت. ۲۸ خداوند می‌فرماید: ای خادم من یعقوب، ترسان مباش، زیرا من با تو هستم. من ملتهایی را که تو را به میان آنها راندم، به تمامی نابود خواهم کرد، اما تو را به تمامی نابود نخواهم کرد. بلکه به انصاف تأدیت خواهم نمود، و به یقین تو را بی‌سزا نخواهم گذاشت.»

سفر ارمیا: الأصحاح السابع والأربعون * ۴۷:۱-۷

۱ کَلِمَةُ الرَّبِّ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ عَنِ الْفِلِسْطِينِيِّينَ قَبْلَ ضَرْبِ فِرْعَوْنَ غَزَةَ: ۲ «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَا مِيَاهُ تَصْعَدُ مِنَ الشِّمَالِ وَتَكُونُ سَيْلًا جَارِقًا، فَتَغْشَى الْأَرْضَ وَمِلَأَهَا، الْمَدِينَةُ وَالسَّكِينِينَ فِيهَا، فَيَصْرُخُ النَّاسُ، وَيُولُولُ كُلُّ سُكَّانِ الْأَرْضِ. ۳ مِنْ صَوْتِ قَرَعِ خَوَافِرِ أَفْوَئِيَّتِهِ، مِنْ صَرِيرِ مَرْكَبَاتِهِ وَصَرِيرِ بَكَرَاتِهِ لَا تَلْتَفِتُ الْآبَاءُ إِلَى الْبَنِينَ، بِسَبَبِ ارْتِخَاءِ الْأَيْدِي. ۴ بِسَبَبِ الْيَوْمِ الْآتِي لِهَلَاكِ كُلِّ الْفِلِسْطِينِيِّينَ، لِيَنْقَرِضَ مِنْ صُورَ وَصِيدُونَ كُلِّ بَقِيَّةٍ تُعِينُ، لِأَنَّ الرَّبَّ يُهْلِكُ الْفِلِسْطِينِيِّينَ، بَقِيَّةَ جَزِيرَةٍ كَفْتُورَ. ۵ أَتَى الصِّلْعُ عَلَى غَزَةَ. أَهْلِكَتْ أَشْقَلُونَ مَعَ بَقِيَّةٍ وَطَائِفِهِمْ. حَتَّى مَتَى تَخْمُشِينَ نَفْسَكَ. ۶ آه، يَا سَيْفَ الرَّبِّ، حَتَّى مَتَى لَا تَسْتَرِيحُ؟ أَنْضَمَّ إِلَى غِمْدِكَ! اهِدْ! وَأَسْكُنْ. ۷ كَيْفَ يَسْتَرِيحُ وَالرَّبُّ قَدْ أَوْصَاهُ عَلَى أَشْقَلُونَ، وَعَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ هُنَاكَ وَاعِدَهُ؟»

۱ کلام خداوند درباره فلسطینیان که پیش از غلبه فرعون بر غزه بر ارمیا نازل شد: ۲ «خداوند چنین می‌فرماید: بین چگونه آنها از شمال برمی‌آیند؛ آنها به رودی در سیلان بدل خواهند شد؛ این سرزمین را با هر آنچه در آن است خواهند گرفت، شهرها را با ساکنان آنها. مردمان فریاد بر خواهند آورد، و ساکنان زمین جملگی شیون سر خواهند داد، ۳ از صدای سُم اسبان جنگی‌اش، از غرش ارا به‌ها و صدای چرخ‌هایشان. پدران به سبب سست شدن دستانشان، به جهت یاری فرزندان خویش بر نمی‌گردند. ۴ به سبب آن روز که می‌آید تا فلسطینیان را جملگی نابود کند، و هر امداد گری را که باقی مانده باشد از صور و صیدون منقطع سازد. زیرا خداوند فلسطینیان را هلاک می‌کند، باقیمانده گان سواحل کفتور را. ۵ غزه موی خویش می‌تراشد؛ اشقلون نابود شده است. ای باقیمانده گان دشتهای فلسطینیان، خویشان را تا به کی به خراشها مجروح می‌سازید؟ ۶ «آه، ای شمشیر خداوند! تا به کی آرام نخواهی گرفت؟ به نیام خود فرو شو و آرام و قرار گیر! ۷ اما چگونه آرام توانی یافت حال آنکه خداوند تو را مأمور کرده، و به ضد اشقلون و سواحل دریا برگماشته است؟»

سفر ارمیا: الأصحاح الثامن والأربعون * ۴۸: ۱-۴۷

۱ عَنْ مُوَابَ: «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: وَيْلٌ لِّبَنِي لَانْهَآ قَدْ خَرَبْتُ. خَرَيْتُ وَأُخَذْتُ قَرِيَّتَيْنِي. خَرَيْتُ مِسْجَابٌ وَارْتَعَبْتُ. ۲ لَيْسَ مَوْجُودًا بَعْدُ فَخَرُّ مُوَابَ. فِي حَشْبُونِ فَكَّرُوا عَلَيْهَا شَرًّا. هَلُمَّ فَنَقِرْضُهَا مِنْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةً. وَأَنْتِ أَيْضًا يَا مَدْمِينُ تَصْمِينَ وَيَذْهَبُ وَرَاءَكَ السَّيْفُ. ۳ صَوْتُ صِيَاخٍ مِنْ حُورُونَايِمَ، هَلَاكَ وَسَحْقٌ عَظِيمٌ. ۴ قَدْ حُطِّمَتْ مُوَابُ، وَأَسْمَعَ صِغَارُهَا صُرَاخًا. ۵ لَآنَهُ فِي عَقَبَةِ لُوحِيتَ يَصْعَدُ بُكَاءٌ عَلَى بُكَاءٍ، لَآنَهُ فِي مُنَحْدَرِ حُورُونَايِمَ سَمِعَ الْأَغْدَاءُ صُرَاخَ انْكِسَارٍ. ۶ اهِرَبُوا نَجُّوا أَنْفُسَكُمْ، وَكُونُوا كَعَرَعَرٍ فِي الْبَرِّيَّةِ.

۱ وحی درباره موآب: ۷ پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل چنین می فرماید: «وای بر نبو، زیرا که ویران خواهد شد؛ قریه تایم سرافکنده شده، تسخیر خواهد گشت؛ ملجای بلند شرمسار و منهدم خواهد شد. ۲ از آوازه موآب چیزی باقی نخواهد ماند! در حشون برای آن تدبیرهای بد کرده، خواهند گفت: "بیاید این قوم را محو و نابود سازیم!" تو نیز ای مدمین، خاموش خواهی شد، و شمشیر از پات خواهد بود. ۳ «از حورونایم فریادی به گوش می رسد: "خرابی! ویرانی عظیم!" ۴ موآب در هم شکسته خواهد شد و کودکش فریاد سر خواهند داد. ۵ زیرا به فراز لوحیت با گریه تلخ برمی آیند؛ زیرا از سرازیری حورونایم فریاد جانگداز شکست شنیده اند. ۶ بگریزید! جان خویش برهانید! اما همچون درخت عرعر در بیابان خواهید بود!

۷ «فَمِنْ أَجْلِ إِتْكَالِكَ عَلَى أَعْمَالِكَ وَعَلَى خَزَائِنِكَ سَتُؤَخَذِينَ أَنْتِ أَيْضًا، وَيَخْرُجُ كَمُوشُ إِلَى السَّبْيِ، كَهَفَّتُهُ وَرُؤُوسَاوُهُ مَعًا. ۸ وَيَأْتِي الْمُهْلِكُ إِلَى كُلِّ مَدِينَةٍ، فَلَا تَقْلُتُ مَدِينَةً، فَيَبِيدُ الْوُطَاءُ، وَيَهْلِكُ السَّهْلُ كَمَا قَالَ الرَّبُّ. ۹ أَغْطُوا مُوَابَ جَنَاحًا لَآنَهَا تَخْرُجُ طَائِرَةٌ وَتَصِيرُ مَدْنُهَا خَرِبَةً بِلَا سَاكِنٍ فِيهَا. ۱۰ مَلْعُونٌ مَنْ يَعْمَلُ عَمَلَ الرَّبِّ بِرَحَاءٍ، وَمَلْعُونٌ مَنْ يَمْنَعُ سَيْفَهُ عَنِ الدِّمِّ. ۱۱ «مُسْتَرِيحُ مُوَابُ مِنْذُ صِبَاهُ، وَهُوَ مُسْتَقَرٌّ عَلَى دُرْدِيهِ، وَلَمْ يُفْرَغْ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ، وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى السَّبْيِ. لِذَلِكَ بَقِيَ طَعْمُهُ فِيهِ، وَرَائِحَتُهُ لَمْ تَتَغَيَّرْ. ۱۲ لِذَلِكَ هَا أَيَّامٌ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأُرْسِلُ إِلَيْهِ مُصْغِينَ فَيُصْغُونَهُ، وَيُفْرَعُونَ أُنْيَتَهُ، وَيَكْسِرُونَ أَوْعِيَتَهُمْ. ۱۳ فَيَخْجَلُ مُوَابُ مِنْ كَمُوشَ، كَمَا خَجَلَ بَيْتُ إِسْرَائِيلَ مِنْ بَيْتِ إِيلَ مُتْكِلِهِمْ.

۷ آری، از آنجا که به دسترنج و گنجهای خویش توکل داری، تو نیز گرفتار خواهی آمد؛ و کموش با کاهنان و صاحبمنصبانش جملگی به تبعید خواهند رفت. ۸ ویران کننده به هر شهری بر خواهد آمد و هیچ شهری رهایی نخواهد یافت. ساکنان فلات نابود خواهند شد، و مردمان همواری از میان خواهند رفت، چنانکه خداوند فرموده است. ۹ «موآب را بالها دهید زیرا پرواز کرده، خواهد گریخت؛ شهرهایش ویران

۷ ناحیه ای تاریخی که در شرق دریای مرده (بحرالمیت) و در جنوب غربی اردن قرار دارد.

خواهد شد، و کسی در آنها مسکن نخواهد گزید. ۱۰ «ملعون باد آن که کار خداوند را با اِهمال انجام دهد! ملعون باد آن که شمشیر خویش از خون بازدارد! ۱۱ «موآب از روزگار جوانی در استراحت بوده، و بر دُردیه خود نشسته است؛ از ظرفی به ظرف دیگر ریخته نشده، و به تبعید نرفته است؛ از این رو طعمش در او مانده، و رایحه‌اش تغییر نکرده است. ۱۲ پس خداوند می‌فرماید: اینک روزهایی می‌آید که من ریزندگان خواهم فرستاد؛ آنها او را خواهند ریخت و ظرفهایش را خالی کرده، سبوهایش را خواهند شکست. ۱۳ آنگاه موآب از کموش سرافکنده خواهند شد، چنانکه خاندان اسرائیل از بیت‌ئیل که تکیه‌گاهشان بود.

۱۴ «كَيْفَ نَقُولُونَ نَحْنُ جَبَابِرَةٌ وَرِجَالُ قُوَّةٍ لِلْحَرْبِ؟ ۱۵ أَهْلَكَتْ مُوآبُ وَصَعِدَتْ مُدُنُهَا، وَخِيَارُ مُنْتَخَبِيهَا نَزَلُوا لِلْقَتْلِ، يَقُولُ الْمَلِكُ رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. ۱۶ قَرِيبُ مَجِيءٍ هَلَاكِ مُوآبَ، وَبَلِيَّتُهَا مُسْرِعَةٌ جِدًّا. ۱۷ أُنْذِبُوهَا يَا جَمِيعَ الَّذِينَ حَوْلَئِهَا، وَكُلَّ الْعَارِفِينَ اسْمَهَا قُولُوا: كَيْفَ انْكَسَرَ قَضِيبُ الْعِزِّ، عَصَا الْجَلَالِ؟ ۱۸ إِنْزِلِي مِنَ الْمَجْدِ، اجْلِسِي فِي الظُّلُمَةِ أَتَيْتِهَا السَّائِكَةُ بِنْتَ دَيْبُونَ، لِأَنَّ مَهْلِكَ مُوآبَ قَدْ صَعِدَ إِلَيْكَ وَأَهْلَكَ حُصُونَكَ. ۱۹ قَفِي عَلَى الطَّرِيقِ وَتَطْلَعِي يَا سَائِكَةُ عَرُوعِيرَ. اسْأَلِي الْهَارِبَ وَالنَّاجِيَةَ. قُولِي: مَاذَا حَدَّثَ؟ ۲۰ قَدْ خَزِيَ مُوآبُ لِأَنَّهُ قَدْ نَقِضَ. وَلُولُوا وَاصْرُخُوا. أَخْبِرُوا فِي أَرْنُونَ أَنَّ مُوآبَ قَدْ أَهْلَكَ. ۲۱ وَقَدْ جَاءَ الْقَضَاءُ عَلَى أَرْضِ السَّهْلِ، عَلَى حَوْلُونَ وَعَلَى يَهْصَةَ وَعَلَى مِيفَعَةَ، ۲۲ وَعَلَى دَيْبُونَ وَعَلَى نَبُو وَعَلَى بَيْتِ دَبْلَتَايِمَ، ۲۳ وَعَلَى قَرِيَهَاتَايِمَ وَعَلَى بَيْتِ جَامُولَ وَعَلَى بَيْتِ مَعُونَ، ۲۴ وَعَلَى قَرِيُوتَ وَعَلَى بَصْرَةَ وَعَلَى كُلِّ مَدْنٍ أَرْضِ مُوآبَ الْبُعِيدَةِ وَالْقَرِيبَةِ. ۲۵ غَضِبَ قَرْنُ مُوآبَ، وَتَحَطَّمَتْ ذِرَاعُهُ، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱۴ «چگونه می‌گویید: "ما پهلوانان و جنگاورانی نیرومندیم؟" ۱۵ پادشاهی که نامش پروردگار لشکریانست می‌فرماید: «موآب ویران شده، به شهرهایش حمله خواهد شد، و جوانان برگزیده‌اش در کشتار از پا در خواهند آمد. ۱۶ مصیبت موآب نزدیک است، و بلایش به سرعت می‌آید. ۱۷ ای همه اطرافیان و ای جمله کسانی که نام او را می‌دانید، بر او ماتم گیرید و بگویید: "آن عصای نیرومند، آن چوبدستی شکوهمند، چگونه شکسته است!" ۱۸ «ای ساکنان دیبون، از جلال خویش به زیر آید، و بر زمین خشک بنشینید، زیرا ویران‌کننده موآب به ضد تو برآمده است و دژهایت را منهدم خواهد کرد. ۱۹ بر کناره راه بایست و نظاره کن، ای تو که در عروعر ساکنی. از مردی که می‌گریزد و زنی که فرار می‌کند، پرس: "چه شده است؟" ۲۰ موآب رسوا شده، زیرا که در هم شکسته است؛ شیون کنید و فریاد برآورید! در کنار آرنون اعلام کنید که موآب ویران گشته است. ۲۱ داوری بر فلات هموار نازل شده است، بر حولون و یهصه و میفعه، ۲۲ بر دیبون و نبو و بیت‌دبلتایم، ۲۳ بر قریه‌تایم و بیت‌جامول و

بیت معون، ۲۴ و بر قریوت و بصره، بر تمامی شهرهای موآب، دور و نزدیک. ۲۵ شاخ موآب بریده شده، و بازوانش شکسته است؛» این است فرموده خداوند.

۲۶ «أَسْكِرُوهُ لَأَنَّهُ قَدْ تَعَاظَمَ عَلَى الرَّبِّ، فَيَتَمَرَّغَ مُوَابٌ فِي قُبَائِهِ، وَهُوَ أَيْضًا يَكُونُ ضُحْكَةً. ۲۷ أَفَمَا كَانَ إِسْرَائِيلُ ضُحْكَةً لَكَ؟ هَلْ وَجِدَ بَيْنَ اللُّصُوصِ حَتَّى أَنَّكَ كُلَّمَا كُنْتَ تَتَكَلَّمُ بِهِ كُنْتَ تَنْغَضُ الرَّأْسَ؟ ۲۸ خَلُّوا الْمُدْنَ، وَاسْكُنُوا فِي الصَّخْرِ يَا سُكَّانَ مُوَابَ، وَكُونُوا كَحِمَامَةٍ تُعَشِّشُ فِي جَوَانِبِ فَمِ الْخُفْرَةِ. ۲۹ قَدْ سَمِعْنَا بِكِبَرِيَاءِ مُوَابَ. هُوَ مُتَكَبِّرٌ جِدًّا. بِعَظَمَتِهِ وَبِكِبَرِيَائِهِ وَجَلَالِهِ وَارْتِفَاعِ قَلْبِهِ. ۳۰ أَنَا عَرَفْتُ سَخَطَهُ، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنَّهُ بَاطِلٌ. أَكَاذِبُهُ فَعَلَتْ بَاطِلًا. ۳۱ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أُولُولُ عَلَى مُوَابَ، وَعَلَى مُوَابَ كُلِّهِ أَصْرُخُ. يُؤْنُّ عَلَى رِجَالِ قَيْرِ حَارِسَ. ۳۲ أَبْكِي عَلَيْكَ بُكَاءَ يَغْزِيرَ، يَا جَفْنَةَ سَبْمَةٍ. قَدْ عَبَّرْتَ قُضْبَانِكَ الْبَحْرَ، وَصَلْتَ إِلَى بَحْرِ يَغْزِيرَ. وَقَعَ الْمُهِلِكُ عَلَى جَنَّاكَ، وَعَلَى قِطَافِكَ. ۳۳ وَنَزَعَ الْفَرْحَ وَالطَّرْبُ مِنَ الْبُسْتَانِ، وَمِنْ أَرْضِ مُوَابَ. وَقَدْ أُبْطِلَتْ الْخَمْرُ مِنَ الْمَعَاصِرِ. لَا يُدَاسُ بِهَيْتَافٍ. جَلَبَةُ لَا هَيْتَافٍ. ۳۴ قَدْ أَطْلَقُوا صَوْتَهُمْ مِنْ صُرَاخٍ حَشْبُونٍ إِلَى الْعَالَةِ إِلَى يَاهِصَ، مِنْ صَوْعَرٍ إِلَى حُورُونَايِمَ، كَعَجَلَةٍ ثَلَاثِيَّةٍ، لِأَنَّ مِيَاهَ نَمْرِيمَ أَيْضًا تَصِيرُ خَرَبَةً.

۲۶ «او را مست سازید، زیرا خود را بر ضد خداوند برافراشته است؛ بگذارید موآب در قی خود بغلند، و اسباب تمسخر گردد. ۲۷ آیا اسرائیل اسباب تمسخر تو نبود؟ مگر او در میان دزدان یافت شده بود که هر گاه از او سخن می گفتی، سر بر او می جنبانیدی؟ ۲۸ «ای ساکنان موآب، شهرها را ترک گوید، و میان صخره ها مسکن گزینید؛ همچون کبوتری باشید که بر دیواره تنگه باریک آشیان می گیرد. ۲۹ درباره غرور موآب شنیده ایم؛ او بسیار مغرور و بلندپرواز و متکبر و گستاخ است، و نخوتی عظیم در دل دارد.» ۳۰ خداوند می فرماید: «از خودبینی او نیک آگاهم؛ فخرهای او هیچ است و کارهایش پوچ! ۳۱ از این رو برای موآب شیون می کنم؛ به جهت تمامی موآب فریاد برمی آورم، و از برای مردان قیرحارس ماتم می گیرم. ۳۲ ای تاک سبمه، بیش از آنکه بر یغزیر گریستم، بر تو خواهم گریست. شاخه های از دریا گذشت و تا به دریاچه یغزیر رسید؛ اما بر میوه ها و انگورهای رسیده ات ویران کننده فرود آمده است. ۳۳ از بستانها و مزرعه های موآب شادی و سرور رخت بر بسته است؛ شراب را از چرخشها زایل ساخته ام، دیگر کسی آنها را با فریاد شادمانی به پایها نخواهد آفشد؛ صدای فریاد شنیده می شود، اما فریاد شادمانی نیست. ۳۴ «فریاد آنها بلند می شود از حشبون تا العاله و یاهص، از صوعر تا حورونایم و عجلت شلیشیا. زیرا نه رهای نمریم نیز خشکیده است.»

۳۵ وَأُبْطِلُ مِنْ مُوَابَ، يَقُولُ الرَّبُّ، مَنْ يُصْعِدُ فِي مَرْتَفَعَةٍ، وَمَنْ يُبَخِّرُ لَأِلَهَيْتِهِ. ۳۶ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ يُصَوِّتُ قَلْبِي لِمُوَابَ كَنَائٍ، وَبُصَوِّتُ قَلْبِي لِرِجَالِ قَيْرِ حَارِسَ كَنَائٍ، لِأَنَّ الثَّرَوَةَ الَّتِي اكْتَسَبُوهَا قَدْ بَادَتْ. ۳۷ لِأَنَّ كُلَّ رَأْسٍ أَفْرَعٌ، وَكُلُّ لَحْيَةٍ مَجْزُوزَةٌ، وَعَلَى كُلِّ الْيَادِي خُمُوشٌ، وَعَلَى الْأَحْقَاءِ مُسُوحٌ. ۳۸ عَلَى كُلِّ سَطُوحٍ مُوَابَ وَفِي

شَوَارِعَهَا كُلِّهَا نَوْحُ، لَأَنِّي قَدْ حَطَمْتُ مُوَابَ كَانَاءٍ لَا مَسَرَّةَ بِهِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٣٩ يُؤْلُولُونَ قَائِلِينَ: كَيْفَ نُقْصَتْ؟ كَيْفَ حَوَّلَتْ مُوَابَ قَفَاهَا بِخِزْيٍ؟ فَقَدْ صَارَتْ مُوَابُ ضُحْكَةً وَرُعْبًا لِكُلِّ مَنْ حَوَالَيْهَا. ٤٠ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَا هُوَ يَطِيرُ كَنَسْرٍ، وَيَسْطُ جَنَاحِيهِ عَلَى مُوَابَ. ٤١ قَدْ أُخِذَتْ قَرْيُوتُ، وَأُمْسِكَتِ الْحَصِينَاتُ، وَسَيَكُونُ قَلْبُ جَبَابِرَةِ مُوَابَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَقَلْبِ امْرَأَةٍ مَآخِضٍ. ٤٢ وَيَهْلِكُ مُوَابُ عَنْ أَنْ يَكُونَ شَعْبًا، لَأَنَّهُ قَدْ تَعَاظَمَ عَلَى الرَّبِّ. ٤٣ خَوْفٌ وَخُفْرَةٌ وَفُحٌّ عَلَيْكَ يَا سَاكِنَ مُوَابَ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٤٤ الَّذِي يَهْرُبُ مِنْ وَجْهِ الْخَوْفِ يَسْقُطُ فِي الْخُفْرَةِ، وَالَّذِي يَصْعَدُ مِنَ الْخُفْرَةِ يَغْلِقُ فِي الْفُحِّ، لَأَنِّي أَجْلِبُ عَلَيْهَا، أَيْ عَلَى مُوَابَ، سَنَةً عِقَابِهِمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. ٤٥ فِي ظِلِّ حَشْبُونٍ وَقَفَ الْهَارِبُونَ بِلا قُوَّةٍ، لَأَنَّهُ قَدْ خَرَجَتْ نَارٌ مِنْ حَشْبُونٍ، وَلَهَيْبٌ مِنْ وَسْطِ سِيحُونٍ، فَأَكَلَتْ زَاوِيَةَ مُوَابَ، وَهَامَةَ بَنِي الْوَعْيِ. ٤٦ وَيُلُّ لَكَ يَا مُوَابُ! بَادَ شَعْبُ كَمْوُشَ، لَأَنَّ بَنِيكَ قَدْ أُخِذُوا إِلَى السَّبْيِ وَبَنَاتُكَ إِلَى الْجَلَاءِ. ٤٧ وَلَكِنِّي أَرُدُّ سَبْيَ مُوَابَ فِي آخِرِ الْأَيَّامِ، يَقُولُ الرَّبُّ. إِلَى هُنَا قَضَاءُ مُوَابَ.

۳۵ خداوند می‌فرماید: «آنان را که در مکانهای بلند قربانی تقدیم می‌کنند و برای خدایان خود بخور می‌سوزانند، در موآب نابود خواهم ساخت. ۳۶ از این رو دلم چون نی به جهت موآب نالان است، و برای مردم قیرحارس مانند نی می‌نالد. زیرا ثروتی که به دست آوردند، تباه شده است. ۳۷ سرها همه تراشیده است، و ریشها همه زده؛ دستها همه خراشیده است، و گرد هر کمری پلاسی پیچیده. ۳۸ بر همه بامهای موآب و در تمامی کوجه‌هایش چیزی جز سوگواری نیست؛ زیرا موآب را خرد کرده‌ام، همچون ظرفی که کسی خواهان آن نباشد؛» این است فرموده خداوند. ۳۹ «بین چگونه در هم شکسته است! بین چگونه شیون می‌کنند! بین چگونه موآب روی خویش از شرم برگردانیده است! موآب برای تمامی اطرافیانش اسباب تمسخر و مایه دهشت شده است.» ۴۰ زیرا خداوند چنین می‌فرماید: «بینید چگونه یکی همچون عقاب به سرعت پرواز می‌کند و بالهای خود را بر موآب می‌گستراند. ۴۱ شهرهایش تسخیر خواهد شد، و درهایش به تصرف در خواهد آمد. در آن روز، دل پهلوانان موآب همچون دل زنی خواهد بود که درد زنا دارد. ۴۲ موآب نابود شده، دیگر قومی نخواهد بود، زیرا خویشان را بر ضد خداوند برافراشته است.» ۴۳ خداوند می‌فرماید: «ای ساکن موآب، وحشت و گودال و دام پیش روی توست؛ ۴۴ آن که از وحشت بگریزد به گودال خواهد افتاد، و آن که از گودال بگریزد به دام گرفتار خواهد آمد. زیرا در سال مکافات ایشان اینها را بر موآب نازل خواهم کرد؛» این است فرموده خداوند. ۴۵ «فراریان تاب از کف داده، در سایه حشبون ایستاده‌اند؛ زیرا آتشی از حشبون برخاسته، و شعله‌ای از خانه سیحون بلند شده است که پیشانی موآب و فرق سر فتنه‌جویان را خواهد سوزانید. ۴۶ وای بر توای موآب! زیرا قوم کموش هلاک گشته‌اند؛

پسران به اسارت رفته‌اند، و دختران به تبعید. ۴۷ اما، خداوند می‌فرماید، در ایام آینده سعادت را به موآب باز خواهم گردانید.» حکم درباره موآب تا اینجا است.^۸

سفر ارمیا: الأصحاح التاسع والأربعون * ۴۹:۱-۳۹

۱ عَنْ بَنِي عَمُّونَ: «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: أَلَيْسَ لِإِسْرَائِيلَ بَنُونَ، أَوْ لَا وَارِثٌ لَهُ؟ لِمَاذَا يَرِثُ مَلِكُهُمْ جَادَ، وَشَعْبُهُ يَسْكُنُ فِي مَدِينِهِ؟ ۲ لِذَلِكَ هَا أَيَّامُ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَسْمِعُ فِي رَبَّةِ بَنِي عَمُّونَ جَلْبَةَ حَرْبٍ، وَتَصِيرُ تَلًّا خَرِبًا، وَتُحْرَقُ بَنَاتُهَا بِالنَّارِ، فَيَرِثُ إِسْرَائِيلُ الَّذِينَ وَرَثَتُهُ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳ وَلَوْلِي يَا حَشْبُونُ لَأَنَّ غَايَ قَدْ خَرِبَتْ. أَصْرُخَنَّ يَا بَنَاتِ رَبَّةَ. تَنْطَقْنَ بِمُسُوحٍ. أَنْذِبْنَ وَطَوَفْنَ بَيْنَ الْجُدْرَانِ، لِأَنَّ مَلِكُهُمْ يَذْهَبُ إِلَى السَّيِّئِ هُوَ وَكَهْنَتُهُ وَرُؤَسَاؤُهُ مَعًا. ۴ مَا بِأَلَيْكَ تَفْتَخِرِينَ بِالْأَوْطِيَّةِ؟ قَدْ فَاضَ وَطَاؤُكَ دَمًا آيَتْهَا الْبِنْتُ الْمُزْتَدَّةُ وَالْمُتَوَكِّلَةُ عَلَى خَزَائِنِهَا، قَائِلَةً: مَنْ يَأْتِي إِلَيَّ؟ ۵ هَآنَذَا أَجْلِبُ عَلَيْكَ خَوْفًا، يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ، مِنْ جَمِيعِ الَّذِينَ حَوْلَيْكَ، وَتُطْرَدُونَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى مَا أَمَامَهُ، وَلَيْسَ مَنْ يَجْمَعُ النَّائِبِينَ. ۶ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ أَرُدُّ سَبْيَ بَنِي عَمُّونَ، يَقُولُ الرَّبُّ.»

۱ وحی درباره عمونیان:^۹ خداوند چنین می‌فرماید: «آیا اسرائیل پسران ندارد؟ آیا او را وارثی نیست؟ پس چرا ملکوم جاد را تسخیر کرده و قوم او در شهرهای آن ساکنند؟ ۲ پس خداوند می‌فرماید: اینک ایامی می‌آید که نعره جنگ را در ربّه بنی عمّون بشنوانم؛ آن به تلی از خاک بدل خواهد شد، و روستاهایش در آتش خواهد سوخت. آنگاه اسرائیل آنان را که او را بیرون رانده بودند، بیرون خواهد راند؛» این است فرموده خداوند. ۳ «ای حشبون، شیون کن، زیرا عای ویران شده است! ای روستاهای ربّه، فریاد بر آورید! پلاس بپوشید و ماتم بگیرید، و در میان حصارها به این سو و آن سو بدوید. زیرا ملکوم به تبعید خواهد رفت، همراه با کاهنان و صاحبمنصبانش. ۴ ای دختر بی‌وفا، چرا به وادیهای حاصلخیزت می‌بالی؟ ای تو که بر خزاین خویش توکل داشته، می‌گویی: «کیست که به ضد من بر آید؟» ۵ پروردگار لشکریان

^۸ آنچه که درباره موآب و آدوم وحی شده است با آنچه که درباره اوضاع واحوال عراق و نواحی آن در آخرالزمان نقل شده شباهت بسیار دارد: منذر جوزی از امام صادق(ع) روایت کرده که فرمود: «يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنِ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلَّلُ السَّمَاءَ وَ حَسَنُ بَغْدَادَ وَ حَسَنُ بِلْدِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفَكَ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولٌ أَهْلَ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ»؛ (قبل از قیام قائم(ع) مردم از گناهان‌شان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر می‌شود و سرخی که آسمان را می‌پوشاند، بازداشته می‌شوند. و (همچنین بواسطه) فرو رفتن زمین در بغداد، و فرو رفتن زمین در بصره و خون‌هایی که در بصره ریخته می‌شود، و خرابی خانه‌های آن شهر، و نابودی که در بین مردم آنجا پدید می‌آید، و ترسی که اهل عراق را فرا می‌گیرد بطوری که آرامشی برای آنها باقی نخواهد ماند). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲؛ ص ۳۷۸

^۹ عمونیان (Ammonite). قومی سامی در تورات. این قوم در شمال غربی بحرالمیت زندگی می‌کردند. پایتخت آنان عمّان، در اردن کنونی، بود و غالباً با عبرانیان در جنگ بودند.

می فرماید: «اینک از تمامی اطرافیان تو را به وحشت خواهم انداخت؛ هر یک از شما بیرون رانده خواهید شد، و کسی نخواهد بود که فراریان را گرد آورد.» ۶ اما خداوند می فرماید: «بعدها سعادت را به عَمَونیان باز خواهم گردانید.»

۷ عَنْ أَدُومَ: «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: أَلَا حِكْمَةٌ بَعْدَ فِي تَيْمَانَ؟ هَلْ بَادَتْ الْمَشُورَةُ مِنَ الْفُهِمَاءِ؟ هَلْ فَرَعَتْ حِكْمَتُهُمْ؟ ۸ أَهْرَبُوا. التَّفَتُوا. تَعَمَّقُوا فِي السَّكَنِ يَا سُكَّانَ دَدَانَ، لِأَنِّي قَدْ جَلَبْتُ عَلَيْهِ بَلِيَّةَ عِيسُو حِينَ عَاقَبْتُهُ. ۹ لَوْ أَتَاكَ الْقَاطِفُونَ، أَفَمَا كَانُوا يَتْرُكُونَ عَلَالَةً؟ أَوِ اللَّصُوصُ لَيْلًا، أَفَمَا كَانُوا يُهْلِكُونَ مَا يَكْفِيهِمْ؟ ۱۰ وَلَكِنِّي جَرَدْتُ عِيسُو، وَكَشَفْتُ مُسْتَرَاتِهِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْتَبِيَ. هَلَكَ نَسْلُهُ وَإِخْوَتُهُ وَجِيرَانُهُ، فَلَا يُوجَدُ. ۱۱ أَتُرَكُ أَيْتَامَكَ أَنَا أُخِيهِمْ، وَأَرَامِلَكَ عَلَيَّ لِيَتَوَكَّلْنَ. ۱۲ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَا إِنِّ الَّذِينَ لَا حَقَّ لَهُمْ أَنْ يَشْرَبُوا الْكَاسَ قَدْ شَرَبُوا، فَهَلْ أَنْتَ تَتَبَرَّأُ تَبَرُّؤًا؟ لَا تَتَبَرَّأُ! بَلْ إِنَّمَا تَشْرَبُ شُرْبًا. ۱۳ لِأَنِّي بِذَاتِي حَلَفْتُ، يَقُولُ الرَّبُّ، إِنِّ بَصْرَةَ تَكُونُ دَهْشًا وَغَارًا وَخَرَابًا وَلَعْنَةً، وَكُلُّ مَدْنِهَا تَكُونُ خِرَابًا أَبَدِيَّةً. ۱۴ قَدْ سَمِعْتُ خَبْرًا مِنْ قِبَلِ الرَّبِّ، وَأَرْسِلُ رَسُولًا إِلَى الْأُمَمِ قَائِلًا: تَجَمَّعُوا وَتَعَالَوْا عَلَيَّهَا، وَقُومُوا لِلْحَرْبِ. ۱۵ لِأَنِّي هَا قَدْ جَعَلْتُكَ صَغِيرًا بَيْنَ الشُّعُوبِ، وَمُخْتَقَرًا بَيْنَ النَّاسِ. ۱۶ قَدْ غَرَّكَ تَخَوُّفُكَ، كِبَرِيَاءُ قَلْبِكَ، يَا سَاكِنُ فِي مَحَاجِي الصَّخْرِ، الْمَاسِكُ مُرْتَفِعِ الْأَكْمَةِ. وَإِنْ رَفَعْتَ كَنَسْرَ عُشِّكَ، فَمِنْ هُنَاكَ أُحْدِثُكَ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۷ وَتَصِيرُ أَدُومُ عَجَبًا. كُلُّ مَارٍ بِهَا يَتَعَجَّبُ وَيَصْفِرُ بِسَبَبِ كُلِّ ضَرْبَاتِهَا! ۱۸ كَانْقِلَابِ سُدُومَ وَعَمُورَةَ وَمُجَاوَرَاتِهِمَا، يَقُولُ الرَّبُّ، لَا يَسْكُنُ هُنَاكَ إِنْسَانٌ وَلَا يَتَغَرَّبُ فِيهَا ابْنُ آدَمَ. ۱۹ هُوَذَا يَصْعَدُ كَاسِدٌ مِنَ كِبَرِيَاءِ الْأُرْدُنِّ إِلَى مَرْعَى دَائِمٍ. لِأَنِّي أَعْمِزُ وَأَجْعَلُهُ يَرْكُضَ عَنْهُ. فَمَنْ هُوَ مُتَّخَبٌ، فَأَقِيمَهُ عَلَيْهِ؟ لَأَنَّهُ مَنْ مِثْلِي؟ وَمَنْ يُحَاكِمُنِي؟ وَمَنْ هُوَ الرَّاعِي الَّذِي يَقِفُ أَمَامِي؟ ۲۰ لِذَلِكَ اسْمَعُوا مَشُورَةَ الرَّبِّ الَّتِي قَضَى بِهَا عَلَى أَدُومَ، وَأَفْكَارَهُ الَّتِي افْتَكَرَ بِهَا عَلَى سُكَّانِ تَيْمَانَ: إِنَّ صِغَارَ الْغَنَمِ تَسْحَبُهُمْ. إِنَّهُ يَخْرِبُ مَسْكَنَهُمْ عَلَيْهِمْ. ۲۱ مِنْ صَوْتِ سُقُوطِهِمْ رَجَفَتِ الْأَرْضُ. صَرَخَةُ سَمِعَ صَوْنُهَا فِي بَحْرِ سُوفَ. ۲۲ هُوَذَا كَنَسْرٌ يَرْتَفِعُ وَيَطِيرُ وَيَبْسُطُ جَنَاحَيْهِ عَلَى بَصْرَةَ، وَيَكُونُ قَلْبُ جَبَابِرَةِ أَدُومَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَقَلْبِ امْرَأَةٍ مَاجُضٍ».

۷ وحی درباره اَدوم: ۱۰ پروردگار لشکریان چنین می فرماید: «آیا دیگر حکمتی در تیمان یافت نمی شود؟ آیا مشورت از خردمندان زایل شده است؟ آیا حکمتشان فاسد گشته است؟ ۸ ای ساکنان دَدان، روی برتافته، بگریزید! به گودِها فرو شوید، زیرا که عیسو را در روز مکافاتش، به مصیبت گرفتار خواهم کرد. ۹ اگر انگورچینان نزد تو می آمدند، آیا خوشه ای چند باقی نمی گذاشتند؟ و اگر سارقان شبانگاه می آمدند، آیا به قدر کفایت خویش نمی بُردند؟ ۱۰ اما من عیسو را عریان خواهم ساخت، و مخفیگاه هایش را عیان خواهم کرد، تا دیگر نتواند خود را پنهان سازد. فرزندان و خویشان و همسایگانش نابود خواهند

۱۰ اَدوم بمعنی پایدار و استوار یک پادشاهی باستانی است واقع در شرق اردن قدیم، از جنوب بحرالْمِیت بین موأب تا شمال شرقی وادی عرب و صحرای عربستان در امتداد جنوب به شرق. بیشتر قلمرو سابق آن در حال حاضر میان اسرائیل و اردن تقسیم شده است.

شد، و او دیگر نخواهد بود. ۱۱ یتیمان را رها کن، زیرا من ایشان را زنده نگاه خواهم داشت؛ بگذار بیوه‌هایت نیز بر من توکل کنند.» ۱۲ زیرا خداوند چنین می‌فرماید: «اگر آنان که سزاوار نوشیدن از این جام نیستند، باید از آن بنوشند، چگونه ممکن است تو بی‌سزایمانی؟ بی‌گمان بی‌سزا نخواهی ماند، بلکه خواهی نوشید. ۱۳ خداوند می‌فرماید: به ذات خودم قسم که بصره به وحشت و تمسخر و ویرانی و لعنت دچار خواهد شد و شهرهایش جملگی ویرانه ابدی خواهد بود.» ۱۴ پیامی از سوی خداوند شنیده‌ام، و رسولی به میان قومها فرستاده شده تا بگوید: «گرد هم آمده، به ضد او برآید؛ برای جنگ به پا خیزید! ۱۵ زیرا اینک من تو را در میان قومها کوچک خواهم ساخت و آدمیان بر تو به دیده حقارت خواهند نگرست. ۱۶ ای تو که در شکافهای صخره‌ها ساکنی، و فراز بلندیها را اشغال کرده‌ای، وحشتی که برمی‌انگیزی و غرور دلت تو را فریفته است. اگرچه همچون عقاب بر بلندیها آشیان کنی، تو را از آنجا به زیر خواهم کشید؛» این است فرموده خداوند. ۱۷ «آدم مایه حیرت خواهد بود و هر که از آن عبور کند متحیر شده، از دیدن همه صدماتش انگشت به دهان خواهد ماند. ۱۸ و خداوند می‌فرماید: همان‌گونه که سدوم و عموره و شهرهای مجاورشان واژگون شد، در آنجا نیز کسی نخواهد زیست و هیچ انسانی در آن مسکن نخواهد گزید. ۱۹ «اینک من همچون شیری که از بیشه‌های اردن به مرتع خرم برآید، به لحظه‌ای آدم را از آنجا خواهم راند و کسی را که برگزیده‌ام، بر آنجا خواهم گماشت. کیست مانند من؟ کیست که مرا به محاکمه بیاورد؟ و کیست آن شبان که در برابرم بایستد؟ ۲۰ پس بشنوید تدبیری را که خداوند بر ضد آدم اندیشیده است، و تقدیری را که بر ضد ساکنان تیمان کرده است: حتی کوچکان گله را کشان کشان خواهند برد، و به یقین مسکنشان به سبب ایشان یکسره متروک خواهد شد. ۲۱ زمین از صدای افتادن ایشان به لرزه در خواهد آمد، و فریاد ایشان تا دریای سرخ به گوش خواهد رسید. ۲۲ ببینید چگونه یکی همچون عقاب به سرعت پرواز می‌کند و بالهای خویش را بر بصره می‌گسترده. در آن روز، دل پهلوانان آدم همچون دل زنی خواهد بود که درد زنا دارد.»^{۱۱}

^{۱۱} آنچه که درباره موآب و آدم و وحی شده است با آنچه که درباره اوضاع و احوال عراق و نواحی آن در آخرالزمان نقل شده شباهت بسیار دارد: منذر جوزی از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلُّ السَّمَاءَ وَ حَسْفٌ بِبَغْدَادَ وَ حَسْفٌ بَبَلَدِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولٌ أَهْلَ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ»؛ (قبل از قیام قائم (ع) مردم از گناهانشان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر می‌شود و سرخی که آسمان را می‌پوشاند، بازداشته می‌شوند. و (همچنین بواسطه) فرو رفتن زمین در بغداد، و فرو رفتن زمین در بصره و خون‌هایی که در بصره ریخته می‌شود، و خرابی خانه‌های آن شهر، و نابودی که در بین مردم آنجا پدید می‌آید، و ترسی که اهل عراق را فرا می‌گیرد بطوری که آرامشی برای آنها باقی نخواهد ماند). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲؛ ص ۳۷۸

۲۳ عَنْ دِمَشْقَ: «خَزَيْتُ حَمَاةً وَأَرْفَادًا. قَدْ دَابُّوا لِأَنَّهُمْ قَدْ سَمِعُوا خَبْرًا رَدِيئًا. فِي الْبَحْرِ اضْطِرَابٌ لَا يَسْتَطِيعُ الْهَدُوءَ. ۲۴ ارْتَحَتْ دِمَشْقُ وَالتَفَتَتْ لِلْهَرَبِ. أَمْسَكَتْهَا الرِّغْدَةُ، وَأَخَذَهَا الضِّيقُ وَالْأَوْجَاعُ كَمَاخِضٍ. ۲۵ كَيْفَ لَمْ تُتْرَكِ الْمَدِينَةُ الشَّهِيرَةُ، قَرْيَةُ فَرَجِي؟ ۲۶ لِذَلِكَ تَسْقُطُ شَبَانُهَا فِي سَوَارِعِهَا، وَتَهْلِكُ كُلُّ رِجَالِ الْحَرْبِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، يَقُولُ رَبُّ الْجُنُودِ. ۲۷ وَأَشْعَلُ نَارًا فِي سُورِ دِمَشْقَ فَتَأْكُلُ قُصُورَ بَنِيهِدَدَ».

۲۳ وحی درباره دمشق: «حمات^{۱۲} و ارفاد^{۱۳} پریشان گشته‌اند، زیرا خبر بد شنیده‌اند؛ و چون دریای متلاطم، آشفته‌اند و قرار ندارند. ۲۴ دمشق ناتوان گشته، پا به فرار نهاده، و لرزه او را درگرفته است؛ همچون زنی در حال زاء، به درد و آلم گرفتار آمده است. ۲۵ چگونه شهر پُر آوازه، آن شهر که مایه شادی من بود، چنین متروک گشته است؟» ۲۶ پروردگار لشکریان می‌فرماید: «به یقین جوانانش در کوچه‌ها خواهند افتاد، و جنگاورانش جملگی در آن روز هلاک خواهند شد. ۲۷ بر دیوارهای دمشق آتشی بر خواهم افروخت، که دژهای بن‌هدد را فرو ببرد.»

۲۸ عَنْ قِيدَارَ وَعَنْ مَمَالِكِ حَاصُورَ الَّتِي ضَرَبَهَا نَبُوخَذْرَاصَرُ مَلِكُ بَابِلَ: «هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: قُومُوا اصْعَدُوا إِلَى قِيدَارَ. اخْرُبُوا بَنِي الْمَشْرِقِ. ۲۹ يَأْخُذُونَ خِيَامَهُمْ وَغَنَمَهُمْ، وَيَأْخُذُونَ لَأَنْفُسِهِمْ شَقَقَهُمْ وَكُلَّ أَنْبِيَتِهِمْ وَجَمَالِهِمْ، وَيُنَادُونَ إِلَيْهِمْ: الْخَوْفُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ. ۳۰ أَهْرُبُوا. انْهَزِمُوا جِدًّا. تَعَمَّقُوا فِي السَّكَنِ يَا سَكَّانَ حَاصُورَ، يَقُولُ الرَّبُّ، لِأَنَّ نَبُوخَذْرَاصَرَ مَلِكَ بَابِلَ قَدْ أَشَارَ عَلَيْكُمْ مَشُورَةً، وَفَكَرَ عَلَيْكُمْ فِكْرًا. ۳۱ قُومُوا اصْعَدُوا إِلَى أُمَّةٍ مُطْمَئِنَّةٍ سَاكِتَةٍ أَمِنَةٍ، يَقُولُ الرَّبُّ، لَا مَصَارِيحَ وَلَا عَوَارِضَ لَهَا. تَسْكُنُ وَحْدَهَا. ۳۲ وَتَكُونُ جَمَالُهُمْ نَهْبًا، وَكَثْرَةُ مَاشِيَتِهِمْ غَنِيمَةً، وَأَذْرِي لِكُلِّ رِيحٍ مَقْصُوصِي الشَّعْرِ مُسْتَدِيرًا، وَآتِي بِهَلَائِكِهِمْ مِنْ كُلِّ جِهَاتِهِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۳ وَتَكُونُ حَاصُورُ مَسْكَنِ بَنَاتِ أَوَى، وَخَرِبَةٌ إِلَى الْأَبَدِ. لَا يَسْكُنُ هُنَاكَ إِنْسَانٌ، وَلَا يَتَغَرَّبُ فِيهَا ابْنُ آدَمَ».

۲۸ وحی درباره قیدار^{۱۴} و ممالک حاصور^{۱۵} که نبوکدنصر پادشاه بابل آنها را مغلوب ساخت: خداوند چنین می‌فرماید: «به پا خیزید! بر قیدار حمله آورید، و مردم مشرق‌زمین را نابود کنید! ۲۹ خیمه‌ها و گله‌هایشان به تاراج خواهد رفت، نیز پرده‌ها و تمامی اثاثیه آنها؛ شترانشان را از ایشان خواهند گرفت، و مردم بر ایشان بانگ بر خواهند کشید که: "وحشت از هر سو!"» ۳۰ خداوند می‌فرماید: «ای ساکنان حاصور بگریزید، در دوردستها پراکنده شوید، و در جاهای عمیق خود را پنهان کنید! زیرا نبوکدنصر پادشاه بابل بر ضد شما تدبیری اندیشیده و علیه شما نقشه‌ای کشیده است.» ۳۱ خداوند می‌فرماید: «به پا خیزید، و بر قوم آسوده‌خیال حمله برید، بر او که در امنیت ساکن است، و او را دروازه و پشت‌بندی نیست و به تنهایی

^{۱۲} حمات یکی از شهرستان‌های استان حمات کشور سوریه است.

^{۱۳} ارفاد قریه‌ای است بزرگ از ناحیه حلب از نواحی عزاز

^{۱۴} قیدار یکی از شهرهای ایران در استان زنجان است. این شهر مرکز شهرستان خدابنده است.

^{۱۵} حاصور (بالعبرية: תל חצור) مدينة كنعانية قديمة هامة حيث كانت عاصمة مملكة الكنعانيين في شمال فلسطين.

می‌زید! ۳۲ شتران ایشان به یغما خواهد رفت، و رمه‌های پُرشمارشان به غنیمت گرفته خواهد شد.» خداوند می‌فرماید: «من آنان را که گوشه‌های موی خود را می‌تراشند، به هر سو خواهم پراکند، و از هر سو بر ایشان مصیبت خواهم آورد. ۳۳ حاصور لانه شغالان خواهد شد، و به ویرانه ابدی بدل خواهد گشت؛ دیگر کسی در آن نخواهد زیست، و هیچ انسانی در آن مسکن نخواهد گزید.»

۳۴ کَلِمَةُ الرَّبِّ الَّتِي صَارَتْ إِلَى إِرْمِيَا النَّبِيِّ عَلَى عِيلَامَ، فِي ابْتِدَاءِ مُلْكِ صِدْقِيَا مَلِكِ يَهُوذَا قَائِلَةً: ۳۵ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: هَآنَذَا أُحْطِمُ قَوْسَ عِيلَامَ أَوَّلَ قُوَّتِهِمْ. ۳۶ وَأَجْلِبُ عَلَى عِيلَامَ أَرْبَعَ رِيَّاحٍ مِنْ أَرْبَعَةِ أَطْرَافِ السَّمَاءِ، وَأُذْرِبُهُمْ لِكُلِّ هَذِهِ الرِّيَّاحِ وَلَا تَكُونُ أُمَّةٌ إِلَّا وَيَأْتِي إِلَيْهَا مَنْفِيُّو عِيلَامَ. ۳۷ وَأَجْعَلُ الْعِيلَامِيِّينَ يَرْتَعِبُونَ أَمَامَ أَغْدَائِهِمْ وَأَمَامَ طَالِبِي نَفُوسِهِمْ، وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ شَرًّا، حُمُومٌ غَضَبِي، يَقُولُ الرَّبُّ. وَأُرْسِلُ وَرَاءَهُمُ السَّيْفُ حَتَّى أَفْنِيَهُمْ. ۳۸ وَأَضَعُ كُرْسِيِّي فِي عِيلَامَ، وَأُبِيدُ مِنْ هُنَاكَ الْمَلِكَ وَالرُّؤُسَاءِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۹ «وَيَكُونُ فِي آخِرِ الْأَيَّامِ أَنِّي أُرْدُّ سَبْيَ عِيلَامَ، يَقُولُ الرَّبُّ».

۳۴ کلام خداوند درباره عیلام^{۱۶} که در آغاز سلطنت صدقیا پادشاه یهودا بر ارمیای نبی نازل شد: ۳۵ پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «هان من کمان عیلام را که مایه قوت ایشان است، خواهم شکست. ۳۶ چهار باد از چهار گوشه آسمان بر عیلام خواهم وزانید، و ایشان را به سوی هر یک از این باده‌ها خواهم پراکند، چندان که هیچ قومی نباشد که پراکندگان عیلام نزد آنها نرفته باشند. ۳۷ من مردمان عیلام را در برابر دشمنانشان و به حضور آنان که قصد جان ایشان دارند، به وحشت خواهم افکند. و خداوند می‌گوید که من بلا، یعنی خشم آتشین خود را بر ایشان خواهم آورد، و شمشیر را از پی ایشان خواهم فرستاد، تا ایشان را به تمامی هلاک کنم. ۳۸ و خداوند می‌فرماید: من تخت خود را در عیلام بر پا خواهم کرد، و پادشاهان و صاحبمنصبان را از آنجا نابود خواهم ساخت. ۳۹ «اما در ایام آخر، سعادت را به عیلام باز خواهم گردانید؛» این است فرموده خداوند.

سفر ارمیا: الأصْحاحُ الْخَمْسُونَ * ۱:۵۰-۴۶

۱ الْكَلِمَةُ الَّتِي تَكَلَّمَ بِهَا الرَّبُّ عَنْ بَابِلَ وَعَنْ أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ عَلَى يَدِ إِرْمِيَا النَّبِيِّ: ۲ «أَخْبِرُوا فِي الشُّعُوبِ، وَأَسْمِعُوا وَارْفَعُوا رَايَةً. أَسْمِعُوا لَا تَخْفُوا. قُولُوا: أَخَذَتْ بَابِلُ خَزْيَ بَيْلٍ. انْسَحَقْ مَرُودُخُ. خَزَيْتَ أَوْثَانَهَا. انْسَحَقَتْ أَصْنَامُهَا. ۳ لِأَنَّهُ قَدْ طَلَعَتْ عَلَيْهَا أُمَّةٌ مِنَ الشِّمَالِ هِيَ تَجْعَلُ أَرْضَهَا خَرِبَةً فَلَا يَكُونُ فِيهَا سَاكِنٌ. مِنْ إِنْسَانٍ إِلَى حَيَوَانٍ هَرَبُوا وَذَهَبُوا.

^{۱۶} نام یک تمدن است که بخش بزرگی از جنوب غربی فلات ایران را تا پایان هزاره سوم قبل از میلاد در بر می‌گرفت.

۱ کلامی که خداوند دربارهٔ بابل و سرزمین کلدانیان^{۱۷} به واسطهٔ ارمیای نبی فرمود: ۲ «در میان قومها ندا در دهید و اعلام کنید، پرچم را برافرازید و اعلام کنید، آن را پنهان مدارید، بلکه گوئید: "بابل تسخیر شده، بِل"»^{۱۸} سرافکنده گردیده، و مردوک^{۱۹} هراسان گشته است. بتهایش سرافکنده شده‌اند، بتهای بی‌ارزش آن هراسان گشته‌اند. ۳ «زیرا که قومی از جانب شمال بر او می‌آید که سرزمینش را ویران خواهد ساخت، چندان که کسی در آن ساکن نشود؛ انسان و حیوان از آنجا خواهند گریخت.»

۴ «فِي تِلْكَ الْآيَاتِ وَفِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَقُولُ الرَّبُّ، يَأْتِي بَنُو إِسْرَائِيلَ هُمْ وَبَنُو يَهُودَا مَعًا. يَسِيرُونَ سِيرًا، وَيَبْكُونَ وَيَطْلُبُونَ الرَّبَّ إِلَهُهُمْ. ۵ يَسْأَلُونَ عَنْ طَرِيقِ صِهْيُون، وَوُجُوهُهُمْ إِلَى هُنَاكَ، قَائِلِينَ: هَلُمَّ فَلْنَصُقْ بِالرَّبِّ بَعْدَ أَبَدٍ لَا يُنْسَى. ۶ كَانَ شَعْبِي خِرَافًا ضَالَّةً، قَدْ أَضَلَّتْهُمْ رُعَاتُهُمْ. عَلَى الْجِبَالِ أَتَاهُوهُمْ. سَارُوا مِنْ جَبَلٍ إِلَى أَكْمَةٍ. نَسُوا مَرْبِضَهُمْ. ۷ كُلُّ الَّذِينَ وَجَدُوهُمْ أَكَلُوهُمْ، وَقَالَ مُبْغِضُوهُمْ: لَا نَذِيبُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمْ أَخْطَأُوا إِلَى الرَّبِّ، مَسْكِنَ الْبَرِّ وَرَجَاءِ آبَائِهِمِ الرَّبِّ. ۸ أَهْرَبُوا مِنْ وَسْطِ بَابِلَ وَأَخْرَجُوا مِنْ أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ، وَكُونُوا مِثْلَ كَرَارِيزَ أَمَامَ الْغَنَمِ. ۹ «لَأَنِّي هَذَا أَوْقِطُ وَأُصْعِدُ عَلَى بَابِلَ جُمْهُورَ شُعُوبٍ عَظِيمَةٍ مِنْ أَرْضِ الشِّمَالِ، فَيَصْطَفُونَ عَلَيْهَا. مِنْ هُنَاكَ تَوَخَّذْ. نِبَالَهُمْ كَبَطَلٍ مُهْلِكٍ لَا يَرْجِعُ فَارِغًا. ۱۰ وَتَكُونُ أَرْضُ الْكَلْدَانِيِّينَ غَنِيمَةً. كُلُّ مُغْتَنِمِيهَا يَشْبَعُونَ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۱۱ لَأَتَّكُمُ قَدْ فَرَحْتُمْ وَشِمْتُمْ يَا نَاهِييَ مِيرَاثِي، وَقَفَرْتُمْ كَعِجَلَةٍ فِي الْكَالِ، وَصَهَلْتُمْ كَخَيْلٍ، ۱۲ تَخْزَى أُمُّكُمْ جِدًّا. تَخْجَلُ الَّتِي وَلَدَتْكُمْ. هَا آخِرَةُ الشُّعُوبِ بَرِيَّةٌ وَأَرْضُ نَاشِئَةٍ وَقَفْرٌ. ۱۳ بِسَبَبِ سَخَطِ الرَّبِّ لَا تُسْكُنُ، بَلْ تُصِيرُ خَرِبَةً بِالتَّمَامِ. كُلُّ مَارٍّ بِبَابِلَ يَتَعَجَّبُ وَيَصْفِرُ بِسَبَبِ كُلِّ ضَرْبَاتِهَا. ۱۴ إِصْطَفُوا عَلَى بَابِلَ حَوَالِيهَا يَا جَمِيعَ الَّذِينَ يَنْزِعُونَ فِي الْقَوْسِ. ارْمُوا عَلَيْهَا. لَا تُوفِّرُوا السِّهَامَ لِأَنَّهُ قَدْ أَخْطَأَتْ إِلَى الرَّبِّ. ۱۵ اهْتَفُوا عَلَيْهَا حَوَالِيهَا. قَدْ أَعْطَتْ يَدَهَا. سَقَطَتْ أُسُسُهَا. نُقِضَتْ أَسْوَارُهَا. لِأَنَّهُا نَقَمَةُ الرَّبِّ هِيَ، فَانْتَقِمُوا مِنْهَا. كَمَا فَعَلْتَ أَفْعَلُوا بِهَا. ۱۶ أَقْطَعُوا الزَّارِعَ مِنْ بَابِلَ، وَمَاسِكَ الْمِنْجَلِ فِي وَقْتِ الْحَصَادِ. مِنْ وَجْهِ السَّيْفِ الْقَاسِيِ يَرْجِعُونَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى شَعْبِهِ، وَيَهْرَبُونَ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى أَرْضِهِ.»

۴ خداوند می‌فرماید: «در آن روزها و در آن زمان بنی اسرائیل و بنی یهودا با هم خواهند آمد؛ آری، اشک‌ریزان خواهند آمد و یهوه خدای خویش را خواهند جست. ۵ آنان راه صهیون را خواهند پرسید، و روی به سوی آن نهاده، خواهند گفت: "بیایید تا با عهدی جاودانی که هرگز از یاد نرود به خداوند

^{۱۷} کلدۀ یا کلدان نام یکی از بخش‌های تمدن بابل است که در هزاره اول قبل از میلاد مهمترین حکومت میان‌رودان را تشکیل می‌دادند. پایتخت کلدانیان بیت یا کین نام داشت و در کرانه سمت چپ فرات، میان بصره و ناصریه کنونی قرار داشت. حاکم کلدانیان نیز پادشاه بیت یا کین نامیده می‌شد.

^{۱۸} بل نام خدایی است که جوامع باستانی بسیاری در سرزمین میان‌رودان، آنرا می‌پرستیدند. در قرآن از قول حضرت ابراهیم نقل شده است: (قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ) (ع) شکستن بت‌ها را به بت بزرگ، نسبت داد.

^{۱۹} مردوخ یا مردوک یکی از خدایان باستانی تمدن بابل است. در تمدن از او بعنوان خدای باروری و آفرینش یاد شده است.

پیوندیم! ۶ «قوم من گوسفندانی گم گشته بوده‌اند. شبانانشان آنها را گمراه کرده، بر کوهها آواره ساختند. آنان بر کوهها و تله‌ها سرگردان شدند و استراحتگاه خویش را فراموش کردند. ۷ هر که ایشان را یافت، ایشان را فرو بلعید و دشمنانشان گفتند: «مقصر ما نیستیم، زیرا اینان به یهوه که چراگاه حقیقی ایشان است گناه ورزیدند، به یهوه که امید پدرانشان بود.» ۸ «از میان بابل بگریزید، و از سرزمین کلدانیان بیرون آید. همچون بزهای نر، پیشاپیش گله راه بروید. ۹ زیرا اینک من جماعتی از قومهایی بزرگ را از سرزمین شمال برمی‌انگیزم و ایشان را بر بابل می‌آورم. آنان در برابرش صف‌آرایی خواهند کرد، و او در آنجا گرفتار خواهد شد. تیرهای ایشان همچون پهلوانان رزم آزموده است که یکی از آنها خالی بر نمی‌گردد.» ۱۰ خداوند می‌فرماید: «کلده غارت خواهد شد، و هر که او را تاراج کند، سیر خواهد گشت. ۱۱ ای غارتگران میراث من! اگرچه شاد و سرخوشید، اگرچه همچون گوساله بر مراتع جست و خیز می‌کنید، و مانند اسب شیهه می‌کشید، ۱۲ مادران بس شرمسار خواهد شد، و آن که شما را بزاد، رسوا خواهد گردید. او در میان قومها آخرین خواهد بود و به بیابان و زمین خشک و برهوت بدل خواهد شد. ۱۳ به سبب خشم خداوند مسکون نخواهد گردید، بلکه یکسره ویران خواهد گشت؛ و هر که از بابل عبور کند متحیر شده، از دیدن صدماتش انگشت به دهان خواهد ماند. ۱۴ ای همه کمانگیران، از هر سو در برابر بابل صف‌آرایی کنید؛ او را هدف قرار دهید و از تیرها دریغ نکنید؛ زیرا به خداوند گناه ورزیده است. ۱۵ از هر سو بر او نعره زنید؛ زیرا که خود را تسلیم کرده است. حصارهایش فرو افتاده، و دیوارهایش فرو ریخته است. از آنجا که این انتقام خداوند است، از او انتقام گیرید؛ بر او همان روا دارید که او بر دیگران روا داشت. ۱۶ برزگران را جملگی از بابل منقطع سازید، و هم آنان را که به هنگام درو داس خویش به کار می‌برند. از بیم شمشیر آن ستمگر، هر کس نزد قوم خود باز گردد، و به سرزمین خویش بگریزد.

۱۷ «إِسْرَائِيلُ غَنِمٌ مُتَبَدِّدَةٌ. قَدْ طَرَدَتْهُ السَّبَاعُ. أَوْلَا أَكَلَهُ مَلِكُ أَشُورَ، ثُمَّ هَذَا الْأَخِيرُ، نَبُوخَذْرَاصَرُ مَلِكُ بَابِلَ هَرَسَ عِظَامَهُ. ۱۸ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: هَآنَذَا أَعَاقِبُ مَلِكِ بَابِلَ وَأَرْضُهُ كَمَا عَاقَبْتُ مَلِكَ أَشُورَ. ۱۹ وَأَرَدْتُ إِسْرَائِيلَ إِلَى مَسْكَنِهِ، فَيَرَعَى كَرْمِلَ وَبَاشَانَ، وَفِي جَبَلِ أَفْرَايِمَ وَجِلْعَادَ تَسْبُعُ نَفْسُهُ. ۲۰ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ وَفِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، يَقُولُ الرَّبُّ، يُطَلَّبُ إِنْهُمْ إِسْرَائِيلَ فَلَا يَكُونُ، وَخَطِيئَةُ يَهُوذَا فَلَا تُوجَدُ، لِأَنِّي أَغْفِرُ لِمَنْ أَبْقِيَهُ.

۱۷ «اسرائیل بره‌ای را مانند که شیران او را فراری داده‌اند. ابتدا پادشاه آشور او را خورد و در آخر نبوکدنصر پادشاه بابل، استخوانهایش را جَوید.» ۱۸ از این رو پروردگار لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: «اینک من بر پادشاه بابل و بر سرزمین او مکافات خواهم رسانید، همان‌گونه که بر پادشاه آشور مکافات رساندم. ۱۹ من اسرائیل را به چراگاهش باز خواهم آورد، و او در کرمِل و باشان خواهد چرید و

جان او بر بلندیه‌های افرایم و جلعاد سیر خواهد شد.» ۲۰ خداوند می‌فرماید: «در آن روزها و در آن زمان، سراغ از تقصیر اسرائیل خواهند گرفت و اثری از آن نخواهد بود، و گناه یهودا را خواهند جست و یافت نخواهد شد، زیرا آنانی را که باقی گذارم، خواهم آمرزید.

۲۱ «اصْعَدْ عَلَى أَرْضِ مِراثِيهِمْ. عَلَيْهَا وَعَلَى سَكَّانِ فَقُودَ. اخْرِبْ وَحَرِّمْ وَرَاءَهُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَافْعَلْ حَسَبَ كُلِّ مَا أَمَرْتُكَ بِهِ. ۲۲ صَوْتُ حَرْبٍ فِي الْأَرْضِ، وَانْجِطَامٌ عَظِيمٌ. ۲۳ كَيْفَ قُطِعَتْ وَتَحَطَّمَتْ مِطْرَقَةٌ كُلِّ الْأَرْضِ؟ كَيْفَ صَارَتْ بَابِلُ خَرِبَةً بَيْنَ الشُّعُوبِ؟ ۲۴ قَدْ نَصَبْتُ لَكَ شَرَكًا، فَعَلَقْتُ يَا بَابِلُ، وَأَنْتِ لَمْ تَعْرِفِي! قَدْ وَجِدْتَ وَأُمْسِكْتَ لِأَنَّكَ قَدْ خَاصَمْتَ الرَّبَّ. ۲۵ فَتَحَ الرَّبُّ خِزَانَتَهُ، وَأَخْرَجَ آلَاتِ رِجْزِهِ، لِأَنَّ لِّلسَّيِّدِ رَبِّ الْجُنُودِ عَمَلًا فِي أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ. ۲۶ هَلُمَّ إِلَيْهَا مِنَ الْأَقْصَى. افْتَحُوا أَهْرَاءَهَا. كَوْمُوهَا عِرَامًا، وَحَرِّمُوهَا وَلَا تَكُنْ لَهَا بَقِيَّةً. ۲۷ أَهْلِكُوا كُلَّ عَجُولِهَا. لِيَنْزِلَ لِلذَّبْحِ. وَيَلْهُمَّ لِأَنَّهُ قَدْ أَتَى يَوْمُهُمْ، زَمَانُ عِقَابِهِمْ. ۲۸ صَوْتُ هَارِبِينَ وَتَاجِبِينَ مِنْ أَرْضِ بَابِلَ، لِيُخْبِرُوا فِي صِهْيَوْنَ بِنَقْمَةِ الرَّبِّ إِلَهِنَا، نَقْمَةً هَيْكَلِهِ. ۲۹ ادْعُوا إِلَى بَابِلِ أَصْحَابَ الْقَسِيِّ. لِيَنْزِلَ عَلَيْهَا كُلُّ مَنْ يَنْزِعُ فِي الْقَوْسِ حَوْلَيْهَا. لَا يَكُنْ نَاجٍ. كَافِئُوهَا نَظِيرَ عَمَلِهَا. افْعَلُوا بِهَا حَسَبَ كُلِّ مَا فَعَلْتُمْ، لِأَنَّهُا بَعَثَتْ عَلَى الرَّبِّ، عَلَى قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ. ۳۰ لِذَلِكَ يَسْقُطُ شُبَّانُهَا فِي السَّوَارِعِ، وَكُلُّ رِجَالِ حَرْبِهَا يَهْلِكُونَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۳۱ هَآنَذَا عَلَيْكَ آيَتُهَا الْبَاغِيَّةُ، يَقُولُ السَّيِّدُ رَبُّ الْجُنُودِ، لِأَنَّهُ قَدْ أَتَى يَوْمُكَ جِئْنَ عِقَابِي إِيَّاكَ. ۳۲ فَيَعْتُرُ الْبَاغِي وَيَسْقُطُ وَلَا يَكُونُ لَهُ مَنْ يُقِيمُهُ، وَأُشْعِلُ نَارًا فِي مَذْنِبِهِ فَتَأْكُلُ كُلَّ مَا حَوْلَيْهَا.

۲۱ «بر سرزمین میراثی‌م بر آی، و بر ساکنان فُقود بتاز؛^{۲۰} آنان را بکش و به نابودی کامل بسپار، و هر آنچه را به تو فرمان داده‌ام، به جای آور؛» این است فرموده خداوند. ۲۲ «صدای جنگ و هلاکت عظیم در این سرزمین شنیده می‌شود! ۲۳ چگونه پُتکی که تمامی جهان را کوبیده، در هم شکسته و خرد شده است! چگونه بابل در میان قومها مایه وحشت گشته است! ۲۴ ای بابل، برای تو دام گستردم و تو ندانسته، بدان گرفتار آمدی؛ تو را یافتند و تسخیرت کردند، زیرا با خداوند به مخالفت برخاستی. ۲۵ خداوند اسلحه‌خانه خویش را گشوده و اسلحه خشمش را بیرون آورده است؛ زیرا سید پروردگار لشکریان را با سرزمین کلدانیان کاری است. ۲۶ از هر سو بر او بر آید، و انبارهای غله‌اش را بگشاید؛ او را بسان توده غله بر هم انباشته کنید، و به نابودی کامل بسپارید، تا باقیمانده‌ای برایش بر جای نماند. ۲۷ همه گاوانش را بکشید؛ بگذارید به سلاخ‌خانه فرود آیند. وای بر ایشان! زیرا که روز ایشان آمده، و زمان مکافاتشان فرا رسیده است. ۲۸ «آواز فراریان و پناهجویان سرزمین بابل به گوش می‌رسد. آنان در صهیون اعلام می‌کنند که یهوه خدای ما انتقام گرفته است، انتقام معبدش را. ۲۹ «کمانداران را بر ضد بابل فرا خوانید، همه آنان را که زه بر کمان می‌کشند. او را از هر سو احاطه کنید؛ به هیچ کس مجال گریختن ندهید. او را موافق اعمالش

^{۲۰} فُقود: اسم رمزی است که از برای بابل قرار داده شده (قاموس کتاب مقدس).

جزا دهید و مطابق آنچه کرده است، با او عمل کنید. زیرا خویشان را بر ضد خداوند، قدوس اسرائیل، برافراشته است.» ۳۰ پس خداوند می‌فرماید که، «در آن روز، جوانانش در کوچه‌هایش خواهند افتاد و جنگاورانش جملگی هلاک خواهند شد.» ۳۱ اینک پروردگار لشکریان می‌فرماید: «ای متکبر، من بر ضد توام! زیرا روز تو فرا رسیده است، زمانی که تو را مکافات رسانم. ۳۲ آن متکبر لغزیده، خواهد افتاد، و کسی او را بر پا نخواهد داشت؛ در شهرهایش آتشی خواهم افروخت که تمامی پیرامون آن را در کام خواهد کشید.»

۳۳ «هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَنِي يَهُوذَا مَعًا مَظْلُومُونَ، وَكُلُّ الَّذِينَ سَبَّوهُمْ أَمْسَكُوهُمْ. أَبْوَا أَنْ يُطْلَقُوهُمْ. ۳۴ وَلِيَهُمْ قُوَّةٌ. رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. يُقِيمُ دَعْوَاهُمْ لِكَيْ يَرِيحَ الْأَرْضَ وَيُزْعِجَ سُكَّانَ بَابِلَ. ۳۵ سَيْفٌ عَلَى الْكَلْدَانِيِّينَ، يَقُولُ الرَّبُّ، وَعَلَى سُكَّانِ بَابِلَ، وَعَلَى رُؤَسَائِهَا، وَعَلَى حُكَمَائِهَا. ۳۶ سَيْفٌ عَلَى الْمُخَادِعِينَ، فَيَصِيرُونَ حُمْقًا. سَيْفٌ عَلَى أَبْطَالِهَا فَيَرْتَعِبُونَ. ۳۷ سَيْفٌ عَلَى خَيْلِهَا وَعَلَى مَرْكَبَاتِهَا وَعَلَى كُلِّ اللَّفِيفِ الَّذِي فِي وَسْطِهَا، فَيَصِيرُونَ نِسَاءً. سَيْفٌ عَلَى خَزَائِنِهَا فَتَنْهَبُ. ۳۸ حَرٌّ عَلَى مِيَاهِهَا فَتَنْشَفُ، لِأَنَّهَا أَرْضٌ مَنْخُونَاتٌ هِيَ، وَبِالْأَصْنَامِ تُجَنُّ. ۳۹ لِذَلِكَ تَسْكُنُ وَخُوشُ الْقَفْرِ مَعَ بَنَاتِ أَوَى، وَتَسْكُنُ فِيهَا رِغَالُ النِّعَامِ، وَلَا تَسْكُنُ بَعْدُ إِلَى الْأَبَدِ، وَلَا تُعْمَرُ إِلَى دَوْرٍ فَدَوْرٍ. ۴۰ كَقَلْبِ اللَّهِ سُدُومَ وَعَمُورَةَ وَمُجَاوَرَاتِهَا، يَقُولُ الرَّبُّ، لَا يَسْكُنُ هُنَاكَ إِنْسَانٌ، وَلَا يَتَغَرَّبُ فِيهَا ابْنُ آدَمَ.

۳۳ پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «بر بنی اسرائیل ظلم شده، و نیز بر بنی یهودا. اسیر کنندگانشان آنان را محکم نگاه می‌دارند و از رها کردنشان ابا می‌کنند. ۳۴ اما سرپرست ایشان نیرومند است؛ نام او پروردگار لشکریانست! او بی‌گمان داد ایشان را خواهد ستاند، تا زمین را آرامی بخشد اما ساکنان بابل را ناآرام سازد.» ۳۵ خداوند می‌فرماید: «شمشیری بر ضد کلدانیان، بر ضد ساکنان بابل و بر ضد صاحبمنصبان و حکیمان! ۳۶ شمشیری بر ضد فالگیران، تا احمق گردند! شمشیری بر ضد پهلوانان، تا هلاک گردند! ۳۷ شمشیری بر ضد اسبان و ارابه‌هایش، و بر ضد همه سربازان اجنبی در میانش، تا همچون زنان گردند! شمشیری بر ضد همه خزاینش، تا به یغما روند! ۳۸ خشکسالی بر آبهایش، تا بخشکند! زیرا آنجا سرزمین تمثالهای تراشیده است، و مردمانش دیوانه بتهایند! ۳۹ «پس در بابل، حیوانات بیابانگرد با گفتارها قرار خواهند گزید، و شترمرغان در آن ساکن خواهند شد. دیگر هرگز کسی در آن نخواهد زیست، بلکه نسل اندر نسل نامسکون خواهد ماند.» ۴۰ خداوند می‌فرماید: «همان‌گونه که خدا سُدوم و عَمُورَه و شهرهای مجاورشان را واژگون ساخت^{۲۱} در آنجا نیز کسی نخواهد زیست و هیچ انسانی در آن مسکن نخواهد گزید.

^{۲۱} بر پایه تورات این شهر به همراه چند شهر دیگر، در کنار رود اردن و در جنوب کنعان و در کرانه دریای مرده جای داشته‌است. به دلیل گناه لواط مردمان شهر مورد عذاب الهی قرار گرفته و نابود می‌شوند. نام این شهرها عبارتند از ۱- سُدوم، ۲- عَمُورَه یا عَمُوراه

۴۱ هُوَذَا شَعْبٌ مُّقْبِلٌ مِنَ الشِّمَالِ، وَأُمَّةٌ عَظِيمَةٌ، وَيُوقِفُ مَلُوكٌ كَثِيرُونَ مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ. ۴۲ يُمَسْكُونُ الْقَوْسَ وَالرَّمْحَ. هُمْ قُصَاةٌ لَا يَرْحَمُونَ. صَوْتُهُمْ يَعْجُ كَبْحَرٍ، وَعَلَى خَيْلٍ يَرْكَبُونَ، مُصْطَفِينَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ لِمُحَارَبَتِكَ يَا بِنْتَ بَابِلَ. ۴۳ سَمِعَ مَلِكُ بَابِلَ خَبْرَهُمْ فَأَرْتَحَتْ يَدَاهُ. أَخَذَتْهُ الضَّيْقَةُ وَالْوَجَعُ كَمَاخِضٍ. ۴۴ هُوَ يَصْعَدُ كَأَسَدٍ مِنْ كِبْرِيَاءِ الْأَرْضِ إِلَى مَرْعَى دَائِمٍ. لَأَنِّي أَعْمِزُ وَأَجْعَلُهُمْ يَرْكُضُونَ عَنْهُ. فَمَنْ هُوَ مُنْتَحَبٌ فَأَقِيمَهُ عَلَيْهِ؟ لَأَنَّهُ مَنْ مِثْلِي؟ وَمَنْ يُحَاكِمُنِي؟ وَمَنْ هُوَ الرَّاعِي الَّذِي يَقِفُ أَمَامِي؟ ۴۵ لِذَلِكَ اسْمَعُوا مَشُورَةَ الرَّبِّ الَّتِي قَضَى بِهَا عَلَى بَابِلَ، وَأَفْكَارَهُ الَّتِي افْتَكَرَ بِهَا عَلَى أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ: إِنَّ صِغَارَ الْغَنَمِ تَسْحَبُهُمْ. إِنَّهُ يَخْرِبُ مَسْكَنَهُمْ عَلَيْهِمْ. ۴۶ مِنَ الْقَوْلِ: أَخَذْتُ بَابِلَ. رَجَفَتِ الْأَرْضُ وَسُمِعَ صُرَاخٌ فِي الشُّعُوبِ.

۴۱ «اینک قومی از جانب شمال می آید؛ قومی عظیم و پادشاهان بسیار، از کرانه‌های زمین برانگیخته می شوند. ۴۲ آنان کمان و نیزه به دست می گیرند، و ستمگر و بی رحمند. صدایشان همچون خروش دریاست؛ سوار بر اسب، ای دختر بابل، همچون مردان جنگی در برابرت صف آرایی می کنند. ۴۳ پادشاه بابل آوازه ایشان را شنیده، و دستانش سست شده است؛ درد شدید او را در گرفته، همچون درد زنی در حال زای. ۴۴ «اینک من همچون شیری که از بیشه‌های اردن به مرتع خرم برآید، به لحظه‌ای بابل را از سرزمینش خواهم راند. و کسی را که برگزیده‌ام بر آنجا خواهم گماشت. کیست مانند من؟ کیست که مرا به محاکمه بیاورد؟ و کیست آن شبان که در برابرم بایستد؟ ۴۵ پس بشنوید تدبیری را که خداوند بر ضد بابل اندیشیده است، و تقدیری را که بر ضد ساکنان تیمان کرده است: حتی کوچکان گله را کشان کشان خواهند بُرد، و به یقین مسکنشان به سبب ایشان یکسره متروک خواهد شد. ۴۶ زمین از صدای تسخیر بابل به لرزه در خواهد آمد، و فریاد ایشان در میان ملتها به گوش خواهد رسید.»^{۲۲}

۳- صَبَوْنِیم یا صَبَوْنِیم ۴- آدمه ۵- بالعم، که بعداً آن را به علت کوچکی صَوَغَر یا صوغره نامیدند. شهر صوغره از عذاب در امان ماند، و لوط پس از هجرت از شهر سدوم به آنجا رهسپار شد.

۲۲ سید احمد الحسن (ع): «کثيرون من النصاری ينتظرون عيسى هذه الأيام، ويعلمون أنها أيام عودته وأيام القيامة الصغرى، فنبهوهم إن بعث عيسى كان في المشرق وكذلك عودته، والرسول (المعزي) الذي أخبر عنه في الإنجيل، وأن عيسى سيرسله سيكون في الشرق، بل إن الملاحم في آخر الزمان ستكون في الشرق، وفي العراق بالخصوص كما ذكرت رؤيا يوحنا، وسمت العراق (بابل العظيمة). أخبروهم أن الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود قد غلب ليفتح السفر ويفك ختومه؛» (در این روزها عده زیادی از مسیحیان منتظر عیسی هستند و می دانند که این روزهای بازگشت او و ایام قیامت صغری است. پس آنها را بیدار کنید همانگونه که بعثت عیسی از مشرق بود، بازگشت او نیز از مشرق است، همچنین آن رسول و المعزی که در انجیل از او خبر داد و اینکه عیسی او را بزودی از شرق می فرستد، بلکه ملاحم آخر الزمان در مشرق و بخصوص در عراق خواهد بود، همانگونه که در رؤیا یوحنا یاد شده و عراق را (بابل عظیم) نامید. به آنها خبر دهید آن شیری که از اصل داوود و از فرزندان یهودا است پیروز شده تا کتاب را بگشاید و مهرهای آن را باز کند). رسالة الهداية

سفر ارمیا: الأصحاح الحادی والخمسون * ۵۱:۱-۶۴

۱ « هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: هَآنَذَا أُوقِظُ عَلَى بَابِلَ وَعَلَى السَّاكِنِينَ فِي وَسْطِ الْقَائِمِينَ عَلَيَّ رِيحًا مُهْلِكَةً. ۲ وَأُرْسِلُ إِلَى بَابِلَ مُدْرِينَ فَيَذَرُونَهَا وَيُفْرِغُونَ أَرْضَهَا، لِأَنَّهُمْ يَكُونُونَ عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ جِهَةٍ فِي يَوْمِ الشَّرِّ. ۳ عَلَى النَّازِعِ فِي قَوْسِهِ، فَلْيَنْزِعِ النَّازِعُ، وَعَلَى الْمُفْتَحِرِ بِدِرْعِهِ، فَلَا تُشْفِقُوا عَلَى مُنْتَحِبِيهَا، بَلْ حَرِّمُوا كُلَّ جُنْدِهَا. ۴ فَتَسْقُطِ الْقَتْلَى فِي أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ، وَالْمَطْعُونُونَ فِي شَوَارِعِهَا. ۵ لِأَنَّ إِسْرَائِيلَ وَيَهُوذَا لَيْسَا بِمَقْطُوعَيْنِ عَنِّي إِلَهَيْهِمَا، عَنِّي رَبِّ الْجُنُودِ، وَإِنْ تَكُنْ أَرْضُهُمَا مَلَانَةً إِيَّامًا عَلَى قُدُّوسِ إِسْرَائِيلَ. ۶ أَهْرُبُوا مِنِّي وَسَطِ بَابِلَ، وَأَنْجُوا كُلُّ وَاحِدٍ بِنَفْسِهِ. لَا تَهْلِكُوا بِذَنْبِهَا، لِأَنَّ هَذَا زَمَانُ انْتِقَامِ الرَّبِّ، هُوَ يُؤَدِّي لَهَا جَزَاءَهَا. ۷ بَابِلُ كَأْسٌ ذَهَبٌ بِيَدِ الرَّبِّ تُسَكَّرُ كُلُّ الْأَرْضِ. مِنْ خَمْرِهَا شَرِبَتِ الشُّعُوبُ. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُنَّتِ الشُّعُوبُ. ۸ سَقَطَتْ بَابِلُ بَغْتَةً وَتَحَطَّمَتْ. وَلَوْלוْا عَلَيْهَا. خُذُوا بِلِسَانًا لِحَرْجِهَا لَعَلَّهَا تُشْفَى! ۹ دَاوِينَا بَابِلَ فَلَمْ تُشَف. دَعُوهَا، وَلْنَذْهَبْ كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى أَرْضِهِ، لِأَنَّ قَضَاءَهَا وَصَلَ إِلَى السَّمَاءِ، وَارْتَفَعَ إِلَى السَّحَابِ.

۱ خداوند چنین می فرماید: «اینک بر بابل و بر ساکنان وسطش که قائمند، بادی ویرانگر بر خواهم انگیخت. ۲ من کسان به بابل گسیل خواهم داشت، تا آن را بر باد افشانند، و زمینش را تهی سازند، آنگاه که در روز بلا، از هر سو به ضد وی بر آیند. ۳ کمانگیر کمان خویش را زه نکند، و زره پوش بر پای نایستد. بر جوانانش رحم مکنید، و سپاهش را به نابودی کامل بسپارید. ۴ آنان مقتول بر زمین کلدانیان خواهند افتاد، و مجروح، در کوچه هایش. ۵ زیرا اسرائیل و یهودا از سوی خدای خویش، پروردگار لشکریان، وانهاده نشده اند، هر چند سرزمینشان آکنده از تقصیراتی است که به قدوس اسرائیل ورزیده اند. ۶ «از بابل بگریزید! هر یک جان خویش برهانید! به سبب گناهان بابل هلاک شوید، زیرا که موعد انتقام خداوند فرا رسیده و او بابل را سزا خواهد داد. ۷ بابل در دست خداوند پیاله ای زرین بود که تمامی جهان را مست می ساخت؛ قومها از باده اش نوشیدند، و از آن رو دیوانه گشتند. ۸ بابل به ناگاه سقوط کرد و درهم شکست؛ بر او شیون کنید! برای زخمهایش مرهم آورید، تا مگر شفا یابد. ۹ خواستیم بابل را درمان کنیم، اما شفا نمی پذیرفت. پس ترکش کنید؛ بیاید هر یک به موطن خود بازگردیم، زیرا که محکومیتش سر به فلک کشیده، و تا به آسمانها رسیده است.

۱۰ قَدْ أَخْرَجَ الرَّبُّ بَرْتَا. هَلُمَّ فَتَقْصُ فِي صِهْيُونَ عَمَلَ الرَّبِّ إِلَهِنَا. ۱۱ سُنُوا السَّيِّئَاتِ. أَعِدُّوا الْاِثْرَاسَ. قَدْ أَيْقَظَ الرَّبُّ رُوحَ مُلُوكِ مَادْيَ، لِأَنَّ قَصْدَهُ عَلَى بَابِلَ أَنْ يُهْلِكَهَا. لِأَنَّهُ نَقَمَةُ الرَّبِّ، نَقَمَةٌ هَيْكَلِهِ. ۱۲ عَلَى أَسْوَارِ بَابِلَ ارْفَعُوا الرَّايَةَ. شَدِّدُوا الْحِرَاسَةَ. أَقِيمُوا الْحُرَاسَ. أَعِدُّوا الْكَمِينَ، لِأَنَّ الرَّبَّ قَدْ قَصَدَ وَأَيْضًا فَعَلَ مَا تَكَلَّمَ بِهِ عَلَى سُكَّانِ بَابِلَ. ۱۳ آيَتْهَا السَّاكِنَةُ عَلَى مِيَاهِ كَثِيرَةٍ، الْوَافِرَةُ الْخَزَائِنِ، قَدْ آتَتْ أَخْرَتُكَ، كَيْلُ اغْتِصَابِكَ. ۱۴ قَدْ خَلَفَ رَبُّ الْجُنُودِ بِنَفْسِهِ: إِنِّي لَأَمْلَأَنَّكَ أَنْاسًا كَالْغَوَغَاءِ، فَيَرْفَعُونَ عَلَيْكَ جَلْبَةً. ۱۵ «صَانِعُ الْأَرْضِ بِقُوَّتِهِ،

وَمُؤَيَّسُ الْمَسْكُونَةِ بِحِكْمَتِهِ، وَبِفَهْمِهِ مَدَّ السَّمَاوَاتِ. ١٦ إِذَا أُعْطِيَ قَوْلًا تَكُونُ كَثْرَةُ مِيَاهٍ فِي السَّمَاوَاتِ، وَيُصْعَدُ السَّحَابُ مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ. صَنَعَ بُرُوقًا لِلْمَطَرِ، وَأَخْرَجَ الرِّيحَ مِنْ خَزَائِنِهِ.

۱۰ خداوند حقانیت ما را آشکار ساخته است؛ پس بیاید تا کارهای یهوه خدایمان را در صهیون اعلام کنیم. ۱۱ «تیرها را تیز کنید! سپرها را به دست گیرید! خداوند روح پادشاهان ماد را برانگیخته است، زیرا قصد وی برای بابل، نابودی آن است؛ این است انتقام خداوند، انتقام به جهت معبدش. ۱۲ «بر حصارهای بابل بیرقها برافرازید؛ حراست آن را تقویت کنید. نگهبانان قرار دهید، کمینگاهها را آماده سازید؛ زیرا خداوند آنچه را درباره ساکنان بابل گفته بود، هم تدبیر کرده و هم به اجرا گذاشته است. ۱۳ ای که در کنار آبهای فراوان ساکنی و خزائن بسیار داری، پایان کار تو فرا رسیده، و رشته حیات تو گسسته است. ۱۴ پروردگار لشکریان به ذات خود قسم خورده است که: به یقین تو را از مردان جنگی همچون انبوه ملخان پر خوام ساخت، و آنان بر تو بانگ پیروزی سر خواهند داد. ۱۵ «اوست که زمین را به نیروی خویش بساخت، و جهان را به حکمت خویش استوار کرد، و آسمانها را به عقل خویش گسترانید. ۱۶ چون ندا در می دهد، غوغای آبها در آسمان پدید می آید؛ او ابرها را از کرانه های زمین برمی آورد. او برق آذرخش برای باران می سازد، و باد از خزانه های خویش بیرون می آورد.

۱۷ بَلَدٌ كُلُّ إِنْسَانٍ بِمَعْرِفَتِهِ. خَزَي كُلِّ صَائِغٍ مِنَ التِّمْتَالِ لَأَنَّ مَسْبُوكَهُ كَذِبٌ وَلَا رُوحَ فِيهِ. ۱۸ هِيَ بَاطِلَةٌ، صَنْعَةُ الْأَصْلِيلِ. فِي وَقْتِ عِقَابِهَا تَبِيدُ. ۱۹ لَيْسَ كَهَذِهِ نَصِيبُ يَعْقُوبَ، لِأَنَّهُ مُصَوِّرُ الْجَمِيعِ، وَقَضِيبُ مِيرَاثِهِ، رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. ۲۰ أَنْتَ لِي فَاسٌ وَأَدْوَاتُ حَرْبٍ، فَاسْحَقْ بِكَ الْأُمَمَ، وَأَهْلِكَ بِكَ الْمَمَالِكَ، ۲۱ وَأَكْسِرْ بِكَ الْفَرَسَ وَرَاكِبَهُ، وَأَسْحَقْ بِكَ الْمَرْكَبَةَ وَرَاكِبَهَا، ۲۲ وَأَسْحَقْ بِكَ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ، وَأَسْحَقْ بِكَ الشَّيْخَ وَالْفَتَى، وَأَسْحَقْ بِكَ الْغُلَامَ وَالْعَذْرَاءَ، ۲۳ وَأَسْحَقْ بِكَ الرَّاعِيَ وَقَطِيعَهُ، وَأَسْحَقْ بِكَ الْفَلَّاحَ وَقَدَانَهُ، وَأَسْحَقْ بِكَ الْوَلَاةَ وَالْحُكَّامَ. ۲۴ وَأَكْافِئُ بَابِلَ وَكُلَّ سُكَّانِ أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ عَلَى كُلِّ شَرِّهِمِ الَّذِي فَعَلُوهُ فِي صِهْيُونَ، أَمَامَ عُيُونِكُمْ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۲۵ هَآنَذَا عَلَيْكَ أَيُّهَا الْجَبَلُ الْمُهْلِكُ، يَقُولُ الرَّبُّ، الْمُهْلِكُ كُلَّ الْأَرْضِ، فَاْمُدَّ يَدِي عَلَيْكَ وَأُدْخِرْكَ عَنِ الصُّخُورِ، وَأَجْعَلَكَ جَبَلًا مُحْرَقًا، ۲۶ فَلَا يَأْخُذُونَ مِنْكَ حَجَرًا لِرَاوِيَةٍ، وَلَا حَجَرًا لِأَسُسٍ، بَلْ تَكُونُ خَرَابًا إِلَى الْأَبَدِ، يَقُولُ الرَّبُّ.

۱۷ آدمیان جملگی ابلهند و نادان؛ هر زرگری از تمثالهای تراشیده خویش سرافکنده خواهد شد، زیرا بتهای ریخته شده اش دروغین است، و هیچ نفسی در آنها نیست. ۱۸ آنها بی ارزشند و اسباب تمسخر، و در روز محاکمه، نابود خواهند شد. ۱۹ اما آن که نصیب یعقوب است مانند آنها نیست، زیرا اوست که همه موجودات را سرشته است؛ قبیله اسرائیل میراث اوست؛ نامش پروردگار لشکریانست. ۲۰ «تو گرز و اسلحه جنگی من هستی! با تو قومها را در هم می شکم، با تو حکومتها را نابود می کنم. ۲۱ با تو اسب و سوارش

را در هم می‌شکنم، با تو اربه و سوارش را خُرد می‌کنم. ۲۲ با تو مرد و زن را در هم می‌شکنم، با تو پیر و جوان را خُرد می‌کنم. با تو مرد و زنِ جوان را در هم می‌شکنم، ۲۳ با تو شبان و گله‌اش را خُرد می‌کنم.» با تو برزگر و گاوانش را در هم می‌شکنم، با تو حاکمان و والیان را خُرد می‌کنم. ۲۴ خداوند می‌فرماید: «بابل و همهٔ ساکنانِ کَلَدِه را به سبب تمامی بدی که به صهیون کرده‌اند، در برابر دیدگان شما سزا خواهم داد.» ۲۵ خداوند چنین می‌گوید: «ای کوه ویرانگر که تمامی جهان را ویران می‌کنی، من بر ضد تو هستم. من دست خود را بر تو دراز کرده، از فراز صخره‌ها تو را به زیر خواهم غلتانید، و تو را همچون کوهی سوخته خواهم ساخت. ۲۶ از تو هیچ سنگی برای سَرِ زاویه نخواهند گرفت، و نه هیچ سنگی برای پی بنا؛ زیرا، خداوند می‌گوید، «تو تا به ابد متروک خواهی ماند.

۲۷ «ارْفَعُوا الرَّايَةَ فِي الْأَرْضِ. اضْرِبُوا بِالْيُوقِ فِي الشُّعُوبِ. قَدِّسُوا عَلَيْهَا الْأُمَمَ. نَادُوا عَلَيْهَا مَمْلِكَ أَرَارَاتٍ وَمِنِّي وَأَشْكَنَازَ. أَقِيمُوا عَلَيْهَا قَائِدًا. أَصْعِدُوا الْخَيْلَ كَنُوءَاءَ مُقْشَعَرَّةٍ. ۲۸ قَدِّسُوا عَلَيْهَا الشُّعُوبَ، مُلُوكَ مَادِي، وَلَاتَيْهَا وَكُلَّ حُكَّامِهَا وَكُلَّ أَرْضِ سُلْطَانِهَا، ۲۹ فَتَرْتَجِفَ الْأَرْضُ وَتَتَوَجَّعَ، لِأَنَّ أَفْكَارَ الرَّبِّ تَقُومُ عَلَى بَابِلَ، لِيَجْعَلَ أَرْضَ بَابِلَ خَرَابًا بِلَا سَاكِنٍ. ۳۰ كَفَّ جَبَابَرَةُ بَابِلَ عَنِ الْحَرْبِ، وَجَلَسُوا فِي الْحُصُونِ. نَضَبَتْ شَجَاعَتُهُمْ. صَارُوا نِسَاءً. خَرَقُوا مَسَاكِنَهَا. تَخَطَّطَتْ عَوَارِضُهَا. ۳۱ يَرْكُضُ عَدَاءُ لِلِقَاءِ عَدَاءٍ، وَمُخْبِرٌ لِلِقَاءِ مُخْبِرٍ، لِيُخْبِرَ مَلِكَ بَابِلَ بِأَنَّ مَدِينَتَهُ قَدْ أُخِذَتْ عَنْ أَقْصَى، ۳۲ وَأَنَّ الْمَعَابِرَ قَدْ أُمْسِكَتْ، وَالْقَصَبَ أَخْرَقُوهُ بِالنَّارِ، وَرَجَالَ الْحَرْبِ اضْطَرَبَتْ. ۳۳ لَأَنَّهُ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ إِلَهُ إِسْرَائِيلَ: إِنَّ بِنْتَ بَابِلَ كَبِيدَتْ وَقْتُ دَوْسِهِ. بَعْدَ قَلِيلٍ يَأْتِي عَلَيْهَا وَقْتُ الْحَصَادِ».

۲۷ «بیرقها بر زمین برافرازید؛ در میان قوما کَرنا بنوازید. قوما را برای جنگ با او آماده سازید؛ ممالک را علیه او بسیج کنید، آرارات، مینی و آشکناز را. سرداری بر ضد وی بر گمارید؛ اسبان بی‌شمار همچون انبوه ملخان بر آورید! ۲۸ قوما را برای جنگ با او آماده سازید، پادشاهان ماد را با والیانشان و معاونان آنها و تمامی سرزمینهایی که بر آنها حکم می‌رانند. ۲۹ زمین به لرزه درآمده، از درد به خود می‌پیچد، زیرا تدابیر خداوند بر ضد بابل تغییر نمی‌پذیرد، تا سرزمین بابل را به ویرانه‌ای بدل سازد، که کسی در آن مسکن نگزیند. ۳۰ جنگاوران بابل از نبرد دست برکشیده‌اند؛ آنان در دژهای خود می‌مانند. نیرویشان تمامی گرفته، و همچون زنان گشته‌اند. مسکنهایش در آتش می‌سوزد، و پشت‌بندهایش شکسته است. ۳۱ پیک از پی پیک، و قاصد از پی قاصد می‌دود، تا پادشاه بابل را خبر دهد که شهرش از هر سو تسخیر شده است. ۳۲ معابر به تصرف درآمده‌اند، نی‌زارها در آتش سوخته‌اند، و جنگاوران هراسانند.» ۳۳ زیرا پروردگار

لشکریان، خدای اسرائیل، چنین می گوید: «دختر بابل همچون خرمنی است به هنگام کوبیده شدن؛ اما پس از اندک زمانی وقت دروی آن خواهد رسید.»^{۲۳}

۳۴ «أَكْلَنِي أَفْنَانِي نَبُوخَذْرَاصْرُ مَلِكُ بَابِلَ جَعَلَنِي إِنَاءً فَارِغًا. ابْتَلَعَنِي كَيْتَيْنِ، وَمَلَأَ جَوْفَهُ مِن نِّعَمِي. طَوَّحَنِي. ۳۵ ظَلَمَنِي وَلَحَمِي عَلَى بَابِلَ» تَقُولُ سَاكِنَةُ صِهْيَوْنَ. «وَدَمِي عَلَى سُكَّانِ أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ» تَقُولُ أُورُشَلِيمُ. ۳۶ لِذَلِكَ هَكَذَا قَالَ الرَّبُّ: «هَآنَذَا أَخَاصِمُ خُصُومَتِكَ، وَأَنْتَقِمُ نَقَمَتِكَ، وَأَنْشِفُ بَحْرَهَا، وَأُجَفِّفُ يَنْبُوعَهَا. ۳۷ وَتَكُونُ بَابِلُ كَوْمًا، وَمَأْوَى بَنَاتِ آوَى، وَدَهْشًا وَصَفِيرًا بِلَا سَاكِنٍ. ۳۸ يُزَمِّجِرُونَ مَعًا كَاشِبَالٍ. يَزَارُونَ كَجِرَاءِ أَسُودٍ. ۳۹ عِنْدَ حَرَارَتِهِمْ أُعِدَّ لَهُمْ شَرَابًا وَأُسْكِرُهُمْ، لِكَيْ يَفْرَحُوا وَيَنَامُوا نَوْمًا أَبَدِيًّا، وَلَا يَسْتَيْقِظُوا، يَقُولُ الرَّبُّ. ۴۰ أَنْزَلْنَاهُمْ كَخِرَافٍ لِلذَّبْحِ وَكَكِبَاشٍ مَعَ أَغْتِدَةٍ.

۳۴ «نبوکدنصر پادشاه بابل مرا خورده و له کرده است. او مرا ظرفی تهی ساخته، و همچون اردهایی مرا فرو بلعیده است؛ شکم خود را از لذایذ من انباشته، و مرا چلانده و به دور افکنده است.» ۳۵ ساکنان صهیون بگویند: «باشد خشونت که بر من و بر خویشانم رفته دامنگیر بابل شود!» اورشلیم بگوید: «خون من بر گردن ساکنان کلدیه باد!» ۳۶ از این رو خداوند چنین می گوید: «اینک به دفاع از تو برمی خیزم و انتقامت را می ستانم. دریای او را خواهم خشکانید، و چشمه اش را کور خواهم کرد. ۳۷ بابل به تلی از خاک بدل

^{۲۳} نگارنده: محتمل است (بابل) چندین وجه داشته باشد و علاوه بر اینکه بیانگر عراق و بغداد است در وجهی دیگر نشانگر شهر و کشوری باشد که در دوران ظهور ابر قدرتی جهانی و جایگاه و مسکنی برای دجال اکبر است در دوران ما شبیه آن را میتوان کشور آمریکای جنایتکار خواند که یکی از مصداقی بابل در آخرالزمان است. در مورد آمریکا و نهایت آن اندازهایی از سید احمدالحسن (ع) بیان شده، که بیان آن در این مقطع مناسب است. ایشان (ع) درمورد نهایت آمریکا می فرمایند: «ونهایة آمریکا كما قال دانیال تدفع لوقید النار إن شاء الله»؛ (و همان گونه که دانیال گفته آمریکا در نهایت در آتش خواهد سوخت انشاء الله). و در جای دیگر می فرماید: «سیدوسها إن شاء الله مهدي هذه الأمة ع كما جاء في سفر دانیال نفسه»؛ (انشاء الله بزروی مهدی این امت (ع) آمریکا را پایمال خواهد کرد، همان گونه که در خود سفر دانیال آمده است). و در قسمتی از بیانیه نداء خطاب به (رئیس جمهور آمریکا بوش و یا کسی که جانشین او می شود)، فرمودند: «أنا من رأيته في منامك وستراني كثيراً، عليك إخراج قواتك العسكرية من بلاد المسلمين في الحال دون قيد أو شرط وإلا فبقوة الواحد الأحده الفرد الصمد أنا الذي سألقي أمريكا -الوحش الحديدي الذي أكل وداس كل الممالك على الأرض - إلى وقيد النار كما أخبر دانیال (ع) في التوراة وستعلم نبأی عما قليل وستعلم إن أميركا مدفوعة إلى يميني في ملكوت السماوات وسأسحقها إذا أذن الله»؛ (آن کسی که در رؤیایت دیدی من هستم، و بزودی رؤیاهای بیشتری از من خواهی دید، بر تو واجب است که به سرعت نیروهای نظامیت را از سرزمین های اسلامی بدون هیچ گونه قید وشرطی خارج سازی وَاَلَا بِقَدْرَتِ خَدَاوْنِدِ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ وَالصَّمْدِ، مِنْ أَنْ كَسَى خَوَاصِمٌ بُوْدَ كِه تَازِیَانه های آتش را بر آمریکا - همان حیوان وحش آهینی که می خورد و با چکمه هایش تمام ممالک روی زمین را له می کند - فرود خواهد آورد، همان گونه که دانیال (ع) در تورات خبر داده است. و بزودی خواهی دانست خبر آنچه را که نزدیک است، و بزودی خواهی دانست که آمریکا از طرف راست من در ملکوت آسمانها دفع خواهد شد، و بزودی کوبیده خواهد شد آنگاه که خداوند اذن دهد). منابع: جواب المنیر، جلد ۱، سوال ۱۵. الطريق إلى الله، باب: التیه فی الأمة الإسلامية. بیانیه نداء، ۱ شوال ۱۴۲۴ هـ ق.

خواهد شد، به مسکن شغالان و مایه حیرت و انگشت به دهان ماندن، و احدی در آن ساکن نخواهد گشت. ۳۸ مردمانش جملگی همچون شیران خواهند غرید، و به سان شیربچگان نعره خواهند زد.» ۳۹ و خداوند می فرماید: «آنگاه که گرم شوند، از بهرشان بز می به پا خواهم کرد، و مستشان خواهم ساخت، تا به وجد آیند، و آنگاه به خواب ابدی فرو روند، و هرگز از آن برنخیزند. ۴۰ آنان را همچون بره ها به کشتارگاه خواهم آورد، همچون قوچها و بزهای نر.

۴۱ «كَيْفَ أَخَذْتُ شَيْشَكَ، وَأُمْسِكَتَ فَخْرُ كُلِّ الْأَرْضِ؟ كَيْفَ صَارَتْ بَابِلُ دَهْشًا فِي الشُّعُوبِ؟ ۴۲ طَلَعَ الْبَحْرُ عَلَى بَابِلَ، فَتَغَطَّتْ بِكَثْرَةِ أَمْوَاجِهِ. ۴۳ صَارَتْ مَدْنُهَا خَرَابًا، أَرْضًا نَاشِئَةً وَقَفْرًا، أَرْضًا لَا يَسْكُنُ فِيهَا إِنْسَانٌ وَلَا يَعْبُرُ فِيهَا ابْنُ آدَمَ. ۴۴ وَأَعَاقِبُ بَيْلَ فِي بَابِلَ، وَأُخْرِجُ مِنْ فَمِهِ مَا ابْتَلَعَهُ، فَلَا تَجْرِي إِلَيْهِ الشُّعُوبُ بَعْدُ، وَيَسْقُطُ سُورُ بَابِلَ أَيْضًا. ۴۵ أَخْرَجُوا مِنْ وَسْطِهَا يَا شَعْبِي، وَلِيُنَجِّ كُلُّ وَاحِدٍ نَفْسَهُ مِنْ حُمُو غَضَبِ الرَّبِّ. ۴۶ وَلَا يَضْعَفُ قَلْبُكُمْ فَتَخَافُوا مِنَ الْخَبَرِ الَّذِي سَمِعَ فِي الْأَرْضِ، فَإِنَّهُ يَأْتِي خَبَرٌ فِي هَذِهِ السَّنَةِ، ثُمَّ بَعْدَهُ فِي السَّنَةِ الْآخَرَى، خَبَرٌ وَظَلَمٌ فِي الْأَرْضِ، مُتَسَلِّطٌ عَلَى مُتَسَلِّطٍ. ۴۷ لِذَلِكَ هَا أَيَّامٌ تَأْتِي وَأَعَاقِبُ مَنْحَوَاتِ بَابِلَ، فَتَخْزَى كُلُّ أَرْضِهَا وَتَسْقُطُ كُلُّ قِتْلَاهَا فِي وَسْطِهَا. ۴۸ فَتَهْتَفُ عَلَى بَابِلَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَكُلُّ مَا فِيهَا، لِأَنَّ النَّاهِبِينَ يَأْتُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشِّمَالِ، يَقُولُ الرَّبُّ. ۴۹ كَمَا أَسْقَطْتُ بَابِلَ قَتَلَى إِسْرَائِيلَ، تَسْقُطُ أَيْضًا قَتَلَى بَابِلَ فِي كُلِّ الْأَرْضِ. ۵۰ أَيُّهَا النَّاجُونَ مِنَ السَّيْفِ اذْهَبُوا. لَا تَقْفُوا. اذْكُرُوا الرَّبَّ مِنْ بَعِيدٍ، وَلْتَخْطُرْ أُورُشَلِيمُ بِبَالِكُمْ. ۵۱ قَدْ خَزَيْنَا لَأَنَّا قَدْ سَمِعْنَا عَارًا. غَطَى الْخَجَلُ وَجُوهَنَا لِأَنَّ الْغُرَبَاءَ قَدْ دَخَلُوا مَقَادِسَ بَيْتِ الرَّبِّ. ۵۲ لِذَلِكَ هَا أَيَّامٌ تَأْتِي، يَقُولُ الرَّبُّ، وَأَعَاقِبُ مَنْحَوَاتِهَا، وَتَنْتَهَدُ الْجَرْحَى فِي كُلِّ أَرْضِهَا. ۵۳ فَلَوْ صَعِدَتْ بَابِلُ إِلَى السَّمَاوَاتِ، وَلَوْ حَصَّنَتْ عَلِيَاءَ عِزِّهَا، فَمِنْ عِنْدِي يَأْتِي عَلَيْهَا النَّاهِبُونَ، يَقُولُ الرَّبُّ.

۴۱ «بینید بابل چگونه تسخیر شده، و آن که افتخار تمامی جهانیان بود چگونه به تصرف درآمده است! چگونه بابل در میان قومها مایه دهشت گشته است! ۴۲ دریا بر بابل برآمده، و امواج پرتلاطمش آن را پوشانیده است. ۴۳ شهرهایش مایه دهشت گشته، و به زمین خشک و بیابان بدل شده است، زمینی که هیچ انسانی در آن ساکن نشود، و بنی آدم از آن عبور نکند. ۴۴ من 'بل' را در بابل جزا خواهم داد، و آنچه را فرو بلعیده، از دهانش بیرون خواهم کشید. قومها دیگر به زیارت او نخواهند رفت، و حصارهای بابل فرو خواهد ریخت. ۴۵ «ای قوم من، از میانش بیرون آید، و هر یک جان خویش از خشم آتشین خداوند برهانید! ۴۶ دل شما ضعف نکند، و از خبرهایی که در این دیار به گوشتان می رسد مهراسید؛ یک سال خبری پخش می شود و سال دیگر، خبری دیگر؛ در این سرزمین، خشونت حکمفرماست، و حاکمی بر ضد حاکم دیگر است. ۴۷ بنابراین، هان روزهایی می آید که من بتهای بابل را جزا خواهم داد؛ تمامی سرزمین بابل شرمگین خواهد شد، و کشتگانش جملگی در میانش خواهند افتاد. ۴۸ آنگاه آسمان و زمین

و هر چه در آنهاست، بر بابل فریاد شادمانی سر خواهند داد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «ویرانگران از شمال به ضد او بر خواهند آمد. ۴۹ بابل باید به سبب کشتگان اسرائیل بیفتد، همان گونه که کشتگان تمامی جهان به سبب بابل افتادند. ۵۰ ای شما که از شمشیر جان به در برده‌اید، بروید و درنگ نکنید! از سرزمین دور خداوند را به یاد آورید، و به اورشلیم بیندیشید. ۵۱ «ما خجل گشته‌ایم، زیرا که بر ما اهانت رفته، و رسوایی روی ما را پوشانیده است، زیرا بیگانگان به مکانهای مقدس خانه خداوند داخل گشته‌اند.» ۵۲ بنابراین خداوند می‌گوید: «اینک روزهایی می‌آید که بتهای بابل را جزا دهم، و در سراسر سرزمینش زخمیان ناله سر خواهند داد. ۵۳ اگر چه بابل تا به فلک سر بر کشد و دژهای بلندش را مستحکم سازد، اما خداوند می‌فرماید، «ویرانگران از جانب من به ضد او بر خواهند آمد.

۵۴ «صَوْتُ صُرَاخٍ مِنْ بَابِلَ وَأَنْحِطَامٌ عَظِيمٌ مِنْ أَرْضِ الْكَلْدَانِيِّينَ، ۵۵ لِأَنَّ الرَّبَّ مُخْرِبٌ بَابِلَ وَقَدْ أَبَادَ مِنْهَا الصَّوْتَ الْعَظِيمَ، وَقَدْ عَجَّتْ أَمْوَاجُهُمْ كَمِيَاهِ كَثِيرَةٍ وَأَطْلَقَ ضَجِيجُ صَوْتِهِمْ. ۵۶ لِأَنَّهُ جَاءَ عَلَيْهَا، عَلَى بَابِلَ، الْمُخْرِبُ، وَأَخَذَ جَبَابِرَتُهَا، وَتَحَطَّمَتِ قِسِيَّتُهُمْ، لِأَنَّ الرَّبَّ إِلَهُ مُجَازَاةٍ يُكَافِئُ مُكَافَأَةً. ۵۷ وَأُسْكِرُ رُؤْسَاءَهَا وَحُكَمَاءَهَا وَوَلَاتَيْهَا وَحُكَّامَهَا وَأَبْطَالَهَا فَيَنَامُونَ نَوْمًا أَبَدِيًّا، وَلَا يَسْتَيْقِظُونَ، يَقُولُ الْمَلِكُ رَبُّ الْجُنُودِ اسْمُهُ. ۵۸ هَكَذَا قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ: إِنَّ أَسْوَارَ بَابِلَ الْعَرِيضَةَ تَذْمَرُ تَذْمِيرًا، وَأَبْوَابُهَا الشَّامِخَةَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ، فَتَتَعَبُ الشُّعُوبُ لِلْبَاطِلِ، وَالْقَبَائِلُ لِلنَّارِ حَتَّى تَغَيَّا».

۵۴ «صدای فریادی از بابل می‌آید! صدای شکستی عظیم از سرزمین کلدانیان به گوش می‌رسد! ۵۵ زیرا خداوند بابل را ویران می‌کند و آواز عظیمش را خاموش می‌گرداند. امواج ایشان همچون آبهای بسیار می‌خروشد، و صدای آوازشان به گوش می‌رسد، ۵۶ زیرا ویرانگری بدان برمی‌آید، یعنی به بابل؛ پهلوانانش گرفتار شده‌اند، و کمانهایشان شکسته است؛ زیرا یهوه خدایی است جزا دهنده، و بی‌گمان مکافات خواهد رسانید.» ۵۷ پادشاهی که نامش پروردگار لشکریانست می‌گوید: «من صاحبمنصبان و حکیمان بابل را مست خواهم ساخت، نیز والیان و سرداران و پهلوانانش را، تا به خواب ابدی فرو روند و دیگر برنخیزند.» ۵۸ پروردگار لشکریان چنین می‌فرماید: «دیوارهای ضخیم بابل با خاک یکسان خواهد شد، و دروازه‌های بلندش به آتش خواهد سوخت. قومها بیهوده محنت می‌کشند، و ملتها به جهت آتش خود را خسته می‌سازند.»

۵۹ أَلَا أَمْرُ الَّذِي أَوْصَى بِهِ إِرْمِيَا النَّبِيُّ سَرَايَا بْنَ نِيرِيَّا بْنِ مَحْسِيَّا، عِنْدَ ذَهَابِهِ مَعَ صِدْقِيَّا مَلِكِ يَهُودَا إِلَى بَابِلَ فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ لِمُلْكِهِ، وَكَانَ سَرَايَا رَئِيسَ الْمَحَلَّةِ، ۶۰ فَكَتَبَ إِرْمِيَا كُلَّ الشَّرِّ الَّتِي عَلَى بَابِلَ فِي سَفَرٍ وَاحِدٍ، كُلَّ هَذَا الْكَلَامِ الْمَكْتُوبِ عَلَى بَابِلَ، ۶۱ وَقَالَ إِرْمِيَا لِسَرَايَا: «إِذَا دَخَلْتَ إِلَى بَابِلَ وَتَطَرْتُ وَقَرَأْتَ كُلَّ هَذَا الْكَلَامِ، ۶۲ فَقُلْ: يَا رَبُّ قَدْ تَكَلَّمْتَ عَلَى هَذَا الْمَوْضِعِ لِتَقْرِضَهُ حَتَّى لَا يَكُونَ فِيهِ سَاكِنٌ مِنَ النَّاسِ إِلَى

الْبَهَائِمِ، بَلْ يَكُونُ خَيْرًا أَبَدِيَّةً. ٦٣ وَيَكُونُ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ قِرَاءَةِ هَذَا السِّفْرِ أَنَّكَ تَرْطُبُ بِهِ حَجَرًا وَتَطْرَحُهُ إِلَى وَسْطِ الْفُرَاتِ ٦٤ وَتَقُولُ: هَكَذَا تَغْرَقُ بَابِلُ وَلَا تَقُومُ، مِنَ الشَّرِّ الَّذِي أَنَا جَالِبُهُ عَلَيْهَا وَيَعْيُونَ». إِلَى هُنَا كَلَامُ إِرْمِيَا.

۵۹ این است کلامی که ارمیا نبی به سِرایا پسر نیریا، پسر محسیا، امر فرمود، آنگاه که سِرایا همراه صدقیا پادشاه یهودا، در چهارمین سال سلطنت وی، به بابل می‌رفت. سِرایا مسئول تدارکات بود. ۶۰ ارمیا شرح همهٔ بلایایی را که می‌بایست بر بابل بیاید بر طوماری بنوشت، یعنی تمامی کلامی را که دربارهٔ بابل مکتوب است. ۶۱ آنگاه ارمیا به سِرایا گفت: «چون به بابل رسیدی، حتماً همهٔ این سخنان را قرائت کن، ۶۲ و بگو: "خداوند، تو دربارهٔ این مکان فرموده‌ای که آن را نابود خواهی کرد، چندان که هیچ انسان یا حیوانی در آن ساکن نشود، و تا به ابد متروک ماند." ۶۳ پس از قرائت طومار، سنگی بر آن ببند و آن را به میان فُرات بیفکن، ۶۴ و بگو، "به همین گونه بابل نیز به سبب بلایی که بر آن نازل خواهم کرد، غرق خواهد شد و دیگر بر نخواهد خاست."» سخنان ارمیا تا بدین جاست.

سفر ارمیا: الأصحاح الثانی وَالْخَمْسُونَ * ۵۲:۱-۳۴

۱ كَانَ صِدْقِيَّا ابْنُ إِحْدَى وَعِشْرِينَ سَنَةً حِينَ مَلَكَ، وَمَلَكَ إِحْدَى عَشْرَةَ سَنَةً فِي أُورُشَلِيمَ، وَاسْمُ أُمِّهِ حَمِيطَلُ بِنْتُ إِرْمِيَا مِنْ لَبْنَةَ. ۲ وَعَمِلَ الشَّرَّ فِي عَيْنَي الرَّبِّ حَسَبَ كُلِّ مَا عَمِلَ يَهُوَيَاقِيمُ. ۳ لِأَنَّهُ لَأَجْلِ غَضَبِ الرَّبِّ عَلَى أُورُشَلِيمَ وَيَهُودًا حَتَّى طَرَحَهُمْ مِنْ أَمَامِ وَجْهِهِ، كَانَ أَنَّ صِدْقِيَّا تَمَرَّدَ عَلَى مَلِكِ بَابِلَ.

۱ صدقیا بیست و یک ساله بود که پادشاه شد، و یازده سال در اورشلیم سلطنت کرد. نام مادرش حموطل بود، دختر ارمیا، از مردان لبنه. ۲ صدقیا بر وفق تمامی آنچه یهوایقیم کرده بود، آنچه را که در نظر خداوند بد بود به جا آورد. ۳ زیرا خشم خداوند بر اورشلیم و یهودا به حدی رسید که آنها را از حضور خویش به دور افکند. و اما صدقیا بر پادشاه بابل شورید.

۴ وَفِي السَّنَةِ التَّاسِعَةِ لِمُلْكِهِ، فِي الشَّهْرِ الْعَاشِرِ، فِي عَاشِرِ الشَّهْرِ، جَاءَ نَبُوخَذْرَاصَرُ مَلِكُ بَابِلَ هُوَ وَكُلُّ جَيْشِهِ عَلَى أُورُشَلِيمَ وَتَزَلُّوا عَلَيْهَا وَبَنَوْا عَلَيْهَا أُبْرَاجًا حَوْلَئِهَا. ۵ فَدَخَلَتِ الْمَدِينَةُ فِي الْجِصَارِ إِلَى السَّنَةِ الْخَادِيَةِ عَشْرَةَ لِلْمَلِكِ صِدْقِيَّا. ۶ فِي الشَّهْرِ الرَّابِعِ، فِي تَاسِعِ الشَّهْرِ اشْتَدَّ الْجُوعُ فِي الْمَدِينَةِ، وَلَمْ يَكُنْ خُبْزٌ لِشَعْبِ الْأَرْضِ. ۷ فَتَغَرَّتِ الْمَدِينَةُ وَهَرَبَ كُلُّ رَجُلٍ الْقِتَالِ، وَخَرَجُوا مِنَ الْمَدِينَةِ لَيْلًا فِي طَرِيقِ الْبَابِ بَيْنَ السُّورَيْنِ اللَّذَيْنِ عِنْدَ جَنَةِ الْمَلِكِ، وَالْكَلْدَانِيُّونَ عِنْدَ الْمَدِينَةِ حَوْلَئِهَا، فَذَهَبُوا فِي طَرِيقِ الْبَرِّيَّةِ. ۸ فَتَبِعَتْ جُيُوشُ الْكَلْدَانِيِّينَ الْمَلِكِ، فَأَذْرَكُوا صِدْقِيَّا فِي بَرِّيَّةِ أَرِيخَا، وَتَفَرَّقَ كُلُّ جَيْشِهِ عَنْهُ. ۹ فَأَخَذُوا الْمَلِكَ وَأَصْعَدُوهُ إِلَى مَلِكِ بَابِلَ إِلَى رَبْلَةَ فِي أَرْضِ حَمَاةَ، فَكَلَّمَهُ بِالْقَضَاءِ عَلَيْهِ. ۱۰ فَقَتَلَ مَلِكُ بَابِلَ بَنِي صِدْقِيَّا أَمَامَ عَيْنَيْهِ، وَقَتَلَ أَيْضًا كُلَّ رُؤَسَاءِ

يَهُودًا فِي رِبْلَةٍ، ١١ وَأَعْمَى عَيْنَي صِدْقِيَا، وَقَيْدَهُ بِسِلْسِلَتَيْنِ مِنْ نُحَاسٍ، وَجَاءَ بِهِ مَلِكُ بَابِلَ إِلَى بَابِلَ، وَجَعَلَهُ فِي السِّجْنِ إِلَى يَوْمٍ وَقَاتِهِ.

۴ پس نبوکدنصر پادشاه بابل در نهمین سال سلطنت صدقیا، در روز دهم از ماه دهم، با تمامی لشکر خویش بر اورشلیم برآمد و در برابر آن اردو زده، سنگری دور تا دورش بنا کرد. ۵ شهر تا یازدهمین سال سلطنت صدقیای پادشاه همچنان در محاصره بود. ۶ و اما در روز نهم از ماه چهارم، قحطی در شهر چنان سخت شد که مردم دیگر چیزی برای خوردن نداشتند. ۷ پس در حالی که شهر در محاصره بابلیان بود، به شهر رخنه شد، و همه مردان جنگی شبانه از راه دروازه‌ای که در میان دو حصار شهر، نزدیک باغستان شاه بود، گریختند و از شهر خارج شده، به سوی عربّه رفتند. ۸ اما سپاه کلدانیان پادشاه را تعقیب کردند و در دشتهای اریحا به صدقیا رسیدند، و در حالی که همه لشکریانش از نزد او پراکنده شده بودند، ۹ پادشاه را گرفتار کرده، به ربّله در سرزمین حمات نزد پادشاه بابل آوردند، و او بر محکومیت وی حکم بداد. ۱۰ آنگاه پادشاه بابل پسران صدقیا را در برابر دیدگان او سلاخی کرد و همه صاحبمنصبان یهودا را نیز در ربّله از دم تیغ گذرانید. ۱۱ او چشمان صدقیا را از حدقه بیرون آورد، و او را به زنجیرها بسته، به بابل برد و تا روز مرگش در زندان نگاه داشت.

١٢ وَفِي الشَّهْرِ الْخَامِسِ، فِي عَاشِرِ الشَّهْرِ، وَهِيَ السَّنَةُ التَّاسِعَةُ عَشْرَةَ لِلْمَلِكِ نَبُوخَذْرَاصَر مَلِكِ بَابِلَ، جَاءَ نَبُوَزَادَانُ رَئِيسُ الشَّرْطِ، الَّذِي كَانَ يَقِفُ أَمَامَ مَلِكِ بَابِلَ إِلَى أُورُشَلِيمَ، ١٣ وَأَحْرَقَ بَيْتَ الرَّبِّ، وَبَيْتَ الْمَلِكِ، وَكُلَّ بَيْوتِ أُورُشَلِيمَ، وَكُلَّ بَيْوتِ الْعُظَمَاءِ، أَخْرَقَهَا بِالنَّارِ. ١٤ وَكُلَّ أَسْوَارِ أُورُشَلِيمَ مُسْتَدِيرًا هَدَمَهَا كُلُّ جَيْشِ الْكَلْدَانِيِّينَ الَّذِي مَعَ رَئِيسِ الشَّرْطِ. ١٥ وَسَبَى نَبُوَزَادَانُ، رَئِيسُ الشَّرْطِ، بَعْضًا مِنْ فَقَرَاءِ الشَّعْبِ، وَبَقِيَّةَ الشَّعْبِ الَّذِينَ بَقُوا فِي الْمَدِينَةِ، وَالْهَارِبِينَ الَّذِينَ سَقَطُوا إِلَى مَلِكِ بَابِلَ، وَبَقِيَّةَ الْجُمْهُورِ. ١٦ وَلَكِنْ نَبُوَزَادَانُ، رَئِيسُ الشَّرْطِ، أَبْقَى مِنْ مَسَاكِينِ الْأَرْضِ كَرَّامِينَ وَقَلَّاحِينَ. ١٧ وَكَسَّرَ الْكَلْدَانِيُّونَ أَعْمِدَةَ النُّحَاسِ الَّتِي لَبِيتِ الرَّبِّ، وَالْقَوَاعِدَ وَبَحَرَ النُّحَاسِ الَّذِي فِي بَيْتِ الرَّبِّ، وَحَمَلُوا كُلَّ نَحَاسِهَا إِلَى بَابِلَ. ١٨ وَأَخَذُوا الْقُدُورَ وَالرَّفُوشَ وَالْمَقَاصِ وَالْمَنَاصِيحَ وَالصُّحُونِ وَكُلَّ أُنْيَةِ النُّحَاسِ الَّتِي كَانُوا يَخْدُمُونَ بِهَا. ١٩ وَأَخَذَ رَئِيسُ الشَّرْطِ الطُّسُوسَ وَالْمَجَامِرَ وَالْمَنَاصِيحَ وَالْقُدُورَ وَالْمَنَائِرَ وَالصُّحُونِ وَالْأَقْدَاحَ، مَا كَانَ مِنْ ذَهَبٍ فَالذَّهَبَ، وَمَا كَانَ مِنْ فِضَّةٍ فَالْفِضَّةَ. ٢٠ وَالْعُمُودَيْنِ وَالْبَحَرَ الْوَاحِدَ، وَالْأَثْنَيْنِ عَشَرَ ثَوْرًا مِنْ نُحَاسٍ الَّتِي تَحْتَ الْقَوَاعِدِ، الَّتِي عَمِلَهَا الْمَلِكُ سُلَيْمَانُ لَبِيتِ الرَّبِّ. لَمْ يَكُنْ وَزْنُ لِنُحَاسٍ كُلِّ هَذِهِ الْأَدْوَاتِ. ٢١ أَمَّا الْعُمُودَانِ فَكَانَ طُولُ الْعُمُودِ الْوَاحِدِ ثَمَانِي عَشْرَةَ ذِرَاعًا، وَخِيطُ اثْنَتَا عَشْرَةَ ذِرَاعًا يُحِيطُ بِهِ، وَغِلْظُهُ أَرْبَعُ أَصَابِعَ، وَهُوَ أَجُوفٌ. ٢٢ وَعَلَيْهِ تَاجٌ مِنْ نُحَاسٍ، ارْتِفَاعُ التَّاجِ الْوَاحِدِ خَمْسُ أَذْرُعٍ. وَعَلَى التَّاجِ حَوَالِيهِ شَبَكَةٌ وَرَمَّانَاتُ، الْكُلُّ مِنْ نُحَاسٍ. وَمِثْلُ ذَلِكَ لِلْعُمُودِ الثَّانِي، وَالرَّمَّانَاتِ. ٢٣ وَكَانَتِ الرَّمَّانَاتُ سِتًّا وَتِسْعِينَ لِلْجَانِبِ. كُلُّ الرَّمَّانَاتِ مِئَةٌ عَلَى الشَّبَكَةِ حَوَالَيْهَا.

به آتش کشیده شدن معبد: ۱۲ و اما در روز دهم ماه پنجم از نوزدهمین سال سلطنت نبوکدنصر پادشاه، شاه بابل، نبوزرَدان فرمانده گارد سلطنتی، که به خدمت پادشاه بابل می ایستاد، به اورشلیم درآمد. ۱۳ او خانه خداوند، خانه پادشاه، و همه خانه های اورشلیم را به آتش کشید، و هر خانه بزرگ را سوزانید. ۱۴ همه لشکر کلدانیان نیز که همراه فرمانده گارد سلطنتی بودند، دیوارهای دور اورشلیم را به تمامی ویران کردند. ۱۵ آنگاه نبوزرَدان فرمانده گارد سلطنتی، برخی از فقیرترین قوم را با بقیه مردمی که در شهر باقی مانده بودند به اسیری برد، همراه با کسانی که به پادشاه بابل پیوسته بودند، و بقیه صنعتگران. ۱۶ اما نبوزرَدان فرمانده گارد سلطنتی، برخی از فقیرترین مردم را باقی گذاشت تا در تاکستانها و مزارع کار کنند. ۱۷ بابلیان ستونهای برنجین و پایه ها و دریاچه برنجین را که در خانه خداوند بود خرد کردند، و تمامی برنج آنها را به بابل بردند. ۱۸ نیز لگنها و خاک اندازها و گلگیرها و کاسه ها و ظروف و تمامی اسباب برنجین را که بدانها خدمت می کردند، با خود بردند. ۱۹ همچنین، رئیس گارد سلطنتی پیاله های کوچک و آتشدانها و کاسه ها و لگنها و چراغدانها و ظروف و کاسه هایی را که برای هدیه ریختنی به کار می رفت، یعنی هر چه را از طلا یا نقره بود، با خود برد. ۲۰ برنج دو ستون و یک دریاچه و دوازده گاو برنجین زیر دریاچه و پایه ها، که سلیمان پادشاه آنها را برای خانه خداوند ساخته بود، بی اندازه بود. ۲۱ در خصوص ستونها، بلندی هر یک هجده ذراع، پیرامون آن دوازده ذراع، و ضخامتش چهار انگشت بود. ستونها میان تهی بود. ۲۲ بر هر ستون، سرستونی برنجین به بلندی پنج ذراع قرار داشت که دور تا دور به شبکه و انارهایی برنجین مزین بود. ستون دوم نیز با انارهایش، به همین شکل بود. ۲۳ دور تا دور آن نود و شش انار بود، و شمار تمامی انارهایی که بر شبکه دور تا دور قرار داشت، یکصد بود.

۲۴ وَأَخَذَ رَئِيسُ الشَّرَطِ سَرَايَا الْكَاهِنِ الْأَوَّلَ، وَصَفَنِيَا الْكَاهِنِ الثَّانِي وَخَارِسِي الْبَابِ الثَّلَاثَةِ. ۲۵ وَأَخَذَ مِنَ الْمَدِينَةِ خَصِيًّا وَاحِدًا كَانَ وَكِيلاً عَلَى رِجَالِ الْحَرْبِ، وَسَبْعَةَ رِجَالٍ مِنَ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ وَجْهَ الْمَلِكِ، الَّذِينَ وَجِدُوا فِي الْمَدِينَةِ، وَكَاتَبَ رَئِيسُ الْجُنْدِ الَّذِي كَانَ يَجْمَعُ شَعْبَ الْأَرْضِ لِلتَّجَنُّدِ، وَسِتِّينَ رَجُلًا مِنْ شَعْبِ الْأَرْضِ، الَّذِينَ وَجِدُوا فِي وَسْطِ الْمَدِينَةِ. ۲۶ أَخَذَهُمْ نُبُورَادَانُ رَئِيسُ الشَّرَطِ، وَسَارَ بِهِمْ إِلَى مَلِكِ بَابِلَ، إِلَى رَبْلَةَ، ۲۷ فَصَرَبَهُمْ مَلِكُ بَابِلَ وَقَتَلَهُمْ فِي رَبْلَةَ فِي أَرْضِ حَمَاةَ. فَسَبَى يَهُودًا مِنْ أَرْضِهِ. ۲۸ هَذَا هُوَ الشَّعْبُ الَّذِي سَبَاهُ نَبُوخَذْرَاصَرُّ فِي السَّنَةِ السَّابِعَةِ: مِنَ الْيَهُودِ ثَلَاثَةُ آلَافٍ وَثَلَاثَةٌ وَعِشْرُونَ. ۲۹ وَفِي السَّنَةِ الثَّامِنَةِ عَشْرَةَ لِنَبُوخَذْرَاصَرِّ سَبَى مِنْ أُورُشَلِيمَ ثَمَانُ مِئَةٍ وَأَثْنَانِ وَثَلَاثُونَ نَفْسًا. ۳۰ فِي السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ وَالْعِشْرِينَ لِنَبُوخَذْرَاصَرِّ سَبَى نُبُورَادَانُ رَئِيسُ الشَّرَطِ مِنَ الْيَهُودِ سَبْعَ مِئَةٍ وَخَمْسًا وَأَرْبَعِينَ نَفْسًا. جُمْلَةُ النَّفُوسِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ وَسِتِّ مِئَةٍ.

تبعیدیان به بابل: ۲۴ رئیس گارد سلطنتی، سرایا کاهن اعظم و صفنیا کاهن دوم و سه دربان آستانه را گرفتار کرد. ۲۵ او همچنین از شهر، سرداری را که بر مردان جنگی گماشته شده بود و هفت تن از مشاوران پادشاه را که در شهر بودند و کاتب سردار لشکر را که مردم ولایت را بسیج می کرد، و شصت تن از اهالی ولایت را که در میان شهر یافت شدند، گرفتار کرد. ۲۶ نبوزردان رئیس گارد سلطنتی، ایشان را گرفته، به ربله نزد پادشاه بابل برد. ۲۷ پادشاه بابل نیز آنان را در ربله واقع در سرزمین حمات، زد و کشت. بدین ترتیب، مردمان یهودا از سرزمین خود به تبعید رفتند. ۲۸ شمار آنان که به دست نبوکدنصر به اسیری رفتند از این قرار است: در سال هفتم، سه هزار و بیست و سه تن از یهودا؛ ۲۹ در سال هجدهم نبوکدنصر، او هشتصد و سی و دو تن را از اورشلیم به اسیری برد؛ ۳۰ و در سال بیست و سوم نبوکدنصر، نبوزردان رئیس گارد سلطنتی هفتصد و چهل و پنج تن از مردم یهودا را به اسیری برد. بدین ترتیب شمار تمامی آنان، چهار هزار و ششصد بود.

۳۱ وَفِي السَّنَةِ السَّابِعَةِ وَالثَّلَاثِينَ لِسَبْيِ يَهُوْيَاكِينَ، فِي الشَّهْرِ الثَّانِي عَشَرَ، فِي الْخَامِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ، رَفَعَ أَوِيلُ مَرُودُخُ مَلِكُ بَابِلَ، فِي سَنَةِ تَمْلِكِهِ، رَأْسَ يَهُوْيَاكِينَ مَلِكِ يَهُوذَا، وَأَخْرَجَهُ مِنَ السِّجْنِ. ۳۲ وَكَلَّمَهُ بِخَيْرٍ، وَجَعَلَ كُرْسِيَّهُ فَوْقَ كُرَاسِي الْمُلُوكِ الَّذِينَ مَعَهُ فِي بَابِلَ. ۳۳ وَغَيَّرَ ثِيَابَ سِجْنِهِ، وَكَانَ يَأْكُلُ دَائِمًا الْخُبْزَ أَمَامَهُ كُلَّ أَيَّامِ حَيَاتِهِ. ۳۴ وَوُظِّفَتْهُ وَظِيفَةٌ دَائِمَةٌ تُعْطَى لَهُ مِنْ عِنْدِ مَلِكِ بَابِلَ، أَمَرَ كُلَّ يَوْمٍ بِيَوْمِهِ، إِلَى يَوْمٍ وَفَاتِهِ، كُلَّ أَيَّامِ حَيَاتِهِ.

رهایی یهویاکین از زندان: ۳۱ در بیست و پنجمین روز ماه دوازدهم از سی و هفتمین سال تبعید یهویاکین پادشاه یهودا، اوایل مردوک پادشاه بابل در نخستین سال سلطنت خود، یهویاکین پادشاه یهودا را سربلند ساخت و او را از زندان بیرون آورد، ۳۲ و با وی به نرمی سخن گفت و بدو جایگاهی رفیعتر از دیگر پادشاهانی بخشید که با وی در بابل بودند. ۳۳ پس یهویاکین جامه زندان از تن به در آورد، و در همه روزهای عمرش، همواره بر سفره پادشاه غذا می خورد، ۳۴ و پادشاه بابل در تمامی ایام زندگی یهویاکین، تا روز وفات او، مقرری روزانه برای مایحتاجش به وی می پرداخت.

پیوست کتاب: سؤال / ۴۳ متشابهاات : کلمه اسرائیل به چه معناست؟

سؤال / ۴۳ : کلمه اسرائیل به چه معناست؟ و آیا صهیونیست‌ها که امروزه در فلسطین وجود دارند خود بنی اسرائیل، یا بازماندگان آنها هستند؟ و آیا ستاره شش گوش صهیونیستی است؟ و ستاره شش گوش به چه چیزی دلالت دارد؟!
جواب :

اسرائیل به معنای عبد الله (بنده خدا) است. و در سرزمین مقدس بعضی یهودیان که از خاندان یعقوب نبی (ع) هستند، وجود دارند. و حضرت یعقوب نبی (ع) خود نیز نزد یهود اسرائیل و عبدالله است. و ستاره شش گوش نزد یهود همان ستاره حضرت داوود (ع) است. و به معنای منصور و پیروز شده می‌باشد و این علامت مصلح مورد انتظار آنهاست و او از نظر آنان حضرت ایلیاء (ع) است که به مدت بسیار طولانی قبل از بعثت حضرت عیسی (ع) از روی زمین به سوی خداوند خوانده شد و آنها منتظر بازگشتن او هستند و او امروز یکی از وزراء امام مهدی (ع) است.

آنچه تقدیم کردم مبتنی بر این است که اسرائیل یعنی: یعقوب (ع)، اما در واقع اسرائیل به معنای: عبدالله و حضرت محمد (ص) است و بنی اسرائیل: یعنی خاندان پیامبر اکرم و همچنین شیعیان آنها بلکه به طور عموم بر حسب ورود آن در قرآن شامل همه مسلمانان است.^{۲۴}

در تفسیر عیاشی و غیر آن آمده است: نقل از هارون ابن محمد گفته که از امام صادق (ع) سؤال نمودم در مورد فرموده خداوند ((یا بنی اسرائیل)) فرمود: **آنان ما هستیم به طور اخص.**^{۲۵}

نقل از محمد ابن علی که گفته: از امام صادق (ع) در مورد فرموده خداوند ((یا بنی اسرائیل)) سؤال نمودم فرمود: **این به طور خاص مربوط به آل محمد (ع) است.**^{۲۶}

و در سنن ابی داوود: از پیامبر (ص) وارد شده که فرموده: **من عبدالله و نامم احمد است و من عبدالله و نامم اسرائیل است پس هر چه به او دستور داده شده به من دستور داده شده است و هر چه به او مربوط است به من مربوط می‌شود.**^{۲۷}

پس بعضی از آیات در ائمه علیهم سلام به طور خاص آمده است و آنها در آن آیات بنی اسرائیل هستند و لا غیر. خداوند فرموده: **«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ * وَاتَّقُوا**

^{۲۴} ما تقدم بناءً على أن إسرائيل تعني: يعقوب، ولكن الحقيقة إن إسرائيل تعني: عبد الله، وتعني: محمداً (ص). وبنو إسرائيل هم: آل محمد (ع)، وأيضاً شيعتهم، بل والمسلمون عموماً بحسب ورودها في القرآن.

^{۲۵} تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۴: هم نحن خاصة

^{۲۶} تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۴: هي خاصة بآل محمد (ع).

^{۲۷} تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۴: أنا عبد الله اسمي أحمد، وأنا عبد الله اسمي إسرائيل، فما أمره فقد أمرني، وما عناه فقد عناني.

يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ (ای فرزندان اسرائیل نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم و این که شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید * و برسید از روزی که هیچ کس چیزی را از کسی دفع نتواند کرد و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود و نه او را میانجیگری سودمند افتد و نه یاری شوند).^{۲۸}

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»: یعنی ای آل محمد (ص) «ادْكُرُوا نِعْمَتِي»: یعنی یاد کنید نعمت ولایت و امامت و حکومت بر همه عوالم «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»: یعنی با معرفت خود (معرفت خداوند سبحانه و تعالی) و علم به نامهای او. و از معلوم حضرت محمد و آل محمد (ص) خود برترین جهانیان هستند و نه بنی یعقوب (ع) و نه غیر آنها بر محمد و آل محمد (ص) برتر نیستند.

«وَاتَّقُوا يَوْمًا»: و آن روز مرگ است، و تنها روزی که در آن شفاعتی در کار نیست، و کسی از آن نجات پیدا نمی کند مگر آن که فقط با بدن خود دوستی با دنیا برقرار کرده و قلبش متعلق به ملاء اعلی باشد و او به دنیا با ریسمانها و علائقی که نیاز به بریدن و قلع شدن دارند و آنچه باعث عذاب است مرتبط نیست. و نجات یافتگان از عذاب مرگ: مقربین هستند. خداوند فرموده: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ»؛ (و اما اگر [او] از مقربان باشد * [در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود]).^{۲۹} یعنی حالت مرگ او این چنین است. و سروران مقربین محمد و آل محمد (ص) هستند.

و بعضی از آیات در مورد بنی اسرائیل مخصوص شیعیان و علماء شیعه است. خداوند فرموده: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا»؛ (و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند برایشان آمد که آنچه را با آنان بود تصدیق می داشت گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند چنان که گویی [از آن هیچ] نمی دانند * و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند).^{۳۰}

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ»: یعنی فرستاده‌ای از جانب امام مهدی (ع) برایشان آمد. چرا که بعد از بعثت انسان کامل «كَلِمَتِكَ التَّامَّةُ وَكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ (کلمه کامل و کلماتی که بر جهانیان برتری یافت)، و آنها محمد و آل محمد (ص) هستند. رسالت از جانب خداوند منزّه و متعال به پایان

^{۲۸} البقرة: ۱۲۳-۱۲۲

^{۲۹} الواقعة: ۸۸-۸۹

^{۳۰} البقرة: ۱۰۲-۱۰۱

رسید و عهد جدیدی آغاز شد و آن رسالت از جانب محمد رسول و آل محمد (ع) است. پس آل محمد رسولانی از جانب حضرت محمد (ص) می‌باشند که علم خود را از او با وحی یا بواسطه فرشتگان یا از او (ص) به طور مستقیم می‌گیرند. پس حضرت محمد (ص): «الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل»؛ **(خاتم آنچه ماقبل اوست و فاتح بعد از خود)** می‌باشد. یعنی خاتم رسالت از جانب خداوند و آغاز کننده رسالت از خود (ص) و اهل بیت خود (ع) است. همچنین در نزد شیعه ثابت است که امام مهدی (ع) محمد بن الحسن صاحب نفس زکیه را پانزده روز روز قبل از قیام خود برای اهل مکه می‌فرستد و او را می‌کشند. پس اگر این ارسال درست باشد غیر آن هم درست است.

«مُصَدِّقُ لِمَا مَعَهُمْ»: یعنی از علمی که شیعه آن را از اهل بیت (ع) به ارث برده‌اند؛ به اینکه مهدی (ع) حق است و با شمشیر قیام می‌کند و اینکه قبل از او کسانی هستند که می‌آیند و برای او زمینه حکومتش را فراهم می‌سازند و فرزندانی دارد و بعد از او دوازده مهدی از فرزندان او هستند. و اینکه شیعیان بر اساس روایات اهل بیت (ع) بطور قطع یقین دارند که اگر زمین بدون امام معصوم بماند متلاشی خواهد شد. پس بعد از به شهادت رسیدن یا طبق اعتقاد بعضی از آنها بعد از مرگ امام مهدی (ع) اگر زمین بوسیله یکی از فرزندان از اوصیائش و ائمه مه‌دیین همان طور که در روایات آمده استقرار پیدا نکند، پس بوسیله چه کسی مستقر می‌ماند؟

در نماز روز جمعه که ابن طاووس (رحمه الله) درباره آن - و او از کسانی است که با امام مهدی (ع) ملاقات داشته بلکه از او (ع) در زمان غیبت کبری نقل می‌نمود - گفته: **(اگر تعقیب نماز عصر روز جمعه را به هر علت ترک کردی این نماز را هرگز ترک نکن به خاطر امری که خداوند ما را بر آن مطلع ساخته است)**. سپس نماز را یاد کرد که در آخر آن امام مهدی (ع) می‌فرماید: «وصل علی ولیک - آی الإمام المهدي (ع) - وولاية عهدك والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم، وزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم دينا ودنيا وأخرة انك علی كل شيء قدير»؛ **(و درود فرست بر ولی خودت - یعنی امام مهدی (ع) - و والیان عهدت و امامان از فرزندان او و عمر آنها را زیاد کن و بر مدت آنها را بیفزای و به نهایت آرزوهایشان در دین و دنیا و آخرت، برسان زیرا که تو بر همه چیز توانایی)**.^{۳۱}

در روایت آمده مهدی به همراه خانواده‌اش به مسجد سهله می‌آید. و آمده که یازده مهدی از فرزندان او بعد از او می‌آیند. روایات بسیارند و درصدد نقل آنها نیستم. ولیکن بعضی از آنها را برای اتمام حجت بر معاندین متکبر بر خداوند و اولیائش بیان کرده‌ام. پس هر که خواهان حق است برود و کتب حدیث را خود مطالعه نماید.

«نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند چنان که گویی [از آن هیچ] نمی دانند). و آنها بعضی از علماء شیعه و اتباع آنها به طور خاص هستند، و کتابی که پشت سرافکندند: قرآن کریم و امام مهدی (ع) و روایات نقل شده از اهل بیت عصمت و طهارت و زمینه سازان امام مهدی (ع) و ارسال او از جانب آنها و تکذیب حق آن زمان که به سوی شان آمد، است. و گفتند که او ساحر یا دیوانه است یا جنون دارد گویی نمی دانند که همانا او حق است از جانب امام مهدی (ع).

«وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ»؛ یعنی بعضی از علماء شیعه از سنت های پیشینیان و اتهاماتی که به پیامبران و فرستادگان می زدند پیروی نمودند و خواهند گفت که این از جانب جن (شیاطین) است، و ملک سلیمان یعنی حکومت امام مهدی (ع).

«وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا»؛ و چون امام مهدی (ع) امام جنّ و انس است پس او رسولش را برای جنّ و انس می فرستد و همان طور که از انسان ها کسانی هستند که ایمان می آورند و بعضی دیگر کفر می ورزند و عده ای منافق می شوند، کسانی نیز هستند که ایمان می آورند سپس مرتد می شوند و... برای جنیان نیز چنین است و هر چه بر انس جاری می شود بر جنّ نیز جاری می گردد. همچنین امر امام مهدی (ع) بسیار بزرگ است، بگونه ای که نهایت ابلیس ملعون و شیاطین انس و جنّ را تمثیل می کند، پس چگونه ممکن است که مورد تعرض شیاطین جنّ و خدعه ها و حيله ها و القاءات آنها در قضیه امام مهدی (ع) که حاکی از نهایت باطل آنها خواهد بود قرار نگیرد؟!

و بعضی از آیات در مورد بنی اسرائیل مخصوص مسلمانانی است که به محمد و آل محمد (ع) ظلم کردند. خداوند متعال می فرماید: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوهًا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا»؛ (ما به بنی اسرائیل (در کُتب) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. * پس آنگاه که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضدّ شما برانگیزیم تا میان خانه هایتان (برای قتل و غارت شما) به جستجو در آیند و این وعده ای است قطعی!).^{۳۲}

«وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... وَلَتَعْلُنَّ عُلُوهًا كَبِيرًا»؛ فساد اول: به قتل رساندن فاطمه و امام علی (ع) است. و فساد دوم: به قتل رساندن حسن و حسین (ع) است. و سرکشی بسیار بزرگ: آن است که حرمت حسین (ع) را، هتک نمودند و به جسم پاک او بی احترامی کردند و سرش را بر نیزه برافراشتند و او نفر پنجم از

آل کسا (ع) و برترین خلق خداوند بعد از محمد و علی و فاطمه و حسن (ع) است. و بندگان فرستاده شده در وعده نخستین، مختار و سربازان او هستند که خداوند آنها را بر قاتلان حسین (ع) مسلط کرد پس آنها را کشتند. «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا»؛ (و چون وعده دوم فرا رسید، کسانی بر سرتان فرستادیم تا شما را غمگین سازند و چون بار اول که به مسجد درآمده بودند به مسجد درآیند و به هر چه دست یابند نابود سازند).^{۳۳} اینان اصحاب قائم (ع) و انصارش هستند که خداوند به آنها تمکین خواهد داد تا این که شرق و غرب زمین را با آقایشان محمد بن الحسن المهدی (ع) تصرف کنند، و خداوند با آنها هر کافر و منافق و مرتدی را ذلیل خواهد نمود.

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُم»؛ (امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند).^{۳۴} یعنی: ای مسلمانان امید است که پروردگارتان شما را با پیروی از قائم (ع) و یاری دادن او و اعتراف به اینکه او امام و اطاعتش واجب است و مشایعت او و اولیانش و دشمنی با دشمنانش لازم است، رحمت کند.

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»؛ (قطعاً این قرآن به [آیینی] که پایدارتر است راه می‌نماید).^{۳۵} یعنی: این آیه‌هایی که ذکر آنها گذشت (از سوره اسراء) شما را به آنچه پایدار است راه می‌نماید یعنی به راه مستقیم امام مهدی (ع) راهنمایی میکند.

«وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ (و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند بشارت می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود).^{۳۶} یعنی بشارت به ایمان آورندگان به قائم (ع) آنان که برای قیام او اعمالی را انجام می‌دهند. پس تمهید (زمینه‌سازی) برای قیام قائم (ع) خود از اعمال صالح و نماز و از برترین اعمال است.

«وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (و برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند عذابی دردناک آماده کرده‌ایم).^{۳۷} آخرت: امام مهدی (ع)، و زمینه‌سازان ظهور ایشان (ع)، و ملکوت آسمانها و زمین، و رؤیای صالحه مؤمن، و فطرتی که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، می‌باشد. و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کافرن هستند حتی اگر ادعای مسلمانی کنند.

^{۳۳} اسراء: ۷.

^{۳۴} اسراء: ۸.

^{۳۵} اسراء: ۹.

^{۳۶} اسراء: ۹.

^{۳۷} اسراء: ۱۰.

اما ستاره شش گوش (النجمۃ السداسیة): از جمله میراث پیامبران است، که حضرت قائم محمد بن الحسن المهدی (ع) آن را به ارث برده است. و این ستاره نمادی برای او (علیه صلوات ربی) است، و معنی آن: پیروز شده یا منصور می‌باشد. یهود صهیونیست این ستاره را سرقت نموده و آن را نمادی برای انتظار مصلح جهانی موعود خود قرار دادند، و آن مصلح در نزد آنان همان طور که قبلاً تقدیم کردم ایلیای نبی (ع) است. و کسی که به این ستاره توهین کند و آن را لعنت نماید؛ مانند کسی است که کلمه (الله اکبر) را که صدام ملعون آن را بر پرچم عراق قرار داد، توهین و لعنت می‌کند. و از کسانی خواهد بود که میراث انبیاء (ع) را لعنت می‌کند. پس این ستاره، ستاره مهدی (ع) است. و از اهل بیت (ع) روایت شده: «إِنَّ رَايَةَ الْحَقِّ إِذَا ظَهَرَتْ لَعْنَهَا أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ»؛ (آنگاه که پرچم حق ظاهر شود اهل مشرق و مغرب آن را لعنت می‌کنند).^{۳۸} پس از آن پرهیزید ای مومنان چرا که لعنت اگر جایگاهی برای خود نیابد همان طور که از رسول خدا (ص) روایت شده به سوی صاحب آن برمی‌گردد. و داوود (ع) داوود ما، و سلیمان (ع) سلیمان ماست. و هیکل، هیکل ما مسلمانان است نه هیکل یهود صهیونیست قاتلان پیامبران، سرزمین مقدس، سرزمین ماست و حتماً باید آن را آزاد کرده و فتح نماییم و پرچم (لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله) را بر آن برافراشته کنیم. «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (در حقیقت نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که از او پیروی کرده‌اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند و خداوند سرور مؤمنان است).^{۳۹}

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

^{۳۸} بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۳.

^{۳۹} آل عمران: ۶۸.



گردآوری و تنظیم:

صادق شکاری

رجب ۱۴۴۱ ه.ق

<http://sadeghshekari.com>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

[دانلود کتاب اشعیا نبی \(ع\)](#)

[دانلود کتاب دانیال نبی \(ع\)](#)

[دانلود کتاب مقدس: تورات و انجیل \(عهد قدیم و جدید\)](#)

[دانلود کتاب رویا یوحنا اللاهوتی \(علائم آخر الزمان در مکاشفات یوحنا\)](#)

[ادله دعوت امام احمد الحسن برای مسیحیان](#)

[کتاب سیزدهمین حواری](#)

[کتاب وصی در تورات، انجیل و قرآن](#)

[کتاب نامه هدایت](#)